

# فرهنگ ادبیات فارسی

تألیف  
دکتر زهرای خانلری، کیا،



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران  
۶۰۰

با مساعدت مالی سازمان برنامه  
دو هزار نسخه در تابستان ۱۳۴۸ در چاپخانه زر  
چاپ شد

بیادس آرمان

پسرک غریزینا کاکم که وجود مادر مواره چون  
گور سرد و خاموش آرامگاه دی خواهد بود

هلاکتش بر آهونان و نینو

یا چنانکه در آینه تصویر است



## مقدمه

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همه کسانی را که با ادبیات فارسی سر و کار دارند، راهنمایی باشد و هر کس بتواند برای رفع مشکلی یا رد شبهه‌ای در هر مورد به آن مراجعه کند و از آن به‌عنوان مددی برای حافظه بهره ور گردد.

در ادبیات فارسی خاصه در شعر غالباً به نکته‌هایی برمی‌خوریم که اشاره به واقعه‌ای تاریخی یا داستانی است و شاعر از آن واقعه با اشاره به شخص یا داستان به تمثیل و استعاره یاد کرده است و دریافتن لطف شعر و غرض شاعر جز با دانستن آن داستان و شناختن آن اشخاص میسر نیست. گذشته از این در شعر فارسی همیشه به علوم مختلف از نجوم و منطق و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و درک مفهوم شعر محتاج آشنائی با این اصطلاحات و اشارات است.

موضوع کتابهای مهم علمی و ادبی فارسی از تاریخ و فلسفه و شعر و عرفان و هیئت و نجوم و ریاضی و هندسه و رشته‌های مختلف ادبیات نیز

غالباً مورد اشکال است و نام مؤلف و تاریخ تألیف و مطالب کتابها در خاطرها نمی ماند و بیشتر کسان برای رفع شبهه در این نکسات محتاج اند که به مأخذی رجوع کنند .

این کتاب برای رفع این گونه نیازمندیها تألیف شده است تا هر خواننده ای به آسانی بتواند موضوع اشکال یا ابهام را در آن بیابد و به مختصرترین عبارتی از نکته مقصود مطلع شود .

مطالبی که در این کتاب جمع آوری شده از قرار ذیل است :

۱ - ترجمه حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی یا عربی آثار برجسته ای دارند .

۲ - نام بزرگان تاریخی که به طریقی در نظم و نثر ادبیات فارسی به آنان و سوانح زندگیشان اشاره شده است .

۳ - نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی که در ادبیات فارسی مورد تمثیل و استعاره و اشاره واقع شده اند .

۴ - نام و احوال پیغمبران و بزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که در ادبیات فارسی به آنان اشاره شده است .

۵ - نام و عنوان و موضوع کتابهای مهمی که دانشمندان و ادیبان ایرانی به زبان فارسی یا عربی تألیف کرده اند بازکر آخرین و متداول ترین چاپ آنها .

۶ - اصطلاحات مهم علم هیئت و نجوم که در شعر فارسی آمده است .

۷ - اصطلاحات معروف منطق که در شعر فارسی به آنها

بر می خوریم .

۸ - نکته های اصلی و مهم علم عروض .

۹ - اصطلاحات و تعاریفات علم قافیه .

۱۰ - اصطلاحات و تعاریفات مهم علم بیان و صنایع بدیع .

\*\*\*

شك نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی می‌توان تألیف کرد که شامل چندین جلد باشد و نگارنده خود زمینه چنین تألیفی را فراهم آورده است و امیدوار است که توفیق بیابد و آنرا بزودی به پایان برساند، اما آن تألیف هدف و غرض دیگری دارد و مؤلف در این کتاب بیشتر جنبه آموزشی را در نظر گرفته است تا جنبه تحقیقی. یعنی نخواست است کتابی بسازد که مورد مراجعه محققان باشد، بلکه بیشتر قصد آن بوده است که از اطلاعات و معلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورد احتیاج و استفاده علاقه‌مندان به شعر و ادب و تاریخ ادبیات ایران است و خاصه دانش آموزان و دبیران و دانشجویان را به کار می‌آید، در اینجا فراهم بیاورد و این نکات را به شیوه‌ای مرتب کند که در هر مورد یافتن آنها با مراجعه به این کتاب هر چه آسانتر انجام بگیرد و به این سبب چه در مواد مندرج در کتاب و چه در توضیح و بیان هر ماده تا توانست به اختصار کوشید و گمان می‌کند که برای منظوری که در پیش داشته است از این مقدار تجاوز بسیار جایز نیست .

با این حال در چاپ دوم تجدید نظر به عمل آمده و مقداری بر لغتها افزوده و حتی الامکان از غلطها کاسته شده است باز ممکن است نقصها و خطاهائی راه یافته باشد که مؤلف امیدوار است با یادآوری خوانندگان دانشمند و مطالعاتی که خود به عمل خواهد آورد در چاپهای آینده برطرف شود .

برای هر نوع مطلب و هر يك از رشته‌های علمی و ادبی در برابر هر ماده علامتی اختصاری قرار گرفته که خوانندگان فهرست آنها را در صفحهٔ جداگانه ملاحظه خواهند کرد .

حروف راهنما در بالای صفحه‌ها بر حسب حروف اول آخرین ماده در صفحه تنظیم شده است .

زهرای خانلری (کیا)

تیرماه ۱۳۴۸



## نشانه‌های اختصاری

بزرگان علم و ادب	ت
کتاب	ک
اشخاص تاریخی شاهنامه	ش-ت
اشخاص داستانی شاهنامه	ش-د
اشخاص داستانی و آنچه به ایشان مربوط است	د
تاریخ انبیاء	تن
علم بدیع و بیان	ب
علم عروض	ع
علم قافیه	ق
منطق	ط
هیئت و نجوم	نج
فوت	ف
امکنه	م





آبِ نِج (نِج) از ماههای رومی. «رجوع شود به ماههای رومی.»  
آبِءِ عَلَوِی (نِج) کنایه از هفت کو کب که به عقیدهٔ قدما در سرنوشت  
انسان تأثیر دارند.

به من نامشققند آباء علوی      چو عیسی زان ابا کردم ز آبا  
«خاقانی»  
آبِ حِیَات (نن) آبی که خضر در طلب آن به ظلمات رفت و از آن نوشید  
و عمر جاودان یافت.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند  
و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند  
«حافظ»

آبِ حِیَوَان (نن) «رجوع شود به آب حیات.»  
آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ‌پی کجاست  
گل بگشت از رنگ خود باد بهاران را چه شد  
«حافظ»

آبِ خِضَر (نن) «رجوع شود به آب حیات.»  
من در این زندان آهن مانده‌باز      ز آرزوی آب خضرم درگداز  
«عطار»

آب زنده‌گی (تن) «رجوع شود به آب حیات.»

معنی آب زندگی و روضه ارم

جز طرف جو یبار و می خوشگوار چیست

«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل الله

افروخته شد، ولی به امر خدا آتش بر ابراهیم گلستان شد.

یارب این آتش که بر جان من است

سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

«حافظ»

آتش طُور (تن) آتشی که بر کوه طور بر موسی ظاهر شد و آن تجلی نور

الهی بود و کوه از آن پاره پاره گشت.

مددی گر به چراغی نکند آتش طور

چاره تیره شب وادی این چه کنم

«حافظ»

آتشده آذر (ك) از تذکره‌های معروف. تألیف لطفعلی بیك آذر بیگدلی

متخلص به «آذر»؛ که در سال ۱۱۷۴ تألیف یافته است. در این

تذکره، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخر قرن دوازدهم هجری

و نمونه‌ای از اشعارشان ضبط شده است. چنانکه خود مؤلف

می‌گوید شاعران را بر حسب بلادشان تقسیم کرده است، بدون

رعایت سبقت زمان و تقدیم مرتبه. این ترتیب بر حسب حرف اول

نام شهر و حرف اول تخلص شاعر است. آتشکده شامل دو مجمره

است: مجمره اول در ذکر احوال و اشعار شاعران متقدم است؛ مشتمل

بر يك شعله در ذکر احوال و اشعار شاهزادگان و شاهان و امیران

هر دیار از ترك و تاجیک؛ و سه اخگر در ذکر شاعران ایران و توران و هند؛ و هر اخگر شامل چند شراره است؛ شامل اسم ولایتها؛ و يك فروغ در احوال زنان هر ولایت. معجمهٔ دوم در بیان حالات شاعران معاصر مؤلف، مشتمل بر دو پرتو: پرتو اول در ذکر افکار شاعران معاصر، و پرتو دوم در ذکر اشعار و احوال مؤلف کتاب. آتشکدهٔ بُرزین (م) یا آذر بُرزین مِهْرِیکِی از سه آتشکدهٔ بزرگ زرتشتیان در دورهٔ ساسانی که در خراسان واقع بود و آتشکدهٔ خاص کشاورزان و برزیگران بوده است.

گردستان ز فروغ لاله گوئی آتشکدهٔ برزین است

«ابوالفرج رونی»

آتش وادی اِیْمَن (تن) نوری که در وادی ایمن بر موسی ظاهر شد و خطاب آمد: انی انا الله.

زاتش وادی ایمن نه منم خرم و بس

موسی اینجا به امید قیسی می آید

«حافظ»

آمارُ الباقیه عن القرون الخالیة [ ... ] (ک) تألیف دانشمند بزرگ

ایرانی، ابوریحان بیرونی، که آن را در سال ۳۹۱ هجری به نام قابوس بن وشمگیر نگاشته است. کتاب به زبان عربی است و موضوع آن تواریخ مختلف ملل و اعیاد آنهاست. مؤلف مبدأ تواریخ ملل و ادیان مختلف را شرح می دهد؛ و از اختلاف سنوت، ایجاد شب و روز، ایام کیسه، در نزد ملل مختلف گفتگو می کند؛ و از پیغمبران تا زمان بنی اسرائیل و ملک آشور و بابل جدولهایی ترتیب داده است.

تاریخ ایران را به قتل یزدجرد بن شهریار و زوال آل ساسان ختم می کند. پس از آن به شاهان بعد از اسلام می پردازد .

ابوریحان در شرح مباحث مختلف از منابع استفاده اش نام می برد. همه جا از حمزه اصفهانی، طبری، ابن خردادبه، و از منجمان بزرگ مانند ابو معشر بلخی مطالبی نقل می کند. ابوریحان در ضبط اخبار حقیقی دقت بسیار مبذول می دارد و در جائی که به چند قول مختلف بر می خورد، آنها را با هم مقابله کرده موثق ترین آنها را انتخاب می کند. در هیچ تاریخی نمی توان اعیاد و روزها و عقاید ملل را مبسوط تر از این کتاب یافت .

آثار الوزرا (ك) تألیف سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی که آن را به نام قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۵ تألیف کرده است .

آثار الوزرا چنانکه از نامش بر می آید درباره آثار و اخبار و احوال و زراست و چنانکه مؤلف خود گفته است شامل دو مقاله است : مقاله اول دارای دوازده باب است در ذکر آثار و اخبار وزرای هر سلسله تا وزرای امیر تیمور گورکان و اولاد ایشان . مقاله دوم دارای چهار باب است در ذکر اوضاع و احوال و آثار قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان حسین بایقرا .

آدم [اجوا البشر] (تن) انسان نخستین، که خداوند او را از خاک آفرید و بر طبق آیات قرآن، پس از چهل روز، روح به کالبد او دمیده شد. همه ملائک به فرمان خدا آدم را سجده کردند جز ابلیس. خدای تعالی آدم را در بهشت جای داد و حوا را از پهلوی چپ او آفرید؛ و

ایشان را از خوردن گندم، و به روایت توراۀ از خوردن سیب، منع کرد. ابلیس به کمک مار به بهشت رفت و آدم و حوا را فریفت تا گندم خورند. حق تعالی برایشان خشم گرفت و درخت طوبی را فرمود تا شاخه‌های خود را به هم آورد و آدم و حوا را برگرفت و از بهشت بیرون انداخت. آدم به هندوستان بر کوه سران‌دیب فرود آمد و صد سال در آنجا طاعت کرد و گریست تا توبۀ او قبول شد.

من ملك بودم و فردوس برین جایم بود

آدم آورد در این دیر خراب آبادم

«حافظ»

آذر بیکدلی (ت) [ ف: ۱۱۹۵ ] لطفعلی بیگ، از شاعران قرن دوازدهم هجری در اصفهان متولد شد و مقارن فتنۀ افغان با خانوادۀ خود به قم هجرت کرد و چهارده سال در آنجا اقامت جست. پس از پایان تحصیلات به شیراز و مکه سفر کرد و در بازگشت به خراسان رفت و هنگامی که قشون نادر از هند برگشت، آذر بیکدلی با سپاه او به مازندران رفت و سپس به اصفهان بازگشت. پس از قتل نادر در خدمت علیشاه و ابراهیم شاه و شاه سلیمان دوم و شاه اسمعیل سوم بسر برد و پس از آن عزلت اختیار کرد و به سرودن شعر پرداخت و فنون شعر را نزد سیدعلی مشتاق اصفهانی آموخت و در قصیده و غزل از متقدمان پیروی کرد. از آثار او مثنوی: یوسف و زلیخاست، دیگر تذکرۀ آتشکده که از تذکره‌های معروف فارسی است.

آذر گشسب (م) آتشگاهی بوده است در شهر شیز آذربایجان که در

دورهٔ ساسانیان عبادتگاه خاص شاهان و سپهبدان بوده است .

همیدون گله هر چه داری ز اسب

ببر سوی گنجسور آذرگشسب

«فردوسی»

آرش کمانگیر (ش-د) نام پهلوان ایرانی که برطبق روایات باستانی در

لشکر منوچهر بود و برای تعیین مرز ایران و توران ، تیری از آمل

یا ساری انداخت که در کنار «جیحون» فرود آمد .

اگر خوانند آرش را کمانگیر

که از ساری به مرو انداخت يك تیر

تو اندازی به جان من ز گوراب

همی هر ساعتی صد تیر پرتاب

«از ویس و رامین»

آزاد (ت) [ ف : ۱۲۰۰ ] میر غلامعلی متخلص به آزاد از

تذکره نویسان هندوستان است . در قصبهٔ بلگرام متولد شد و چند

سفر به دهلی و لاهور و الله آباد رفت و درحین سفر با حزین شاعر

و واله ملاقات کرد . سفری نیز به مکه کرد . سرانجام در اورنگ

آباد دکن گوشهٔ انزوا اختیار کرد . آزاد به زبان عربی و فارسی

شعر می گفت . اشعار فارسی او به هشت هزار بیت بالغ می شود .

از آثار معروف فارسی او : تذکرهٔ بدیضا ، سرو آزاد و خزانهٔ عامره

است .

آزر (تن) پدر ابراهیم پیغمبر ، که پیشهٔ بت تراشی داشت .

بود با تو هدر و سواس شیطان

چنان چون با پسر تعلیم آزر

«انوری»



آزری (تن) منسوب به آزر بت تراش پدر ابراهیم خلیل .

دگر به روی کسم دیده بر نمی‌باشد

خلیل من همه بتهای آزری بشکست

«سعدی»

آغاچی (ت) ابوالحسن علی بن الیاس آغاچی بخارائی از امیران معروف دربار سامانی و معاصر نوح بن منصور پادشاه سامانی (۳۶۶-۳۸۷) و دقیقی شاعر است . آغاچی در شعر فارسی و عربی دست داشته است . از آثارش تنها بعضی ابیات و قطعات پراکنده باقی‌است . آفتاب (نج) در اصطلاح نجومی گاهی خورشید را «آفتاب» می‌خوانند . آفتاب در فلک چهارم قرار گرفته است .

آملی (ت) [ ف : ۷۵۳ ] علامه شمس‌الدین محمد بن محمود آملی از عالمان قرن هشتم هجری که در زمان الجایتو، سلطان محمد خدا بنده، مدرس سلطانیه بوده و با قاضی عضدالدین ایچی مناظره داشته‌است . علامه آملی شیعی مذهب بود و سفری به بیت‌الحرام کرد و گویا پس از مرگ سلطان ابوسعید در هرج و مرجی که رخ داد از سلطانیه به شیراز مهاجرت کرد و در همانجا وفات یافت .

از آثار معروف او کتاب نفایس الفنون است که گویا در اواخر عمر تألیف کرده و به نام ابواسحق اینجو ساخته‌است . دیگر از آثار او: شرح کلیات قانون ابوعلی سینا و شرح کلیات کتاب طب سیدشرف‌الدین ایلاقی و شرح مختصر الاصول ابن‌حاجب و تهذیب الاصول علامه حلی . علامه آملی در فنون و علوم مختلف استاد بود .

آهوی آتشین (نج) کنایه از خورشید است .

آهوی آتشین را چون بره در برافتند

کافور خشک گردد با مشک تر برابر

آئین اکبری (ک) جلد آخر کتاب اکبرنامه است که شیخ ابوالفضل دکنی متخلص به علامی به امر اکبرشاه در اواخر قرن دهم تألیف کرده و شامل عجایبی از عادات و رسوم هندوان و همچنین مجموعه‌ای از قوانین و یاسای هند است.

آئینه اسکندر (ش-د) یا آئینه سکندر . آئینه‌ای بود که بر بالای منار اسکندریه، که از بناهای اسکندر برکنار دریای روم بود، نصب شده اوضاع فرنگ و کشتیها را از صد میل نشان می‌داد . شبی بر اثر غفلت پاسبانان فرنگیان آن را در آب انداختند و اسکندریه را برهم زدند .

در شعر فارسی گاهی آئینه سکندر مترادف با جام جم آمده

است :

آئینه سکندر جام می است بنگر

تا برتو عرضه دارد احوال ملک دارا

«حافظ»

آئینه اسکندری (ک) از جمله پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که آن را در سال ۶۹۹ به تقلید اسکندرنامه نظامی ساخته است .

آبجد - «رجوع شود به حساب ابجد.»

ابراهیم (تن) ابراهیم خلیل الله ؛ از پیغمبران و پسر آزر بت تراش بود . ابراهیم نمرود و مردم را از بت پرستی باز می‌داشت و به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد ، ولی نمرود دعوت او را نپذیرفت و

سرانجام به راهنمایی ابلیس دستور داد که ابراهیم را گرفتند و در آتش انداختند. به فرمان خدای تعالی آتش سرد شد و گلستان گشت و ابراهیم نجات یافت. ابراهیم خانه کعبه را ساخت و حجر الاسود به فرمان خدا در آن خانه گذاشته شد و از آن بی‌عده حج فرض شد. ابراهیم از هاجر کنیز خود پسری یافت به نام اسمعیل، و چون نذر کرده بود که اگر پسری یابد قربان کند، به هنگام چهار سالگی اسمعیل، از خداوند فرمان رسید که باید به عهدش وفا کند. ابراهیم و اسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند، اما به فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تا بجای اسمعیل قربان شود. از آن پس قربانی کردن در کعبه فرض شد.

بمان ز آتش غوغای حادثات مصون

چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم

«انوری»

کلکش از بهر شرف تسلیم تیغ آمد بلی

مرتبت بفرود اسماعیل را تسلیم او

«خاقانی»

ابراهیم موصلی (ت) [ف: ۱۸۸] ابواسحق ابراهیم بن ماهان معروف به ندیم موصلی (که بعدها خود او نام پدرش را به میمون بدل کرده است) از خاندانهای محترم ارجان فارس بود. پدر ابراهیم به کوفه مهاجرت کرد. ابراهیم در کوفه متولد شد و پس از آن به موصل رفت و در آنجا اقامت گزید و به موصلی شهرت یافت. علم و فن موسیقی را در موصل و سپس در ری نزد جوانویه نام زردشتی آموخت و دختر او شاهک را به ازدواج خود در آورد. وی در دربار هارون الرشید،

خليفة عباسی ، مقامی عالی داشت و از پیشوایان و واضعان موسیقی اسلامی به شمار می‌رود.

ابلیس (تن) از ملائک مقرب که چون از امر خدا سرپیچید و آدم را مانند دیگران سجده نکرد ، از درگاه خدا رانده شد و پس از آن آدم و حوا را فریب داد و به خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن ایشان از بهشت گردید .

گفته بدستگال چون ابلیس      دور کردم از آن چوخلد جناب

«مسعود سعد»

ابن اکمیر (ت) [ ف : ۶۳۰ ] ابوالحسن عزالدین علی بن ابی الکرم محمد الجزری از مورخان بزرگ که دوران جوانی را در موصل و بغداد و شام به تحصیل فنون و ادب گذراند و پس از آن در موصل انزوا اختیار کرد . ابن اثیر معاصر با استیلای مغول بود و وقایع زمان قراختائیان و خوارزمشاهیان را تا اواخر ایام سلطان جلال الدین مینکبهرنی ضبط کرده است ، از آثار معروف او کتاب کامل التواریخ است .

ابن اسفندیار کاتب (ت) بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب از کاتبان مشهور ایرانی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم . روزگار جوانی را در خدمت ملوک آل باوند گذرانده است . مدتی در بغداد بود ، پس از آن به ری آمد ، در مدت توقف درری به کتاب امام ابوالحسن یزدادی دانشمند مشهور برخورد و آنرا از عربی به پارسی ترجمه کرد و مبنای تاریخ طبرستان قرار داد . پس از آن به آمل و از آنجا به خوارزم رفت و چندسال در آنجا بسر

برد و یکی از ترجمه‌های این مقفیع را دید که از نامهٔ تنسر به گشنسب شاه بود و آن را به فارسی ترجمه کرد. ابن اسفندیار تاریخ طبرستان را در سال ۶۱۳ تألیف کرد و از این سال بی‌بعد اطلاعی از او در دست نیست.

ابن بابویه (ت) [ ف : ۳۸۱ ] شیخ ابو جعفر محمد بن علی قمی معروف به شیخ صدوق از فقیهان بزرگ شیعه و محدثان معروف که دارای تألیفات بسیار می‌باشد. وی به قوت حافظه معروف و در نقل احادیث مورد اعتماد بوده است. از تألیفات مشهور او کتاب من لایحضره الفقیه است که مرجع علمای شیعه است. مقبرهٔ ابن بابویه در شهری واقع است.

ابن بطوطه (ت) [ ف : ۷۷۹ ] ابو عبدالله محمد بن عبدالله از عالمان مشهور جغرافیا. وی در طنجه متولد شد، اما بیشتر عمر را به سفر گذراند و از مصر و شام و فلسطین و مکه و سوریه و آسیای صغیر و ایران و افغانستان و هندوستان و هندوچین دیدن کرد و در سال ۷۵۴ به مراکش بازگشت و سفرنامهٔ خود را به نام تحفة النظار و غرایب الامصار یا رحلة ابن بطوطه به اتمام رساند. این کتاب به نام سفرنامهٔ ابن بطوطه به وسیلهٔ محمد علی موحد به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۳۷ شمسی از طرف بنگاه نشر کتاب به چاپ رسیده است.

ابن البلخی (ت) صاحب کتاب فارسنامه. در زمان سلطنت محمد بن ملک‌شاه سلجوقی در خدمت رکن الدوله خمار تکین، والی پارس، به شغل استیفامشغول شد و به کسب اطلاع از تواریخ شاهان همت گماشت،

کتابهای بسیار مطالعه کرد و مدارك قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب فارسنامه را در تاریخ و جغرافیای فارس تألیف کرد و به نام سلطان محمد ساخت .

ابن حسام (ت) [ف : ۸۷۵] مولانا محمد بن حسام الدین خوشفی قهستانی از شاعران قرن نهم . قصایدی در منقبت خاندان پیغمبر دارد اثر معروف او حماسهٔ دینی خاورنامه یا خاوران نامه است که موضوع آن داستانی است در شرح احوال و سفرها و حمله‌های حضرت علی بن ابیطالب به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با قبادشاه خاورزمین . شاعر این منظومه را در سال ۸۳۰ به پایان رسانیده است .

ابن خرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد از جغرافیا نویسان مشهور اسلامی و کتاب مشهورش المسالك والممالك است که در حدود سال ۲۳۲ هجری تألیف یافته است . این کتاب مورد استفادهٔ جغرافیایانویسان پس از او قرار گرفته است .

ابن خلدون (ت) [ف : ۸۰۸] ولی الدین عبدالرحمن بن محمد بن خلدون . ابن خلدون در سال ۷۳۲ هـ در تونس متولد شد و منسوب به یکی از خاندانهای بزرگ اندلس است . وی علوم متداول زمان و فنون ادب را نزد دانشمندان زمان خود فرا گرفت و در بیست سالگی به سمت دبیری سلطان تونس منصوب گشت . پس از چندی به شهر فاس رفت و مدت هشت سال در آن شهر اقامت گزید و بردانش خود افزود و در عین آنکه زندگی سیاسی داشت از زندگی ادبی و معنوی غافل نماند . پس از انقلابهایی که در عصر او بوجود

آمد، از زندگی سیاسی کناره‌گیری کرد و دوباره به تونس بازگشت و در پنجاه سالگی به مکه رفت و در بازگشت به مصر رسید و تا پایان زندگی در آنجا اقامت کرد و به مشاغل تدریس و قضاوت و استادی پرداخت. اثر معروف ابن خلدون تاریخی است به نام کتاب العبر و دیوان المبتداء والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر. مقدمه این کتاب که در فضیلت علم تاریخ است امروز به نام مقدمه ابن خلدون معروف است. «رجوع شود به مقدمه ابن خلدون»

ابن خلکان (ت) [ ف : ۶۸۱ ] شمس‌الدین ابوالعباس از بزرگان و علمای مشهور که نسبش به خاندان برامکه می‌رسد و در شهر اربل متولد شده است. ابن خلکان سفرهایی به حلب و دمشق کرد و در دمشق اقامت نمود و نایب قاضی القضاة شد، سپس به مصر رفت. بار دیگر با سمت متولی قضا به شام بازگشت. ابن خلکان اشعاری لطیف دارد و اثر معروف و گرانبهای او به نام وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان بسیار مشهور و از بزرگترین کتابهای معرفی رجال است. «رجوع شود به وفيات الاعیان»

ابن سیرین (ت) ابوبکر محمد بن سیرین از معبران معروف اوایل اسلام وی در تعبیر خواب استادی داشت و از آثار او کتاب: تعبیر الرؤیا و کتاب الجوامع است.

خواب نویسن بداندیش تو خوش چندان است

کس این سیرین قضا دم نزند در تأویل

ابن سینا (ت) « رجوع شود به ابوعلی سینا » .

ابن طیب (ت) [ ف : ۴۳۵ ] ابوالفرج عبدالله بن الطیب الجائلیق از

حکیمان مشهور قرن پنجم و معاصر ابوعلی سینا . وی از اطبای بیمارستان عضدی بغداد بود و بر کتابهای ارسطو و جالینوس شروحنی نوشته است ، از کتابهای او : تفسیر مقولات ارسطاطالیس و چند رساله در مباحث کلام مسیحیان است . آثار او همه به زبان عربی است .

ابن عربشاه (ت) [ ف : ۸۵۴ ] ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالله .

ابن عربشاه با خانواده خود به امر امیر تیمور در سال ۸۰۳ از دمشق به سمرقند کوچ کرد . در سمرقند نزد میر سید شریف جرجانی به کسب علم پرداخت و کتاب مرزبان نامه سعدالدین و راوینی را از فارسی به عربی ترجمه کرد . پس از آن به ولایت خوارزم و استرخان و ادرنه سفر کرد . مدتی منشی سلطان محمد اول پادشاه عثمانی گشت ، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت و سرانجام در شهر قاهره ساکن شد .

از آثار او کتابی است به نام : عجایب المقدور فی نوائب تیمور

در تاریخ امیر تیمور . دیگر از تألیفات او فاکهة الخلفاست به زبان عربی در حکم و آداب و پند و اندرز به سبک کليلة و دمنه و شامل ده باب است .

ابن عمید (ت) [ ف : ۳۶۰ ] ابوالفضل محمد بن حسین قمی از وزیران

و ادیبان معروف آل بویه . پدرش دبیر ماکان کاکی بود که پس از کشته شدن ماکان به اسارت افتاد و بعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد . ابن عمید بعد از پدر به وزارت رکن الدولة دیلمی



رسید و تا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند . وی در علم نجوم و فلسفه و بلاغت استاد بوده و در نوشته‌هایش معانی دقیق و صنایع لفظی را با هم جمع کرده است . از آثار او کتاب: دیوان‌الرسائل و مذهب فی البلاغات ذکر شده است .

ابن فارس (ت) [ ف : ۳۹۰ ] ابوالحسین احمد بن فارس الرازی از فضلان و عالمان بزرگ لغت و استاد بدیع‌الزمان همدانی . از آثار معروف او کتاب: المجمل‌اللغة در لغت و کتاب الصاحبی که آنرا به نام صاحب بن عباد تألیف کرده است . این کتاب شامل بحث‌هایی در زبان عربی و اختلاف لهجه‌های عرب است .

ابن فقیه همدانی (ت) ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم همدانی ، از محدثان و جغرافیا دانان مشهور قرن سوم . از معروفترین آثار او کتاب البلدان است در جغرافیا که آنرا به سال ۲۹۰ به زبان عربی تألیف کرده است .

ابن‌فندق (ت) رجوع شود به بیهقی ابوالحسن .

ابن قتیبه (ت) [ ف : ۲۷۰ ] ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه الکوفی الدینوری از دانشمندان بزرگ قرن سوم که خود او در کوفه متولد شده و پدرش در مرو . علت انتساب او به دینور اقامت او در این شهر و داشتن سمت قضا در آنجاست . ابن قتیبه در علوم ادبی و تاریخی شهرت بسیار داشته است و از مهمترین آثارش کتاب : ادب‌الکاتب و کتاب المعارف و عیون‌الانخبار و عیون‌الشعر و کتاب الشعر و الشعرا است . ابن قتیبه در علوم حدیث و قرآن و کلام هم آثاری دارد .

ابن مسکویه (ت) «رجوع شود به ابوعلی مسکویه» .

ابن مقفع (ت) [ف: ۱۴۲] روزبه پسر دادویه معروف به عبدالله بن مقفع. روزبه معروف به عبدالله بن مقفع از دانشمندان مشهور ایرانی که در بصره تربیت شد. چندی کاتب داوود بن یوسف از حکام بنی امیه بود و پس از انقراض دولت اموی به خدمت عیسی بن علی رسید و به دست او اسلام آورد و به عبدالله موسوم شد و در سال ۱۴۲ به دست سفیان بن معاویه، عامل بنی عباس، در بصره کشته شد.

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان پهلوی و عربی آشنائی کامل داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرده است. از کتابهای مشهوری که او به عربی ترجمه کرده است: کلیله و دمنه، خداینامه، سیر الملوك یا سیرة ملوك الفرس، آئین نامه، گاهنامه، کتاب مزدك، کتاب التاج در سیرت انوشیروان است. از آثار مهم ابن مقفع کتاب ادب الكبير و ادب الصغیر را نیز نام باید برد.

ابن ندیم (ت) [ف: ۳۸۵] ابوالقراج محمد بن اسحق الندیم از دانشمندان معروف زبان عربی و ستاره شناس العزیز بالله خلیفه فاطمی. ابن ندیم احاطه کاملی بر کتابهای مختلف داشته است. از آثار او کتاب الفهرست است که درباره جمیع علوم اسلامی و علماء و کتب مشهور تا اواخر قرن چهارم هجری نوشته شده و مورد استفاده دانشمندان دیگر قرار گرفته است.

ابن هندو (ت) [ ف : ۴۲۰ ] ابوالفرج علی بن حسین بن هندو . از حکیمان معروف قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . بعضی او را اهل ری و بعضی اهل طبرستان می دانند . ابن هندو مدتی را در بغداد گذراند و بعد به گرگان رفت و چندی در خدمت شمس المعالی قابوس و شمگیر و پسرش فلك المعالی بسربرد و پس از آن به نیشابور رفت . از آثار او کتاب : مفتاح الطب ، الکلم الروحانیه ، الرسالة المشوقة فی المدخل الی علم الفلسفه ؛ و کتاب النفس است .

ابن یامین (تن) برادر یوسف که با وی از يك مادر بود و پس از او نزد یعقوب از همه برادران عزیزتر بود و بر طبق روایات ، هنگامی که یوسف عزیز مصر شد و برادران یوسف برای خرید غله به مصر آمدند ، یوسف دستور داد که رطل طلا را در انبان ابن یامین بگذارند تا به این بهانه او را نزد خود نگهدارد و در نتیجه یعقوب را به مصر بکشاند .

چو یوسف نیست کز قحطم رهاند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

ابن یمین فریدومدی (ت) [ ف : ۷۶۹ ] امیر محمود بن امیر یمین الدوله طغرائی . از شاعران قرن هشتم هجری که در فریومد خراسان متولد شده است . پدرش شاعر بود و در خدمت خواجه علاء الدین محمد که از طرف سلطان ابوسعید بهادر در خراسان مستوفی بود ، شغل دیوانی داشت . ابن یمین هم مدتی به این شغل مشغول بود . وی در

اوایل، خواجه علاءالدین و بعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد و با علاءالدین محمد به گرگان رفت و طغایتمور حکمران‌گرجان را مدح گفت و به خراسان و هرات رفت و به مدح امرای سربداران و آل‌کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعر آن است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملک معزالدین حسین کورت واقع شد، به اسارت افتاد و دیوان شعر او به غارت رفت و بسار دیگر آن را گرد کرد .

ابن‌یمین مذهب شیعه و ذوق عرفانی داشته و بر اثر تجربه‌های گوناگون قطعه‌های سودمند اخلاقی و اجتماعی ساخته است . مجموع اشعارش به پانزده هزار بیت می‌رسد . بیشتر شهرت او در قطعات اخلاقی است . ( دیوان ابن‌یمین - چاپ تهران - ۱۳۱۸ شمسی ) .

الایبینه عن حقایق الادویه (ک) کتابی به زبان فارسی در خاصیت دواها. تألیف ابو منصور موفق‌الدین بن علی الهروی که در آن نام ۵۸۵ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخه منحصراً این کتاب در کتابخانه وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را در سال ۴۴۷ به اتسام رسانده است و این نسخه قدیمترین نمونه خط فارسی است و به سال ۱۳۴۴ شمسی در سلسله عکس نسخه‌های خطی «بنیاد فرهنگ ایران» در تهران انتشار یافته است .

اجواب الجنان (ک) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الدین

محمد واعظ قزوینی . متوفی ۱۰۸۹ که در دوره صفویان تألیف یافته است (چاپ تهران) .

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ احمد ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری. قسمت عمده عمر خود را در شیراز گذراند و مورد لطف اسکندر بن عمر شیخ میرزا نواده امیر تیمور قرار گرفت . حرفه ابواسحق حلاجی و از مریدان شاه نعمه الله ولی بوده است . ابواسحق شاعر اطعمه و اغذیه است . دیوانش شامل مقدمه‌ای است به نثر و قصاید و غزلیات و رباعیات و مثنوی و ترجیعات که همه را به تقلید و استقبال شاعرانی مانند ظهیر، خواجه، حافظ ، عراقی ، عبید ، سعدی و دیگران سروده است . همچنین رساله‌ای از نظم و نثر آمیخته به نام «ماجرای برنج و بغرا» و «داستان مزعفر و بغرا» دارد .

اشعار ابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه و متروک طبایخی است از نظر لغت مهم است . دیگر رساله منظومی دارد به اسم «کنز الاشتها» که شامل ۱۰۸ بیت است. (دیوان بسحق اطعمه - چاپ اسلامبول و تهران) .

ابوالبشر (تن) «رجوع شود به آدم»

ابوجعفر محمد بن جریر طبری (ت) «رجوع شود به طبری»

ابوحاتم سجستانی (ت) [ ف : ۲۵۵ ] سهل بن محمد بن عثمان بن یزید سیستانی . از عالمان نحو و لغت در بصره اقامت داشت و از شاگردان اخفش نحوی بود ؛ وی آثار بسیار در علوم قرآن و صرف

و نحو دارد . از جمله : کتاب فی النحو ، کتاب الوصایا ، کتاب القراءات ، کتاب الفصاحة است .

ابوحفص سغدی (ت) ابوحفص حکیم بن احوص سغدی سمرقندی . ابوحفص را برخی اولین شاعر فارسی گوی دانسته اند . وی از موسیقی دانهای اوائل قرن چهارم است و شهرود از اختراعات اوست . شعری که به وی نسبت می دهند این است :

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا

چو ندارد یار بی یار چگونه رودا

ابوحنیفه اسکافی (ت) از شاعران قرن پنجم . بیهقی در اواخر سلطنت فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و او را جوانی فاضل و فقیهی دانشمند خوانده است . ابوحنیفه اسکافی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی می زیست . بعضی از اشعار او در تاریخ بیهقی و لباب الالباب عوفی نقل شده است .

ابوحنیفه دینوری (ت) [ ف : ۲۸۱ ] ابوحنیفه احمد بن داود بن و نند دینوری . از دانشمندان بزرگ قرن سوم هجری . وی در شهر دینور متولد شد و در جوانی به شعر پرداخت و تحصیلات خود را در مدارس بصره و کوفه انجام داده و زبان عربی را بخوبی آموخت . پس از آن در سال ۲۳۹ هـ به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل علم نجوم پرداخت و در ادب و هندسه و حساب و نجوم استاد گشت . ابوحنیفه در مسائل مختلف تألیفاتی به زبان عربی دارد که

مهمترین آنها کتاب اخبار الطوال در تاریخ و کتاب النبات در علم گیاه‌شناسی و کتاب الشعروالشعراء و کتاب الوصایا و کتاب البلدان یا کتاب‌الکبیرست .

ابوحیان قوحیدی (ت) [ف : ۴۰۰] علی بن محمد بن العباس . از معتزله و فیلسوف و نویسنده مشهور ایران در قرن چهارم . ابوحیان مدتی در خدمت ابن عمید و صاحب بن عباد بسربرده و با ابوعلی مسکویه نویسنده بزرگ رابطه داشته‌است . ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و در نثر روان عربی استادی داشت . چنانکه او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند از آثار معروف او کتاب المقابسات است که آراء فلاسفه بزرگ آن عهد را در باب مسائل مختلف و بحث‌های فلسفی ذکر کرده‌است . دیگر : کتاب الامتاع و الموآنسه و کتاب الهوامل والشوامل و کتاب مثالب الوزیرین است که در آن دو وزیر معروف یعنی صاحب بن عباد و ابن عمید را ذم کرده است .

ابوریحان بیرونی (ت) «رجوع شود به بیرونی»

ابوزید بلخی (ت) [ف : ۳۲۲] ابوزید احمد بن سهل بلخی . از نویسندگان و فیلسوفان بزرگ ایرانی که در فلسفه و کلام و تفسیر استاد بوده‌است . وی تألیفات بسیار دارد از جمله کتابهای معروف او حدود الفلسفه و کتاب اقسام العلوم و کتاب اخلاق الامم و کتاب صور الاقالیم است در جغرافیا . اخیراً ترجمه قسمتی از این کتاب به فارسی به دست آمده است که چند نقشه جغرافیائی نیز دارد .

ابوسعید اجدی الخیر (ت) [ف: ۴۴۰] فضل الدین ابی الخیر محمد بن احمد میهنی، از عارفان بزرگ و محدثان معروف قرن پنجم. در قریه مهنه یا میهنه از قراء خاوران خراسان متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در علوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به خدمت شیخ ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی رسید و بعد در نیشابور به خدمت عبدالرحمن سلمی نائل شد. ابوسعید در عرفان به مقام ارشاد رسید و میان مردم نفوذ بسیاری بدست آورد. در مجالس و عظمی که ترتیب می داد، اشعار فارسی می خواند؛ و می توان گفت که وی اولین سخنگوئی است که افکار عارفانه را با شعر بیان کرده است. در تفسیر و حدیث و فقه و ادبیات نیز اطلاع کامل داشت. دوتن از نوادگان شیخ درباره او کتابهایی نوشته اند. یکی محمد بن منور که کتاب «اسرار التوحید فی مقامات شیخنا ابوسعید» را در شرح حال او تألیف کرده و دیگر کمال الدین محمد که در کتاب «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر» شرح حال و گفتار او را بیان کرده است.

ابوسلیک گرجانی (ت) از شاعران قرن سوم و معاصر عمرولیت صفاری. منوچهری او را در شمار استادان بزرگ خوانده است. ابیاتی از او در تذکره‌ها ضبط است.

ابوسلیمان جناکتی (ت) «رجوع شود به بناکتی»

ابوشرف ناصح گلپایگانی (ت) ابوشرف ناصح بن ظفر بن سعد المنشی الجرفادقانی. از شاعران و دبیران فاضل قرن ششم و هفتم است که



در نظم و نثر عربی و فارسی استاد بود. وی به وصایت ابوالقاسم علی بن حسن وزیر جمال‌الدین الخباربیک ای‌ابه به ترجمه تاریخ یمینی تألیف ابونصر عتبی پرداخت و آن را به سال ۶۰۳ پیاپی داد و خاتمه سودمندی بر آن افزود.

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن چهارم هجری که در دربار نوح بن نصر سامانی می‌زیسته است. اولین شاعری است که مثنوی ساخت، منظومه‌ای به ابوشکور نسبت داده‌اند به نام «آفرین‌نامه» که در حدود سال ۳۳۶ سروده شده و ابیات متفرقی از آن باقی است. ابوطاهر خاتونی (ت) [ف: ۵۳۲هـ] علت شهرت او به خاتونی آن است که وی متصدی امور و مستوفی گوهرخاتون زوجه محمد بن ملک‌شاه بوده است. ابوطاهر از فاضلان و اعیان دولت سلجوقیان بوده و در شاعری و نویسندگی فصاحت و ظرافت داشته است. از آثار او «مناقب الشعرا» بوده است که اکنون در دست نیست ولی دولت‌شاه از آن نام برده است. دیگر «تاریخ آل سلجوق» که آن هم موجود نیست. ابوطیب مصعبی (ت) ابوطیب محمد بن حاتم‌المصعبی. از کاتبان نصر بن احمد که گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت و مطابق نقل ثعالبی در «یتیمه‌الدهر» به فرمان آن پادشاه کشته شد. ابوطیب از شاعران زبردست در زبان فارسی و عربی بود.

ابوالعباس مروزی (ت) «رجوع شود به عباس مروزی».

ابوالعباس ربنجینی (ت) «رجوع شود به ربنجینی».

ابوعبدالله قاتلی (ت) ابوعبدالله ابراهیم بن حسین قاتلی از دانشمندان

و ریاضی‌دانان قرن چهارم هجری و استاد ابوعلی سینا در علم منطق و هندسه و مجسطی، از آثار او رساله‌ای در وجود و رساله‌ای در کیمیاست.

ابوالعتاهیه (ت) [ف: ۲۱۱] اسمعیل بن قاسم از ایرانیانی که به عربی شعر سروده‌اند. این شاعر در ادبیات عرب مقام مهمی دارد و در مدح و غزل استاد بوده زهدیات او مشهور است.

ابوالعلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم. وی کتابی در عروض به پارسی نوشته که از قدیمترین کتابها در علوم ادبی پارسی است. اشعاری از او در ترجمان‌البلاغه و حدائق‌السحر به‌عنوان شاهد آورده شده است.

ابوالعلاء گنجوی (ت) نظام‌الدین. از شاعران قرن ششم معاصر و مداح خاقان اکبر جلال‌الدین اخستان منوچهر و استاد خاقانی و فلکی شروانی. وی دختر خود را به خاقانی داد و او را نزد خاقان اکبر برد. سرانجام میان ابوالعلاء و خاقانی نقاری پیش آمد و یکدیگر را هجو کردند. اشعاری از وی در تذکره دولتشاه و مجمع‌الفصحاح آمده است.

ابوالعلاء معری (ت) [وفات ۴۴۹هـ] احمد بن عبدالله. از شاعران و ادیبان و لغویون مشهور عرب در قرن پنجم هجری. وی در کودکی بر اثر بیماری آبله نابینا شد و از قوه حافظه او حکایت‌های عجیب نقل کرده‌اند. ابوالعلاء در معره علم نحو و لغت را نزد پدر آموخت، سپس به بغداد رفت و علم حدیث را در آنجا فراگرفت و پس از مدتی اقامت در بغداد به معره بازگشت و به تألیف کتاب پرداخت.

ابوالعلاء مدت چهل و پنج سال از خوردن گوشت ابا کرد  
و از حکمایی پیروی می نمود که از آزار و ذبح حیوان پرهیز  
می کردند. ابوالعلاء در معره وفات کرد و وصیت نمود تا این  
شعر را بر سنگ قبر او حک کنند.

هذا جناة ابي علي                      و ما جنيت علي احد

یعنی این جنایت پدر من است و من این جنایت را درباره  
کسی مرتکب نشده‌ام. ابوالعلاء آثار فراوان دارد. از جمله: دیوان  
شعر و کتاب لزوم مالایزم و کتاب الفصول والغایات، کتاب امالی،  
رسالة الغفران، رسالة العروض و کتاب مقال النظم.

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی محمد بن احمد البلیخی. از نویسندگان نیمه  
دوم قرن چهارم و از قدیمترین کسانی است که به نوشتن شاهنامه  
منثور پرداختند و بنا به گفته ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه،  
شاهنامه اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و بیشتر مستند به روایات  
کتبی بوده است تا شفاهی.

ابوعلی بلعمی (ت) «رجوع شود به بلعمی»

ابوعلی سینا (ت) [ف: ۴۲۸] شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا.  
ابوعلی سینا پزشک و فیلسوف و نویسنده ایرانی که مقام وزارت  
داشت و از بزرگترین حکیمان و عالمان جهان بشمار می آید.  
پدرش اهل بلخ بود. ابوعلی ابتدا در بخارا پرورش یافت و در  
ده سالگی قرآن و بسیاری از علوم ادب را آموخت و منطق و  
اقلیدس و المجسطی را نزد ابوعبدالله الناطلی که از رجال مشهور  
قرن چهارم بود، آموخت. پس از آن به مطالعه علم الهی و طبیعی

و طب و ریاضی پرداخت و در ۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد و بر اثر معالجه نوح بن منصور شاه سامانی ، به دربار سامانیان راه یافت و چون کار سامانیان بر اثر غلبه آل افراسیاب آشفته شد ، به گرگانج پایتخت امراء مأمونیه خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی بن مأمون محمد رسید و نزد او تقرب یافت . پس از گرگان به ری و همدان رفت و در حدود نه سال در همدان ماند و بر اثر معالجه مرض قولنج شمس الدوله دیلمی ، پسر فخرالدوله دیلمی ، به دربار او راه یافت و پس از چندی به مقام وزارت رسید . بعد از شمس الدوله در زمان پسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدوله کاکویه به زندان افتاد . پس از رهائی از زندان به اصفهان رفت و به خدمت علاءالدوله کاکویه درآمد و همه جا در سفر و حضر و حتی درسفرهای جنگی با او بود ، تا در سال ۴۲۸ که با علاءالدوله به همدان رفت ، در آنجا درگذشت و همانجا مدفون گردید .

ابوعلی سینا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می توانست باشغل وزارت و کارهای سیاسی و رنج سفر ، پیوسته به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف پردازد . ابوعالی در علوم حکمت و فلسفه و طب و ریاضی استادی داشت و در همه رشته ها تألیفات فراوان از او در دست است .

آثار ابوعالی سینا بسیار متعدد است و در حدود ۲۴۰ کتاب و رساله از او نام می برند که بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است . از معروفترین آثار ابوعالی سینا : کتاب شفا ،

قانون ، اشارات ، نجات ، دانشنامهٔ علائی است .

شیخ علاوه بر مقام شامخی که در علوم مختلف داشت ، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است . از جملهٔ رسالات ادبی او کتاب: اسباب حدوث الحروف یا مخارج الحروف است (ترجمهٔ به فارسی از پرویز خانلری استاد دانشگاه چاپ تهران-سال ۱۳۴۷ در سلسلهٔ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران).

اشعار فارسی که به ابن سینا منسوب است بیست و دو قطعه می‌باشد که در تذکره‌ها ضبط است . اشعار عربی او بیش از فارسی است و قصاید معروفی دارد از قبیل قصیدهٔ عینیه و قصیدهٔ شکواییه و جز اینها .

ابوعلی مروزی (ت) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم . ابوعلی مروزی مداح علاءالدین اسکندر ثانی محمد بن علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۷-۶۱۷) بوده است . عوفی دو قصیده از او در باب‌الالباب آورده . رباعیاتی هم به نام او ثبت است .

ابوعلی مسکویه (ت) [ف: ۴۲۱] ابوعلی الخازن احمد بن محمد بن یعقوب معروف به ابن مسکویه . ابوعلی مسکویه از نویسندگان بزرگ و از مورخان مشهور اسلامی است . وی در خدمت عضدالدوله دیلمی می‌زیست و چندی خازن کتابخانهٔ ابن العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت .

ابوعلی به طب و فلسفه و کیمیا بسیار علاقه داشت و

آثار فراوانی در این علوم از او باقی است. از جمله : الطهارة فی علم الاخلاق ، کتاب فی جواب المسائل الثلث ، آداب العرب والفرس ، جاویدان خرد ، و از مهمترین آثارش : تجارب الامم در تاریخ است .

ابوالفتح بُستی (ت) [ ف : میان ۴۰۱ و ۴۰۳ ] نظام الدین عمید ابو الفتح علی بن محمد. ابو الفتح از شاعران عهد غزنوی و اواخر قرن چهارم ، مدتی در بست سمت دبیری بایتوز ، امیر بست را داشت . چون ناصرالدین سبکتکین بر بسایتوز غلبه کرد ابو الفتح را به دبیری خود خواند و ابو الفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در ابتدای سلطنت محمود نیز در شغل خود باقی ماند ، سپس مغضوب سلطان قرار گرفت و از دربار او رفت . ابو الفتح در شعر و نثر عربی استاد بود و دو دیوان پارسی و تازی به او نسبت داده اند که در دست نیست . بعضی از اشعار فارسی او در لباب الالباب و مجمع الفصحاء نقل شده است .

ابوالفتوح رازی (ت) [ ف : در حدود ۵۵۲ ] جمال الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی از عالمان بزرگ شیعه و از مفسران مشهور . وی از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی است که از بزرگان صحابه حضرت رسول (ص) بوده است . اجداد ابو الفتح در ایران سکونت اختیار کردند و ایرانی شدند و عده ای از آنان در نیشابور و عده ای در ری اقامت کردند . ابو الفتح در ری به وعظ اشتغال داشت و همانجا وفات کرد .

از آثار معروف او : روح الجنان است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است . دیگر شرح الشهاب و رساله حسینیه است در مسئله امامت .

ابوالفداء (ت) [ ف : ۷۷۴ ] اسمعیل بن علی بن محمود ملقب به الملك المؤید و الملك الصالح صاحب حماة از امیران فاضل که در دمشق متولد شد و پس از کسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت الملك الناصر پیوست و به امارت حماة رسید و به لقب الملك المؤید و الملك الصالح ملقب گشت .

ابوالفداء در فقه و طب و حکمت و هیئت ، خاصه در تاریخ و جغرافیا استادی داشت . از آثار معروف او در جغرافیا کتاب : تقویم البلدان و در تاریخ : المختصر فی اخبار البشر و در فقه : کتاب الحاوی است .

ابوالفرج اصفهانی (ت) [ ف : ۳۵۶ ] ابوالفرج علی بن الحسین الاصفهانی . از ادیبان بزرگ عرب در قرن چهارم و معاصر آل بویه . از آثار معروفش کتاب الاغانی است که مورد توجه صاحب بن عباد و عضدالدوله دیلمی قرار گرفت . این کتاب اطلاعات دقیق و سودمندی درباره شاعران عربی زبان و موسیقی دانان و اشعاری که به الحان موسیقی خوانده می شده و همچنین داستانها و روایاتی درباره رجال و امیران آن روزگار در بر دارد .

ابوالفرج رونی (ت) ابوالفرج بن مسعود رونی . از شاعران دوره دوم غزنوی که در دربار سلطان ابراهیم بن مسعود (۴۵۱ - ۴۹۲) و

پسرش مسعود بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸) بسر می‌برده و ایشان را مدح کرده است. با مسعود سعد دوستی داشته و یکدیگر را در شعر ستوده‌اند. ابوالفرج در شعر شیوه نوئی پدید آورد و سبک دوره اول غزنوی را کنار گذاشت. قصایدش با تغزل شروع نمی‌شود و جز در چند مورد از ابتدا به مدح ممدوح می‌پردازد. در اشعارش لغات عربی و افکار علمی و استعارات و تشبیهات فراوان دیده می‌شود و به اوزان دشوار و ردیفهای دشوار می‌پردازد. سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد، خاصه انوری قرار گرفته است. (دیوان ابوالفرج رونی - چاپ تهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) « رجوع شود به بیهقی »

ابوالفضل دکنی (ت) [ف: ۱۰۱۳] شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارک و برادر شیخ فیضی دکنی. پدرش اهل یمن بود و حدود در سال ۹۵۸ در دکن متولد شد نزد پدر علم آموخت. ابتدا سمت منشی‌گری و سپس سمت وزارت و پیشکاری اکبر شاه [۹۶۳-۱۰۱۴] را یافت.

شیخ ابوالفضل با آنکه در اصل عرب بود و در هند زاده شده بود، به اصلاح زبان فارسی علاقه بسیاری داشت و بسیار کوشید که نثر فارسی را از لغات عربی منزه کند و لغات دری بجای آنها بگذارد. ازین رو سبک نثر را تغییر داد و نامه‌هایی را که از دربار دهلی به اطراف می‌فرستاد به سبک تازه می‌نوشت، یعنی



در آنها لغات عربی بسیار کم و گاهی سراسر ، لغات فارسی خالص به کار می‌برد . شیخ ابوالفضل در سیاست و کشورداری نیز دست داشت و کتاب اکبرنامه در تاریخ شاهی اکبر شاه و خانواده او و آیین اکبری ، در روش حکومت اکبر شاه از آثار اوست. دیگر از آثار او تلخیص و تهذیبی از کلیله و دمنه است به نام بهار دانش. ابوالتمیم طبری (ت) از شاعران ابتدای عهد غزنوی. از حال او اطلاعی در دست نیست . ایباتی از او در لباب‌الالباب و مجمع‌الفصحاء و ترجمان‌البلاغه ضبط است .

ابوالمعالی رازی (ت) [ ف : ۵۴۱ ] از شاعران معروف قرن ششم و دوره سلجوقی . قصائدی در مدح ابوالفتح مظفر دارد که وزارت بر کیارق و سنجر را داشت و به دست باطنیان به قتل رسید . در لباب‌الالباب و مونس‌الاحرار اشعاری از او باقی است . وی مذهب شیعه داشت و حضرت علی و آل او را مدح کرده است .

ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی (ت) [ ف : نیمه دوم قرن ششم ] از منشیان دربار غزنوی. ابوالمعالی مورد لطف بهرامشاه غزنوی ( ۵۱۲-۵۴۷ ) بوده و سمت دبیری او را داشته است و پس از او در دربار خسرو ملک سمت وزارت یافته است ، ولی سرانجام بر اثر سعایت دشمنان مغضوب گشته و به حبس افتاده است . از آثار او ترجمه کلیله و دمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه اش مورد توجه مترسلان قرن ششم به بعد قرار

گرفته است .

ابومعشر بلخی (ت) [ف : ۲۷۲] جعفر بن محمد عمر معروف به ابومعشر از ریاضی دانان و منجمان قرن سوم و از شاگردان یعقوب بن اسحق کندی ، فیلسوف مشهور عرب . ابومعشر ابتدا فلسفه آموخت و بعد به علم نجوم پرداخت . منجمان معروف به اقوال و آراء وی متمسک می شدند. ابومعشر صاحب تألیفات بسیار است. از آن جمله کتابی از او باقی است به نام: رساله در اتصال کواکب و قرانات. دیگر کتاب المواید والادوار والالوف .

ابومنصور عبدالملک کعبلی « رجوع شود به کعبلی »

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق (ت) [ ف : ۳۵۰ ] از بزرگ زادگان طوس که در حدود سال ۳۳۵ از جانب ابوعلی احمد بن محمد بن مظفر بن محتاج چغانی ، سپهسالار خراسان ، حاکم طوس شد . هنگامی که بوعلی بر پادشاه سامانیان طغیان کرد ، ابومنصور جزو شورشیان درآمد ، پس از آن به جای بوعلی سپهسالار خراسان شد . چندی بعد ، از عمال سامانی شکست خورد و به ری و آذربایجان گریخت . سرانجام با پادشاه سامانی صلح کرد و به طوس بازگشت و باز به سپهسالاری خراسان رسید سپس وقتی به خیال اتحاد با رکن الدولة دیلمی افتاد و به گرگان خوانده شد ، و شمشیر بن زیار از این حال آگاه شد و او را بوسیله یوحنا طیب مسموم کرد .

ابومنصور بر اثر علاقه مفراط به ایران و تاریخ ایران  
 ابومنصور المعمری را مأمور تدوین شاهنامه کرد و همین کتاب  
 که به نثر فراهم آمده بود ، مأخذ مهم شاهنامه فردوسی و دقیقی  
 گشت .

ابومنصور موفق‌بن علی هروی (ت) از نویسندگان قرن پنجم . از آثار  
 معروف او کتاب الابنیه عن حقایق الادویه است که آنرا در سال  
 ۴۴۷ به زبان فارسی تألیف کرده و نام ۵۸۵ دارو را در آن ذکر  
 کرده است . نثر کتاب بسیار روان و ساده است .

ابوالمؤید بلخی (ت) از شاعران دوره سامانی و نیمه اول قرن چهارم .  
 مولدش بلخ است و از کسانی است که پیش از فردوسی به تصنیف  
 شاهنامه پرداختند . ابوالمؤید بلخی اولین کسی است که قصه  
 یوسف و زلیخا را به پارسی منظوم ساخته ، ولی از آن چیزی در  
 دست نیست . کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب  
 تاریخ سیستان به آن اشاره کرده است و آن : عجایب البلدان در  
 عجایب دنیاست .

شاهنامه ابوالمؤید کتاب بزرگی به نثر بوده است ، شامل  
 بسیاری از روایات و داستانهای ایرانی که اغلب آنها در شاهنامه  
 فردوسی و سایر منظومه‌های حماسی ذکر شده است . این کتاب  
 بزرگ و مفصل از میان رفته و تنها قسمتی که از آن در دست مانده  
 قطعه‌ای از کتاب گرشاسب است که صاحب تاریخ سیستان در کتاب  
 خود آن را نقل کرده است . این قسمت از قدیمترین قطعه‌های

منثور زبان فارسی است که از قرن چهارم مانده است .  
ابوالهیثم (ت) خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی . از شاعران  
 و فاضلان اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم . وی از معتقدان  
 مذهب اسمعیلی بوده و ناصر خسرو در کتاب جامع‌الحکمتین از او  
 یاد کرده است . از اشعار ابوالهیثم تنها قصیده‌ای باقی است که  
 حاوی پرسشهایی در باره مسائل فلسفی بدون جواب است که بعدها  
 ناصر خسرو شاعر و نویسنده اسمعیلی آنرا شرح کرده است .  
 همچنین ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری ، شاگرد ابوالهیثم ،  
 کتابی مفصل در شرح عده‌ای از ابیات آن نوشته است .  
 این شرح که در نیمه اول قرن پنجم تألیف یافته و جواب  
 پرسشهای فلسفی ابوالهیثم است ، از نظر فلسفه و کلام و از حیث  
 انشاء پارسی در شمار کتابهای خوب قرن پنجم است .

ابودیزید بسطامی «رجوع شود به بایزید بسطامی»

اتصال (نج) «رجوع شود به اجتماع»

اتصال نجوم خاطر او      فیض طبع مرانویدگراست

«خاقانی»

اکیسیر (نج) طبقه‌ای از آسمان، بالای کره هوا، که آنرا کره آتش نیز

گویند :

بر شوند از پل آتش که اکیسیر خوانند

پس سر مائده جنت ماوی بینند

«خاقانی»

اثیر اخسیکتی (ت) [ ف : ۶۰۸ ] اثیرالدین از شاعران مدیحه سرای قرن ششم که از ریاضی و فلسفه نیز با اطلاع بوده است. وی معاصر و مداح رکن الدین ارسلان بن طغرل (۵۵۵-۵۷۱) بوده است. دیگر از ممدوحان او شمس الدین اتابک اعظم ایلدگز و اتابک جهان پهلوان نصره الدین محمد بن ایلدگز و مظفر الدین اتابک قزل ارسلان بن ایلدگز فرمانروای آذربایجان بوده اند. اثیر در شیوه سخن سرایی از انوری و سنائی پیروی کرده و چند قصیده به سبک خاقانی سروده است و با مجیر بیلقانی رقابت داشته و یکدیگر را به تعریض یما تصریح هجا گفته اند. اثیر به آوردن ردیفهای دشوار و معانی صعب علاقه داشته است. ( دیوان اثیر - چاپ تهران - ۱۳۳۷ شمسی )

اجتماع (نج) حالت ماه است هنگام «محاق» که در آن حال، کره ماه از همه وقت به خورشید نزدیکتر می شود و درست در مقابل او قرار می گیرد. این حال را «اتصال» نیز گویند.

ماه را نیکوئی همی گفتیم      که در یخی به اجتماع و محاق  
«انوری»

احتراق (نج) اجتماع سیارات را با آفتاب احتراق گویند مگر اجتماع ماه را که «محاق» خوانند.

بیرون شد از احتراق بهرام      و آورد به شاه ماه پیغام  
احسن التماسیم فی معرفه الافالیم (ک) کتابی است در جغرافیا تألیف ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر مقدسی. این کتاب در سال ۳۷۵ هجری

تألیف یافته و کاملترین کتاب جغرافیاست که مؤلف مشاهدات خود را در اغلب کشورهای اسلامی در آن ذکر کرده و از کشورهای غیراسلامی بسیار کم گفتگو کرده است .

احسن التواریخ (ك) تألیف حسن بیک روملو از فاضلان زمان شاه طهماسب . این کتاب در اواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۴ و سلطنت شاه طهماسب شرح داده شده است . (چاپ کلکته)

احیاء العلوم (ك) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان عربی . موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است و غزالی خلاصه آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را : کیمیای سعادت نامیده است . اخبار الطوال (ك) کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی ، تألیف ابوحنیفه احمد بن داود بن وند دینوری . در این کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می شود و به قتل افشین و مرگ معتصم در سال ۲۲۷ پایان می پذیرد .

ابوحنیفه وقایع را از هم جدا نمی کند و رشته مطلب را نمی گسند ، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند . وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند و حوادث تاریخی را به اختصار می گوید و بیشتر به وضع اجتماعی و شرح امارات و حکمرانیها و ارتباط خلفا و ممالک دست نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می پردازد . مخصوصاً نهضتهای سیاسی و مذهبی و انقراضها و پیشرفتهای بسیار دقیق

شرح می‌دهد .

سبک نوشته کتاب اخبار الطوال بسیار ساده است. ترجمه به فارسی صادق نشأت از سلسله انتشارات تاریخی «بنیاد فرهنگ ایران» آذرماه ۱۳۴۶ شمسی .

اخفش ( اوسط ) ( ت ) [ ف : ۲۲۱ ] ابوالحسن سعید بن مسعده از بزرگان لغت و نحو و ادب در قرن سوم هجری . وی ایرانی و از شاگردان سیویه و خلیل بن احمد بوده است . اخفش واضع بحر خبب یکی از بحور عروضی می‌باشد و از آثارش : کتاب الاشتقاق ، کتاب العروض ، کتاب القوافی ، کتاب معانی الشعر و کتاب الاوسط در نحو است .

اخلاق الاشراف (ك) رساله‌ای به نثر آمیخته به نظم . از آثار عبیدزاکانی که آن را به سال ۷۴۰ هجری تألیف کرده است . موضوع کتاب «اخلاق الاشراف» انتقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف است که نویسنده با بیانی شیرین آن‌را برای نمودن فساد جامعه نگاشته و سراسر آن را با حکمت و پند آمیخته است . این کتاب شامل هفت باب در فضایل اخلاقی یعنی حکمت ، شجاعت ، عفت ، عدالت سخاوت ، حلم ، حیا و وفا ، است .

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال الدین محمد بن اسعدالدوانی که به خواهش سلطان خلیل سلطان پسر اوزون حسن آق قوینلو در نیمه دوم قرن نهم تألیف یافته است . بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن : لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق است به گفته خود مؤلف از اخلاق

ناصری تألیف خواجه نصیرالدین طوسی اقتباس شده و حاوی مطالبی در تدبیر منزل و سیاست مدن می‌باشد . انشاء کتاب متکلف‌سازانه و مصنوع است . (چاپ لاهور و لکنهو)

اخلاق محسنی (ك) کتابی در صفات پسندیده و مبانی اخلاقی در چهل باب ، تألیف حسین واعظ کاشفی که آنرا به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۰ هجری تألیف کرده است . اخلاق محسنی در هندوستان رواج بسیار داشته است .

اخلاق ناصری (ك) کتابی در حکمت عملی و اصول اخلاق . تألیف دانشمند بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی که آن را در حدود سال ۶۳۳ به زبان فارسی و بنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی منصور حاکم اسمعیلیه در قهستان تألیف کرده است . مؤلف قسمت اول کتاب را از کتاب اخلاق ابن مسکویه به نام : الطهارة اقتباس کرده و در قسمت دوم به تدابیر المنازل ابن سینا و در قسمت سوم به کتاب فارابی نظر داشته است .

در مقاله اول از حکمت و شجاعت و عفت و عدالت بحث می‌کند و حکمت را به هفت نوع تقسیم می‌کند : ذكاء، سرعت فهم، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، تحفظ ، تذکر .

مقاله دوم در تدبیر منزل و مقاله سوم در سیاست مدن است .

اخوان الصفا (ت) دسته‌ای از حکمای ایرانی در قرن چهارم هجری . این دسته خواسته‌اند که عقاید فلاسفه یونان را بامبانی دین اسلام سازش دهند و به فرقه خاصی بستگی نداشته‌اند ، بلکه بسیاری از



مسائل دینی را با عقاید فلاسفه منطبق می‌کردند و چنانکه اظهار کرده‌اند با هیچیک از ادیان و علوم دشمنی نداشته و کتابهای مختلف فلسفی را مورد استفاده قرار داده و به همه کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند .

ادب‌الصغیر (ک) تألیف عبدالله بن المقفع که نویسنده در تألیف آن از متن کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب میان نویسندگان عرب معروف بوده و ابن قتیبه در کتاب عیون الاخبار از آن نام برده‌است .

ادب‌العظیم (ک) معروف به دره‌الیتیمه تألیف عبدالله بن المقفع . مؤلف در تألیف این کتاب از کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب میان مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفاده آنان قرار گرفته‌است . اثر تمدن و فرهنگ ایرانی در این کتاب بخوبی نمایان است و نویسنده در چند مورد به گفته‌های حکیمان ایران استشهاد کرده‌است .

ادریس (ن) از پیغمبران . گویند که علم نجوم معجزه اوست و از طوفان نوح خبر داد و چون عمرش به هشتصد و شصت و پنج سال رسید ، از ملك الموت خواست تا روحش را به امر خدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد . ادریس چون از بهشت بیرون آمد به بهانه آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده‌است ، بازگشت و در بهشت ماند .

بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر عمر ابد خواهی

که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

«سنائی»

ادیب پیشاوری (ت) [ف : ۱۳۴۹] سید احمد بن شهاب رضوی ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب الدین اهل پیشاور . وی مقدمات علوم را در پیشاور آموخت و در جنگی که میان اقوام هندی با قوای دولتی در گرفت ، پدر و خویشانش به قتل رسیدند و او موفق شد که خود را به کابل برساند . ادیب پیشاوری پس از چندی اقامت در کابل به غزنین و هرات و تربت شیخ جام و مشهد سفر کرد و نزد دانشمندان معروف به تحصیل پرداخت . در سی سالگی نزد حاج ملاهادی سبزواری به کسب دانش مشغول گشت و در سال ۱۳۰۰ قمری به تهران آمد و در همانجا اقامت کرد . ادیب به علوم قدیم و ادبیات عرب و ایران احاطه داشت : دیوان او مشتمل بر ۴۲۰۰ بیت فارسی و ۳۷۰ بیت عربی است به ضمیمه دو رساله یکی در بیان قضایای بدیهیات اولیه ، دیگر در تصحیح دیوان ناصر خسرو . يك مثنوی دارد به نام قیصرنامه شامل وقایع جنگهای بین المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰۰ بیت است .

(دیوان چاپ تهران-۱۳۱۲ شمسی)

ادیب صابجر (ت) [مقتول در حدود ۵۴۲] شهاب الدین صابجر بن اسمعیل ترمذی از شاعران قرن ششم و اصلش از ترمذ است ولی بعد به مرو و بلخ و خوارزم رفت و مدتی سلطان سنجر را مدح گفت و

از طرف او به رسالت نزد اتسز رفت و چندی در خوارزم ماند .  
وقتی که اتسز دانست که ادیب صابرنهانی خبرهائی از دربار او برای  
سنجر می فرستد دستور داد تا او را در جیحون غرق کردند .

ادیب صابر ، درسبک شاعری بیشتر پیرو عنصری و فرخی  
است ، و با رشید و طواط مشاعره داشته است . دیوان ادیب صابر  
مشمول است برقصاید و غزلیات . (چاپ تهران)

ادیب الممالمك فراهانی (ت) [ف: ۱۳۳۶] میرزا صادق حکیم . از خانواده  
میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر محمد شاه قاجار . ادیب الممالمك  
از آزادیخواهان بشمار می رفت و مدتی روزنامه ادب را انتشار  
می داد . در ابتدای جوانی « پروانه » تخلص داشته و لقب امیر  
الشعرائی یافت و به « امیری » مشهور گشت . ادیب الممالمك در  
عصر مشروطیت و انقلاب و کشمکش های سیاسی می زیست . از  
اینرو اشعار فراوانی در انتقاد اوضاع زمان و اجتماع خود دارد .  
ادیب الممالمك در علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب  
و تاریخ عرب استاد بوده است .

دیوان او شامل قصاید و قطعات و اشعار جد و هزل و مدح  
و ذم در انتقاد جامعه و تحریک حس میهن پرستی است . (دیوان -  
چاپ تهران)

ادیب نیشابوری (ت) [ف : ۱۳۴۴] شیخ عبدالجواد ، فرزند  
ملا عباس نیشابوری که در چهار سالگی از مرض آبله از یک

چشم نایبنا گشت وبا وجود ضعف بینائی تا ۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات علوم دینی پرداخت . سپس فنون ادبی را آموخت و بیشتر اوقات را به مطالعه ادبیات فارسی و عربی صرف کرد . علاوه بر این در فنون ریاضی و هیئت و طب دست یافت . دیوانش قریب شش هزار بیت دارد . رساله‌ای هم در جمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای در شرح معلقات سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابی تمام نوشته است . اشعار او به نام لآلی مکنون در مشهد به چاپ رسیده است .

اذاله ( زحاف ) ( ع ) در مستفعلن افزودن الف است قبل از نون که می شود مستفعلان و آن را مذال خوانند .

اردشیر بابکان ( ش - ت ) پسر ساسان از دختر بابک ، مطابق نقل شاهنامه ، ساسان پسر دارا پس از کشته شدن پدر به هندوستان گریخت و فرزندان او تا چند پشت در هندوستان ماندند . پسر چهارم به اسم ساسان به پارس آمد و نزد بابک حاکم استخر به سرشبانى رسید . شبى بابک خواب دید که ساسان بر پیل ژیان نشسته و هر کس به نزدش مى آید او را نماز مى برد . بابک ساسان را خواست و چون دانست که از نژاد شهریاران است ، دختر خود را به وی داد و از او اردشیر به وجود آمد ، او را بزرگ کردند و فرهنگ آموختند ، اردوان چون آوازه اردشیر را شنید او را از بابک خواست و جوانى شایسته اش یافت ولى پس از چندی به علت درشتی که با پسر اردوان کرد ، او را به نگهبانى اسبان شاهی برگماشت اردشیر با گلنار کنیزك اردوان

به پارس فرار کرد و طرفداران بابک را جمع کرد و به جنگ اردوان رفت و او را شکست داد و دخترش را گرفت و به پارس برگشت. شهر «خره اردشیر» را ساخت و بر تخت شاهی نشست. دختر اردوان به خونخواهی پدر خواست اردشیر را زهر دهد، شاه دریافت و او را به وزیر خود سپرد تا هلاک کند. وزیر چون دانست ملکه بار دارد، فرمان را به کار نبست و او را نگاه داشت تا شاپور به وجود آمد. چون شاپور به هفت سالگی رسید، اردشیر از این راز آگاه شد و از داشتن چنان پسری خشنودگشت.

رساله پهلوی «کارنامک ای ارتخشیر ای پاپکان» در شرح وقایع زمان این پادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است و فردوسی مفاد آن را در شاهنامه به نظم آورده است.

اردشیر درازدست (ش-د) اردشیر درازدست لقب بهمن، شاه ایران بود.

شنیدستم که بر پای ایستاده رسیدی تا به زانو دست بهمن

«منوچهری»

اردوان (ش-ت) آخرین پادشاه اشکانی که پاپک نیای اردشیر از طرف او فرمانروای استخر بود. اردوان چون آوازه اردشیر نواده بابک را شنید، او را از پدر خواست و عزیزش داشت، اما ناگهان بر او خشم گرفت و به نهبانی اسبان و ادارش کرد. اردشیر بسا کنیزک اردوان به اسم گلنار فرار کرد و لشکری جمع آورد و به جنگ اردوان رفت و او را کشت و دخترش را به زنی گرفت.

ارژنك ، ارژنك (ك) نام كتاب منسوب به مانى نقاش كه داراى تصاویر زیبا و دل‌آویز بوده است .

تنش چون نامه ارژنگك زیبا میان چون خامه مانى مصور

«مسعود سعد»

ارسال المثل (ب) آن است كه شاعر مثل معروفی را در شعر بیاورد یا مصراعی بگوید كه حكم مثل پیدا كند و قبول عامه یابد .

با بظ می‌گفت ماهی در تب و تاب

باشد كه به جوی رفته باز آید آب

بظ گفت چو من قدید گشتم تو كیاب

«دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب»

«خیام»

ارسال المثلیین (ب) آن است كه شاعر در يك بیت دو مثل آرد ، یعنی هر يك از دو مصراع شعر يك مثل باشد .

چنین كنند بزرگان چو كرد باید كار

چنین نماید شمشیر خسروان آثار

«عنصری»

ارسطاطالیس (ت) «رجوع شود به ارسطو»

ارستو (ت) [ف : ۳۲۲ پیش از میلاد مسیح] حكیم یونانی شاگرد

افلاطون و معلم اسکندر . ارسطو به معلم اول معروف است . گویا

علتش آن بوده است كه وی نخستین واضع علم منطوق بوده و راه

استدلال و برهان را گشوده است . وی پیشوای حكمای مشایی

است .

ارشمیدس (ت) [ف: ۲۱۲ پیش از مسیح] از بزرگترین دانشمندان ریاضی . وی از شاگردان اقلیدس بود و پس از مطالعات و تحقیقات بسیار به کشفیات مهمی در عالم ریاضی و فیزیک موفق شد . از جمله فرضیهٔ اهرم و قانون وزن مخصوص اجسام .

گویند روزی در گرمابه دریافت که از وزن اعضایش که در آب است کاسته شده و آنچنان به شوق آمد که برهنه بیرون دوید و فریاد زد : یافتم ، یافتم .

از آثار مهم ارشمیدس : کتاب مثلثات، کتاب المفروضات، کره و استوانه و کتاب المآخوذات در اصول هندسه است.

ارکان اربعه (نج) «رجوع شود به چهار ارکان .»

ارکان عروض (ح) ارکان از اصطلاحات عروض و شامل سبب و وتد و فاصله می باشد . «رجوع شود به این کلمات»

ارم یا ارم ذات العمام (تن) باغی که شداد ساخت و در روزگار مانند نداشت . و در شعر فارسی کنایه از باغهای بسیار مصفاست:

در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا

زلف سنبل زتسیم سحری می آشفته...

«حافظ»

ارمن (م) نام سرزمینی است که بسر طبق داستان خسرو و شیرین ، مهین بانو عمهٔ شیرین بر آن حکومت می کرد.

ارخی (تن) اشاره به قصهٔ موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظر الیک»

پروردگارا ، خود را به من بنما تا بسوی تو بنگرم . جواب آمد  
«لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستم

همچو موسی ازنی گوی به میقات بریم

«حافظ»

از اَحِیْف (ج زحاف) (ع) «رجوع شود به زحاف»

از دَوَاج (ب) آن است که در میان نظم و نثر کلماتی آورده شود که  
در روی یکسان باشد .

به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق

مژه بر هم نزند و بزنی تیر و سنانش

«سدی»

ازرقی (ت) [ف : در حدود ۴۶۵] ابوبکر زین الدین بن اسمعیل وراق  
هروی . از شاعران زبردست قرن پنجم . پدرش اسمعیل وراق  
همان کسی است که فردوسی پس از فرار از غزنین به خانه او  
رفت . ازرقی در دستگاه شمس الدوله ابوالفوارس طغانشاه بن  
ارسلان سلجوقی که در زمان سلطنت البارسلان حاکم خراسان  
بود ، تقرب یافت و او را مدح گفت . از ممدوحان دیگر ازرقی  
امیرانشاه بن قاررد از سلجوقیان کرمان بود .

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از

جمله آثاری که به او نسبت داده اند الفیه و شلیفه منظوم است .

دیگر قصه سند باد است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی



در آوردن تشبیهات غریب و وصف و تصویر دقیق اشیاء ، استادی داشت . و در مدح لحن مبالغه آمیزی بکار می برد . (دیوان ازرقی- چاپ دانشگاه تهران)

ازهری هروی (ت) [ف : ۳۷۰] ابومنصور محمد بن احمد . از عالمان بزرگ ادب و لغت . وی در عربستان به جمع لغت مشغول گشت و بسیاری از لغات و اصطلاحات اصلی زبان عرب را فراگرفت . از آثار مشهور او در لغت کتاب التهذیب است .

اساس الاقتباس (ك) کتابی در منطق به زبان فارسی ، تألیف ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به نصیرالدین که آن را در سال ۴۲۲ تألیف کرده است . خواجه نصیرالدین در تنظیم این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هر یک از بخش ها را مقاله نامیده است . این مقاله ها در باره مدخل منطق ، مقولات عشر ، عبارات ، علم قیاس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می باشد .

اساس الاقتباس پس از کتاب شفای ابوعلی سینا بهترین و جامعترین کتابی است در فن منطق که مؤلف در آن تمام فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . رکن الدین محمد بن علی فارسی استرآبادی که از فاضلان نزدیک عصر خواجه بود این کتاب را به عربی ترجمه کرده است . (چاپ دانشگاه تهران-

(۱۳۲۶)

اسباع (زحاف) (ع) افزودن حرفی ساکن است در سببی که آخر جزء

باشد. فاعلاتن می‌شود فاعلاتان؛ و بجای آن فاعلیان می‌گذارند و آن را مسبغ می‌خوانند.

استخراج آدبهای پنهانی (ک) تألیف ابوبکر محمدبن حسن کرجی از بزرگترین دانشمندان و ریاضی دانان ایران در قرن چهارم و پنجم که از وی آثار مهمی به زبان عربی باقی مانده است.

این کتاب که نام عربی آن انباط المیاده الخفیه است بوسیله حسین خدیوچم به فارسی ترجمه شده و در سلسله انتشارات «بنیاد فرهنگ ایران» با شماره ۸ به سال ۱۳۴۵ شمسی در تهران منتشر شده است.

استرآبادی (ت) [ف: در حدود ۱۱۸۰] میرزا مهدیخان استرآبادی منشی نادرشاه و سرآمد منشیان آن دوره بود. وی دوران جوانی را در اصفهان گذراند و در دربار صفوی راه یافت و پس از آن در زمان حمله افغانه به ایران عزلت‌گزید و در زمان نادر به خدمت او رسید و به علت حسن بیان مورد توجه وی قرار گرفت و از معتمدان و منشیان او گشت. غالب فتحنامه‌ها و صلحنامه‌ها بوسیله او انشاء می‌شد.

میرزا مهدیخان پس از هیجده سال خدمت در دربار نادر و پس از مرگ او عزلت اختیار می‌کند و به اتمام کتاب معروف: جهانگشای نادری می‌پردازد، از آثار دیگر او: دره نادره، منشآت، مبانی اللغة است. در بعضی آثار وی تصنع و تکلف وجود دارد.

استر اجدادی (ت) میرزا مهدیخان استرآبادی منشی نادر شاه که سرآمد منشیان آن دوره بوده و در نویسندگی قدرت و پختگی داشته است، ولی در بعضی آثارش تصنع و تکلف پیداست. از آثار معروف او کتاب: جهانگشای نادری و دره نادره.

استشهاد (ب) آن است که شاعر نام خود را در اشعار به طریق لطیفی آورد. مانند این شعر امام فخر رازی.

اگر دشمن نسازد با تو ای دوست

تو می باید که با دشمن بسازی

وگرنه چند روزی صبر می کن

نه او ماند نه تو نه فخر رازی

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به مناسبت کمال شباهت در یکی از صفات به جای لفظ دیگر بکار برند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراك و مشابهتی که میان این دو در صفت شجاعت هست و بعضی گفته اند که استعاره عبارت است از مبالغه در تشبیه یعنی بجای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین آن يك است و در استعاره همیشه ادات تشبیه محذوف است. چنانکه در این شعر نهنگ برای «اسب» و اژدها برای «کمند» استعاره شده است.

همی تاخت اندر میان دو صف

نهنگی بیزیر ازدهایی به کف

استغنائی نیشابوری (ت) ابوالمظفر نصر بن محمد استغنائی نیشابوری از شاعران قرن چهارم و معاصر آل بویه و آل سامان . از حال او اطلاعی در دست نیست و از آثارش ابیات پراکنده‌ای باقی است. استقبال (نیج) حالت ماه در شب «بدر» که در آن حال ماه با خورشید مقابله پیدا می‌کند .

اجتماع ماه بود امروز و استقبال بخت

کاو فتاد این ذره را با چون تو خورشیدالتقا

«خاقانی»

اسحق (تن) پسر ابراهیم خلیل الله . اسحق دو پسر داشت به نام عیص و یعقوب . یعقوب رمه گوسفندان را دوست داشت و اسحق شکار را . روزی اسحق از پسران گوشت بریان خواست و چون یعقوب بره بریان کرده را زودتر فراهم کرد ، اسحق او را دعا کرد و پیغمبری به او و اولادش رسید .

اسحق موصلی (ت) [ف: ۲۳۵] ابو محمد اسحق بن ابراهیم موصلی . اصلاً ایرانی و از خاندانهای معروف فارس و پسر ابراهیم پسر ماهان ارجانی ، او نیز به مناسبت شهرت پدرش به موصلی شهرت یافت . وی در دستگاه خلافت مأمون و معتصم عباسی می‌زیست ، در علم موسیقی و ریاضی استادی کامل بود و در فن حدیث و لغت و نحو مهارت داشت . شعر نیز می‌سرود .

اسد (نیج) از صورتهای دوازده‌گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل شیر . برج اسد برابر ماه مرداد است .

اسد در پیش خرننگ ایستاده

کمان کردار دم بر سر نهاده

«فخرالدین اسد گرگانی»

اسدی طوسی (ت) ابو نصر علی بن احمد اسدی طوسی . از شاعران بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب نامه را در سال ۴۵۸ به نام ابودلف حکمران اران و نخجوان ساخته است . اسدی در انقلابات خراسان و غلبه سلاجقه به آذربایجان رفت و با عده‌ای از سلاطین آنجا آشنا شد . از ممدوحان اسدی امیر ابودلف پادشاه نخجوان و شجاع الدوله ابوشجاع اند .

از آثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا «لغت فرس» است . مؤلف این کتاب را بعد از گرشاسب نامه تألیف کرده و نام آن را ذکر کرده است . دیگر از آثار منظوم او قصائد مناظرات می‌باشد شامل مناظره آسمان و زمین و مغ و مسلمان و غیره .

اسدی به تاریخ ۴۴۷ نسخه کتاب الابنیة ابو منصور موفق هروی را به خط خود استنساخ کرد و آن قدیمترین نسخه خطی فارسی است که در دست است و اصل آن در کتابخانه ملی وین موجود است .

اسرار (ت) «رجوع شود به ملا هادی سبزواری»

اسرار التوحید (ک) اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید . از آثار شیوای زبان فارسی . مؤلف این کتاب محمد بن منور از نوادگان

شیخ ابوسعید است که این کتاب را دربارهٔ احوال و اخبار و کرامات جد خویش نگاشته و روایات و اطلاعاتی در آن جمع آورده و به ابوالفتح غیاث‌الدین محمد بن سام شاه غوری (متوفی سال ۵۹۹) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب میان سالهای ۵۵۳ و ۵۹۹ انجام گرفته است. انشاء اسرار التوحید بسیار ساده است و کلمات و ترکیبات مهجور عربی در آن کم است.

(چاپ تهران - ۱۳۳۲ش)

اسرار الحکم (ن) کتابی در حکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری از فیلسوفان و حکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب بیشتر به اثبات توحید و اصول عقاید اسلامی پرداخته است. این کتاب مکرر چاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلمه یونانی به معنی آئینهٔ نجوم. آلتی است مسدور که دوائر و خطوط بسیار بر آن منقوش است و برای تعیین ارتفاع آفتاب و ستارگان به کار می‌رود.

نگاه کردم از دور من تلی دیدم

که چاه زرف نماید از آن بلند عقاب

که گر منجم بروی شود، چنان بیند

بروج چرخ که بی‌غم شود ز اسطرلاب

«مسعود سعد»

اسفزاری (ت) [ف: ۵۱۵] ابوحاتم المظفر بن اسمعیل اسفزاری. از دانشمندان بزرگ قرن پنجم و معاصر حکیم عمر خیام. در علم

هیئت و ریاضی استاد بود . از آثارش سه رساله در دست است ، به نام : اختصار اصول اقلیدس به عربی و رساله آثار علوی یا کائنات جو و الشبكة به فارسی . کتاب کائنات جو را به نام فخرالملک بن نظام الملک نوشته و شهرمدان بن ابی الخیر معاصر اسفزاری آن را در کتاب نزهت نامه علائی در فصل آثار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین‌الدین محمد اسفزاری از مورخان معاصر دوره تیمور که به شغل انشاء و ترسل اشتغال داشته و کتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش - د) پسر گشتاسب و ملقب به روئین تن که به فرمان پدر به جنگ ارجاسب رفت و پس از گذشتن از هفتخوان و فتح روئین دژ ، ارجاسب را کشت و از پدر تخت و تاج خواست . پدر برای دفع الوقت او را نزد رستم فرستاد تا آن پهلوان نامدار را دست بسته به درگاه آورد . رستم به این ننگ تن درداد و کار به جنگ انجامید . در این جنگ ، پس از دلاوریهای دو حریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را با تیری که از چوب گز ساخته بود ، کور کرد و اسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم و اسفندیار از قطعه‌های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش - د) بنا بر روایت شاهنامه پسر داراب از دختر قیصر روم که نزد پدر بزرگ تربیت یافت و با دارا پسر دیگر داراب ، شاه ایران ، جنگ کرد . در این جنگ ، دارا مجروح شد و چون

اسکندر آن خیر را شنید ، خود را به بالین دارا رساند و زار گریست و خواست که پزشك حاضر کند ، اما سودی نکرد و دارا پس از وصیت جان داد . اسکندر پس از دارا بنا بر وصیت او دخترش «روشنک» را به زنی گرفت و به هند و مصر لشکر کشید . در هند پیری او را از شگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به او نشان داد که در آن چشمه آبی بود که هر کس از آن بخورد هرگز نمی میرد . هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می شتافت ، در روشنائی کوهی دید . از کوه بالا رفت . اسرافیل را دید ، صوری به دست و منتظر فرمان که در صور بدمد . اسکندر را آواز داد که برای تاج و گنج آنقدر آزار به خود ندهد . اسکندر بنا ناله فرود آمد و به طرف باختر رفت . مردم از جانورانی شکایت کردند به نام یاجوج و ماجوج که گوشه‌هایشان به اندازه‌ای است که یکی را بستر و دیگری را روپوش سازند . اسکندر با عده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یاجوج و ماجوج رفت و به فرمان او دیوارهای بلندی ساختند از آهن و سنگ و گچ و قیر و با ساختن این سد مردم را از شر یاجوج و ماجوج رهانید .

اسکندرنامه (ک) یکی از پنج مثنوی معروف نظامی ، داستانسرای

بزرگ ایران در قرن ششم، که شامل دو قسمت است. قسمت اول شرفنامه است که نظامی آن را به نام اتابک نصره‌الدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان از اتابکان آذربایجان ساخته است و قسمت دوم اقبالنامه است به نام ملک عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین



رسد دست تو از مشرق به مغرب

ز اقصای مداین تا به مدین

«منوچهری»

اشعه‌اللمعات (ك) - کتابی به زبان فارسی در شرح کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی در سال ۸۸۶ آنرا به خواهش امیرعلیشیر نوائی تألیف کرده است. این کتاب شامل يك مقدمه و ۲۸ لمعه است. جامی در مقدمه کتاب می‌گوید که چون عده‌ای از قبول عقاید مندرج در کتاب لمعات عراقی امتناع کردند، او به تفسیر و شرح آن ناچار شد و از کتابهای دیگر مشایخ صوفیه نیز استفاده کرده است. بنابراین بعد از مقدمه، نکته‌های مختلف عرفانی را به انضمام سؤال و جواب شرح داده و به این طریق کتاب را تفسیر می‌کند و به قطعه ملمع عربی و فارسی آن را ختم می‌کند.

اصحاب کهف (تن) کهف به معنی غار است و اصحاب کهف شش تن بودند که در عهد دقیانوس به خداپرستی گرائیدند و از ترس او شبانه گریختند. در راه شبانی با ایشان همراه شد، خواستند که سگ شبان را به شهر بساز گردانند، ولی سگ به سخن درآمد و گفت: «من نیز آن کس را می‌طلبم که شما می‌طلبید.» دست از او بازداشتند و همگی به غاری رفتند و خوابیدند. پس از سیصدونه سال بیدار شدند، یکی از ایشان به شهر رفت تا طعامی فراهم کند، چون سکه به نام دقیانوس بود، طبّاخ او را پیش فرمانروای

شهر برد . فرمانروا زبان او را نمی فهمید، دانشمندی را حاضر کرد که زبان او را دریافت و واقعه را درك کرد . همگی برای زیارت آن عده به غار رفتند تا ایشان را با تجلیل و احترام به شهر بیاورند، ولی اصحاب کهف به این امر تن در ندادند و دعا کردند تا خدای تعالی مرك برایشان فرستاد .

سك اصحاب کهف روزی چند بی نیکان گرفت و مردم شد

«سدى»

اصطخرى (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسى الاصطخرى معروف به کرخى از دانشمندان قرن چهارم هجرى که کتاب مشهورى به زبان عربى در جغرافیا دارد به نام : المسالك والممالك .

اصفهانى (ت) ابوالفتح محمود بن محمد بن قاسم الاصفهانى از مترجمان و رياضى دانان قرن چهارم که ترجمه کتاب المخروطات ابولونیوس را که به توسط هلال بن ابى هلال الحمصى و ثابت بن قره انجام گرفته بود ، تکمیل کرد و تفسیرى بر آن نوشت .

اضافه (ط) از مقولات عشر . مفهوم اضافه، وجود چیزىست که تصورش با تصور چیز دیگرى توأم باشد و بدون آن دیگرى به عقل در نیاید، مثل تصور پدرى و پسرى ؛ که بدون یکدیگر ممکن نیست .

اطناب (ب) آن است که ترتیب معانى کمتر از الفاظ باشد .

من و توایم و من و تو که در جهان نبود

من و ترا به هنر جزمن و تو یار و قرین

اعتدال (نج) دو نقطه از منطقه البروج است که زمین چون در گردش خود

به دور آفتاب به آن نقاط برسد، شب و روز در آن یکسان می‌شود. اعتدال بردوگونه است: اعتدال ربیعی- اعتدال خریفی. اعتدال خریفی (بج) اول پائیز که در آن شب و روز مساوی می‌شود. اعتدال ربیعی (بج) اول بهار که در آن شب و روز مساوی می‌شود. اعتراض (ب) آن است که گوینده مطلبی را ذکر کند که قابل اعتراض باشد و بعد آنرا به نحوی رفع کند.

هست یکی در جهان از تو کرم پیشه تر

لیک نرنجی که نیست غیر جهان آفرین

اعتماد السلطنه (ت) میرزا محمدحسن خان صنیع الدوله مقدم مراغه‌ای. محمدحسن خان صنیع الدوله رئیس انطباعات دولتی دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۳۰۴ لقب اعتماد السلطنه یافت. هر سال کتابی زیر نظر صنیع الدوله در مطبعة دولتی به چاپ می‌رسید و روزنامه «ایران» نیز به ریاست او هفته‌ای سه شماره منتشر می‌شد. روزنامه‌های کوچک دیگر مانند: مرآت السفر و مشکوة الحضر در سرگذشت مسافرت شاه در اردوی شاهی و روزنامه علمی مصور و روزنامه شرف در زمان او و به همت او انتشار یافت. از آثار اعتماد السلطنه کتاب: مرآت البلدان، مطلع الشمس، المآثر و الآثار، تاریخ ایران، منتظم ناصری و خیرات حسان است.

اعنات (ب) آن است که گوینده در کلام ملزم به چیزی شود که لازم نیست و آن را التزام مالایلم گویند مانند شمایل و قبایل در این شعر.  
چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماهمن و شمع جمع و میر قبایل

که سعدی تا آخر غزل یاء ماقبل لام را التزام کرده است.  
اغراق (ب) آن است که گوینده در وصف کسی یا چیزی به نوعی مبالغه  
کند که بر حسب عادت محال باشد.

آه سعدی اثر کند در سنگ      نکند در تو سنگدل اثری

افاعیل (اصلی) (ع) از ترکیب و تقدیم و تأخیر ارکان عروض ده وزن  
(به عقیده شمس قیس مؤلف المعجم فی معایر اشعار العجم) به وجود  
می آید که بنای همه اشعار عرب و عجم بر آن نهاده شده است و  
عروضیان آنها را «افاعیل» می خوانند از این قرار: فاعلن، فاعلن،  
مفاعیلن، مستفعلن، فاعلاتن، مفاعلتن، متفعلن، مفعولات،  
فاعلاتن، مس تفع لن.

از ترکیب این افاعیل سه صورت حاصل می شود. ترکیب  
یک سبب و یک وتد، دو سبب و یک وتد، یک وتد و یک فاصله.  
از ترکیب یک وتد و یک سبب صورتهای ذیل حاصل  
می شود:

- ۱- اگر وتد بر سبب مقدم باشد، وزن فاعلن به وجود  
می آید، مانند: مخور غم.
- ۲- اگر سبب بر وتد مقدم باشد، وزن فاعلن به وجود  
می آید، مانند: غم مخور.

از ترکیب دو سبب و یک وتد سه صورت حاصل می شود.  
از این قرار:

ترکیب دو سبب و وتد مقرون سه صورت دارد:

- ۱- اگر وتد مقرون بر دو سبب مقدم باشد ، مفاعیلن به وجود می آید . مانند: مخور غم رو
- ۲- اگر دو سبب بر وتد مقرون مقدم باشد ، مستفعلن به وجود می آید، مانند: رو غم مخور
- ۳- اگر وتد مقرون در میان دو سبب قرار گیرد ، فاعلاتن به وجود می آید ، مانند: غم مخور رو
- ترکیب دو سبب و وتد مفروق نیز سه صورت دارد:
- ۱- اگر دو سبب بر وتد مفروق مقدم باشد ، مفعولات به وجود می آید . مانند: دل شد تازه
- ۲- اگر وتد مفروق بر دو سبب مقدم باشد ، فاع لاتن به وجود می آید، مانند: تازه شد دل
- ۳- اگر وتد مفروق میان دو سبب قرار گیرد، مس تفع لن به وجود می آید، مانند: دل تازه شد
- ترکیب يك وتد و يك فاصله دو صورت دارد:
- ۱- اگر وتد بر فاصله مقدم شود ، مفاعلتن به وجود می آید، مانند: بتا چکنم
- ۲- اگر فاصله بر وتد مقدم شود ، متفاعلن به وجود می آید، مانند: چکنم بتا
- در اصول عروض پارسی بیش از هفت جزء یا فعل از افاعیل ده گانه فوق استعمال نمی شود. از این قرار: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن ، مفعولات ، فاع لاتن ، مس تفع لن ، فعولن .

افاعیل (فرعی) افاعیل فرعی بیست و شش است از این قرار :

مفاعیل' ، مفاعیل ، فعولن ، فاعلن ، مفعولن ، مفعول' ،  
مفعول ، مفاعلن ، فاع ، فع ، فاعلات ، فعلاتن ، فعلات ، فعلن ،  
فع لن ، فاعلان ، فعلان ، مفتعلن ، فعولان ، مفعولان ، فعول' ، فعول  
فعل ، فع لان ، مفاعیلان ، فاعلییان . (فعولن) هم در اصول به شمار  
آمده است و هم در فروع .

افسر (ت) [ف : ۱۳۵۹] شیخ الرئیس محمد هاشم میرزا افسر فرزند  
نورالله میرزا در سبزوار متولد شد و در همان شهر به تحصیل علوم  
قدیم مانند منطق و معانی و بیان و حساب و هندسه پرداخت. علوم  
معقول و منقول را نزد حاج میرزا حسن حکیم داماد حاجی سبزواری  
آموخت .

افسر در مجلس شورای ملی از دوره دوم تا دوره نهم  
نمایندگی داشت و چندین بار عهده دار نیابت ریاست مجلس بود.  
افسر مؤسس انجمن ادبی ایران است . وی در اشعار خود اغلب  
مضامین نو و اوزان غیر مبتدل اختیار کرده و در نقد شعر نیز دست  
داشته است . (دیوان افسر - چاپ تهران)

افضل الدین کاشی (ت) [ف : ۷۰۷] افضل الدین محمد بن حسین مرقی  
کاشانی ، معروف به بابا افضل از حکیمان و ادیبان قرن هفتم  
و اهل مرق از توابع کاشان . بابا افضل تألیفات بسیار به زبان  
فارسی دارد . مانند جاودان نامه ، و ترجمه رساله نفس ارسطو ،  
المفید للمستفید ، ره انجام نامه ، انشاء نامه ، رساله عرض ، رساله

درمنطق و غیره .

بابا افضل از کسانی است که مطالب علمی و فلسفی را به فارسی محکم و موجز نوشته است و با آنکه لغات فراوان پارسی بجای اصطلاحات عربی به کار برده است ، بهیچوجه از فصاحت و روانی ترجمه نکاسته است . عبارات در نثر او بسیار کوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند ، بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ت) [ ف : ۵۳۲ ] افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی . از نویسندگان آخر قرن ششم که در تسلط غزان بر کرمان در آن شهر می زیست . وی معاصر ملک دینار بود که در سال ۵۸۳ به کرمان استیلا یافت و شاهد کشاکشهای عمال اتابک فارس ، سعدبن زنگی و قطب الدین مبارز و سلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه از فصل آخر کتابش برمی آید ، بعد از شروع انقلابات کرمان چند سال سمت کتابت پسران طغرلشاه را داشت . پس از آن جلای وطن اختیار کرد و روبه سوی خراسان نهاد و در کوبنان متوقف شد و پنج سال آنجا ماند . پس از آن به یزد رفت و در سال ۵۸۴ به کرمان بازگشت . از آثار او کتاب : عقدالعلی للموقف الاعلی و بدایع الازمان فی وقایع کرمان و المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان است .

اقبال (ت) [ ف : ۱۳۳۴ ش ] عباس اقبال آشتیانی . تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون تهران به پایان رساند و در کتابخانه

عمومی وزارت معارف به کار مشغول شد. سپس در مدارس علوم سیاسی و نظام و دارالمعلمین عالی به تدریس پرداخت، پس از آن سفری به پاریس کرد و از دانشگاه سوربن به اخذ لیسانس در رشته ادبیات نائل آمد. پس از بازگشت، در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در سالهای آخر عمر به سمت مستشار فرهنگی در ترکیه و ایتالیا اجرای وظیفه می کرد. از جمله کارهای پرارزش اقبال انتشار مجله «یادگار» در سال ۱۳۲۳ ش است. اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت و چندین کتاب از این زبان به فارسی ترجمه کرده است. همچنین در تصحیح و تحشیه بسیاری از کتابهای ادبی و تاریخی ایران کوشش کرد. از جمله تألیفات او: خاندان نوبختی، تاریخ مفصل ایران، قابوس و شمشگیر زیاری، ابن المقفع، بحرین و جزایر خلیج فارس و چند دوره جغرافیا و تاریخ عمومی و تاریخ ایران برای مدارس است.

اقبال (ت) [ف: ۱۳۵۷] علامه محمد اقبال لاهوری از شاعران بزرگ پاکستان که به زبان فارسی شعر گفته و اشعارش دارای ذوق عرفان و اندیشه‌های عمیق است. اقبال در کشورهای انگلستان و آلمان تحصیل کرده است، از اینرو افکار تمدن مغرب زمین را با اندیشه‌های دقیق شرقی در شعر آمیخته است. آثار او در مجموعه‌هایی به نام: جاویدنامه، پیام شرق، اسرار ورموز، ارمغان حجاز، چاپ شده است.

اقتباس (ب) آن است که گوینده یا نویسنده آیه‌ای از قرآن یا قسمتی



از حدیثی یا قطعه‌ای را از جایی نقل کند بی آنکه نام مأخذ را ذکر کند :

محتسب خم شکست و من سر او

سن بالسن و الجروح قصاص

«حافظ»

صورت اقبال ترا بر جبین

انا فتحنا لك فتحاً مبین

«سلمان سارحی»

اقتران (نج) «رجوع شود به قران»

اقلیدس (ت) [ف : در حدود ۲۸۵ قبل از مسیح] ریاضی دان بزرگ

یونان و واضع علم هندسه . وی پس از بسته شدن مدرسه افلاطون از آتن به اسکندریه رفت و در آنجا مدرسه‌ای برای تدریس علم ریاضی تأسیس کرد و بطلموس نزد وی شاگردی کرد . از آثار وی کتاب : اصول الهندسه می باشد که در زمان وی کاملترین کتاب در این علم بود . این کتاب شامل سیزده مقاله است و به وسیله مترجمان دوره اسلامی به عربی ترجمه شده و بر آن شرح بسیار نوشته شده است . دیگر کتاب : مفروضات و ثقل و خفت می باشد .

اقوا (ق) از عیوب قافیه . اختلاف حدو و توجیه است .

مثال اختلاف حدو :

هر وزیر و مفتی و شاعر که او طوسی بود

چون نظام‌الملک و غزالی و فردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصه هجران تو دل پر دارم

پیوسته از آن دیده به خون تر دارم

اکبرنامه (ک) یا تاریخ اکبری تاریخ مفصلی است به زبان فارسی تألیف شیخ ابوالفضل دکنی ، وزیر اکبرشاه که آن را در آخر قرن دهم هجری در هندوستان و درباره تاریخ پادشاهی اکبرشاه و تیموریان هند تألیف کرده است . این کتاب در سه جلد است و جلد چهارم آن به نام آئین اکبری معروف است .

البرز (ش - ت) نام سلسله کوهی که در شمال تهران واقع است و برطبق داستان شاهنامه ، رستم کیقباد را از آنجا همراه آورد و بر تخت شاهی نشاند و سیمرغ زال را بر فراز آن پرورش داد .

اگر کیقباد ز البرز کوه	به زاری فتاده میان گروه
نیاوردمی من به ایران زمین	نبتستی کمر بند و شمشیر کین
ترا این بزرگی نبودی و کام	که گوئی سخنها به دستان سام

«از شاهنامه فردوسی»

التزام (ب) آن است که شاعر حرفی یا کلمه ای را تکرار کند که تکرارش

لازم نیست مانند سنگ و زر و سیم در این اشعار

تا دلبر سنگدل زر و سیمم خواست

از سنگ زر و سیم تراشم چپ و راست

با سنگدلان به سیم و زر شاید زیست

بی سنگی ما زبی زر و سیمی ماست

التفات (ب) آن است که نویسنده در اثنای بیان مطلب ، از غیبت به

خطاب توجه کند یا به عکس

از غیبت به خطاب :

مه است این یا ملک یا آدمیزاد

توئی یا آفتاب عالم افروز

«سعدی»

## از خطاب به غیبت :

داد ساقی ساغری دوشم ز صهای وصول

شستی ای ساقی مرا از لوح دل نقش فضول

الست (تن) یعنی «آیا نیستم» اشاره به آیه قرآن است که در آن خداوند به آدمیان خطاب کرد که «الست بربکم» یعنی «آیا من پروردگار شما نیستم» «قالوا بلی!» یعنی «گفتند که آری» و در شعر فارسی به معنای روز ازل آمده است.

برو ای زاهد و بر درد کشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه به ماروزالست

«حافظ»

الف لیله و لیله (ك) «رجوع شود به هزار و يك شب»

امام فخر رازی (ت) «رجوع شود به فخر رازی»

امامی هروی (ت) [ف : ۶۶۷] ابو عبدالله محمد بن ابوبکر بن عثمان .  
از شاعران قرن هفتم و معاصران سعدی . امامی با مجد همگرو  
شاعران دیگر سؤال و جواب منظوم داشته و اشعاری در مدح امیران  
و وزیران کرمان دارد .

از مجدالدین همگر شعری منقول است که در معرفی امامی

کافی است .

ما گرچه به نطق طوطی خوش نسیم

بر شکر گفته‌های سعدی مگسیم

در شیوه شاعری به اجماع امم

هرگز من و سعدی به امامی نسیم

قطعاتی از اشعار امامی در تذکره دولتشاه و آتشکده آذر

و مجمع الفصحاح ضبط است و نسخه خطی دیوان او هنوز به چاپ نرسیده است .

امروء القیس (ت) امروء القیس بن حجرالکندی از شاعران دوره جاهلیت عرب و صاحب مشهورترین قصیده معلقات سبع . در این قصیده امروء القیس صید و اسب و باران و برق را وصف کرده و مطلع آن زاری بر خرابه های خانه معشوق است :

قفا نیک من ذکری حیب و منزل

بسقط اللوی بین الدخول فحومل

شاعران فارسی زبان در شعر خود گاه به این شعر امروء القیس اشاره کرده اند :

فوس و قزح قوس وار، عالم فردوس وار

کبک مرو القیس وار کرد قفا نیک یاد

«منوچهری»

امیهات سفلی یا امیهات اربعه (نچ) کنایه از چهار عنصر: آب و باد و خاک و آتش.

امیدی قهرآخی (ت) ارجاسب [مقتول ۹۲۵] از شاعران عهدشاه اسمعیل صفوی و از شاگردان حکیم جلال الدین دوانی . بیشتر اشعارش قصیده است و قسمتی از آنها که شامل ۱۷ ورق می باشد ، در موزه بریتانیا وجود دارد . در مجمع الفصحاح و آتشکده اشعاری از او آمده است .

امیر خسرو دهلوی (ت) [ ف : ۷۲۵ ] امیر خسرو بن امیر سیف المدین محمود دهلوی . از شاعران بزرگ ایران که در هندوستان ( شهر

دهلی) اقامت داشته و شاهان هند را مدح کرده است. امیر خسرو در حلقهٔ ارادت یکی از مرشدان صوفیهٔ هند به نام شیخ نظام‌الدین اولیاء در آمد.

امیر خسرو در شعر از سنائی و خاقانی و نظامی و سعدی پیروی کرده، خاصه در غزل پیرو سبک سعدی بوده است، ولی خود او با وجود پیروی از شاعران دیگر می‌گوید: «جلد سخنم دارد شیرازۀ شیرازی» در شعر لحن خاصی دارد که به تدریج صورت تازه‌ای یافته و به سبک هندی معروف شده است. دیوان اشعار امیر خسرو بر پنج قسمت است:

۱ - تحفة الصغر که در دوران جوانی سروده و مرکب است از قصاید، غزلیات، ترجیع‌بند و در آن سلطان غیاث‌الدین بلبان (۶۶۴ - ۶۸۶) و پسرش و شیخ نظام‌الدین اولیاء را مدح کرده است.

۲ - واسطه الحیوة که در آن قصایدی در مدح شیخ نظام‌الدین اولیاء و نصرة‌الدین سلطان محمد، پسر بزرگ (بلبان مقتول ۶۷۳)، و سلطان معز‌الدین کیقباد (۶۷۶ - ۶۸۹) دارد.

۳ - غرة الکیمال که در مقدمهٔ آن از شعر فارسی و محسنات آن سخن گفته و از شاعران بزرگ ایران، مانند سنائی و خاقانی و سعدی و نظامی نام برده و شیخ نظام‌الدین اولیاء و سلطان معز‌الدین کیقباد و جلال‌فیروز شاه (۶۸۹ - ۶۹۵) و جانشین‌های او رکن‌الدین و علاء‌الدین را مدح کرده است.

۴- بقية النقيه که قسمتی از آن در مدح علاء الدین محمد شاه (۶۹۵-۷۱۵) و پسرش و امیران دیگر است و در زمان پیری شاعر سروده شده است .

۵- نهاية الكمال که شامل قصاید در مدح سلطان غیاث الدین تغلق (۷۲۰-۷۲۵) و در مرثیه سلطان قطب الدین مبارک شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دوره آخر زندگی شاعرست .

قصاید امیر خسرو بسیار طولانی است و در بسیاری از آنها قصاید خاقانی را در نظر داشته است و به نظامی هم عقیده خاصی داشته و به تقلید از او خمسه‌ای ساخته است ، مشتمل بر منظومه‌های : ۱- مطلع الانوار ۲- شیرین و خسرو ۳- مجنون و لیلی ۴- آئینه اسکندری ۵- هشت بهشت

امیر خسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران السعدین و نه سپهر و مفتاح الفتوح دارد که در شرح حال و اوصاف شاهان هند است. از کتابهای منشور او خزائن الفتوح است ، دیگر رسایل الاعجاز در فن انشاء .

امیر خسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید . (کلیات امیر خسرو دهلوی چاپ هند)

امین احمد رازی (ت) از تذکره نویسان قرن یازدهم و معاصر شاه طهماسب . وی پسر خواجه میرزا احمد است که در سال ۹۳۰ از جانب شاه طهماسب ، کلانتری ری را داشته است ، امین احمد رازی کتابی در

جغرافیا و شرح حال بزرگان و رجال ادب دارد، به نام هفت اقلیم.  
امینی نجار (ت) ابوسرافه عبدالرحمن بن احمد البلخی الامینی النجار.  
 از شاعران عصر محمود غزنوی. از زندگیش اطلاعی در دست  
 نیست. قصیده‌ای از او در لباب‌الالباب عوفی ضبط است.  
انسجام (ب) کلامی است خالی از تکلف و روان که همه کلمات در آن  
 به موقع آورده شود:

آخر نگهی به سوی ما کن

دردی به تفقدی دوا کن

بسیار خلاف وعده کردی

آخر به غلط یکی وفا کن

«صدی»

انفعال (ط) (از مقولات عشر) انفعال عبارت است از قبول کردن تأثیر از  
 غیر. مثل گرم شدن آب از آتش.

انقلاب (نج) دو نقطه از منطقه البروج است که زمین چون در گردش  
 خود به دور آفتاب به آن نقاط می‌رسد، شب و روز به حداعلای  
 تفاوت باهم می‌رسند. انقلاب بردوگونه است: انقلاب صیفی،  
 انقلاب شتوی.

انقلاب شتوی (نج) یا انقلاب زمستانی در روز اول زمستان است که روز  
 به منتهای کوتاهی و شب به منتهای بلندی می‌رسد.

انقلاب صیفی (نج) یا انقلاب تابستانی در روز اول تابستان است که روز  
 به منتهای بلندی و شب به منتهای کوتاهی می‌رسد.

انگشتری سلیمان (تن) انگشتری که سلیمان در دست داشت و به وسیله

آن برانسان و جانوران پسادشاهی می کرد و دیوی آن را ربود و  
چهل روز بجای سلیمان بر تخت نشست .  
از ملك تو گر یابم انگشتی زنهار  
صد ملك سلیمانم در زیر نگیب باشد

«حافظ»

ادوار (ت) [ف: ۸۳۷] سیدعلی بن هرون بن ابوالقاسم الحسینی التبریزی.  
سید قاسم الانوار از اکابر صوفیه و شاعران عارف و شاگرد شیخ  
صدرالدین اردبیلی از اجساد صفویه بوده است . وی مدتی در  
گیلان اقامت کرد ، بعد به خراسان رفت و در هرات ساکن شد .  
در زمان سلطنت تیمور و فرزندش شاهرخ در هرات می زیسته است،  
ولی به سبب سوء ظنی که میرزا بایسنقر پسر شاهرخ به او پیدا  
کرده بود ، از هرات به سمرقند رفت و تحت حمایت میرزا الخلیف  
قرار گرفت ، بعد به خراسان بازگشت و در خرجرد از ولایت جام  
اقامت کرد و همانجا وفات یافت .

از آثار قاسم الانوار دیوان غزلیات و قطعات و رباعیات او  
و دو مثنوی : انیس العاشقین و انیس العارفين است . «رجوع شود  
به انیس العارفين» (نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار)  
ادوار التتمیزیل و اسرار التأویل (ک) یا تفسیر بیضاوی. تفسیر بسیار معتبری  
از قرآن به زبان عربی تألیف ناصرالدین بیضاوی از عالمان و  
مفسران مشهور عصر مغول . تفسیر بیضاوی در میان عالمان و فاضلان  
بسیار معتبر و مورد استفاده بوده است، و به سبب همین تفسیر معروف  
است که بیضاوی به مقام قاضی القضاتی رسیده است. شیخ بهائی بر این



تفسیر حواشی و تعلیقات مفصل نوشته است .

انوار سهیلی (ک) یکی از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی، تألیف ملا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به نام امیر شیخ احمد سهیلی از امیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است. این کتاب از روی کتاب کليلة و دمنه ابوالمعالی منشی انشاء گردیده و مانند آن پراز اشعار و امثال عربی است، مؤلف انوار سهیلی خواسته است که کتابش را به شیوه ساده بنویسد و به جای امثال و اشعار عربی و عبارات مصنوع اصطلاحات ساده تر و امثال فارسی به کار برد تا فهم آن آسانتر گردد .  
با اینحال شیوه نگارش کتاب تابع سبک متکلف قرن نهم هجری است و از لفاظی و عبارت پردازی خالی نیست .

انوشیروان (ش-ت) خسرو اول از شاهان ساسانی ، پسر قباد. نام او در عربی به صورت «کسری» آمده و در ادبیات فارسی نیز غالباً به همین صورت به کار رفته است. در زمان پدرش، قباد، مزدك آئین نوی آورد و قباد دین او را پذیرفت، ولی پس از چندی از او روبرو گرداند و کسری به فرمان پدر مزدك و مزدکیان را کشت و چون به تخت نشست به کشورداری و آبادی پرداخت، دختر خاقان چین را گرفت و دوستی ایران و چین را استوار ساخت. در زمان انوشیروان شطرنج از هند به ایران آمد، همچنین به دستور انوشیروان ، کتاب کليلة و دمنه بوسیله برزویه طبیب به ایران آورده شد و به زبان پهلوی ترجمه گردید. همین ترجمه است که در قرن دوم هجری ابن مقفع آن را به عربی برگرداند .  
انوشیروان با قیصر روم جنگید و بر او پیروز شد و قیصر را باژگزار

ایران کرد .

در ادبیات فارسی ، انوشیروان نمونه دادگری و رعیت پروری است .

انوری (ت) [ف: ۵۸۳] اوحدالدین محمد بن محمد انوری ملقب به حجة الحق در قریه بدنه از ولایت ایبورد متولد شد. در جوانی در طوس به تحصیل همت گماشت و علاوه بر ادبیات، در ریاضی و فلسفه و حکمت نیز مهارت یافت. به آثار ابوعلی سینا علاقه بسیار داشت و بعضی از آنها را به خط خود نوشت . انوری به نجوم هم علاقه خاص داشت و می گویند که در اقران کواکب سال ۵۸۳ پیشگویی بادسختی را کرد که حقیقت نیافت .

انوری غیر از سنجر بسیاری از رجال معروف از قبیل ابوالحسن عمرانی و قاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» را مدح گفته است.

انوری از قصیده سرایان معروف قرن ششم است. وی ابتدا در شعر «خاوری» تخلص می کرده و در قصیده سرائی از حیث فصاحت لفظ و دقت معنی از پیشینیان سبقت گرفته است . غزلیاتش بسیار لطیف و دل انگیز است و در هجو نیز ماهر بوده است.

انوری در تغییر سبک سخن فارسی بسیار مؤثر بوده و طریقه تازه او استفاده از زبان محاوره است در شعر . اشعارش گاه سادگی و روانی خاصی دارد و گاه دارای معانی دقیق و مشکل می شود. شاعران پس از انوری همه او را به استادی ستوده اند. دیوان انوری چندین

بار چاپ شده است .

انیس العارفين (ك) منظومه‌ای عرفانی از آثار سید قاسم الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نثر در حمد خدا و ۵۰۷ بیت است. موضوع کتاب پاسخ به پنج سؤال است این سؤاها عبارت است از نفس ، روح ، قلب ، عقل ، عشق ، که شاعر در توضیح هر يك داستانی آورده است. از جمله داستان ملاقات شیخ صفی‌الدین جد صفویه با شیخ سعدی شیرازی است. این مثنوی از حیث سبک بیان و ادای معانی ، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین و بوستان سعدی .

اوحدالدین کرمانی (ت) [ف : ۶۳۵] شیخ ابو حامد اوحدالدین کرمانی از عارفان معروف ایران و از پیروان و شاگردان شیخ محی‌الدین بن العربی. از اوحدالدین آثار فراوانی در دست نیست . مثنوی مصباح‌الارواح از او باقی است و قطعات پراکنده‌ای در مجمع‌الفصحا از او نقل شده است .

اوحدی مراغه‌ای (ت) [ف ۷۳۸] رکن‌الدین اوحدی اصفهانی از شاعران متصوف آذربایجان که قسمت مهمی از عمر خود را در اصفهان بسر برده است. در عرفان به يك واسطه مرید عارف معروف شیخ ابو حامد اوحدالدین کرمانی ( متوفی ۶۳۵ ) بوده و تخلص خود را از او گرفته است .

اوحدی در دوره سلطنت آخرین ایلخان مغول ، ابوسعید ، می‌زیسته ، او و غیاث‌الدین محمد رامدح گفته است. دیوان اوحدی

مرکب است از قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات. در غزل عرفانی نیز دست داشت. از آثار دیگر او مثنوی منطق العشق است که آن را در سال ۷۰۶ به نام وجیه الدین شاه نبیره خواجه نصیرالدین طوسی ساخته است. دیگر مثنوی معروف جسام جم است. «رجوع شود به جام جم»

اوستا (ك) کتاب دینی زردشت پیغمبر ایرانی که شامل پنج جزء است :  
 ۱- یسنا که گاتا (سرود زرتشت) جزو آن است ۲- ویسپرد ۳- وندیداد  
 ۴- یشت ۵- خرده اوستا

پور داود استاد دانشگاه تهران اوستا را به فارسی امروز برگردانده و تفسیر کرده است (از سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی).

اوصاف الاشراف (ك) کتابی در عرفان و سلوک به زبان فارسی، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که آن را بنا به خواهش وزیر دانشمند، خواجه بهاءالدین محمد جوینی، تألیف کرده است. (چاپ تهران)  
 اهریمن (تن) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناپاکی و تیرگی که پیوسته با اهورا مزدا، خدای پاکی و صفا و نور، در جنگ است. اهریمن گاهی اشاره به دیوی است که انگشتر سلیمان را به دست آورد و چهل روز بجای او بر تخت نشست. شیطان هم گاهی در فارسی اهریمن خوانده می شود :

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

اهلی قرشبنزی (ت) [ف: ۹۳۴] یا اهلی خراسانی از جمله شاعران دربار سلطان حسین و امیر علیشیر نوایی. اشعار وی در هندوستان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهلی شیرازی (ت) [ف: ۹۴۲] از شاعران قرن دهم و از معاصران شاه اسمعیل صفوی. اشعارش شامل قصاید و غزلیات است. قصاید متعددی در منقبت پیغمبر اسلام دارد. از آثار اهلی مثنوی سحر حلال است که آن را در جواب تجنیسات و مجمع البحرین کاتبی به دو بحر و دو قافیه سروده است. دیگر شمع و پروانه و مجموعه رباعیاتی به نام ساقی نامه است.

ایاز (ت) نام غلام ترک سلطان محمود که محبوب او بود و به زیرکی و ملاحظت معروف، و در ادبیات فارسی به عنوان محبوب و معشوق محمود ذکر شده است:

دست دل مجنون و خم طره لیلی

پیشانی محمود و کف پای ایاز است

«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش از الفاظ باشد :

عشق دیدم که در مقابل صبر

آتش و پنبه بود و سنگ و سیوی

«سعدی»

ایجی (ت) [ف: ۷۵۶] مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ایجی، از عالمان معروف فارس و از قصبه ایج. وی معاصر شیخ ابواسحق اینجو و سلسله آل مظفر است. قاضی عضدالدین فقیهی شافعی است که به منصب قضا اشتغال داشته است. آثار بسیار در فلسفه و کلام و

مذهب و اخلاق به زبان عربی دارد که از معروفترین آنها کتاب  
المواقف فی علم الکلام است و از متون معتبر علم کلام به شمار  
می رود .

ایران‌شاه بن ابی‌الخیر (ت) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر سلطان  
محمد بن ملک‌شاه سلجوقی که داستان بهمن پسر اسفندیار را در حدود  
سال پانصد هجری به نظم آورده است.

ایرج (ش - د) پسر فریدون، از شاهان سلسله پیشدادی . چون فریدون  
کشور خود را میان پسران تقسیم کرد و ایران و عربستان را به ایرج  
داد، برادران که از سهم خود ناراضی بودند، بروی حسد بردند و  
اورا کشتند و سرش را نزد پدر فرستادند.

ایرج (ت) [ ف ۱۳۰۴ ش ] ایرج میرزا ملقب به جلال‌الممالک فرزند  
غلامحسین میرزا نواده فتحعلیشاه ، از شاعران معروف معاصر .  
تحصیلات فارسی و عربی را در تبریز انجام داد و زبان فرانسه آموخت  
و مورد تشویق مرحوم حسنعلی خان امیر نظام گروسی قرار گرفت .  
ایرج در نوزده سالگی وارد خدمت دولتی شد ، ابتدا در گمرک  
مشغول شد ، سپس به ریاست کابینه وزارت معارف و ریاست  
دفتر ایالتی آذربایجان و معاونت حکومت اصفهان و سرانجام به  
معاونت مالیه خراسان منصوب گشت . ایرج سفری هم به اروپا  
کرد و پس از بازگشت در تهران به مرض سکتة قلبی درگذشت . وی  
در ده سال آخر عمر خود در شعر سبک خاصی اختیار کرد ، افکار تازه و  
مضامین نورا در شعر وارد کرد . وی اشعار هزل آمیز بسیار دارد و روانی

وسادگی اشعارش سبب شده است که بعضی از آنها زبانه‌زد خاص و عام گردد. دیوان ایرج چندین بار به چاپ رسیده است. ایطاء (ق) از عیوب قافیه. ایطاء بر دو قسم است: ایطاء جلی، ایطاء خفی. ایطاء جلی آن است که قافیه تکرار شود؛ مانند:

در این زمانه بتی نیست از تو نیکو تر

نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق تر

ایطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید را تکرار

کنند:

آن شنیدم که وقت زادن تو همه خندان شدند و تو گریان

تو چنان زی که وقت مردن تو همه گریان شوند و تو خندان

ایلاق (ت) ترکی کشی ایلاقی. از حال او اطلاعی در دست نیست وی از ناحیه ایلاق نزدیک چاچ در ماوراء النهر است. در ترجمان البلاغة و در حدائق السحر و مجمع الفصحاء اشعاری از حسین ایلاقی نقل شده که در قرن چهارم می زیسته است و گویا همین شخص باشد. آین (ط) از مقولات عشر. مفهوم «این» نسبت جسم است به مکان؛ یعنی «کجا بودن»

ایوب (تن) از پیغمبران که در صبر و تحمل رنج مشهور است. در روایت است که خدای تعالی او را به بلاها مبتلا کرد و صبرش را آزمود، ابتدا مال او را گرفت و فقیرش گردانید، سپس فرزندانش مردند و خود او بیمار شد و در بدنش کرم افتاد، اما او فنالید و صبر کرد، پس خدای تعالی او را بخشود و چشمه آب زیرپایش روان کرد. ایوب خود را با آب شست و صحت یافت و آن چشمه به عین ایوب

معروف گشت که هر بیماری خود را در آن می‌شست شفا می‌یافت .  
 صبر ایوب در ادبیات فارسی مثل است .  
 ایهام (ب) آن است که گوینده در استعمال يك کلمه دو معنای نزدیک و  
 دور را در نظر گیرد:

زگریه مردم چشم نشسته در خون است

بین که در طلبت حال مردمان چون است

شاهد بر سر کلمه «مردم» است که يك معنی آن سیاهی

چشم و معنی دیگر آن انسان است . یا :

قاضی شهر عاشقان باید که به يك شاهد اختصار کند

هر شبی یار شاهی بودن روز هشیاریت خمار کند

«سعدی»

مراد کلمه «شاهد» است که به معنی «گواه» و «خوبرو»

است .



## ب

بابا افضل کاشی (ت) «رجوع شود به افضل‌الدین کاشی»

بابا طاهر (ت) [ف: در حدود ۴۱۰] از شاعران عارف‌قرن پنجم. اصلش از همدان است و از زندگیش اطلاعات فراوانی در دست نیست. از آثار او مجموعه کلمات قصاری است به عربی، شامل عقاید متصوفان. دیگر مجموعه دوبیتی‌های عارفانه و لطیف اوست که به لهجه لری سروده شده و از نوع «فهلویات» است. بابا طاهر در این دوبیتی‌ها از وحدت عالم وجود و تنهایی و ناچیزی و پریشانی و اشتیاق معنوی خود گفتگو کرده است. ترانه‌های باباطاهر در کمال سادگی و بی‌پیرایگی دارای لطف خاص و نفوذ بسیار است.

دیوان باباطاهر چندبار در تهران به چاپ رسیده است.

بابا فغانی (ت) [ف ۹۲۵] از شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم و معاصر صفویه. تولد او در شیراز است و پس از چندی به هرات عزیمت کرد و در آنجا به خدمت مولانا جامی رسید و از هرات به

آذربایجان رفت و مدتی در تبریز اقامت کرد و در دربار سلطان یعقوب آق قویتلو تقرب یافت و در سلك شاعران دربار او قرار گرفت . پس از فوت سلطان یعقوب و آشفتگی اوضاع به شیراز و پس از آن به خراسان رفت و در آنجا عزلت گزید . غزلهای باباغانی بسیار پرسوز و حاکی از دردمندی است که پیروان بسیار یافته خاصه در هندوستان . (دیوان باباغانی ، چاپ تهران)

بابا کوهی (ت) [ف : ۴۴۲] ابو عبدالله علی از عارفان و مرشدان قرن چهارم هجری . بابا کوهی پس از طی مراحل اولیه سلوک در شیراز ، به سفر پرداخت و در نیشابور به خدمت امام قشیری و شیخ ابوسعید ابی الخیر رسید ، سپس به بغداد رفت و با منصور حلاج ملاقات کرد و از آنجا به شیراز مراجعت کرد و منزوی شد و در صومعه‌ای به عبادت پرداخت . جامی درباره او گوید :

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

باخرزی (ت) [مقتول در ۴۶۸] ابوالقاسم علی بن ابوالحسین بن ابی الطیب باخرزی . از شاعران و نویسندگان قرن پنجم . پس از آموختن علم دین به علوم ادبی روی آورد و در شعر و نثر عربی و فارسی مشهور شد . عوفی او را کاتب سلطان رکن الدین طغرل سلجوقی می‌داند . دیوان عربی باخرزی مشهور است و عوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی او را به نام طرب‌نامه ذکر کرده است . اثر معروف او کتاب : *دمية القصر وعصرة اهل العصر* است در شرح حال

عده‌ای از ادیبان و شاعران و رجال .

باخرزی (ت) [ف: ۶۲۹] سیف‌الدین ابوالمعالی سعیدبن مظفر باخرزی از شاعران اواخر قرن ششم و از مشایخ صوفیه . مدت درازی از عمر را در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقهٔ کبرویه گردید . سیف‌الدین باخرزی معاصر شیخ فریدالدین عطار و شیخ مجدالدین بغدادی بوده است . رساله‌ای به فارسی در معنی عشق دارد و در نظم و نثر آثاری از او باقی است .

باد (تن) در داستان سلیمان ، باد فرمانبردار او بود و او را از شهری به شهری می‌برد :

اندر آن موکب که بر پشت صبا بتند زین

با سلیمان چون براتم من که مورمرب است

«حافظ»

باربد (ت) رامشگر معروف دربار خسرو پرویز :

خاصه که به هر طرف نشسته است

صد باربد از هزار دستان

«خاقانی»

بایزید بسطامی [ف : ۲۶۱] طیفوربن عیسی بن سروشان بسطامی

ملقب به سلطان‌العارفین از مشایخ عالی مقام صوفیه که پدرش از بزرگان بسطام بود . بایزید پس از کسب علم از بسطام به شام رفت و سی سال در آنجا اقامت گزید و ریاضت پیش گرفت . از بایزید کرامات بسیار نقل می‌کنند و پیروان وی را «طیفوریه» می‌خوانند .

بایقرا (ت) «رجوع شود به سلطان حسین بایقرا»

بت آزر (تن) اشاره به بت‌هایی که آزر بت تراش، پدر ابراهیم پیغمبر می‌تراشید و در شعر فارسی کنایه از خوبرو است :

دگر بروی کسم دیده بر نمی‌باشد

خلیل من همه بت‌های آزر بشکست

«سدی»

بتر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع جب و خرم است که حذف میم و عی و لن باشد . می‌ماند ، فا ، بجای آن فع می‌گذارند و آنرا ابتر گویند .

در فعولن حذف فعو است که می‌ماند لن ، بجای آن فع می‌گذارند و آنرا ابتر خوانند.

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که بر انواع اوزان اطلاق می‌شود ، خلیل بن احمد که واضع علم عروض است ، در شعر عربی پانزده جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از :

طویل، مدید، بسیط، وافر، کامل، هزج، رجز، رمل، سریع، منسرح، خفیف، مضارع، مقتضب، مجتث و متقارب.

«به هر يك از این کلمات رجوع شود»

بختیارنامه (ك) یاراحة الارواح . کتابی که داستان آن به دوره پیش از اسلام و زمان ساسانیان می‌رسد و شامل سرگذشت بختیار و حوادثی است که بر او می‌گذرد و همچنین حوادثی که به شکل داستانهای مختلف در میان داستان اصلی می‌آید . بختیارنامه از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده و چند بار از زبان عربی به فارسی

برگردانده شده است . معروفترین تحریر آن به وسیله شمس‌الدین محمد دقایقی مروزی از عالمان و شاعران اواخر قرن ششم صورت گرفته است . بختیارنامه به اهتمام و تصحیح ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه تهران در سلسله انتشارات دانشگاه چاپ شده است .

بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان (ك) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل‌الدین ابو‌حامد احمدبن حامد کرمانی . این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان از دورهٔ قبل از اسلام و فتح آن به دست مسلمین و استیلای صفاریان و غزنویان و آل‌بویه و سلاجقهٔ قاوردی و انقلاب پس از آنها و تسلط ملک دینار و پسرانش و تسلط ملوک شبانکاره و اتابکان فارس و خوارزمشاهیان . بدایع‌الازمان مورد استفادهٔ حافظ ابرو و اغلب مورخان واقع شده است (چاپ تهران).

بدر (بج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب زمین است کاملاً روشن است و این حال در شب چهاردهم ماه ظاهر می‌شود :

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل یکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

بدر چاچی (ت) از شاعران دورهٔ مغول که شهرتش در هندوستان بیش از ایران است . اهل چاچ (از شهرهای ترکستان) است . از شعرهای او قطعاتی در تاریخ هندوستان به قلم Sir H. Elliot نقل شده است .

بدیع بلخی (ت) ابو محمد بدیع‌بن محمدبن محمود بلخی از شاعران

قرن چهارم . هدایت او را معاصر سلطان محمود غزنوی می‌داند و منظومه‌ای به نام «پندنامهٔ نوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی از آن را در تذکرهٔ مجمع‌الفصحی آورده است .

بدیع الزمان (ت) [ ف : ۳۹۸ ] ابوالفضل احمدبن حسن از ادیبان و نویسندگان قرن چهارم هجری . اولین کسی است که نثر مسجع عربی ساخت و سبک مقامه نویسی را به وجود آورد . بدیع‌الزمان علوم ادبی را در همدان نزد ابن‌فارس رازی فرا گرفت و بعد به خدمت صاحب‌بن‌عباد رسید . بدیع‌الزمان از لحاظ حافظه و احاطهٔ بر لغت و شعر و ادب در عصر خود ممتاز بود و در نظم و نثر عربی استاد . مقامات بدیع‌الزمان مرکب از پنجاه و یک مقامه است .

بِراعَة استهبال (ب) آن است که در مطلع قصیده یا دیباجهٔ کتاب عبارتی با الفاظ لطیف ذکر شود که با مطلب بعد مناسبت داشته باشد . مانند این شعر در اشاره به جلوس سلطان :

افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن

مقدمش یارب مبارک باد بر سرو و سمن

«حافظ»

بِراق (ن) اسبی که حضرت محمد ص در شب معراج بر آن نشست:

بِراقِ همش معراج پیمای      عقاب دولتش نهمت شکار است

«ابوالفرج رونی»

برج (نج) یکی از قسمتهای دوازده‌گانهٔ منطقهٔ البروج:

برج ثور است مگر شاخ سمن

که گلش را شبه پروین است

«ابوالفرج دوی»

برجیس (نج) ستاره مشتری:

دادد از لطف تو برجیس وز قهر تو زحل

این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار

«انوری»

برزونامه (ک) بزرگترین منظومه حماسی به زبان فارسی که به تقلید شاهنامه فردوسی ساخته شده است. این منظومه شامل روایاتی است در باره خاندان رستم و برزو پسر سهراب. داستان برزونامه کم و بیش شبیه داستان رستم و سهراب است، جز آنکه پایان غم انگیز سهراب را ندارد. مأخذ منشور کتاب ذکر نشده، اما روایات آن در بعضی از منظومه‌های حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده شده است. تاریخ نظم برزونامه کاملاً صریح نیست و آن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب معروف به عطائی رازی نسبت می‌دهند، که از شاعران قرن پنجم و دربار غزنویان است و مسعود سعد در مرگ او (۴۷۱) مرثیه‌ای ساخته است. نظم برزونامه بسیار محکم و سلیس است و گوینده در وصف میدانهای جنگ و پهلوانان قدرت بسیار بکار برده و در تقلید شاهنامه از دیگر حماسه سرایان پیش افتاده است.

برزویده (ش-ت) از طبییان مشهور در بار خسرو انوشیروان که از طرف آن شاه

به هندرفت و پس از توقف طولانی و تدابیر بسیار کتاب کلیله و دمنه را

به دست آورد و با خود از هند به ایران آورد و از زبان هندی به پهلوی ترجمه کرد.

بره (نج) برج بره یا برج حمل، ماه فروردین که در آن اعتدال ربیعی واقع می شود و شب و روز یکسان می گردد :

چو آمد به برج حمل آفتاب

جهان گشت با فر و آیین و آب

باید زانسان ز برج بره

که گیتی جوان گشت ازو یکسره

«فردوسی»

برهان (ت) محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. وی مؤلف کتاب برهان قاطع و از معاصران سلطان عبدالله قطب الدین شاه پادشاه شیعی مذهب هند است و کتاب خود را در سال ۱۰۶۲ به نام او تألیف کرده است.

برهان قاطع (ک) کتابی است در لغت فارسی تألیف محمد حسین بن خلف

تبریزی متخلص به «برهان» که کتاب را در سال ۱۰۶۲ در حیدرآباد دکن به نام عبدالله قطب شاه از شاهان هند تألیف کرده است .

مؤلف در کتاب از چهار فرهنگ که مورد مراجعه و استفاده

او بوده است، نام می برد. ۱- فرهنگ جهانگیری ۲- مجمع الفرس

سروری ۳- سرمه سلیمانی ۴- صحاح الادویه حسین انصاری

برهان قاطع به این سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که

پیش از او تألیف شده، استفاده بسیار کرده است، جامع لغات بیشتری



می باشد . مجموع لغات برهان در حدود بیست هزار و دویست کلمه است . (برهان قاطع چاپ تهران به تصحیح محمد معین ، استاد دانشگاه تهران)

برهانی (ت) [ف: در حدود ۴۶۵] امیرالشعرا عبدالملک برهانی از شاعران عهد سلجوقی که در دربار البارسلان می زیست و مورد اعتماد او بود . برهانی پدر امیر معزی شاعر معروف است که در زمان فوت ، پسر خود را به سلطان ملکشاه سپرده است .

بزرجمهر (ش-ت) یا بزرگمهر نام وزیر دانشمند انوشیروان . در ادبیات فارسی بارها به عنوان نمونه دانش و لیاقت و تقوی از او نام برده شده است :

بزم نوشیروان سپهری بود      کز جهانش بزرگمهری بود

«نظامی»

بزرجمهر قائنی (ت) امیر ابو منصور بزرجمهر قسیم بن ابراهیم قاینی از شاعران و ادیبان عصر غزنوی . وی در شعر عربی و فارسی استاد بوده است و ابیاتی از اشعار عربی او در لباب الالباب عوفی ضبط است . بسام کورد (ت) بسام کورد به روایت تاریخ سیستان از خوارج بود که به نزد یعقوب آمد و قصه کشته شدن عمار خارجی را به دست یعقوب ، به شعر فارسی سرود . بسام کورد را از جمله نخستین شاعران زبان فارسی ذکر کرده اند .

بستان السیاحه (ک) تألیف حاجی زین العابدین شیروانی . این کتاب در سال ۱۲۴۷ تألیف یافته و در حکم سفرنامه است . مؤلف سفرهای

طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان و قفقاز و آذربایجان و خراسان و افغانستان و هندو کشمیر و بدخشان و ترکستان و ماوراءالنهر و خلیج فارس و یمن و حجاز و مصر و شهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفر خود را در کتاب شرح می‌دهد، حاجی شیروانی شیعه و درویش نعمه‌اللهی بوده است .

بسحق اطعمه (ت) «رجوع شود به ابواسحق اطعمه»

بسیط (ع) از بحور شعر عرب و مرکب است از چهار بار مستفعلن فاعلن . این بحر در شعر فارسی متداول نیست و گاهی مثال آن را عروضیان به تکلف ساخته‌اند. مثال بحر بسیط مخبون : «مستفعلن فعلن ۲ بار در هر مصراع» :

روزم سیاه چر اگر تو سیاه خطی      اشکم عقیق چرا گر تو عقیق لبی

بشار بن برد (ت) از بزرگترین شاعران ایرانی قرن دوم هجری و از شاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می‌سروده است. وی در مباحثات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بوده است. بشار بن برد نابینا بود و سرانجام به جرم ارتداد در سال ۱۶۷ کشته شد.

بشار مرغزی (ت) از شاعران قرن چهارم هجری که قصیده خمریه معروفی دارد و مطلعش این است :

رز را خدای از قبل شادی آفرید      شادی و خرمی همه از رز شود پدید

بطلیموس (ت) منجم و جغرافیدان بزرگ یونان در قرن دوم میلادی. وی آثاری در موسیقی و جغرافیا و ریاضی دارد . مهمترین کتاب او :

«المجسطی» است شامل سیزده مقاله در نجوم. آثار بطلمیوس در تمدن اسلامی نفوذ بسیار داشته است.

بقراط (ت) طبیب و حکیم یونانی. وی را می توان پدر طب یونان دانست زیرا که وی اولین کسی است که با آثار خود اساس طب را برجا گذاشت و کتابهای او در اروپا و مشرق زمین نفوذ بسیار یافت. از آثار او می توان کتاب: امراض الحاده، کتاب البحران و کتاب طبیعة الانسان را نام برد.

بلعم جاعور (تن) عابدی از بنی اسرائیل که مطرود در گاه خدا شد. در قرآن وی به سگ تشبیه شده است: فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث وتر که یلهث (آیه ۱۷۵ سوره اعراف):

از مایه بیچارگی قطمیر مردم می شود

ماخولیای مہتری سگ می کند بلعام را

«سعدی»

بلعمی (ت) [ف: ۳۶۳] ابوعلی محمد بن ابو الفضل البلعمی وزیر معروف منصور بن نوح بن نصر سامانی که به امر این پادشاه مأمور ترجمه کتاب «الرسال والملوک» معروف به تاریخ طبری شد. پدرش ابو الفضل بلعمی وزیر مشهور اسمعیل بن احمد سامانی و احمد و نصر بوده است. ابوعلی محمد نیز مانند پدر علاوه بر مقام بزرگ سیاسی، در دانش و ادب نیز مقامی عالی داشت. ترجمه بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است. (تصحیح ملک الشعراء بهار، چاپ تهران ۱۳۴۱)

بلقیس (تن) ملکه سبا که سلیمان خبر قدرت او را شنید و آهنگ شهر او

کرد. بلقیس چون دانست او پیغمبر است به درگاهش روانه شد، ولی سلیمان از خدا خواست که تخت بلقیس، پیش از رسیدن خود او به درگاه حاضر شود به فرمان خدای تعالی تخت بلقیس در مجلس سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان آورد و به نکاحش درآمد.

حضرت بلقیس بانوی سبا                      بر سر عرش معلا دیده‌ام

«خاقانی»

بنات النعش (نج) از صور فلکی هفت ستاره؛ که نعش آن چهار ستاره است به شکل تخت در چهار گوشه و بنات آن سه ستاره است که به طول واقع شده است. بنات النعش را «هفت برادران» و «دب اکبر» نیز می‌خوانند.

بنات النعش گرد او همی گشت                      چو اندر دست مرد چپ فلاخن

«منوچهری»

بنماکتی (ت) [ف: ۷۳۱] ابوسلیمان فخرالدین داوود بناکتی یافناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر. وی از مورخان دوره مغول و ملک الشعرا در بارغان خان بوده است و چون از نزدیک باخارجیانی که از شهرهای دوره دربار غازان خان می‌آمدند، سروکار داشت اطلاعات جامعی درباره مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام تاریخ بناکتی منجر شد.

دوالبشر یا ابوالبشر (تن) «رجوع شود به آدم»

به صفای صفی حق آدم                      که سرانیا و بوالبشر است

«انوری»

دوزجانی (ت) [ف: ۳۸۷] ابوالوفا محمد بن محمد اهل بوزجان نیشابور

که در همین شهر به تحصیل ریاضی پرداخت و از آنجا به عراق رفت و به تألیف کتاب مشغول گشت. ابوالوفاء از مترجمان و ریاضی دانان مشهور قرن چهارم است. وی بسیاری از کتابهای ریاضی را از یونانی به عربی نقل کرده و خود نیز در ریاضیات و نجوم تألیفات دارد و از واضعان علم مثلثات است. از آثار او کتاب المجسطی است که شامل هفت جزء می باشد. دیگر: کتاب الکامل، کتاب الهندسه و کتاب فی مایحتاج الیه الکتاب و العمال من علم الحساب.

بوستان (ک) منظومه معروفی از آثار شاعر بزرگ ایران سعدی، که آن را در سال ۶۵۵ به نام ابوبکر بن سعد بن زنگی ساخته است. بوستان شامل چندین باب است در عدل و انصاف، احسان و بخشش، عشق و مستی، تواضع و فروتنی، تسلیم و رضا، آداب تربیت، شکر بر عافیت، توبه و انابه، مناجات و ختم کتاب.

سعدی مطالب این منظومه را با حکایتها و تمثیل های

شیرین می آمیزد و از وقایع سفر دراز خود شواهدی ذکر می کند.

بهار (ت) [ف: ۱۳۳۰ ش] محمد تقی ملک الشعراء متخلص به بهار

فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعراء آستان قدس رضوی.

بهار در سال ۱۳۰۴ ق در مشهد متولد شد و در همان شهر به

تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۸ روزنامه (نوبهار) را منتشر کرد

و در سال ۱۳۳۳ از مشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب

شد و به تهران آمد و روزنامه نوبهار را در تهران منتشر ساخت

و در ۱۳۳۵ انجمن ادبی دانشکده و مجله دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدیریت روزنامه ایران را به عهده داشت. بهار در هیجده سالگی پس از فوت پدر لقب ملك الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد. بهار در عالم سیاست مبارزاتی کرد تبعیدها و زندانها و محرومیتها دید و در بساره همه این حوادث اشعاری سرود. بهار در سال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به سمت معلمی تاریخ و ادبیات اشتغال ورزید، پس از آن به سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تهران منصوب گشت. کم کم از زندگی سیاسی کناره گیری کرده به توسعه آثار ادبی پرداخت. کتابهای مجمل التواریخ والقصص و تاریخ سیستان و جوامع الحکایات عوفی را تصحیح کرده با حواشی و تعلیقات به چاپ رسانده است. بهار علاوه بر احاطه بر ادبیات فارسی و عربی به خط و زبان پهلوی نیز مسلط بود و چند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند یادگار زریران و رساله مادیکان شترنگ.

از مهمترین آثار بهار دیوان اوست در دو جلد، شامل قصاید و قطعات و غزلیات. بهار در قصیده پیرو سبک خراسانی است. از آثار مهم دیگر او سه جلد کتاب سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی است که به وسیله وزارت فرهنگ به چاپ رسیده است.

آثار پراکنده مانند مقالات سیاسی و ادبی و تحقیقی

فراوان دارد که در روزنامه‌ها و مجله‌ها منتشر شده است. (دیوان- چاپ تهران)

بهارستان (ک) تألیف عبدالرحمن جامی که آنرا در سال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ساخته است. این کتاب به سبک گلستان سعدی می‌باشد و به تقلید از آن به هشت روضه تقسیم شده است. منظور نویسنده در این کتاب تذکر نکته‌های تربیتی و اخلاقی است و نثرش به صنایع لفظی آراسته است. (چاپ تهران)

بهاء ولد (ت) [ف: ۶۳۱] سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بلخی از بزرگان مشایخ صوفیه در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت و چون سخنوری او موجب توجه مردم گردیده بود، سلطان خوارزمشاه او را به ترک خراسان وا داشت. گویا وجود اختلاف نظر بین امام فخر رازی و بهاء‌ولد در این کار بی‌اثر نبوده است، زیرا که خوارزمشاه به امام فخر رازی ارادت می‌ورزیده است. بهاء‌الدین در حدود سال ۶۱۰ از خراسان مهاجرت کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد. شیخ کتاب اسرارنامه را به پسر او جلال‌الدین هدیه کرد. بهاء ولد سپس به بغداد و از آنجا به مکه رفت و چند سال در ملتیه ماند و به دعوت علاء‌الدین کیقباد سلجوقی به قونیه رفت و در آنجا به وعظ و ارشاد پرداخت و مریدان بسیار یافت و تا زمان مرگ همانجا ماند. از آثار معروف او المعارف است.

بهرام (نج) کره مریخ

بهرام تافت از فلک پنجمین همی

چونانکه دیده سرخ کند شرزه زبان

«انوری»

بهرام گور (ش - ت) بهرام پنجم پسر یزدگرد ساسانی . پدرش او را نزد منذرین نعمان فرمانروای حیره فرستاد تا تربیت شود . چون بهرام هنر و فرهنگ آموخت و از مرگ پدر خبر یافت و دانست که بزرگان یکی از شاهزادگان را به نام خسرو بر تخت نشانده اند، با سی هزار سوار به ایران آمد . ایرانیان تاج شاهی را میان دوشیر گذاشتند تا هر یک از دوشاهزاده که آن را برداشت بر تخت بنشیند . بهرام شیران را کشت و تاج را برگرفت و بر سر نهاد . بهرام گور در دوران شاهی پیروزیها یافت و داد بسیار کرد .

در ادبیات فارسی بهرام به رعیت پروری و تجمل و خوشگذرانی شهرت دارد . در شاهنامه فردوسی داستانهای متعددی از شکار و مجالس بزم بهرام و سرکشی و رسیدگی به وضع مردمان و طبقات مختلف ملت و دادگری او آمده است .

منظومه هفت گنبد یا بهرام نامه نظامی نیز درباره اوست . سرانجام بهرام هنگامی که در پی گورخری می‌تاخت ، به باتلاقی فرو رفت و ناپدید شد . رباعی ذیل از خیام اشاره بر سرگذشت و عاقبت اوست .

آن قصر که بهرام در او جام گرفت

آهو بچه کرد و گرگ آرام گرفت



بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«خیام»

بهرامی (ت) [ ف : اوائل قرن پنجم ] استاد ابوالحسن علی بهرامی سرخسی از شاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که در علوم ادبی استاد بود . نظامی عروضی کتابهای غایة العروضین و کنز القافیه و خجسته نامه را در علم عروض به او نسبت داده است . اشعاری از او در تذکره‌ها و کتابهای ادب ضبط است .

بهمن (ش - د) یا اردشیر دراز دست پسر اسفندیار ، که چون پدرش به دست رستم کشته شد ، رستم پرورش او را به عهده گرفت و به او هنر آموخت و چون پسر عزیزش داشت و چون بزرگ شد ، نامه‌ای به گشتاسب فرستاد و او را از کار بهمین آگاه کرد . گشتاسب بهمین را خواند و بهمین پس از گشتاسب به شاهی رسید . وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکر کشید و چون رستم در این زمان به حیلۀ برادرش شغاد کشته شده بود وی در گنج خاندان رستم را گشاد و گنجه‌ها را غارت و زال را اسیر کرد . فرامرز پسر رستم که شنید زال اسیر گشته است ، به جنگ بهمین آمد ولی شکست خورد و به دست او کشته شد . بهمین از کار خود پشیمان گشت و زال را آزاد کرد .

شنیدم من که برپای ایستاده رسیدی تا به زانودست بهمین

«منوچهری»

بهمینجنه (نج) بهمین روز یعنی روز دوم از ماه بهمین که پارسیان این

روز را جشن می‌گرفتند . این جشن تا چند قرن پس از اسلام نیز معمول بوده است .

رسم بهمن‌گیر و از نو تازه‌کن بهمنجنه

ای درخت ملک بارت عز و بیداری ته

«منوچهری»

بیان‌الادیان (ک) تألیف امیر ابوالمعالی محمد بن عبیدالله از سادات علوی و معاصر ناصر خسرو که این کتاب را به زبان فارسی در سال ۴۸۹ تألیف کرده است. بیان‌الادیان از جمله قدیمترین و مهم‌ترین کتابهای زبان فارسی در ممل و نحل است . (چاپ تهران)

بیان و تفسیر (ب) آن است که شاعر یا نویسنده کلام مجملی بیاورد و پس از آن به تفسیر پردازد :

دوکس رنج بیهوده برد وسی بیفایده کرد ، یکی آنکه

مال گرد کرد و نخورد و دیگر آنکه علم آموخت و عمل نکرد .

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه و در اصطلاح شعر عبارت است

از حد اقل شعر که از دوپاره ساخته شده و دارای وزن و قافیه واحدی

باشد . هر پاره يك بیت را مصراع گویند .

بیت‌الاحزان (تن) یا بیت‌الْحَزَن «رجوع شود به کلبه احزان»

وی ز هجرت بیتها بیت‌الْحَزَن

ای ز وصلت خانه‌ها دار الشفا

«سعدی»

بیدل (ت) [ف: ۱۳۳۳] ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل . از شاعران

فارسی زبان هند و از ترکان جغتائی که در هند متولد شده و در

آن کشور تربیت یافته است . بیدل آثار فراوانی به نظم و نثر دارد و در شعر صاحب شیوه خاصی است . در غزل عرفانی استادی دارد و اشعارش با استعاره و کنایه و مضامین پیچیده آمیخته است . از آثار معروف او مثنویهای عرفات ، طلسم حیرت ، طور معرفت است . دیوان اشعارش شامل غزل و قصاید و ترجیعات و مستزاد و هزلیات است .

بیرونی (ت) [ف : ۴۴۰] ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی . ابوریحان در سال ۳۶۲ در بیرون ، حوالی خوارزم ، متولد شد و تحصیلات خود را در خوارزم انجام داد سپس به دربار شمس المعالی قابوس بن وشمگیر رفت و مورد توجه او قرار گرفت و کتاب آثار الباقیه را در سال ۳۹۱ به نام او تألیف کرد . ابوریحان به خوارزم بازگشت و به دربار خوارزمشاهیان آل مامون پیوست و مورد احترام قرار گرفت و هنگامی که سلطان محمود غزنوی به گرگانچ دست یافت ، ابوریحان را به غزنین برد . ابوریحان در سفرهای سلطان محمود به هند با او همراه بود و با دانشمندان هندی مصاحبت و معاشرت کرد و از عقاید و علم آنها استفاده بسیار کرد و زبان سانسکریت را آموخت . بعد از سلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند و کتابهایی به نام او تألیف کرد .

ابوریحان فهرست کتابهای خود را تا سال ۴۲۷ یکصد و سیزده عدد شمرده است در مسائل هیئت ، نجوم ، تاریخ و جغرافیا ،

فیزیک ، اسمار و احادیث ، داروشناسی .

از جمله آثار معروف او کتاب: تحقیق ماللهند من مقوله مقبوله فی العقل او مرذوله در ذکر عقاید هندوان ، قانون مسعودی در هیئت و نجوم به نام سلطان مسعود غزنوی ، الدستور به نام شهابالدوله ابوالفتح مودودبن مسعود، الجماهر فی معرفة الجواهر در تحقیق فیزیکی بنام مودودبن مسعود ، التفهیم لاوائل صناعة التنجیم به نام ریحانه دختر حسین خوارزمی، آثارالباقیه عن القرون الخالیه .

ابوریحان در دوزبان پارسی و عربی استاد بود و از مفاخر

عصر خود به شمار می رفت .

بیژن (ش - د) پهلوان ایرانی ، پسر گیو که مطابق روایت شاهنامه ، خواستار جنگ با گرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین او را فریب داد و به دشتی راهنمائیش کرد که دختر افراسیاب در آن خیمه گاه افراشته و جشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شد و منیژه نیز شیفته وی گشت و او را به چادر خود خواند و پس از آن به کاخ خود برد. چون افراسیاب از وجود بیژن در قصر دختر آگاه شد ، بیژن را اسیر و در چاهی زندانی کرد و منیژه را سرپا برهنه از کاخ بیرون افکند . منیژه هر روز بر سرچاه می رفت و نانی را که از گدائی به دست آورده بود به بیژن می رسانید . سرانجام رستم در جامه بازرگانان به جستجوی بیژن به شهر توران آمد و به راهنمائی منیژه بر سرچاه رفت و بیژن

را نجات داد و به ایران آورد .

ثریا چون منیژه بر سر چاه دو چشم من بدو چون چشم بیژن

«منوچهری»

بیستون (م) نام کوهی نزدیک کرمانشاه که در داستان خسرو و شیرین،

فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن مشغول شد .

آواز تیشه امشب از بیستون نیاید

گویا به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

«رحقی»

بیضاوی (ت) «رجوع شود به قاضی بیضاوی»

بیهقی (ت) [ف: ۵۶۵] ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بن

الحسن البیهقی معروف به ابن فندق از دانشمندان قرن ششم و اهل

بیهق (سبزوار حالیه) . بیهقی معاصر شهرستانی صاحب ملل و نحل

بوده و در صغر سن زمان عمر خیام را دریافته است .

یاقوت در معجم الادباء هفتاد و چهار کتاب از تألیفات او را

ذکر می کند که متأسفانه از همه آنها جز چند کتاب در دست نیست .

از آثار بیهقی: تاریخ بیهق ، کتاب نحو ، جوامع الاحکام ، شرح

نهج البلاغه ، تمهة صوان الحکمة ، ذیلی بر تاریخ یمینی است موسوم

به مشارب التجارب و عوارب الغرایب که مشتمل بر وقایع تاریخی

ایران است در صد و پنجاه سال ، یعنی از همانجا که تاریخ یمینی

ختم می شود .

دیگر از تألیفات او کتابی است در امثال عرب موسوم به

غرر الامثال و درر الاقوال .

دیبهقی (ت) [ف: ۴۷۰] ابوالفضل محمدبن حسین از نویسندگان بزرگ قرن پنجم و معاصر غزنویان. دیبهبی در قریه حارث آباد از قراء دیبهبی متولد شد و تحصیلات خود را در نیشابور انجام داد. پس از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمودبن سبکتکین وارد شد و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت و نوزده سال منشی رسائل غزنویان بود و در زمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. دیبهبی مدتی به علت سعایت مخالفان در زندان بسربرد و پس از آزادی انزوا اختیار کرد و به تصنیف کتاب پرداخت. از آثار او یکی زینةالکتاب است که گویا در فن کتابت بوده و اکنون در دست نیست. دیگر تاریخ مهم اوست به نام تاریخ آل سبکتکین که قسمتی از آن به نام تاریخ مسعودی در دست است.



پازند (ك) چون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود و موجب خطا و اشتباهاتی می‌شد، برای آنکه رسالات و کتابهای مذهبی درست خوانده شود، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل می‌کردند. این‌گونه نقل متن پهلوی به خط اوستائی پازند خوانده می‌شود.

ای خوانده کتاب زند و پازند

زین خواندن زند آسا کی وچند

از فعل منافقی و بی باک

از قول حکیمی و خردمند

«ناصر خسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم :

نه من از خلوت تقوی بهدر افتادم و بس

پسدم نیز بهشت ابد از دست بهشت

«حافظ»

پروین (نج) «رجوع شود به ثریا»

آسمان گومفروش این عظمت کاندرا عشق

خرمن مه به جوی خوشه پروین به دو جو

«حافظ»

پروین اعتصامی (ت) [ ف: ۱۳۲۰ ش ] دختر یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک آشتیانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر . پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسه آمریکائی تهران به پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت . پروین در سال ۱۳۲۰ درس سی و پنج سالگی فوت کرد . اشعار او ابتدا در مجله بهار منتشر شد و نخستین مجموعه اشعارش در سال ۱۳۱۴ به طبع رسید . دیوانش شامل قصاید و مثنویات و قطعات است . پروین در قصیده از سبک شاعران خراسان پیروی کرده و مضامین اجتماعی و واقعی زندگی را در شعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیت خاطر بیچارگان نکته‌های لطیف و حکیمانه بکار برده است که اغلب آنها را از زبان بیچارگان یا گاهی از زبان طیور بیان می‌کند . دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است .

پدریشان (ک) کتابی به نثر تألیف قآنی شاعر بزرگ قرن سیزدهم . این کتاب به سبک گلستان سعدی نوشته شده و شامل پند و اندرز و قصه و همچنین حاوی مطالبی است در باره احوال مؤلف . (چاپ تهران)

پسر نوح (تن) فرزند نوح پیغمبر که با مخالفان پدر همراه شد و در



طوفان غرق گشت .

پسر نوح با بدان بنشست      خاندان نبوتش گم شد

«سندی»

پورجهای جامی (ت) از شاعران دوره مغول که وجیه الدین زنگی و طاهر فریومدی را مدح کرده و به خدمت صاحب‌دیوان جوینی هم رسیده است . دولت‌شاه قصیده‌ای شامل ۲۸ بیت از او نقل کرده که حاوی لغات مغولی و ترکی است . همچنین از پوربها قطعاتی مربوط به واقعه انهدام نیشابور بر اثر زلزله سال ۶۶۶ و تجدید بنای آن در سال ۶۶۹ به حکم آباقاخان باقی است که پر از صنایع لفظی می‌باشد .

پوردخت عمران(تن) «رجوع شود به عیسی»

ای زنده شد به تو تن مردم      ما نا که تو پور دخت عمرانی

«ناصرخسرو»

پوردستان (ش-د) «رجوع شود به رستم»

به مردی مرا پوردستان نکشت

نگه کن براین گز که دارم به مشت

«فردوسی»

پور زال (ش-د) «رجوع شود به رستم»

بدان کار خشنود شد پور زال      بزرگان که بودند با او همال

«فردوسی»

پور مریم(تن) «رجوع شود به عیسی»

راقی جان درمی دمل، چون پورمریم رقیه

ساقی ماهم می‌کند چون شیرحق کراری

«مولوی»

پیر کسی است که در خانقاه تربیت سالکان را بر عهده دارد. این شخص باید اجازه ارشاد از مشایخ صوفیه داشته و از علم طریقت و شریعت اطلاع کامل داشته باشد.

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما

چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما

«حافظ»

پیراهن یوسف (تن) چون برادران یوسف بر او حسد بردند، از پدر اجازه خواستند تا او را به صحرا ببرند، همینکه از چشم پدر غایب شدند، یوسف را در چاهی انداختند و کبوتری را کشتند و پیراهن یوسف را از خون او رنگین کردند و نزد پدر بردند و گفتند که گرگ یوسف را دریده و گواه پیراهن خونین اوست. یعقوب پس از آن آنقدر در فراق یوسف گریست که کور شد، اما یوسف به وسیله کاروانی از چاه بیرون آمد و به مصر رفت و بر اثر تعبیر خواب پادشاه، عزیز مصر گشت. در سالهای فراوانی گندم اندوخت و در سالهای قحطی از ذخیره به کار برد و فروخت. برادران یوسف برای خرید غله به مصر رفتند و پس از چند نوبت خرید، یوسف خود را به آنها معرفی کرد و پیراهن خود را برای یعقوب فرستاد. وقتی که برادران از مصر خارج شدند و سوی کنعان رفتند، یعقوب بوی پیراهن او را شنید و چون پیراهن را به او دادند، به چشم خود مالید و بینا گشت.

بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم

باد گوئی که بر پرغم کنعان آرد

«سید حسن غزنوی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می شتوم

شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

«حافظ»

پیرکنعان (تن) اشاره به یعقوب .

شنیده‌ام سخنی خوش که پیرکنعان گفت

فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

«حافظ»

پیرمغان کنایه از پیشوای طریقت و مرشد عارفان.

مشکل خویش بر پیرمغان بردم دوش

کوبه تأیید نظر حل معما می‌کرد . . .

«حافظ»

پیر و جوان (ك) نام مثنوی کوتاه ودلاویزی به بحر هزج مسدس محذوف.

گوینده این مثنوی میرزا نصیر اصفهانی طبیب کریم خان زند، بوده

است. مطلع مثنوی پیر و جوان این است :

شبی با نوجوانی گفت پیری      کهن دردی کشی صافی ضمیری



تاتار ولایتی که در شعر فارسی به داشتن مشک خوب معروف است.

در آن چمن که نسیمی وزد زطره دوست

چه جای دم زدن نافه‌های تاتاری است

«حافظ»

تاج (ک) یا اخلاق ملوک کتابی است به زبان عربی تألیف ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ از بزرگان ادب و تاریخ، کتاب تاج رسوم و قوانین و نظامات دربار خلفای عباسی را که با مشاهدات خود وی آمیخته است شرح می‌دهد و بیشتر آدابی است که ملت عرب بر اثر پیدایش اسلام از آداب ایرانیان اقتباس کرده‌اند. این کتاب به وسیله حبیب‌الله نوبخت به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۰۸ش در تهران به چاپ رسیده است.

تاج التراجم (ک) تاج التراجم یا تفسیر اسفراینی از تفسیرهای مهم به زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفر شاهپور آن را در قرن پنجم تألیف کرده است. این کتاب دارای چند مجلس است که در

هر مجلس سوره‌ای تفسیر شده است.

تاریخ ابوالفداء یا کتاب المختصر فی اخبار البشر (ک) تاریخی به زبان عربی در چهار جلد تألیف ابوالفداء. این کتاب شامل دو قسمت است: تواریخ قدیمه و تواریخ اسلامیة. قسمت اول دارای یک مقدمه و پنج فصل است در تاریخ انبیا و ملوک، شامل چهار طبقه: فراعنة مصر، ملوک یونان و روم، ملوک عرب قبل از اسلام، امام مختلف. قسمت دوم تواریخ اسلامیة از زمان حضرت محمد شروع می‌شود و به وقایع سال ۷۴۹ پایان می‌پذیرد.

ابوالفداء در قسمت اول به اختصار می‌کوشد ولی تاریخ حضرت محمد را با تفصیل بسیار شرح می‌دهد. وی مطالبی از تواریخ دیگران نقل می‌کند و از ایران همه جا با احترام نام می‌برد و عظمتش را می‌ستاید. نثر کتاب ساده و خالی از اغراق است.

تاریخ اکبری (ک) «رجوع شود به اکبرنامه»

تاریخ بخارا (ک) اصل تاریخ بخارا به زبان عربی و تألیف ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی است که آن را به نام امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر سامانی ساخته است. این کتاب ظاهراً پس از دو قرن یعنی در اوایل قرن ششم به وسیله ابونصر بن احمد بن محمد نصر القباوی به فارسی ترجمه شده است.

مترجم قسمتی از مطالب کتاب را که لازم نمی‌دانسته، حذف کرده و مطالب و اخبار سودمندی به آن افزوده است. ترجمه این کتاب به سال ۵۲۲ انجام گرفته است و پس از آن محمد بن زفر بن عمر ترجمه

قباوی را در تاریخ ۵۷۴ تلخیص کرده و به نام صدرالصدور صدرجهان برهان الدین عبدالعزیز بن مازه حاکم بخارا گردانده است. همین کتاب است که اکنون در دست می باشد. گویا پس از آن باز در این کتاب دستی برده شده و حوادث تاغلبه مغول و تسخیر بخارا به دست چنگیز بر آن افزوده شده است.

این کتاب شامل اطلاعاتی است درباره بخارا و فتح آن به دست مسلمین و اوضاع آن قبل از تسلط سامانیان. مؤلف علاوه بر تاریخ و جغرافی از فلاح و صنعت و اوضاع مذهبی و عقاید اهالی بخارا پیش از اسلام و از عادات قدیم محلی نیز گفته گو کرده است. نثر تاریخ بخارا بسیار ساده و بی پیرایه است. (چاپ تهران)

تاریخ بداونی (ک) کتابی در تاریخ عمومی هند تألیف عبدالقادر بداونی که وقایع را تا سال ۱۰۰۳ یعنی چهارمین سال سلطنت اکبر شاه شرح داده است. تاریخ بداونی از معتبرترین تواریخی است که در هند نوشته شده است.

تاریخ بگرامکه (ک) تاریخ بگرامکه حاضر ترجمه ای است از متن عربی و مترجم آن محمد بن حسین بن عمر هروی می باشد، زمان ترجمه کتاب معلوم نیست و مترجم همه حکایتها را بانقل از ابوالقاسم غسان، گرد آورنده اخبار آل برمک شروع می کند. موضوع اصلی کتاب شرح سجایا و سیر و وجود و سخای خاندان بگرامکه است که به صورت حکایت آمده است و بیشتر حکایتها مربوط به سه تن از مهمترین افراد این خاندان یعنی یحیی و دو پسرش فضل و جعفر می باشد. نثر فارسی کتاب

بسیار ساده و روان است و شاید بتوان گفت از نوع انشاء قرن پنجم است (با تصحیح و مقدمه مفصل عبدالعظیم قریب استاد دانشگاه - چاپ تهران)

تاریخ بلعمی (ک) تألیف ابوعلی محمد بن ابوالفضل بلعمی وزیر منصور بن نوح بن نصر. این کتاب ترجمه‌ای است از تاریخ الرسل والملوک تألیف محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰) که به سال ۳۵۲ انجام گرفته است. بلعمی در ترجمه کتاب طبری تغییراتی داده است. سلسله روایات و اسناد پیاپی را که برای خواننده فارسی زبان ملال آور است حذف کرده و بجای آن از منابع و ماخذ جدیدی که غالباً به روایات پهلوی متکی بوده، استفاده کرده است. بلعمی سبک سالنامه نویسی را مانند طبری به کار نبرده، بلکه وقایع را بر حسب ترتیب اقوام مختلف تقسیم کرده است. تاریخ بلعمی از نمونه‌های بسیار قدیم نثر فارسی است و ساده و طبیعی و دور از صنایع لفظی می‌باشد. (چاپ تهران)

تاریخ جنناکتی (ک) یا روضه اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب. تألیف ابوسلیمان داوود بناکتی که در سال ۷۰۷ هجری به زبان فارسی به نام سلطان ابوسعید تألیف یافته است. مؤلف در تألیف این کتاب بیشتر از همه از جامع التواریخ رشیدی استفاده کرده است. این تاریخ شامل نه قسمت است:

- ۱- انبیاء و اولیاء. ۲- پادشاهان قدیم ایران. ۳- پیغمبر اسلام و خلفا. ۴- سلاطین ایران و معاصران خلفاء بنی عباس. ۵- یهودیان. ۶- مسیحیان و فرنگیان. ۷- هندیان. ۸- چینیان. ۹- مغولان.



گرچه مؤلف در قسمتی که به ملل خارجی اختصاص دارد، به اختصار پرداخته است ولی اطلاعات ذیقیمت و حقیقی به دست می‌دهد و در کمتر تاریخی دربارهٔ اماکن و نفوس و حوادث تاریخی بیرون از دایرهٔ اسلامی تا این حد بحث شده است. شرح مذاهب مختلف در این کتاب منصفانه و خالی از تعصب است.

تاریخ بیهقی (ک) تألیف ابوالحسن بیهقی. موضوع تاریخ بیهق عبارت است از تاریخ این شهر (سبزوار حالیه) و شرح حال مشاهیر و رجالی که به آن منسوب اند، از هر دسته مانند عالمان، شاعران، ادیبان، وزیران، حکیمان، پزشکان، سادات، انساب خانواده‌های مشهور که از قدیم در آنجا اقامت داشته‌اند و همچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائل شهر و وجه تسمیهٔ آن و تقسیمات دوازده گانهٔ شهر در زمان عبدالله طاهر.

مؤلف در ضمن تاریخ بنای هر شهر داستانها و اتفاقاتی را که در آنجا افتاده است، نقل می‌کند، مانند سفرهای اشخاص بزرگ چون هارون الرشید و مأمون و ساختن مسجد جامع. مؤلف در ضمن وقایع همه‌جا حدیث‌های نبوی و آیات قرآن و اشعار عربی می‌آورد و سنوات تاریخ را به عربی ذکر می‌کند. عبارات فارسی در تاریخ بیهق اغلب با جمله‌های مطول عربی آمیخته و فرمانها و مثالها به عربی نقل شده است. (چاپ تهران)

تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) (ک) تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی؛ از تواریخ معتبر دورهٔ غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل

سبکتکین نام داشته و سی مجلد بوده است. تنها قسمتی که اکنون از این تاریخ بزرگ در دست است، قسمتی است به نام «تاریخ مسعودی» حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتکین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی و حکومت آلتون تاش تا غلبه سلاجقه. تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف در آن تنها به حوادث سیاسی دوره غزنویان اکتفا نکرده، بلکه کوشیده است که وقایع را با استدلال شرح دهد و علت قضایا و جنگها را بنویسد. بیهقی احکام و فرامین و نسخه‌ها را عیناً نقل می‌کند و برای آنکه کتاب جالبتر شود، وقایع را با حکایات تاریخی می‌آمیزد. اغلب به ذکر شاعران و اشعاری می‌پردازد که در کتابهای دیگر ذکر شده است. مؤلف آنچه را که شرح می‌دهد، یا خود شاهد آن بوده یا از راوی معتمدی نقل می‌کند و همه جا درستی اخبار را تأکید می‌کند. تاریخ بیهقی مستند به مدارک صحیح است و از موثقتترین مدارک تاریخی دوره غزنوی به شمار می‌رود. سبک انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف و نمونه عالی از روش انشاء دربار غزنوی است. (چاپ تهران)

تاریخ جلالی - «رجوع شود به تقویم جلالی».

تاریخ جهانگشا (ک) از تواریخ دوره مغول به زبان فارسی، تألیف علاءالدین عطا ملک جوینی. این تاریخ در سال ۶۵۸ تألیف یافته و شامل سه جلد است در وقایع دوره مغول تا سال ۶۵۵.

جلد اول در عادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع

چنگیز معروف به یاسا و فتوحات چنگیز و سلطنت اوگتای قاآن و دوره نیابت تور اگینا خاتون و سلطنت گیوک خان و جغتای. جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهی و وقایع و احوال آنها و ملوک قراختای و گورخانیه. جلد سوم در وقایع تاجگذاری و جلوس منکوقاآن و وقایع سلطنت و تفصیل حرکت هلاکو به بغداد و قلع و قمع اسمعیلیه.

در پایان بعضی از نسخه‌های جهانگشا فصلی در واقعه فتح بغداد بدست هلاکو تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به طریق ذیلی به جهانگشا منضم است ولی در غالب نسخه‌ها نیست. مؤلف به سراسر قلمرو مغول سفر کرده و بسیاری از وقایع را که به چشم دیده یا از معتبران شنیده، در تاریخ خود شرح داده است. جوینی به ذکر حوادث اکتفا نمی‌کند، بلکه سبب ایجاد فتنه‌ها و شکست‌ها را می‌گوید و فتح نامه‌ها را عیناً ضبط می‌کند و درباره مذاهب و ادیان نیز گفتگو می‌کند. تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم روایات آن دقت بسیار بکار برده و برای جالب ساختن تاریخ، حکایات شیرینی به آن آمیخته و شواهد بسیاری به نظم یا نثر به زبان فارسی یا عربی آورده است. سبک انشاء جهانگشا به سادگی بی‌هقی و بلعمی نیست، تا اندازه‌ای متکلفانه است ولی هرگز حقیقت تاریخی در آن فدای لفظ نشده است. (چاپ تهران)

تاریخ الرسل والملوک (ک) تألیف ابوجعفر محمد بن جریر طبری مورخ بزرگ قرن سوم و چهارم اسلامی. این کتاب به زبان عربی است در تاریخ عمومی عالم، در دوازده جلد، شامل وقایع عالم از ابتدای

خلقت تا سال ۳۰۲ هجری. طبری در این تاریخ سبک سالنامه نویسی بکار برده است و وقایع را بر حسب سنوات تقسیم کرده نه بر حسب اقوام. وی درباره وقایع و حوادث چندین روایت اعم از موافق و مخالف را نقل می کند و سلسله رواة را به شخص مورد اعتمادی می رساند.

طبری در این کتاب بیشتر جنبه وقایع نگاری را در نظر داشته است و به تمدن و مظاهر اجتماعی و عادات و رسوم و علل وقایع توجهی ندارد. تاریخ طبری مأخذ مورد اطمینانی است که بسیاری از مورخان آن را از صحیح ترین مدارک شمرده و به آن استناد کرده اند. تاریخ طبری در زمان سامانیان به وسیله ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله بلعمی و به فرمان امیر منصور بن نوح سامانی در سال ۳۵۲ هجری به فارسی ترجمه شده و این ترجمه به تاریخ بلعمی معروف گردیده است (چاپ عکسی - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران)

تاریخ رشیدی (ك) «رجوع شود به جامع التواریخ»

تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء (ك) تاریخ معروفی تألیف ابو عبدالله حمزة بن الحسین الاصفهانی. این کتاب در سال ۳۵۰ هجری به زبان عربی تألیف یافته و شامل ده باب و يك مقدمه است درباره اقوام قدیم ایران، روم، یونان، قبط، اسرائیلیان، ملوك عراق عرب، غسان، حمیر، امرای قریش و امرای خراسان و طبرستان.

این تاریخ از حیث اشتمال بر اطلاعات درباره ایران اهمیت بسیار دارد و یکی از مأخذ اصیل در تاریخ عمومی قرن چهارم هجری

بشمارمی آید که مورد استفاده بسیاری از مورخان بعد از عصر مؤلف قرار گرفته است. (ترجمه به فارسی به نام «تاریخ پیامبران و شاهان» به وسیله دکتر جعفر شعار، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ شمسی - تهران)

تاریخ سیستان (ک) تاریخی به زبان فارسی که مؤلف آن معلوم نیست ولی دو یاسه نفر به نوبت این تاریخ را به پایان رسانده اند، زیرا که سبک نوشته ابتدای کتاب با انتهای آن بکلی متفاوت است. تحریر اصل کتاب در اوائل عهد سلاجقه صورت گرفته است. بنظر مرحوم ملك الشعراء بهار تألیف کتاب یکبار در عصر یعقوب لیث و عمرو لیث و عصر خلف بن احمد و غلبه سلطان محمود غزنوی انجام گرفته و یکبار هم در عصر طغرل سلجوقی و بار دیگر در حدود ۷۲۵ که پایان کتاب است.

در تاریخ سیستان از بنای شهر و آبادانی، نامها، حدود و توابع، رستاقها گفتگو می شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان و پیغمبران و در ضمن داستانهای مذهبی شرح داده شده است. مؤلف تاریخ سیستان در جنگها به حمله های جنگی و قراردادهای و علت زد و خورد می پردازد و صحنه ها و مناظر جنگ را وصف می کند. تاریخ سیستان تا آمدن امیر بیغوبه سیستان به یک نحو و به قلم یک نویسنده است ولی در اینجا مطلب بریده و ناتمام می ماند و در صفحه بعد به طریق دیگر و با تاریخ دیگر شروع می شود. تاریخ وقایع قسمت اول تا سال ۴۴۸ است و تاریخ قسمت بعد از ۴۶۵ آغاز می شود. از اینجا سبک نوشتن

تاریخ بکلی عوض می‌شود. سنها که تا اینجا به عربی نوشته شده بود، از این پس به فارسی است. وقایع که تا این تاریخ به تفصیل شرح داده شده‌است، از این به بعد فهرست وار می‌شود. باز از سال ۶۹۵ فهرست نویسی تمام می‌شود و مطالب با عنوان شروع می‌گردد. صاحب تاریخ سیستان از تواریخ و مؤلفان آنها نام می‌برد و در نقل روایات و شرح داستانها جنبه اختصار را رعایت می‌کند. سبک نوشته تاریخ سیستان بسیار ساده و در قسمت اول کتاب عاری از لغات نامستعمل عربی است. (چاپ تهران)

تاریخ طبرستان (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب آملی معروف به اسفندیار، از کاتبان مشهور ایرانی. این کتاب در سال ۶۱۳ تألیف یافته است. مؤلف چنانکه خود گوید در تألیف تاریخ طبرستان از کتابهای مختلف مانند کتاب امام ابوالحسن یزدادی به زبان عربی و رساله‌ای از ابن المقفع و کتابهای دیگر استفاده کرده است. تاریخ طبرستان شامل چهار قسم و هر قسم شامل چندین باب است در بنیاد طبرستان و خصایص و عجایب آن و ذکر ملوک و علماء و حکماء آل و شمگیر و آل باوند. در تاریخ طبرستان جز حوادث تاریخی، حکم و مواعظ و اشعار و امثال نیز از کتابهای مختلف نقل شده است. انشاء این کتاب ساده و روان است. (چاپ تهران)

تاریخ طبری (ک) «رجوع شود به تاریخ الرسل والملوک»

تاریخ قم (ک) تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی. اصل این کتاب

به زبان عربی است و در سال ۳۷۸ در زمان صاحب بن عباد و به تشویق او تألیف یافته است و ترجمه آن به فارسی در سال ۸۰۵ به توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی صورت گرفته است. مؤلف مطالب کتاب را برحسب فهرست بسیار منظم بیان می‌کند و عوامل و کیفیاتی را که در معرفی شهر کمال لزوم را دارد در نظر می‌گیرد. مؤلف خود می‌گوید که بیشتر اخبار را در مدت حکومت برادرش در قم بدست آورده و قسمتی را از مردم قم شنیده است و در ضمن نام کتابهایی را که از آنها استفاده کرده، ذکر می‌کند. نویسنده در تألیف تاریخ قم به کتاب اصفهان تألیف حمزه اصفهانی نظر داشته است و از آن روایاتی نقل می‌کند. همچنین از کتاب سیرالملوک العجم و تاریخ خلفا روایاتی دارد. مؤلف پس از مطالعه و مقایسه روایات متعدد، آنها را باهم سنجیده و قول درست تر را انتخاب کرده است. دقت و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم به کار رفته است، کمتر در تواریخ دیگر شهرها دیده می‌شود. انشاء ترجمه تاریخ قم بسیار ساده و روان است. گرچه دارای لغات و اشعار عربی است ولی مطالب تاریخ بسیار صریح و روشن است. (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ک) یا عقدالعلی للموقف الاعلی، تألیف افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی معاصر سلاجقه کرمان که کتاب را در سال ۵۸۴ به پایان رسانده است. این کتاب شامل پنج قسمت است: در ذکر آخر دولت آل سلجوق و ایام فترت ملک کرمان،

ورود آیات ملك دینار به کرمان و گرفتن ملك و ظفر یافتن ، شرح اخلاق ملوک و ذکر ممالک کرمان ، ثنای صاحب قوام الدین ، ذکر محاسن و شرح خاندان او ، شرح حال مؤلف .

مؤلف در این کتاب بیشتر به شرح اوضاع سیاسی کرمان و زمامداران آن می‌پردازد و تاریخ را با پند و اندرز می‌آمیزد و سفرها و زندگی خود را در غربت و ناراحتیها و سپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری را شرح می‌دهد . سبک نوشته تاریخ کرمان ساده نیست ، بلکه شامل صنایع و تکلفات ادبی است و در آن نثر با اشعار مفصل آمیخته است . (چاپ تهران)

تاریخ گزیده (ك) تألیف حمدالله مستوفی قزوینی که آن را در سال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث الدین محمود ، فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله ، تألیف کرده است . تساریخ گزیده تقلید و تلخیصی است از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله به انضمام تلخیصی از تواریخ دیگر . این کتاب مشتمل است بر يك مقدمه و شش باب که هر بابی به فصول مختلف تقسیم شده است . مؤلف پس از ذکر منابع خود به مبدأ تاریخ در نزد طبقات مختلف می‌پردازد و از ابتدای آفرینش و عقل کل و نفس و هیولی و صور و عناصر بحث می‌کند ، سپس تاریخ پیغمبران و قبایل عرب و خلفا و پادشاهان ایران را تا زمان خود شرح می‌دهد . تاریخ گزیده دارای وسعت مندرجات است ، اما مؤلف درباره هیچیک از مطالب به شرح و بسط نپرداخته و به علت حوادث توجه ندارد و در نقل



وقایع ، جز تاریخ زمان خود ، به اختصار می‌کوشد . سبک تاریخ  
گزیده بسیار ساده و روان است . (چاپ تهران)

تاریخ گیلان و دیلمستان (ک) تاریخی است تألیف سیدظهرالدین بن  
سید نصیرالدین مرعشی . این کتاب قدیمترین سند تاریخی گیلان  
است که مؤلف تألیف آن را در سال ۸۸۰ آغاز کرده است . کتاب  
دارای یک مقدمه و هفت باب و هر باب شامل چند فصل است و  
وقایع گیلان و دیلمستان تا سال ۸۹۴ در آن آمده است . مؤلف  
خود در دربار شاهان و امیران گیلان مقامی عالی داشته و شخصاً  
در بسیاری از جنگها شرکت داشته و غالب وقایع را به چشم دیده  
است . تاریخ گیلان مجموعه ذیقیمتی است از آداب و رسوم گیلان  
و دیلمستان (با تصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده- از انتشارات  
بنیاد فرهنگ ایران - ۱۳۴۷)

تاریخ مسعودی (ک) «رجوع شود به تاریخ بیهقی»

تاریخ معجم (ک) یا المعجم فی آثار ملوک العجم، این کتاب به زبان فارسی  
و تألیف شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی می‌باشد که در سال  
۶۸۴ به نام اتابک نصره‌الدین احمد شاه لرستان تألیف یافته است .  
کتاب درباره تاریخ مختصر ایران است از عهد کیومرث  
تا آخر عهد ساسانیان . مؤلف در ضمن تاریخ ایران از پیغمبران  
وفلاسفه و حکمای یونان که معاصر شاهان ایران بودند، نام می‌برد .  
در تاریخ معجم مانند تاریخ و صاف جنبه ادبی بر جنبه تاریخی  
غلبه دارد . عبارات مصنوع و متکلفانه است . همه جا خطبه‌ها و

مناجاتهایی به شاهان باستانی ایران نسبت می‌دهد، آمیخته به جمله‌های عربی و شعر فارسی. در شرح وقایع به اختصار می‌کوشد و دربارهٔ بعضی از شاهان به ذکر نام قناعت می‌کند. از مورخینی مانند ابن المقفع، ابن قتیبه، جریر طبری روایت دارد. (چاپ تهران)

تاریخ نادری (ک) «رجوع شود به جهانگشای نادری»

تاریخ وصاف (ک) یا تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار، تاریخی به زبان فارسی تألیف ادیب شهاب‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضرة که آنرا ذیلی بر تاریخ جهانگشای جوینی می‌داند. این تاریخ در پنج جلد و شامل تاریخ ایلخانان مغول و امیران اطراف است تا واسط عهد ابوسعید بهادرخان. تاریخ از همانجا که جهانگشا قطع می‌شود، یعنی از سال ۶۵۶ شروع می‌شود و به سلطنت سلطان علاءالدین و قطب‌الدین ختم می‌گردد.

مؤلف در روش تاریخ نویسی از تاریخ جهانگشا پیروی کرده است ولی سبک انشاء کتاب متکلف و مصنوع است و در این راه مبالغه بسیار بکار رفته است، تاحدی که تاریخ ملال آور می‌شود. نویسندگان جز بیان وقایع، دربارهٔ شاعران و شعرهای آنان گفتگو می‌کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط می‌کند. در میان شرح وقایع به شکایت از روزگار می‌پردازد و پند و اندرز می‌دهد و اغلب وارد بحثهای فلسفی و مذهبی می‌شود و گاه مجبور می‌گردد که نکات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش را بی سابقه

می‌شمارد. با وجود روش اغراق آمیز مؤلف، تاریخ و صاف تاریخ پرارزشی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است. (تحریر تازه از تاریخ و صاف به قلم عبدالمحمد آیتی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶)

تاریخ هرات (ک) یاروضات الجنات فی تاریخ مدینه الهرات، تألیف معین الدین محمد اسفزاری مورخ دوره تیموری که این کتاب را به نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرده است. تاریخ هرات شامل وقایع تا سال ۸۷۵ هجری است که نویسنده در آن شهر هرات و نواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین سلسله ملوک کورت و انقراض آنرا بدست تیمور و تاریخ تیموریان را تا سلطنت سلطان حسین ابوالغازی به تفصیل شرح داده است. (چاپ تهران)

تاریخ یمینی (ک) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی از ملازمان دربار سلطان محمود غزنوی است. این کتاب در شرح حال سلطان محمود یمین الدوله و پدرش سبکتکین است و به همین جهت به تاریخ یمینی معروف است. تاریخ تألیف کتاب اوایل قرن پنجم است ولی در قرن هفتم و به سال ۶۰۳ ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعدالمنشی الجرفادقانی که در زمان اتابکان آذربایجان می‌زیسته، آنرا به فارسی ترجمه کرده است. و در آغاز قرن یازدهم هجری منینی شرحی به زبان عربی بر آن نوشته و به: الفتح الوهبی موسوم ساخته است.

تاریخ یمینی کتابی است مشتمل بر شرح سلطنت سلطان محمود بن سبکتکین و کمی از احوال آل سامان و اندکی از تاریخ آل بویه و اخبار ملوک الطوائف و امیران نواحی مختلف . وقایع با عبارتهای سلیس بدون اختلاط با داستان بیان می شود. شرح وقایع جزئی ، روابط شاهان با دول و امیران معاصر ، و عزل و نصب حکام و مشیان و فرمانها و جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است . مترجم تاریخ یمینی در ترجمه سادگی اصل کتاب را کاملاً حفظ نکرده و گاهی به تطویل می پردازد و قصاید عربی را از اصل کتاب نقل می کند. تاریخ یمینی از مهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی است و نشرش نمونه‌ای از نشر مصنوع فارسی در آغاز قرن هفتم است . ترجمه تاریخ یمینی چاپ تهران (بنگاه ترجمه و نشر کتاب به اهتمام دکتر جعفر شعار)

تأسیس (ق) از حروف قافیه . الفی که با فاصله متحرکی قبل از روی قرار گیرد مثل قاصر . بیشتر شاعران آوردن الف تأسیس را لازم نمی دانند و اگر رعایت شود ، آنرا لزوم مالا یلزم می خوانند:

گرچه در بستم در مدح و غزل یکبارگی

ظن مبر کز نظم الفاظ و معانی قاصر م

بلکه در هر نوع کز اقران من دانند کسی

خواه جزوی گیر آن را خواه کلی ماهر م

«انوری»

مثال عدم التزام:

نشاید بردن انده جز به انده  
دلم آبتن خرسندی آمد

نشاید کوفت آهن جز به آهن  
اگر شد مادر روزی سترون

«خاقانی»

تبت شهری در حدود چین که مشك آن معروف بوده است.

نوبهار آمد و آورد گل و یا سمنّا

باغ همچون تبت وراغ بسان عدنا

«منوچهری»

تبصرة العوام فی معرفته مقالات الانام (ك) ، تألیف سیدمرتضی بن الداعی

الحسینی رازی که آنرا در اوائل قرن هفتم و شروع حمله مغول نوشته است . تبصرة العوام به زبان فارسی و دارای بیست و شش باب است در ذکر مقالات مربوط به فرقه‌های مختلف مذهبی که در ضمن آن از صوفیه و مشایخ صوفیان اطلاعاتی به دست می‌دهد.  
(چاپ تهران)

تثلیث (تج) آن است که میان دو برج يك سوم دورة فلك یعنی چهار برج

فاصله باشد و به اصطلاح دیگر آنکه هر برجی به برج پنجمش نظر کند، تثلیث بعضی از سیارات سعداست مانند تثلیث ماه و مشتری.

به تثلیث بروج و ماه و انجم      به ترییع و به تسدیس ثلاثا

به تثلیثی کجاسعد فلك راست      به ترییع صلیب باد پروا

که بهر دیدن بیت المقدس      مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«خاقانی»

تجارب الامم (ك) کتابی در تاریخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی

مسکویه آنرا در شش جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول

و پنجم و ششم آن در دست است. جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می‌شود و با جنگ جمل پایان می‌یابد. جلد پنجم از وقایع سنه ۲۳۴ شروع می‌شود و پس از ذکر اخبار ایران و عرب و کشورهای دیگر به وقایع سال ۳۲۶ ختم می‌شود. جلد ششم دنباله مطالب جلد پنجم است تا سنه ۳۷۰ و پادشاهی عضدالدوله دیلمی. منظور این مسکویه در جمع آوری اخبار فقط ذکر احادیث نیست، بلکه منظورش شرح وقایعی است که در زندگی بشر مؤثر بوده و تجربه‌ای از آن بدست می‌آید. ابن مسکویه به تاریخ، تنها مانند مورخ نظر نمی‌اندازد بلکه مانند فیلسوف و روانشناس وقایع و پیشرفت‌ها و شکست‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و مطالبی از میان آنها برمی‌گزیند که جامع‌تر و مفیدتر است. می‌توان گفت به فلسفه تاریخ توجه بیشتر دارد و همه جا علل شکست یا پیروزی را شرح می‌دهد. سبک ادبی کتاب کاملاً بی‌تکلف و از عبارات پردازی خالی است.

تجارب السلف (ک) تألیف محمد بن فخرالدین هندوشاه نخجوانی که آن را به سال ۷۲۴ به نام اتابک نصره‌الدین تألیف کرده است. تجارب السلف ترجمه‌ای است از کتاب: منية الفضلاء فی التاريخ الخلفاء والوزراء معروف به تاریخ فخری تألیف ابن الطقطقی (که در سال ۷۰۱ تألیف یافته است). هندوشاه در این کتاب نظر ترجمه ساده و تحت‌اللفظ نداشته، بلکه از اصل کتاب اقتباس کرده است، زیرا که قسمتهائی را حذف کرده و چیزهائی بر آن افزوده است و حکایتها و داستانهای آورده که در اصل کتاب نبوده است. ولی نقشه کتاب مانند

کتاب الفخری است. هندوشاه در این کتاب از ترجمه تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر و نفثة المصدور و جوامع الحکایات عوفی و کتابهای دیگر که مورد استفاده اش بوده است نام می برد. تجارب السلف نثری ساده و سلیس و انشائی بلیغ و شیرین دارد.

تجاهل اعراف (ب) آن است که شاعر عمداً خود را در مطلبی جاهل نشان بدهد.

گلی یاسوسنی یا سرو یا ماهی نمی دانم

از این آشفته بیدل چه می خواهی نمی دانم

تجزیه الاعصار و تجزیه الامصار (ک) «رجوع شود به تاریخ و صاف»

تجلی (تن) در لغت به معنی آشکار و روشن شدن و جلوه کردن است و در ادبیات فارسی گاه کنایه از تجلی خداست در دل سالکان طریقت پس از طی منازل سلوک و رسیدن به مقام فناء فی الله؛ و گاه کنایه از ظهور نور الهی است بر کوه طور که موسی از آن بیهوش گشت.

آن سهیل است برق هیبت او      که تجلیش سکنه طور است

«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی بایکدیگر

مشابهت و مجانست داشته باشد. تجنیس بر هفت قسم است: تجنیس تام، تجنیس ناقص، تجنیس زائد، تجنیس مرکب، تجنیس مکرر، تجنیس مطرف، تجنیس خطی.

۱- تجنیس تام آن است که دو کلمه در صورت یکسان باشد

و در معنی متفاوت. مانند کلمه های گور در این شعر:

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«خیام»

۲- تجنیس ناقص آن است که دو کلمه در نوشتن مانند

هم باشد ولی در حرکت اختلاف داشته باشد، مانند خَلق ، مُخَلق :

بُرد بیاور که بُرد آمد و هنگامه کرد

آب چمن چون برفت آتش سوزان بیار

۳- تجنیس زائد آن است که در آخر یکی از دو کلمهٔ مجانس

حرفی اضافه بردیگری باشد . مانند باد و باده در این شعر :

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر برباد است

«حافظ»

۴- تجنیس مرکب آن است که دو کلمهٔ مجانس یکی بسیط

و یکی مرکب باشد. مانند:

امروز شمع انجمن دلبران یکی است

دلبر اگر هزار بود دل بر آن یکی است

۵- تجنیس مکرر یا مزدوج آن است که یکی از دو کلمهٔ

مجانس يك يادو حرف از دیگری بیشتر داشته باشد . مانند: زار

و نزار ، گفتار و تار ،

ای بت شیرین لبان تاچند ازین گفتار تلخ

روز من چون شب مدار از تلخی گفتار تار



۶- تجنیس مطرف آن است که دو کلمه در همه حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف، جام و جان  
 ۷- تجنیس خطی یا مصحف آن است که دو کلمه، قطع نظر از نقطه، به یک شکل و صورت نوشته شود. مانند تیمار و بیمار، پوشیدن و نوشیدن

در دولت تو اسب معالی بتاختیم

وز نعمت تو نرد اسانی بیاختیم

تجنیسات (ك) از مثنویهای کاتبی نیشابوری که در کلمات آخر مصرعها صنعت جناس را رعایت کرده است. این مثنوی دارای ده باب است در اخلاق که شامل پند و اندرز است و در پایان بابها فصلی در نصیحت به فرزندان دارد و در خاتمه از شاعرانی مانند عطار و مولوی و فردوسی و نظامی و شاعران دیگر مثنویهایی ذکر می کند. مثنوی تجنیسات متکلف و خالی از شور است و کاتبی در آن بیشتر به لفظ و صنعت پرداخته است.

تحفته الاحرار (ك) یکی از منظومه های هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۶ ساخته است. این کتاب به سبک مخزن الاسرار نظامی و بر همان وزن است و دارای دیباچه ای است در مناجات خدا و منقبت پیغمبر و مدح خواجه بهاء الدین مؤسس سلسله نقشبندیه و بیست مقاله در آفرینش جهان و مسائل دینی و شرح حال علماء و سلاطین و وصف جوانی و پیری که هر يك از این مطالب با حکایتها و مثلها آمیخته و شامل نکته های اخلاقی است.

تحفة سامی (ک) یا تذکره سامی کتابی در شرح حال قریب به هفتصد تن از شاعرانی که اغلب معاصر مؤلف بوده اند. این کتاب تألیف سام میرزا پسر شاه اسمعیل اول صفوی است و در حدود سال ۹۵۷ تألیف یافته است. (چاپ تهران)

تحفة العراقین (ک) از آثار منظوم خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم، این مثنوی در حدود سه هزار بیت دارد و در شرح سفر شاعر است به عراق عجم و عراق عرب و مکه معظمه. خاقانی در این منظومه اغلب بزرگان و دانشمندانی را که هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده و آداب و رسوم بعضی از کشورها را شرح داده است. مثنوی تحفة العراقین به نام جمال الدین محمد موصلی سروده شده است. (چاپ تهران)

تخت بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکه سبا، که دیوان آن را برداشته نزد سلیمان بردند.

نشستم از برش چون تخت بلقیس

بجست او چون یکی غفریت هائل

«منوچهری»

تخت طاقدیس تخت خسرو پرویز.

به گرداگرد تخت طاقدیش

دهان تاجداران خاک لیش

«نظامی»

همچنین نام نوائی است از نواهای باربد.

چو تخت طاقدیس ساز کردی

بهشت از طاقها آواز کردی

«نظامی»

تخلیغ : (ب) آن است که شعر بروزنهای ناخوش و بحور ثقیل گفته شود .

ای بت من چرا همی سوزی مرا

پس هر دمی می‌زنیم بی‌گنه

تخنیق (زحاف) (ع) درمفاعیلین مانند خرب است که می‌شود فاعیل؛ و بجای آن مفعول می‌گذارند، در زبان عربی فقط در اول بیت می‌آید؛ و در فارسی در سایر اجزاء بیت هم جایز شده می‌شود. این مفعول را مخنق گویند.

تدارک (ب) آن است که شاعریک معنی را به نفی یا به اثبات آورد، سپس آن را به وجهی تدارک کند، یعنی شرطی در میان آرد که آن صفت متبدل شود .

کجا توانم مالید کعبتین عدو

بلی اگر تو دهی مر مرا به حق یاری

تذکره الاولیاء (ک) از آثار منشور شیخ فریدالدین عطار که در اواخر قرن ششم تألیف یافته و در بیان مقامات عرفان است که مؤلف در آن سرگذشت نود و شش تن از اولیاء مشایخ صوفیه را با ذکر مکارم اخلاقی و سخنان حکمت آمیزشان آورده است . این کتاب از حیث بیان مکارم و اخلاق مشایخ طریقت و حالها و چگونگی اوضاع ایشان و رنجها و مجاهدات و سخنان حکمت آمیز و پندهایشان کتابی بسیار مهم و سودمند است. نوشته کتاب نیز نمونه نثر بسیار روان و شیرین زبان فارسی است.

تذکرهٔ بزم آراء (ک) تألیف سیدعلی بن محمود حسینی که آن را در سال ۱۰۰۰ به پایان رسانده و به نام خانخانان عبدالرحیم بن بیرم خان کرده است. این تذکره در هفت فصل و شامل شرح حال شاعران فارسی زبان است از زمانهای قدیم تا عصر مؤلف. مؤلف در تألیف این تذکره، مطالب لباب الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمهٔ آن را اقتباس کرده ولی هیچ نامی از آن نبرده است.

تذکرهٔ الشعراء (ک) (تذکرهٔ دولتشاه) کتابی معروف. به زبان فارسی، در شرح حال عدهٔ بسیاری از شاعران و منتخباتی از اشعار ایشان، تألیف دولتشاه بن علاءالدوله غازی سمرقندی که آن را در سال ۸۹۲ تألیف کرده است. مؤلف در این کتاب علاوه بر شرح حال شاعران، از امیران و بزرگانی که ممدوح شاعران قرار گرفته اند، نیز ذکر کرده و در خاتمهٔ کتاب شرح حال هفت تن شاعر معاصر خود را آورده است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ میخانه (ک) کتابی در شرح حال شاعرانی که ساقی نامه ساخته اند، تألیف ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی که آن را در سال ۱۰۲۸ در هندوستان به نام سردار خان خواجه یادگار تألیف کرده است.

در این کتاب شرح احوال هفتادویک شاعر ذکر شده است که قبل از اکبر شاه فوت کرده یا معاصر مؤلف بوده و به دربار اکبر شاه یا جهانگیر یا امیران دکن منتسب بوده اند، یا اصلاً به هندوستان نرفته اند یا اهل قزوین و هموطن مؤلف بوده اند. مؤلف این هفتاد و یک شاعر را بر سه مرتبه تقسیم می کند و شرح حال ایشان را بانام و نسب و تاریخ

وفات و دیوان شعرو تعداد ابیات آن و نمونه ساقی نامه یا کلام منظوم دیگر آنها را به تفصیل ذکر می کند . مؤلف در همه این اطلاعات به مآخذ کتاب اشاره می کند و از خود نیز ساقی نامه ای با تخلص «نبی» می آورد. سبک نوشته کتاب ساده و از تکلفات منشیانه دور است .  
(چاپ تهران)

تذکره نصرآبادی (ک) تذکره ای تألیف میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی که آن را در سال ۱۰۸۳ و به نام صفی میرزا معروف به شاه سلیمان فرزند شاه عباس ثانی تألیف کرده است. تذکره نصرآبادی شامل شرح حال و آثار قریب هزار شاعر عهد صفوی است. این تذکره مورد استفاده تذکره نویسان دیگر مانند آذریبگدلی صاحب آتشکده قرار گرفته است. (چاپ تهران)

تذکره هفت اقلیم (ک) تذکره ای مشتمل بر جغرافیا و تاریخ و ترجمه احوال هزار و پانصد تن از شاعران و ادیبان و عارفان و امیران و شاهانی که شعر سروده اند.

این کتاب تألیف امین احمد رازی است که آن را در زمان شاه طهماسب صفوی در مدت شش سال نوشته و به سال ۱۰۰۲ هجری به پایان رسانده است. در تذکره هفت اقلیم شرح احوال رجال بر جغرافیا غلبه دارد و پیوسته مورد استفاده محققان قرار گرفته است .  
(چاپ تهران)

کرازوی انجم (نج) «رجوع شود به اسطرلاب»

به سیر سپهر انجمن ساختند

ترازوی انجم بر افراختند

«نظامی»

تربیع (نچ) حالتی از ماه که از جانبی که رو به زمین است يك چهارم آن روشن است. این حالت يك بار در شب هفتم ماه ظاهر می شود که به «تربیع اول» موسوم است و بار دیگر در شب بیست و دوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می شود. همچنین در اصطلاح نجوم تربیع آن است که میان دو برج يك چهارم دوره فلك یعنی سه برج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر هر برجی به برج چهارمش نظر کند.

به تثلیث بروج و ماه و انجم

به تربیع و به تسدیس ثلاثا

به تثلیثی کجا سعد فلك راست

به تربیع صلیب باد پسروا

که بهر دیدن بیت المقدس

مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«خاقانی»

ترجمان البلاغه (ک) از کتابهای مهم علم بلاغت، در مباحث معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی. این کتاب را به فرخی سیستانی نسبت داده اند ولی این نسبت درست نیست. مؤلف در این کتاب، پس از ذکر هر یک از صنایع لفظی و معنوی، شواهد معدودی از شاعران قرن چهارم و اوائل قرن پنجم می آورد. کتاب ترجمان البلاغه مورد استفاده رشیدالدین و طواط در حدائق السحر قرار گرفته است. در نسخه معتبری

که در کتابخانه اسلامبول پیدا شده است، کاتب در پشت نسخه این کتاب را تصنیف محمد بن عمر الرادویانی دانسته است که یکی از ادیبان قرن پنجم و ابتدای ششم است.

ترجمه (ب) آن است که معنی عبارتی را از زبانی به زبان دیگر برگردانند. ترجمه ممکن است منظوم باشد یا منثور و هر چه به اصل نزدیکتر باشد بهتر است.

یزید بن معاویه گوید:

شمیسه کرم برجها قعردها

و مشرقها الساقی و مغربها فمی

خاقانی این شعر را به این طریق به فارسی برگردانده

است:

می آفتاب زرفشان جام بلورش آسمان

مشرق کف ساقیش دان مغرب لب یار آمده

ترجمه تاریخ طبری (ک) «رجوع شود به تاریخ بلعمی»

ترجیع بند (ب) مجموع چند رشته شعر است که هر رشته دارای یک

وزن و یک قافیه باشد و در آخر هر رشته بیتی با قافیه جداگانه مکرر

می شود و این بیت ترجیع یا برگردان است. مانند ترجیع بند

فرخی:

زباغ ای باغبان مارا همی بوی بهار آید

کلید باغ مارا ده که فردامان بکار آید

کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید

تولختی صبر کن چند آنکه قمری بر چنار آید...

بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی

ملك رادرجهان هرروز جشنی باد ونوروزی

درصیغ (ب) آن است که در دو قطعه کلام، الفاظی در برابر هم آورده شود

که در وزن و حروف آخر مساوی باشد. مانند منور و مقرر و نجوم و

رسوم در این شعر :

ای منور به تو نجوم جلال      وی مقرر به تو رسوم کمال

ترك در ادبیات فارسی کنایه از زیبا و خوبرو است .

اگر آن ترك شیرازی بدست آرد دل مارا

به حال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته

شعر با وزن و قافیه واحد که در آخر هر رشته بیتی با قافیه جداگانه آورده

می شود. این بیت در ترکیب بند تکرار نمی شود اما در ترجیع بند

مکرر می شود .

ترنج (تن) اشاره به ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف در خانه

زلیخا در دست داشتند . زنان چنان مفتون زیبایی یوسف شدند که

دستهای خود را بجای ترنج با کارد بریدند و از آن پس دیگر زلیخارا از

اینکه به یوسف دل داده بود، سرزنش نکردند.

گوش بینی و دست از ترنج شناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را

«سعدی»



تسدیس (نج) آن است که میان دو ستاره يك ششم دوره فلك یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی برج سومش نظر کند .

مه به تسدیس زحل کرده نظر با آفتاب

وصلتی کردی به رسم بخردان باستان

«ابوری»

تشبیب (ب) در قصیده قبل از شروع به بیان مقصود اشعاری در مغالزه یا وصف طبیعت و بهار و خزان می آورند و بعد به مقصود اصلی می رسند. این مقدمه قصیده را تشبیب گویند.

تشبیه (ب) از محسنات بدیع و در اصطلاح مانند کردن چیزی به چیزی است. در تشبیه چهار جزء وجود دارد: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه، وجه شبه. مانند این جمله: «دندان او چون مروارید است به سفیدی» در این جمله دندان مشبه است، مروارید مشبه به، چون ادات تشبیه، سفیدی وجه شبه. تشبیه بر چند قسم است. تشبیه مطلق، تشبیه تفضیل، تشبیه تسویه، تشبیه عکس، تشبیه مشروط، تشبیه به کنایه.

تشبیه مطلق: تشبیهی است که بدون قید و شرط باشد

مانند :

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

تشبیه تفضیل: آن است که گوینده مشبه را بر مشبه به برتری

دهد:

خواستم گفتن که دست وطیع او ابراست و کان

عقل گفت این مدح باشد نیز با من هم پلاس

دست او را ابر چون خوانی و آنجا صاعقه

طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه: آن است که گوینده يك صفت از خود و يك

صفت از طرف را به چیز واحدی تشبیه کند.

برخیز کسه شد بار دگر ابر بهار

از بهر صفای بوستان و گلزار

چون چشم من و دهان تو لؤلؤ خیز

مانند کف راد ملک گوهر یسار

تشبیه عکس: آن است که گوینده دو چیز را به هم تشبیه کند،

این را به آن و آن را به این.

دهن تنگ بتان چون دل من

دل من چون دهن تنگ بتان

تشبیه مشروط: آن است که در آن شرطی وجود داشته

باشد.

دل و دست خدایگان باشد

گردل و دست بحر و کان باشد

تشبیه اضممار: آن است که به ظاهر قصد تشبیه در آن رعایت

نشده است، ولی در حقیقت تشبیه باشد.

گر نور مه و روشنی شمع تراست

این کاهش و سوزش من از بهر چراست

گر شمع توئی مرا چرا باید سوخت

ور ماه توئی مرا چرا باید کاست

تشبیه کنایه: آن است که از ارکان تشبیه در آن به ذکر مشبه به

اکتفا شود. مثال:

یا که لعل و گهر درنثار مقدم تو

ز گنج خانه دل می کشم به مخزن چشم

«حافظ»

در اینجا قطره‌های اشک به «لعل و گهر» تشبیه شده است.

تشریح (تج) (رجوع شود به ماههای رومی)

تشیث (زحاف) (ع) در فاعلاتن آن است که آن را مفعولاً کنند و آن را

مشعث خوانند.

تصوف (رجوع شود به عرفان)

تضاد (ب) بکار بردن کلمه‌های ضد یکدیگر است در نثر یا نظم. مانند کلمه‌های

لیل و نهار یعنی شب و روز و حی و میت یعنی زنده و مرده در این آیه

از قرآن:

تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحی

من المیت و تخرج المیت من الحی.

و کلمه‌های شکر و شکایت و بیش و کم در این شعر حافظ:

چه جای شکر و شکایت ز نقش بیش و کم است

چو بر صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

تضمین (ب) آن است که شاعر بیتی یا مصراع‌ی از شعر دیگران را در

شعر خویش آورد. مانند این مصراع از شعر عنصری در بیتی از

رشید و طوطا:

نمود تیغ تو آثار فتح و گفت فلک

«چنین نماید شمشیر خسروان آثار»

گاه اسم شاعری که گوینده از وی شعری نقل کرده است  
ذکر می‌شود، مانند این شعر سعدی:

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد  
که رحمت بر آن تربت پاک باد  
«میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است»

تضمین مزدوج (ب) آن است که کلام دارای دو لفظ باشد که بهم شبیه بوده  
و در حقیقت سجع باشد.

سود بازار جهان بنگر و آزار جهان

گر شمارا نه بس این سود و زیان ما رایس

«حافظ»

تعریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد و مقصودش گوشه زدن به  
مطلب دیگری باشد.

دلدار مرا گفت چرا غمگینی

غمگین کدام دلبر شیرینی

برجستم و آئینه به دستش دادم

گفتم که در آئینه که را می بینی

تفتازانی (ت) [ف: در حدود ۷۹۱] مولانا سعدالدین مسعود بن عمر بن

عبدالله التفتازانی از دانشمندان و حکیمان دوره تیموری. در قریه تفتازان

نزدیک نسا در خراسان به سال ۱۷۲۲ متولد گردید و در خوارزم که

مرکز علم و ادب بود اقامت کرد. امیر تیمور چون به شهرت و مقام علمی

تفتازانی پی برد؛ دستور داد تا ملک محمد سرخسی، تفتازانی را با خود به سرخس برد و منصب تدریس را به او واگذار کرد. پس از آن او را به سمرقند پایتخت خود احضار کرد و مورد توجه خاص قرار داد. تفتازانی بقیه عمر را در همانجا بسر برد.

از آثار او شرحی است به تصریف زنجانی «المطول» که آن را در سال ۷۴۸ در هرات به نام ملک معزالدین حسین کورت تألیف کرد، دیگر: المختصر که آن را به جانی بیک خان مغول هدیه کرد. آثار تفتازانی به زبان عربی است و بیشتر در منطق و صرف و نحو عربی و فلسفه و کلام و تفسیر و فقه می باشد. منظومه ای از او باقی است که ترجمه ترکی از بوستان سعدی است.

تفریق (ب) آن است که شاعر میان دو چیز که وجه شباهتی در آنها موجود است فرق بگذارد.

من نگویم به ابر مانندی	که نکو ناید از خردمندی
اوهمی بخشد، وهمی گرید	توهمی بخشی وهمی خندی

«رشیدالدین وطواط»

تفسیر (ب) آن است که شاعر چند صفت را بر شمارد و پس از آن در باره آنها توضیح بدهد:

یا بیندو یا گشاید یا ستاند یا سادهد

تاجهان بر پای باشد شاه را این یادگار

آنچه بستاند ولایت آنچه بدهد خواسته

آنچه بندر پای دشمن آنچه بگشاید حصار

«عنصری»

تفسیر قدرت جام (ك) تفسیر قرآن مجید . خلاصه و اقتباسی است از تفسیر بزرگ ابوبکر عتیق سورآبادی که در قرن پنجم هجری نوشته شده و يك نسخه از آن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در موزه تهران است . (چاپ تهران)

تفسیر سورآبادی (ك) مؤلف این تفسیر «ابوبکر عتیق بن محمد الهروی السورآبادی» است که از معاصران البارسلان سلجوقی بود ، این تفسیر از نمونه‌های خوب نثر فارسی در قرن پنجم است .

تفسیر طبری (ك) جامع الیسان فی تفسیر القرآن . معروف به تفسیر کبیر . از تفسیرهای معروف قرآن ، تألیف مورخ و ادیب و فقیه بزرگ اسلامی محمد بن جریر طبری ( متوفی ۳۱۰ هـ ) . تفسیر طبری تا عهد مؤلف بزرگترین کتابی بوده که در این علم نوشته شده و بزودی کسب شهرت کرده است . تفسیر طبری در عهد سامانیان به فرمان ابوصالح منصور بن نوح و به همت عده‌ای از دانشمندان به فارسی ترجمه شده است . اهمیت این کتاب آن است که مقدار فراوانی لغات و مفردات فارسی دارد که در برابر مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است .

تفسیر کبیر (ك) «رجوع شود به تفسیر طبری»

التفهیم لاوائل صناعة التجهیم (ك) تألیف دانشمند بزرگ ایرانی ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی که آنرا در سال ۴۲۰ در غزنین به خواهش ریحانه بنت الحسین خوارزمی نگاشته است . ابوریحان در این کتاب اطلاعاتی درباره نجوم و ریاضی داده

و بسا موجزترین عبارات در هندسه ، حساب ، هیئت ، احکام نجوم ، اسطرلاب بحث کرده است . می توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی در این پنج فن است .

کتاب التفهیم به دو زبان فارسی و عربی نوشته شده و ابوریحان در تألیف این دو کتاب استادی بسیار به کار برده است ، چنانکه تشخیص اصل از ترجمه دشوار است و پیدا نیست کدام یک را اول نوشته است. کتاب التفهیم معتبرترین سند و صحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است. درباره تاریخ و ادب و رسوم و طرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده است . ابوریحان در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات عربی کلمات فارسی بکاربرد، به نحوی که هم عبارت مفهوم باشد و هم بلیغ . رویهمرفته ایجاز و فصاحت و پختگی در معانی و لفظ ، این کتاب را بی نظیر ساخته است. (چاپ تهران) تقسیم (ب) آن است که شاعر معنایی را در نظرگیرد و بعد آنرا به چند جزء تقسیم کند ، سپس بگوید که هر جزء مربوط به کدام معنی است :

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش

آنهم کلیم یا تو بگویم چنان گذشت

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

«کلیم کاشانی»

تقطیع (ع) عبارت است از تقسیم شعر به اجزاء و نهادن هر جزء در برابر جزوی از افاعیل که در وزن با آن برابر باشد. در تقطیع ملفوظ شعر معتبر است نه مکتوب، یعنی حرفی که در لفظ آید، اگرچه نوشته نباشد، در تقطیع حرفی محسوب می‌شود و حرفی که در لفظ نیست اگرچه در نوشته باشد، اعتبار ندارد.

تقویم جلالی (نج) تقویمی که در زمان سلطان ملک‌شاه سلجوقی و به امر وی وضع شده است و به مناسبت لقب او که جلال‌الدین بوده است آن را تاریخ جلالی یا تقویم جلالی خوانده‌اند.

چون در تقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج بر حسب حرکت انتقالی زمین که گردش یک دور تمام به دور خورشید است، جزئیات را به حساب نمی‌آوردند، روز اول فروردین به تدریج تغییر می‌کرد و از اول تحویل شمس به برج حمل می‌گذشت و تقریباً هر چهار سال یک روز جلوتر می‌افتاد. چنانکه در زمان ملک‌شاه سلجوقی (سال ۴۷۱ هجری) اول اعتدال ربیعی در نوزدهم فروردین واقع بود. به فرمان ملک‌شاه چندتن از دانشمندان بزرگ زمانه که از آن جمله عمر خیام نیشابوری بود، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده‌گانه بر حسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد و نوروز که آغاز سال است همیشه ثابت بماند.

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی‌روزه که نامهای آنها همان نامهای ایرانی باستان (فروردین، اردیبهشت...



الخ) بود ، تقسیم می شد . پنج روز باقی مانده را به آخر اسفندماه می افزودند و آن را خمسه مسترقه (یا پنجه دزدیده) می خواندند و هر چهار سال يك بار روز ششمی به آن اضافه می کردند . ماههای این تقویم را همیشه با قید صفت جلالی می آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که تا روزگاری بعد از آن متداول بود و اکنون هم در بعضی از روستاهای ایران معمول است ، اشتباه نشود .

اول اردیبهشت ماه جلالی                      بلبل گوینده بر منابر قضبان

«سعدی»

تقویم رومی (نج) «رجوع شود به ماههای رومی»

تقی الدین محمد کاشی (ت) تقی الدین محمد پسر شرف الدین علی حسینی کاشانی . از تذکره نویسان دوره صفوی و معاصر شاه عباس اول . وی در سال ۹۴۶ متولد شده و از شاگردان محتشم کاشانی بوده است . اثر معروف او تذکره خلاصه الاشعار و زبدة الافکار است در باره شاعران متقدم و شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این شعر

عسجدی :

باران قطره قطره همی بارم ابروار

هر روز خیره خیره از این چشم سیل بار

زان قطره قطره باران شود خجل

زان خیره خیره، خیره دل من زهجر یار

تکملة روضة الصفا (ک) اصل روضة الصفا تألیف میرخواند درشش جلد تا پایان سلسله تیموری است . رضاقلیخان هدایت مطالب این تاریخ

را ادامه داده و تاریخ شاهان قره‌قوینلو و آق‌قوینلو و تاریخ صفویه و نادرشاه و قاجاریه را تا اوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته و بر آن افزوده است. این تاریخ به تکملة روضة‌الصفاء معروف است.

تکمیل (ب) آن است که گوینده پس از ادای مطلب برای کمال آن معنی دیگری بیاورد.

صبا و ابر مروارید گستر      توپنداری که نقاش اند و بتگر  
یکی با صورت مانی نه مانی      یکی با صنعت آزر نه آزر

«عنصری»

تلمیح (ب) آن است که گوینده در ضمن شعر به قصه یا مثلی معروف اشاره کند :

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند

نه هر که آینه سازد سکنندری داند

«حافظ»

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد خار سازد      کرا منبر نسازد ، دار سازد

تموز (نبح) «رجوع شود به ماههای رومی»

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين (ك) در واقع ترجمه‌ای است از

نهج البلاغة حضرت علی . مترجم این کتاب ملافتح الله بن شکر الله

شریف کاشانی (متوفی ۹۸۸) است .

تنسیق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی ذکر کند .

شاه‌گیتی خسرو دشمن کش لشکر شکن

سایهٔ یزدان شه کشور ده ملکست ستان

تینین (نج) به تشدید نون - از صورتهای شمالی منطقه البروج شبیه  
به مار .

نمود اندر شمال خویش تینین

به گرد قطب دنبالش چو پرچین

«منوچهری»

توجیه (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل روی ساکن که در این  
صورت روی را مقید خوانند . مانند حرکت خ در کلمهٔ مفخر :  
زهی بقای تو دوران ملک را مفخر .

اختلاف توجیه جایز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل

پیوندد .

تور (ش - د) طبق روایات باستانی ایران پسر میانهٔ فریدون که هنگام  
تقسیم کشور فریدون ، سرزمین ترك و چین نصیب او شد ، ولی از  
سهم خود ناراضی بود و بهمین جهت به همدستی برادر بزرگ خود  
سام ، به ایران لشکر کشید و برادر کهنتر را کشت .

دگر تور را داد توران زمین      ورا کرد سالار ترکان چین

«از شاهنامهٔ فردوسی»

التوسل الی التوسل (ك) مجموعه‌ای از منشآت بهاءالدین محمد بن  
مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که در قرن ششم  
می‌زیسته است . مؤلف خود منشآت خویش را جمع‌آوری کرده  
و به نام بهاءالدین وزیر ساخته است .

این کتاب مشتمل است بر دیباچه و دو فصل مقدمه و سه قسم ، در حمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطان و سبب تألیف کتاب و مدح بهاءالدین وزیر و مختصری در سبکهای مختلف نویسندگان و نمونه فرمانها و عهدنامه‌هایی که از جانب سلطان به امیران و شاهان اطراف نوشته شده و نامه‌های دوستانه حاوی حوادث تاریخی و عادات و اخلاق مردم و دربار و رجال نیمه دوم قرن ششم .

کتاب التوسل الی الترسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف انشاء و نثر فارسی را در اعصار مختلف نشان می‌دهد و خود از بهترین نمونه‌های منشآت است که به صنایع لفظی آراسته و بسیار پخته و یکدست است. (چاپ تهران)

توشیح (ب) آن است که شاعر قطعه شعری بگوید و در اول هر مصراع حرفی بیاورد که از مجموع آنها نامی بیرون شود. مانند کلمه محمد در این شعر :

معشوقه دلم به تیر اندوه بخت

حیران شدم و کسم نمی‌گیرد دست

مسکین تن من ز بار محنت شد پست

دست غم دوست پشت صبرم بشکست

تہمتن ( ش - د ) لقب رستم پهلوان نامدار شاهنامه

تہمتن گر اندر کمان راند زود

بدان سان که سیمرخ فرموده بود

تیمورس (ش - ۵) پسر هوشنگ و ملقب به دیوبند که با دیوان جنگها کرد و برایشان غالب شد. بنا بر روایت شاهنامه، پشم رشتن و فرش بافتن را او آموخت و مرغان و جانوران را اهلی کرد.

تیمینه (ش - ۴) از زنان داستان شاهنامه، دختر شاه سمنگان که عاشق رستم شد و به همسری او درآمد و بعدها پسری از او آورد به نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بر بازوی پسر بست تا بتواند خود را به پدر بشناساند. اما سهراب ناشناخته به دست پدر کشته شد.

تیمر (تج) کره عطار است.

تیر زشت سپهر پیر مقوس هم بشود زود و در کمان بنماند

تیه (تن) بیابانی که موسی و بنی اسرائیل در آن راه گم کردند و سرگردان شدند و چهل سال در آن ماندند و خدای تعالی برایشان من و سلوی فرستاد و از سنگی که موسی عصای خود را بر آن زد، آب روان شد.

بین که کو کبۀ عمر خضروار گذشت

تو بازمانده چو موسی به تیه خوف ورجا

«خاقانی»



نورم (زحاف) (ع) در فعلون مجموع قبض و ثلم است . عول می ماند  
 بجای آن فعل می گذارند و آنرا اثرم می خوانند .

کریا (نج) از منازل قمر که به فارسی پروین نام دارد و شش ستاره  
 است مانند خوشه انگور و به این سبب در شعر فارسی آنرا «خوشه  
 پروین» می خوانند :

ثریا چون میوه بر سر چاه      دو چشم من بدو چون چشم بیژن

«منوچهری»

و به تازی آنرا «نجم» نیز گویند

معالیبی (ت) [ف: ۴۲۹] ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری  
 از نویسندگان و مورخان معروف ایرانی در قرن چهارم که آثار  
 مهمی به زبان عربی دارد . مانند یتیمه الدهر و تمة الیتیمه  
 در شرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف . اثر معروف و مهم او  
 غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم می باشد در تاریخ ایران قدیم  
 همچنین کتاب الاعجاز و الایجاز و کتاب التمثیل و المحاضره

ثلم (زحاف) (ع) در فعلون حذف فاء است که می ماند عولان ؛ بجای آن فعل لن می گذارند ؛ و آن را اثلّم خوانند.

ثمود (تن) نام قبیله ای از فرزندان سام بن نوح که بت می پرستیدند و خداوند صالح را برایشان پیغمبر کرد. قوم ثمود از صالح معجزه خواستند که از میان کوه شتری ماده با بچه بیرون بیاورد ، صالح به فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم ثمود گفتند که صالح سحر کرده است و به او نگریدند ، پس شتر به سرچشمه ایشان رفت و همه آبهارا خورد ، ایشان شتررا کشتند . در این هنگام صدای مهیبی از آسمان برآمد و قوم ثمود از وحشت آن مردند .

این همان چشمه خورشید جهان افروز است

که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

«سعدی»

ثور (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل گاو . برج ثور برابر ماه اردیبهشت می باشد .

به شاخ ثور بر شکل ثریا      چو مرواریدگون بار صنوبر

«انوری»



## ج

جابلسا (م) شهری است در سرحد مغرب که در آن سوی آن آدمی و آبادانی نباشد و گویند هزار دروازه دارد و در هر دروازه هزار کس پاسبانی می‌کند. این کلمه در ادبیات فارسی بیشتر با کلمهٔ جابلقا که سرحد مشرق است آورده می‌شود.

به هر جایی که خواهی رفت خواهی خورد رزق خود

نخواهد بیش و کم گشتن به جابلقا و جابلسا

«سلمان»

جابلقا (م) شهری است در سرحد مشرق که گویند در آن سوی آن آبادانی نباشد این کلمه در ادبیات فارسی با کلمهٔ جابلسا که سرحد مغرب است آورده می‌شود.

سخن کز روی دین‌گویی چه عبرانی چه سریانی

مکان کز بهر حق جویی چه جابلقا چه جابلسا

«سنایی»

جاحظ (ت) [ف : ۲۵۵] ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ البصری از ادیبان و نویسندگان بزرگ زبان عرب است . وی در بصره تولد یافت و

عمری دراز کرد. جاحظ رئیس فرقه معروف جاحظیه از فرقه‌های معتزله است. وی در نحو و علم حدیث و علم فصاحت خاصه در علم کلام استادی داشت و از فصحاء زبان عرب بشمار می‌آمد. آثار فراوان و پرارزشی از جاحظ باقی است از جمله: البیان والتبیین، التاج فی اخلاق الملوك، الحنین الی الاوطان، و کتاب الحیوان است.

جالینوس (ت) [ف: در حدود دو قرن پس از مسیح] از طبیبان و دانشمندان مشهور یونان. وی تا ۱۵۱ سالگی علوم ریاضی و منطق را نزد پدر آموخت. پس از آن به علم طب روی آورد و به مصر و اسکندریه و روم سفر کرد و نزد حکمای عصر علم آموخت و سرآمد طبیبان گشت. کتابهای فراوان و پرارزش تألیف کرده که اکثر آنها از میان رفته است. جالینوس فهرستی از کتابهای خود تألیف کرده که نام بیش از صد کتاب در آن ذکر شده است. در ادبیات فارسی نام جالینوس به عنوان نمونه دانش و برتری انسانی آورده شده است:

ای دوی نخوت و ناموس ما      ای تو افلاطون و جالینوس ما

«مولوی»

وگر خود علم جالینوس دانی      چو مرگ آمد به جالینوس مانی

«نظامی»

جام جم (ش-د) یا جام جهان بین یا جام جهان نما، بنا بر داستانهای ایرانی، جامی بود که جمشید همه جهان را در آن می‌دید. بنا بر روایت شاهنامه، کیخسرو برای آگاهی یافتن از کار بیژن هنگام نوروز در آن نگرست و بیژن را در بن چاهی در توران زمین دید و رستم را به رهانیدن او فرستاد.

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد

«حافظ»

گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم

گفت آن روز که این گنبد مینا می کرد

«حافظ»

جام جم (ك) مثنوی «جام جم» یا «جام جهان نما» اثر منظوم واحدی مرآه‌ای شاعر قرن هشتم که آن را به تقلید حدیقه سنائی سروده و به نام سلطان ابوسعید بهادر ایلخانی و وزیر او خواجه غیاث الدین محمد ساخته است. (چاپ تهران)

جامع البیان فی تفسیر القرآن (ك) «رجوع شود به تفسیر طبری»

جامع التواریخ (ك) تألیف رشیدالدین فضل الله وزیر و محقق و مورخ بزرگ دربار مغول که آن را در سال ۷۱۰ به دستور غازان خان و پسرش الجایتو تألیف کرده است. این کتاب شامل سه جلد است. جلد اول در تاریخ مغول شامل دو فصل. جلد دوم در تاریخ عمومی عالم شامل دو قسمت، جلد سوم در بیان صور اقالیم و مسالک الممالک (این قسمت کتاب از بین رفته است)

رشیدالدین فضل الله در تاریخ خود دقت بسیار بکار برده است. تنها به ذکر وقایع اکتفا نکرده، بلکه مقدمات جنگ و پیغامها و علت شکستها را شرح می دهد. چون مؤلف خود در دربار مغول مقام مهمی داشته و از اوضاع و حوادث مطلع بوده است، مشاهدات و تجربیات و گفتگوها را با دقت مورد توجه قرار می دهد، مخصوصاً از خانواده مغول اطلاعات گرانبهایی بدست می دهد که اسناد و مدارک آن به وسیله

غازان خان در اختیار او گذاشته شده است و ازینرو جامع التواریخ را می توان کتاب مهم و معتبری دانست سرشار از مدارك حقیقی و درست . (چاپ تهران)

جامع الحکمتین (ک) تألیف ناصر خسرو قبادیانی نویسنده و شاعر بزرگ اسمعیلی قرن پنجم . این کتاب شرحی است بر قصیدهٔ حواجه ابو الهثیم جرجانی از معتقدان مذهب اسمعیلی . قصیده شامل هشتاد و هشت بیت و متضمن سؤالهائی است دربارهٔ مسائل دشواری دینی و حقایق علمی و اصول عقاید اسمعیلیه . ناصر خسرو بنا بر خواهش عین الدوله ابو المعالی علی بن الاسد الحارث امیر بدخشان این قصیده را در سال ۴۶۲ شرح کرده است . به این ترتیب که یکایک بیتها را آورده و به تفصیل به شرح و تفسیر آن پرداخته و کتابی مفصل از آن ساخته است .

ناصر خسرو خود در مقدمهٔ کتاب می گوید که چون بنیاد کتاب برگزایش مشکلات دینی و معضلات فلسفی بوده نام آن را «جامع الحکمتین» گذارده است . (چاپ تهران)

جامع عباسی (ک) کتابی در احکام فقه تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ صفویه و از مقربان دربار شاه عباس که این کتاب را به زبان فارسی و به نام این پادشاه تألیف کرده است . شیخ بهائی خود کتاب را به بیست باب تقسیم کرده ولی پس از باب پنجم یعنی باب حج فوت کرده و کتاب ناتمام مانده است و نظام الدین ساوجی از شاگردان او پانزده باب دیگر را به همان روش ساخته و بر کتاب افزوده است . این کتاب بارها در ایران به چاپ

رسیده است.

جامی (ژنده پیل) [ف: ۵۳۶] ابو نصر احمد بن ابوالحسن معروف به شیخ جام یا پیر جام یازنده پیل از مشایخ و پیشوایان معروف صوفیه در نیمه اول قرن ششم هجری. وی در جوانی در طریق سیروس لوك قدم گذارد و سالها از عمر را به ریاضت گذراند و پس از آن به ارشاد پرداخت و مریدان بسیاری یافت. احمد جام در سال آخر حیات سفری به حجاز کرد و در بازگشت، چیزی نگذشت که دیده از جهان فرو بست و قریه آرامگاه وی پس از او به نام «تربت جام» و «تربت شیخ جام» معروف گشت. امروزه تربت شیخ جام در خراسان از زیارتگاه های معروف است. آثار شیخ احمد جام به زبان پارسی است و در احوال و عقاید عرفا و آداب تصوف است از جمله کتاب: انیس الثائین، کنوز الحکمه، روضه المذنبین، بحار الحقیقه، سراج السائرین و مفتاح النجات (مفتاح النجات به تصحیح دکتر علی فاضل - از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۴۷ ش)

شیخ احمد جام شعر نیز می سروده و دیوانی را به او نسبت داده اند. وی همان کسی است که عبدالرحمن جامی شاعر معروف ایران به او ارادت می ورزیده و در بیان تخلص خود چنین گفته است:

مولد جام و رشحه قلم	جرعه جام شیخ الاسلامی است
لاجرم در جریده اشعار	بهرو معنی تخلص جامی است

جامی (ت) [ف: ۸۹۸] نورالدین عبدالرحمن جامی از شاعران معروف قرن

نهم، پدروی نظام‌الدین دشتی منسوب به محله دشت اصفهان بوده که بعد به ولایت جام مهاجرت کرده است. عبدالرحمن ازدونظر جامی تخلص کرده است. یکی به مناسبت تولدش در ولایت جام و دیگری به مناسبت ارادتی که به شیخ‌الاسلام جامی داشته است. جامی از خرد سالی با پدر به هرات و سمرقند رفت و در آن شهرها به کسب علم و ادب پرداخت. پس به عالم عرفان وارد شد و پس از کسب فیض از استادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و قاضی زاده رومی به مرتبه ارشاد رسید و در سلك رؤسای طریقه نقشبندی که مؤسس آن بهاء‌الدین نقشبند بود، درآمد.

جامی به مکه سفر کرد و پس از زیارت حج از راه دمشق به تبریز رفت و در سال ۸۷۸ به هرات وارد شد.

جامی رامی توان از آخرین شاعران متصوف ایران دانست. در فنون مختلف و علوم دین و ادب و تاریخ استاد بود و در شعر به سعدی و حافظ توجه داشت، از نظامی نیز پیروی کرده و به تقلید او خمسه‌ای ساخته است. جامی در اشعار خود ابوالغازی سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی و سلطان ابوسعید تیموری و جهان‌شاه قراقوینلو و سلطان محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده است. جامی به بسیاری آثار نظم و نثر معروف است. از آثار منظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید و غزلیات و مرثیاتی و ترجیع‌بند و مثنویات و رباعیات است. جامی دیوان خود را بر سه قسمت تقسیم کرده و آنها را فاتحه الشباب، واسطه العقد، خاتمه الحیات

نام گذارده است.

دیگر از آثار او هفت اورنگ به تقلید خمسه نظامی است شامل: سلسله الذهب، سلامان و ایسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف وزلیخا، لیلی و مجنون، خردنامه اسکندری.

از آثار منشور جامی: نقد النصوص، نفحات الانس، لوائح، لوامع، شواهد النبوة، اشعة اللمعات و بهارستان می باشد. گذشته از اینها، جامی رسالاتی در مسائل مختلف داردمانند: مناسک حج، رساله تهلیلیه در علم دین، رساله در اخلاق صوفیان به نام تحقیق مذهب صوفیان، رساله در علم قوافی، رساله موسیقی، تجنیس الخط، منشآت و معمیات و در صرف و نحو، فواید الضیائیه. معروف به شرح ملاحامی و در تاریخ: تاریخ صوفیان. اشعار و افکار جامی در خارج از ایران مانند هندوستان و عثمانی تأثیر بسیار داشته است.

جب (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف دو سبب یعنی عی و لن است که می ماند مفا؛ و بجای آن فعل می گذارند و آن را محبوب گویند.

جبلی (ت) [ف: ۵۵۵] بدیع الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع غرجستانی جبلی از شاعران قرن ششم که در ناحیه غرجستان تولد یافت و در دربار بهرامشاه غزنوی و سلطان سنجر بسرمی برده و پیوسته مورد احترام آنها بوده است. عبدالواسع اشعاری در مدح این شاهان و همچنین شاهان غوری و خوارزمی سروده است. چنانکه از اشعار او پیدا است، در علوم زمان خاصه ادب و شعر مهارت داشته و کلامش به صنایع لفظی آراسته است. به عربی نیز شعر می سروده عوفی اورا «ذو البلاغین»

نامیده و ملمعاتی از او نقل کرده است، اشعارش شامل قصیده و غزل و ترجیع بند است. (دیوان عبدالواسع - چاپ تهران)  
جبهه (نج) منزل دهم از منازل قمر که به معنی پیشانی شیراست و دارای چهار ستاره روشن می باشد .

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خبن می کنند می مانند فاعلاتن ؛ پس از آن فعلارا می اندازند ، می شود : تن ؛ بجای آن فع می گذارند و آن را مجحوف خوانند .

جدع (زحاف) (ع) در مفعولات حذف مف و عو و ساکن کردن تاست که می شود لات ؛ و بجای آن فاع می گذارند ؛ و آن را مجدوع خوانند .

جدی (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل بزغاله . برج جدی برابر ماه دی است .  
 چشم بزغاله بر آن خوشه که خرمن کرده شب

داس کژ دندان ز راه کهکشانش انگیخته

«خاقانی»

جدی (نج) ستاره ای روشن بر دب اصغر و نزدیکترین ستارگان به قطب شمال که چون به چشم بیحرکت و ثابت می نماید ، برای یافتن قبله از آن استفاده می کنند .

همی برگشت گرد قطب جدی      چو گرد با بزن مرغ مسمن

«منوچهری»

جرجانی (ت) [ ف : ۴۷۱ یا ۴۷۴ ] ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی . از ادیبان بزرگ و از استادان علم نحو و معانی و



بیان . تألیفات مهمی دارد . از آنجمله کتاب : الجمل معروف به جرجانیه در فقه و کتاب المغنی در شرح ایضاح ابوعلی فارسی و المقتصد والعمده در صرف و کتاب دلائل الاعجاز و اسرار البلاغة در معانی و بیان .

جرجانی (ت) [ف: ۵۳۱] زین الدین اسمعیل بن حسن الجرجانی . از پزشکان معروف قرن ششم و معاصر خوارزمشاهیان . مدتی در خراسان و چندی در خوارزم در خدمت ابو الفتح قطب الدین محمد و پسرش آتسز بود . جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم و آثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست . همه مباحث طب را مورد مطالعه قرار داده و مهمترین آثار طبی خود را به زبان فارسی نوشته است . از آثار مهم فارسی او : ذخیره خوارزمشاهی و کتاب خفی علائی و یادگار و اغراض است . کتاب خفی علائی تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدوله آتسز خوارزمشاه نوشته شده . کتاب یادگار در يك جلد در طب است که جرجانی برای خوارزمشاه تصنیف کرده و اغراض نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابو محمد آتسز تألیف شده است .

جرجانی (ت) [ف: ۸۱۶] میر سید شریف علی بن محمد الجرجانی از عالمان مشهور قرن هشتم که در سال ۷۴۰ در شیراز متولد شد و به خدمت شاه شجاع معرفی گردید و به تدریس در مدرسه دارالشفاء پرداخت . تیمور هنگام فتح شیراز او را با خود به ماوراءالنهر برد و او مدتها در مجلس تیمور با سعدالدین تفتازانی به مباحثه

می‌پرداخت . جرجانی پس از مرگ تیمور به شیراز بازگشت و همانجا وفات یافت .

بیشتر تألیفات میرسید شریف به زبان عربی است از جمله حاشیه‌ای برمطول کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است و دیگر کتاب التعریفات در ذکر اصطلاحات علمی و ادبی و حدیث و تفسیر و علم معقول و منقول. از آثار فارسی میرسید شریف یکی رساله معروفی است در صرف و نحو عربی موسوم به صرف میر دیگر رساله‌ای در منطق به نام الکبری فی المنطق ، سوم رساله‌ای است به نام رساله الوجود . (رساله الوجود- چاپ تهران)

جسم (ط) جوهری که در او سه بعد باشد یعنی دارای درازا و پهنا و ستبری (یا طول و عرض و ضخامت) باشد .

جم (ش - د) «رجوع شود به جمشید .»

گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو

گفت افسوس که آن دولت بیدار بخت

«حافظ»

جمال الدین اصفهانی (ت) [ف : ۵۸۸] جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی از شاعران قرن ششم . مولدش اصفهان بوده و بیشتر عمر خود را در آنجا گذرانده است و به آذربایجان نیز رفته و با نظامی گنجوی ملاقات کرده است. جمال الدین بیشتر شاهان سلجوقی را مانند ارسلان بن طغرل و طغرل بن ارسلان و نصره الدین جهان پهلوان و بعضی از ملوک آل باوند را که در مازندران حکومت داشتند و دو خانواده آل خجند و آل صاعد را که از خانواده‌های

بزرگ اصفهان بوده‌اند، مدح کرده است. دیوان جمال‌الدین شامل قصیده و غزل و مدح و حکمت و وعظ است. از پیروان انوری و سید حسن غزنوی و رشید و طواط می‌باشد و با خاقانی و مجیر و ظهیر مشاعره داشته است. بیشتر قصائدش بی‌تغزل با مدح شروع می‌شود، کمتر به وصف طبیعت می‌پردازد، ولی غزلیاتش در ردیف اول غزلیات عصر اوست. (دیوان جمال‌الدین چاپ تهران)

جمشید (ش. ۵) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی. لباس دوختن و کشتی‌رانی و پزشکی را به مردم آموخت، گوهر را استخراج کرد و تختی گوهر نشان ساخت، جشن نوروز را او برپا کرد و پس از این کارها خودبینی بر او چیره شد تا ضحاک بر او دست یسافت و میانش را با اره به دونیم کرد.

صدر تو به پایه تخت جمشید خنگ تو به سایه رخسارستم

«انوری»

جمع و تفریق (ب) آن است که شاعر ابتدا چند چیز را در صفت واحدی

جمع کند و بعد میان آنها فرقی قائل شود. مثال:

ما و زاهد شهریم هر دو داغدار اما

داغ ما بود بردل، داغ او به پیشانی

جنس (ط) از کلیات خمس. آن است که در جواب ماهو (چیست) واقع شود. مانند حیوان وقتی که بپرسیم. انسان یا گاو یا گوسفند یا اسب چیست؟ در جواب گفته می‌شود: حیوان. پس جنس آن است که تمام حقیقت مشترک را شامل است یعنی حیوان که شامل گاو

وگوسفند و اسب و انسان است .

جنیدی (ت) ابو عبدالله محمد بن عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهور قرن چهارم . او را در شمار شاعران دستگناه صاحب بن عباد ذکر کرده اند . ثعالبی دو بیت عربی و يك قطعه پارسی از او نقل کرده است .

جوامع الحکایات و لواعع الروایات (ك) از معتبرترین کتابهایی که به زبان فارسی تألیف یافته و مؤلف آن محمد عوفی صاحب تذکره لباب الالباب است که آن را در حدود سال ۶۳۰ و به نام نظام الملك قوام الدین محمد بن جنیدی وزیر شمس الدین التتمش تألیف کرده است . جوامع الحکایات مشتمل بر حکایتهای ادبی و اشعار و امثله است در چهار مجلد و هر مجلد دارای بیست و پنج باب . این کتاب از لحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است ، زیرا که عوفی منابع استفاده خود را ذکر می کند و اسنادی را نقل می کند که در کتابهای دیگر نیست و به همین جهت مورد استفاده بسیاری از مؤلفان مانند حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده و امین احمد رازی در هفت اقلیم و منهاج سراج در طبقات ناصری قرار گرفته است .

سبک انشاء کتاب جز دیباچه که دارای نثر مصنوع است ،

به نثر ساده و روان می باشد ولی دارای ترکیبات عربی است .

جواهر الاسرار و ظواهر الادوار (ك) کتابی در شرح مثنوی مولانا جلال الدین رومی به قلم کمال الدین حسین بن حسین خوارزمی . قسمت عمده این کتاب مقدمه ای است شامل تاریخ و اصطلاحات

و مبادی صوفیه .

جودی (تن) کوهی که کشتی نوح پس از فرونشستن طوفان بر آن قرار گرفت .

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد

بر سلهٔ او باش که جودی نجاتست

«انوری»

جوزا (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقهٔ البروج و به شکل دوپیکر ایستاده . برج جوزا برابر ماه خرداد می باشد .

جوزا صفت دو گانه هزار آفتاب زاد

هر گه که رفت همت او در بر سخاش

«خاقانی»

دو پیکر باز چون دو یاز در خواب

به یکدیگر بیچیده چو دولاب

«فخرالدین اسعد گرگانی»

جوزا ۱ (نج) نام دیگر صورت فلکی جبار است که از صورتهای جنوبی

منطقهٔ البروج است و آن صورت مردی است کمر بسته و شمشیر

بر دست گرفته و کمر او را «نطاق» گویند .

خورده ام تیر فلک باده بده تا سرمست

عقله در بند کمر ترکش جوزا فکنم

«حافظ»

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم

یعنی غلام شاهم و سوگند می خورم

جوزجانی [ ف : ۴۳۸ ] ابو عبیدالله عبدالواحد بن محمد جوزجانی ،

از حکیمان و فیلسوفان بزرگ و از شاگردان و خواص ابوعلی سینا.  
وی در طب و ریاضی دست داشته است .

از آثار معروف او شرح رساله‌ی حی بن یقظان و مقدمه بر  
کتاب الشفاء و تفسیر مشکلات کتاب قانون ابوعلی سیناست .  
جوهر (ط) از مقولات عشر . موجودی که به خودی خود وجود داشته  
باشد . مانند سنگ ، درخت .

جوهری (ت) [ف : ۱۲۵۲] میرزا محمد ابراهیم از شاعران مرثیه‌گوی و  
متخلص به جوهری است . وی مؤلف کتاب طوفان البكاء است که  
به مناسبت تخلص وی به کتاب جوهری معروف است .

جوهری (ت) [ف : ۳۹۸] اسمعیل بن حماد جوهری فارابی از عالمان  
لغت است و برای جمع آوری لغات ، مدتی در میان قبایل عرب  
بسربرد . پس از آن به نیشابور رفت و در آنجا به تدریس پرداخت .  
از آثار مشهور او الصحاح فی اللغة است که از کتابهای مهم لغت  
به شمار می‌رود .

جویا (ت) [ف : ۱۱۱۸] میرزا داراب بیک جویای تبریزی از شاعران  
اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم . مولدش در کشمیر و از  
معاصران اورنگ زیب است . جویا را بعد از غنی از استادان  
مسلم شعر فارسی در هند می‌دانند . وی در غزل پیرو صائب است .  
کلیاتش شامل قصیده و مثنوی و قطعه و غزل است .  
کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه  
پنجاب چاپ شده است .

جوینباری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد البخاری الجویباری از شاعران دوره سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است.

جوینی (ت) [ ف: ۶۸۱ ] علاءالدین عطا ملک بن بهاءالدین جوینی از تاریخ‌نویسان معروف ایرانی در دوره مغول پسر بهاءالدین و برادر شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان جوینی که از خاندانهای معروف و متنفذ زمان مغول بوده است. علاءالدین مدت بیست و چهار سال در بغداد حکومت کرد ولی او و برادرش شمس‌الدین گرفتار سعایت مجدالملک یزدی وزیر آباقاخان شدند و بنا به دستور آباقاخان، علاءالدین در بغداد توقیف و گرفتار شکنجه گشت و سرانجام در سال ۶۸۱ وفات یافت. اثر مهم او تاریخ جهانگشاست.

جهانگشای جوینی (ک) «رجوع شود به تاریخ جهانگشا».

جهانگشای نادری (ک) تاریخ معروف دوره سلطنت نادرشاه تألیف مهدیخان بن محمد نصیر استرآبادی منشی نادرشاه است که در سفرها با او همراه بوده است و وقایع سلطنت و شرح جنگهای او را تا زمان مرگ یعنی تا سال ۱۱۶۰ شرح داده است. نویسنده در این کتاب برخلاف کتاب دره نادره بیشتر به تاریخ و مضمون کتاب پرداخته و معنی را فدای لفظ نساخته است، اما لغات ترکی در خلال عبارات دیده می‌شود. این کتاب از بهترین تواریخ دوره نادرشاه است (چاپ تهران - از انتشارات انجمن آثار ملی - به اهتمام سیدعبدالله انوار) .







چار تکبیر - در اصل چهار تکبیری است که در نماز میت می‌خوانند و چار تکبیر زدن یا چار تکبیر گفتن کنایه از ترك چیزهاست.

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق

چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست

«حافظ»

چاه بیژن (ش - ۵) چاهی که بیژن پهلوان ایرانی به فرمان افراسیاب در آن افکنده شد. منیژه دختر افراسیاب و معشوق بیژن هر روز نانی از گدائی به دست می‌آورد و از بالای چاه برای او می‌انداخت.

«رجوع شود به بیژن»

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

چو بیژن در میان چاه او من

ثریا چون منیژه بر سر چاه

دو چشم من بدو چون چشم بیژن

«شاهنامه فردوسی»

چاه یوسف (تن) چاهی که برادران یوسف او را در آن افکندند. «رجوع

شود به یوسف»

بین که سبب زرخندان تو چه می گوید

هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست

«حافظ»

چرخ ائیر (نج) «رجوع شود به ائیر»

شهاب کلک تو با دیو دولت تو به سیر

همان کند که به دیوان شهاب چرخ ائیر

«انوری»

چشمه حیوان (تن) «رجوع شود به آب حیات»

زهر سفر نوش کن اول چو خضر

پس برو و چشمه حیوان طلب

«خاقانی»

چشمه خضر (تن) «رجوع شود به آب حیات»

زبان در آن دهن پاک گوئیا که مگر

میان چشمه خضر است ماهی گویا

«خاقانی»

چگل نام شهری است در ترکستان که در شعر فارسی مردم آن به زیبایی

مثل شده اند.

صفای خلوت خاطر از آن شمع چگل جویم

فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم

«حافظ»

چهار ارکان (نج) یا چار ارکان عبارت است از آب و خاک و باد و

آتش .

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر

زمانه مثل تو از امتزاج چار ارکان

«انسوری»

چهار امهات (نج) کنایه از چهار عنصر (آب و خاک و باد و آتش)

به صد قران بنزاید یکی نتیجه چو تو

ز امتزاج چهار امهات و هفت آبا

«خاقانی»

چهار مقاله عروضی (ک) یا مجمع النوادر، کتابی به زبان فارسی، تألیف

احمد بن علی النظامی العروزی سمرقندی که آن را در سال ۵۵۱ هـ به

نام ابوالحسن حسام الدین علی شاهزاده غوری تألیف کرده است.

کتاب چهار مقاله پس از مقدمه‌ای در حکمت و طبیعیات به چهار

مقاله تقسیم می‌شود: در ماهیت علم دبیری و کیفیت دبیر کامل، ماهیت

علم شعر و صلاحیت شاعر، ماهیت علم نجوم و غزارت منجم، ماهیت

علم طب.

نظامی عروضی کتابش را به کیفیات و عواملی مخصوص

کرده است که به دربار بستگی دارد و در این کتاب تأثیر علوم و فنون را

در اداره کشور و لیاقت درباریان و نفوذ ایشان را در شاهان شرح

می‌دهد و طبقه خواص را به چهار طبقه دبیر، شاعر، منجم، طبیب، تقسیم

می‌کند. مؤلف مطالب کتاب را با شواهد تاریخی می‌آمیزد و در ضمن

توضیح مقالات نام بسیاری از کتابها را می‌برد و اشعار و نوشته شاعران

و نویسندگان را ذکر می‌کند.

نظامی عروضی در حکایات گاهی خود شاهد واقعه بوده و

سرگذشت اشخاص را چنانکه از خود آنها شنیده‌است نقل می‌کند و گاهی هم از اشخاصی که خود ناظر وقایع بوده‌اند. کتاب چهار مقاله اهمیت تاریخی و جغرافیائی دارد. سبک انشاء آن بسیار موجز و سلیس است و یکی از آثار برگزیده نثر فارسی به‌شمار می‌رود. (چاپ تهران)

چیستان (ب) در حقیقت لغز است (رجوع شود به لغز) و چون به طریق سؤال و با کلمه «چیست آن» شروع می‌شود به همین لفظ یعنی «چیستان» خوانده شده‌است؛ مانند این شعر عنصری در لغز شمشیر:

چیست آن آب‌جو آتش و آهن چون پر نیان  
بی‌روان تن پیکری، پاکیزه خون در تن روان  
ار بجنابیش آب است، ار بلر زانی درفش  
ار بیند ازیش تیر است، ار بخمانی کمان...

## ح

حاج‌ملاهادی‌سبزواری (ت) «رجوع شود به‌سبزواری»

حافظ ابرو (ت) [ف: ۸۳۴] شهاب‌الدین عبداللّه بن لطف‌الله بن عبدالرشید الخوافی از مورخان بزرگ‌دورهٔ تیمور که به‌قولی درهرات و به‌قولی درخواف متولد شده ولی درهمدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصر امیر تیمور و در جنگها ملتزم رکاب او بوده است و بعد از مرگ تیمور به خدمت خود در دربار شاهرخ و بعد بایسنقر ادامه داد. آثاری در تاریخ و جغرافیا دارد که معروفترین آنها را به نام *زبدة التواریخ* به امر بایسنقر در سال ۸۲۹ تألیف کرده است، ولی مجموع چهار جلد تاریخ او را *مجمع التواریخ* سلطانی خوانده‌اند. حافظ ابرو به زبانهای ترکی جغتائی (زبان درباری) و عربی آشنا بوده و شعر هم می‌سروده است و کتابهای تاریخ و جغرافیای او، چون بیشتر مر بوط به وقایعی بوده است که خود شاهد آن بوده یا مر بوط به سفرها و سیاحت‌های شخصی او بوده است، سند اصلی تاریخ نویسانی چون میرخواند و خواند میر قرار گرفته است.

حافظ شیرازی (ت) [ف: ۷۹۱] شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین معروف به لسان‌الغیب بزرگترین غزلسرای ایران که در اوایل قرن هشتم در شیراز متولد شد و همانجا به تحصیل علوم و کمالات پرداخت و در مجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین عبدالله حضور می‌یافت و به مطالعه قوانین ادب و دیوانهای شاعران عرب می‌پرداخت و چون قرآن را از بر داشت، حافظ تخلص کرد. پدر حافظ بهاء‌الدین در عصر اتابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد و حافظ در زمان جوانی به خدمت دیوانی در دربار شاهان اینجو و آل مظفر درآمد. مخصوصاً حافظ در نزد ابواسحق اینجو که حکومت فارس را داشت، تقرب بسیار یافت و او را مدح کرد تا دولت ابواسحاق بدست محمد مبارزالدین مؤسس مظفریان منقرض شد. حافظ از شاهان آل مظفر، امیر مبارزالدین و شاه شجاع و شاه یحیی و شاه منصور را در غزلهای خود یاد کرده است. حافظ همه عمر را در شیراز گذرانده و سفرهای کوتاهی به اصفهان و یزد کرده است. یکبار نیز از طرف محمود شاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت شد. ولی به علت طوفانی بودن دریا از سفر منصرف گشت. وفات حافظ در سال ۷۹۱ در شیراز اتفاق افتاد.

دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات و مثنوی ساقی‌نامه و چند قصیده است. این سخنور بزرگ با آنکه در زمانی پرفتنه و آشوب زندگی می‌کرد در اشعارش متانت و بردباری آشکار است و هرگز در مدح غلو نکرده است. حافظ از روح عرفان بهره کامل داشته و مضامین عاشقانه را با معانی عرفانی آمیخته و این شیوه را به درجه کمال رسانده است.

دیوان حافظ بیش از همه آثار غزلسرایان دیگر نزد فارسی زبانان شهرت و رواج دارد و از این جهت خواه حافظ شیرازی محبوب ترین شاعر ایران شمرده می شود . دیوان حافظ چندین بار در ایران به چاپ رسیده است .

حائسنامه (ك) «رجوع شود به گوی و چوگان»

الحاوی (ك) تألیف دانشمند و طبیب عالیقدر ایرانی ابوبکر محمدز کرای رازی. این کتاب از مهمترین کتابهای طبی به شمار می رفته و در علم طب حکم دائرة المعارفی را داشته است. در سی جزو نوشته شده و نسخه ترجمه شده به لاتین به ۲۵ جزو می رسد ولی از متن عربی آن در حدود نصف باقی است. شاگردان رازی پس از او این کتاب را از روی یادداشتهای استاد خود مرتب کرده اند. کتاب شامل انواع شعب و فنون مختلف علم طب است و همچنین حاوی یادداشتهایی می باشد که مؤلف در مدت معالجه و عمل از تجارب شخصی گرد کرده است.

حبش (م) ولایت زنگک یا زنگبار که مردم آن سیاه چهره اند و در شعر فارسی لشکر حبش یا خادم حبش کنایه از شب و لشکر روم یا خادم روم کنایه از روز است.

تاروز و شب دو خادم رومی و زنگی اند

هریک به صدق عنبر جان در میان اوست

خورشید روم پرور و ماه حبش نگار

سایه نشین ساحت طویی نشان اوست

«خاقانی»

حبيب السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که در آن وقایع از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسمعیل صفوی یعنی سال ۹۳۰ شرح داده شده است. این کتاب در سه جلد است و مؤلف آن غیاث الدین بن همام الدین معروف به خواندمیر است که آن را در سال ۹۲۹ تألیف کرده است. (چاپ تهران)  
حجر الاسود (تن) سنگ کعبه.

خال سیاه او حجر الاسود است از آنک

ماند به خال و زلف به خم حلقه درش

«خاقانی»

حدائق السحر فی دقایق الشعر (ك) کتابی در علم بیان و صنایع لفظی و معنوی شعر، از آثار رشیدالدین وطواط دانشمند بزرگ قرن ششم که آن را به اشاره اتسرخوارزمشاه در سال ۵۵۱ شروع کرد و در زمان سلطنت ایل ارسلان به پایان رساند. رشیدالدین وطواط پس از مطالعه کتاب «ترجمان البلاغة» خواسته است کتابی بهتر و جامعتر در محاسن نظم و نثر تألیف کند.

رشید در این کتاب ابتدا به ذکر محاسن شعر می پردازد و بعد شواهدی از زبان فارسی و عربی ذکر می کند و از شاعرانی مانند معری و عمق بخارایی و ابو الفرج رونی و مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو اشعاری من باب مثال می آورد. (چاپ تهران)

حدود العالم من المشرق الى المغرب (ك) از کتابهای معتبر جغرافیا که در سال ۳۷۲ تألیف یافته است. مؤلف آن معلوم نیست ولی به ابو الحرث



محمد بن احمد فریغون از آل فریغون تقدیم شده است. آل فریغون در گوزکانان اقامت داشتند و به دست سلطان محمود غزنوی از میان رفتند. این کتاب در تقسیم شهرها و بلاد و نواحی و اقوام مختلف و احوال آنهاست و بسیار سودمند می باشد.

حدود قوافی (ق) حدود قوافی پنج است: متکوس، متراکب، متدارک، متواتر، مترادف

۱- متکوس. قافیه‌ای است که دارای چهار حرف متحرک و یک ساکن باشد. و در شعر خوش آیند نیست:

گر یار من غم دلم بخوردی

زین بهترک به حال من نگردی

۲- متراکب: قافیه‌ای است که دارای سه حرف متحرک و یک ساکن باشد:

تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم

تبسمی کن و جان بین که چون همی سپرم

«حافظ»

۳- متدارک: قافیه‌ای است که دارای دو حرف متحرک و یک ساکن باشد:

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

۴- متواتر: قافیه‌ای است که دارای یک متحرک و یک ساکن باشد:

من آن روز را قدر نشاختم

ندانستم اکنون که در یافتم

۵- مترادف: قافیه‌ای است که دارای دو حرف ساکن

باشد، مانند :

ز سَم ستوران در آن پهن دشت

زمین شد شش و آسمان گشت هشت

حَدِيقَةُ الْحَقِيقَةِ وَ شَرِيعَةُ الطَّرِيقَةِ (ك) از مهمترین آثار حکیم سنائی

شاعر معروف قرن ششم ، شامل ده هزار بیت ، که در سال ۵۲۵ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده باب است . در توحید ، ذکر کلام باری ، نعت نبی ، صفت عقل ، فضیلت علم ، ذکر نفس ، صفت افلاک ، مدح بهرامشاه غزنوی ، حکمت و امثال ، صفت تصنیف کتاب . کتاب حدیقه سراسر شامل پند و اندرز و مطالب عرفانی و بیان مقام دانش و عقل است و در حقیقت سرمشق و راهنمای بزرگی است برای افراد و اجتماع . این کتاب از نظر اهمیت موضوع در زمان حیات شاعر شهرت یافت و ادیبان و مشایخ صوفیه به آن توجه کردند ، چنانکه نصرالله منشی معاصر حکیم سنائی در کلیله و دمنه از اشعار حدیقه بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد از سنائی قرار گرفته است ، بطوریکه خاقانی مثنوی تحفة العراقین و نظامی مخزن الاسرار را به سبک آن ساخته اند . حدیقة الحقیقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذذ (زحاف) (ع) در مستعلن حذف علن است که می ماند مستف بجای

آن فع لن می گذارند ؛ و آن را اخذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم شود که يك یا دو حرف را در شعر

بکار نبرد مانند این شعر قاآنی که بدون الف است .

برد ز گیتی برون ربیع چو لشکر

لشکر دی ملک وی نمود مسخر

دهر زدم سردیش به خویش مشوش

مهر ز بیمهریش به میخ مستر

و در آخر قصیده گوید:

گفته به مدحت قصیده‌ای و الف نی

جز به همین فرد ملتزم شده دیگر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام و نون است که می‌ماند

مفاعی و بجای آن فعولن می‌گذارند و آنرا محذوف خوانند.

در فاعلاتن حذف نون و تاء است که می‌ماند فاعلا و بجای

آن فاعلن می‌گذارند و آنرا محذوف خوانند. در فاعلاتن مانند

فاعلاتن است .

در فعولن حذف نون و لام است که می‌ماند فعو بجای

آن فعل<sup>۰</sup> می‌گذارند و آنرا محذوف خوانند.

حدو (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل ردف و قید مانند حرکت

میم و دال در کلمه‌های مست و دست . اختلاف حدو جایز نیست

مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات قافیه (ق) حرکات حروف قافیه شش است : رس ، اشباع ،

حدو ، توجیه ، مجری ، نفاذ . حرفهای اول این شش کلمه را برای

آنکه به یاد سپرده شود در کلمات «راحت من» جمع کرده‌اند. «به

هریک از این کلمات رجوع شود»

حروف قافیه (ق) حروف ماقبل و مابعد حرف روی هریک به نامی خوانده می‌شود و تابع احکامی است که به تفصیل در کتابهای علم قافیه آمده است. این حروف جز حرف روی هشت حرف است. به این ترتیب: ردف، قید، تأسیس، دخیل، وصل، خروج، مزید، نایره. که چهار حرف: ردف و قید و تأسیس و دخیل پیش از روی قرار می‌گیرد و چهار حرف وصل و خروج و مزید و نایره بعد از روی. (به هریک از این کلمات رجوع شود)

حزین (ت) [ف: ۱۱۸۰] شیخ محمد علی محمد بن ابی طالب حزین لاهیجی اجداد شیخ علی حزین در لاهیجان اقامت داشتند، ولی او در سال ۱۱۰۳ در اصفهان متولد شد. علم منطق و فقه و حدیث را نزد پدر و علم هیئت و طب و هندسه را در نزد فضلالی اصفهان آموخت. حزین در دوران اغتشاش و هجوم افغانها بر اصفهان، خانواده خود را از دست داد و خود پس از نجات از بیماری سختی در سال ۱۱۳۵ از اصفهان گریخت و پس از مدتها سرگردانی سفری به مکه کرد و از شهرهای یمن، بغداد، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان، تهران دیدن کرد و به اصفهان بازگشت و در سال ۱۱۴۶ به هندوستان عزیمت نمود و بقیه عمر را در آنجا گذراند. مقبره حزین در شهر بنارس واقع است.

از آثار معروف او: تذکره حزین است مشتمل بر شرح حال صد نفر از شاعران و عالمان و فاضلان اصفهان که با نویسنده معاصر بوده‌اند. دیگر تاریخ حزین که مربوط به سوانح عمر

مؤلف است قبل از عزیمت به هندوستان، مدّة العمر که حوادث زمان نویسنده و انقلاب اصفهان را نشان می‌دهد و کلیات حزین مشتمل بر قصائد، مثنوی، مقطعات، حدیقه ثانی به سبک حدیقه سنایی.

حساب ابجد یکی از ترتیب‌های حروف الفبا آن است که مطابق حرفهای کلمات زیر باشد :

ابجد ، هوز ، حطی ، کلمن ، سعفص ، قرشت ، ثخذ ، ضطغ .

هریک از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و عشرات و مآت است . حروف : ا ب ج د ه و ز ح ط ی به ترتیب معادل از ۱ تا ۱۰ ، حروف : ک ل م ن س ع ف ص به ترتیب به ازای از ۱۰ تا ۹۰ ، و حروف : ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ به ترتیب معادل از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ است

نوشتن اعداد به حروف ابجد به وسیله ترتیب این حروف حاصل می‌شود . مثلاً تاریخ سال ۱۳۴۰ را می‌توان چنین نوشت : «غشم»

گاهی نیز عدد منظور از حاصل جمع حروف متعدد به دست می‌آید : مانند عبارت « الخیر فی ماوقع » که ۱۱۴۸ یعنی تاریخ جلوس نادر از آن حاصل می‌شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر در گریز از تغزل به مدح ، کلمات خوش آیند و مطبوع استعمال کند .

خلق گویند برو دل به هوای دگری نه

نکنم خاصه در ایام اتابک دو هوایی

«سدهی»

حسن تعلیل (ب) از صنایع شعری که شاعر برای مطلبی که آورده دلیلی

دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع .

چوب را آب فرو می نبرد حکمت چیست

شرمش آید ز فرو بردن پرورده نحویش

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار کند که

مورد پسند خواننده واقع شود ، مانند این شعر امیر معزی :

شاهای ادبی کن فلک بدخو را کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گرگوی خطا کرد به چو گانش زن وراسب غلط کرد به من بخش اورا

حسن دهلوی (ت) «رجوع شود به دهلوی»

حسن غزنوی (ت) [ف : ۵۵۷] اشرف الدین ابومحمد حسن بن محمد

حسینی غزنوی ملقب به اشرف از واعظان و فصیحان معروف قرن

ششم هجری که معاصر و مداح بهرامشاه غزنوی بوده و در سفر

هندوستان با او همراهی کرده است ، ولی پس از مدتی مغضوب

واقع شده و از غزنین به بغداد و مکه سفر کرده و در بغداد مورد

لطف غیاث الدین مسعود سلجوقی واقع گردیده است . سید حسن

غزنوی از بغداد به همدان رفت و چندتن از ارکان مملکت سلاجقه

را مدح کرد و سپس به خراسان رفت و در بازگشت در قصبه «آزادوار»

از ولایت جوین وفات یافت .

دیوان اشعار سید حسن غزنوی چهار هزار بیت دارد و

شامل قصائد و غزل و ترجیعات در انواع موضوعها مانند مدح و رثاء و وعظ و تغزل است، کلامش ساده و منسجم و خالی از ابهام است. (چاپ تهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر در ابتدای شعر مطلب را طوری پیروراند که مقصود از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود و الفاظ به گوش خوش آید.

دولت جوان و بخت جوان و ملک جوان

ملک جهان گرفتن و دادن کنون توان

حسن مقطع (ب) یا حسن ختام آن است که گوینده یا نویسنده مطلب را با عبارت یا شعری زیبا و مطبوع ختم کند.

سر دشمنان تو استغفرالله

که خود دشمنان ترا سر نباشد

سخن بر سر دشمنت قطع کردم

که مقطع از این شعر بهتر نباشد

حسن و دل یا دستور عشاق (ك) منظومه‌ای بالغ بر پنجاهار بیت که مولانا

یحیی سبک نیشابوری معروف به فتاحی در سال ۸۴۰ آن را ساخته است. خود شاعر نام این منظومه را دستور عشاق گذارده، ولی چون موضوع آن داستان عشق حسن و دل است به مثنوی حسن و دل معروف شده است. موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» با شاهزاده‌ای به نام «حسن». شاعر در این داستان همه نوع مضامین عاشقانه را در نظر داشته و در پایان آن

خضر با «دل» سخن می گوید. سبک شعر در این منظومه متکلفانه و دارای صنایع بدیع و اطناب و اغراق است و شاعر يك بارهم آنرا در رسالهٔ مشهور کوچکی به نام «حسن و دل» تلخیص کرده که برخلاف مثنوی آن بسیار موجز نوشته شده است.

حشو (ب) کلامی است زائد در میان جمله که از حیث معنی به آن احتیاج نباشد و بر سه قسم است: حشو قبیح، متوسط، ملیح.

حشو قبیح زشت است و دوری از آن لازم می باشد. مانند

رمد چشم و صداع سر در این شعر:

گر می نرسم به خلمت معذورم

زیرا رمد چشم و صداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است مانند کلمات

«ای ماهرو» در این شعر:

تو رودکی را ای ماهرو کنون بینی

بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

حشو ملیح پسندیده است مانند جملهٔ «ذکرش به خیر باد»

در این شعر:

دی پیر می فروش که ذکرش به خیر باد

گفتا شراب خور که غم دل برد ز یاد

حلاج (ت) «رجوع شود به منصور حلاج»

حمدالله مستوفی (ت) [ف: ۷۵۰] ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی.

از خانواده‌های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته اند



و جد اعلای آنها امین‌الدین نصر مستوفی بوده است . حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل‌الله به کار مشغول‌گشت و بر حسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین و زنجان و ابهر گردید. حمدالله مستوفی غالباً در مجالس رشیدالدین حضور می‌یافت و درمباحث علمی و تاریخی شرکت می‌کرد . از آثار معروفش: ظفرنامه به نظم و نزهة القلوب و تاریخ گزیده است .

حمزة اصفهانی (ت) [ف: در حدود ۳۵۰] ابو عبدالله حمزة بن حسن اصفهانی . از مورخان بزرگ و ادیبان قرن چهارم که در اصفهان متولد شده و بارها به بغداد سفر کرده و باز به اصفهان برگشته است. حمزه در علم نحو و فقه نیز استاد بوده است . از آثار او: کتاب معروف تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء ، کتاب کبار البشر و کتاب الامثال و کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده‌گانه فلکی در منطقه البروج ؛ به شکل بره‌ای است نیم خفته، برج حمل برابر با ماه فروردین است. در بره مریخ گرز گاوا فریدون به دست

وز مجره شب درفش کاویان انگیخته

«خاقانی»

ز آتش غیرت خوان تو مقیم

برفلك ثور و حمل بریان است

«انوری»

حموی (ت) «رجوع شود به یاقوت حموی»

حنظلة بادغیسی (ت) [ف: در حدود ۲۲۰] از معروفترین شاعران دوره طاهری است که در نیشابور در دوره حکومت عبدالله بن طاهر می‌زیست. اشعاری از او در تذکره‌ها باقی است.

حوا (تن) دومین بشر مخلوق خدا و همسر آدم که در بهشت می‌زیست و به اغوای ابلیس گندم خورد و از بهشت رانده شد و به جده فرو افتاد .

حدیث عشق اگر گوئی گناهست

گناه اول ز حوا بود و آدم

«سندی»

حور (تن) حور جمع حوراء به معنی زنان سیاه‌چشم بهشت . این کلمه که به صیغه جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی به معنی مفرد می‌آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می‌شود .

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور

با خیال تو اگر با دگری پردازم

«حافظ»

حورالعین (تن) «رجوع شود به حور»

باغ پیراسته گلزار بهشت گلبن آراسته حورالعین است

«ابوالفرج رومی»

حوت (نج) از صورت‌های دوازده‌گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل ماهی . برج حوت برابر ماه اسفند است.

بمانده ماهی از رفتن به ناکام تو گفتم ماهی است افتاده در دام

«از ویس و رامین»

حیة الحوا (نیچ) از صورتهای فلکی که در شمال منطقه البروج است .  
 به صورت ماری است که مار افسای او را به هر دو دست گرفته و مار  
 سر و دم بلند کرده است .  
 الا که تا بود برین فلک روان  
 شجاع او وحیة الحوا ی او...  
 «منوچهری»



## خ

خاتم سلیمان (تن) « رجوع شود به انگشتی سلیمان »

گرچه شیرین دهنان پادشاهانند ولی

او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

«حافظ»

خاقانی (ت) [ف: ۵۹۵] افضل الدین ابوبدیل بن علی خاقانی از سخن سرایان بزرگ ایران. نخست حقایقی لقب داشته ولی بعد، به مناسبت انتساب به خاقان اکبر منوچهرین فریدون شروانشاه، خاقانی تخلص یافت. پدرش علی نجار و مادرش کنیزک رومی بود که به دین اسلام درآمد. اولین بار تقرب خاقانی نزد شروانشاه به وسیله ابوالعلاء گنجوی انجام گرفت. وی پس از خاقان اکبر به خدمت پسرش خاقان کبیرا خستان درآمد. خاقانی پس از مدتی که در دربار شروانشاه زیست ملول گشت و آرزوی سفر عراق کرد، ولی شروانشاه به او اجازه نداد و این امر موجب دل‌تنگی خاقانی گشت. عاقبت به سفر مکه رفت و در مراجعت هنگام ورود به اصفهان قصیده‌ای در وصف اصفهان ساخت

خاقانی به دربارشروانشاه بازگشت، ولی به علت سعایت حسودان به امرشاه به حبس افتاد. پس از آن در حدود سال ۵۶۹ باز به حج رفت. در بازگشت به سبب مرگ فرزند و مصائب دیگر به عزلت روی آورد و در تبریز اقامت کرد و در همانجا درگذشت.

از ممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابو الهیجا فخرالدین منوچهر بن فریدون شروانشاه و خاقان کبیر جلال الدین ابوالمظفر اخیستان بن منوچهر و علاءالدین اتسزین محمد خوارزمشاه و نصره الدین اسپهبد اعظم از فرمانروایان طبرستان و غیاث الدین محمد بن محمود بن محمد بن ملکشاه و رکن الدین ارسلان بن طغرل و سیف الدین اتابک منصور حکمران شماخی و مظفرالدین قزل ارسلان و علاءالدین تکش بن ایل ارسلان می باشند.

خاقانی را باید از سخن سرایان بلند فکر و از استادان بزرگ زمان و از قصیده سرایان درجه اول ایران دانست که در شعر ابتکاراتی داشته است. از اختصاصات او یکی التزام ردیفهای مشکل در قصاید بلند و طولانی است. اشعار خاقانی به علت اطلاع وسیع وی بر لغات عربی و اصطلاحات فلسفه و طب، گاهی از سادگی بیرون می آید. قصایدش بیشتر به وصف طبیعت و بهار و خزان و صبح شروع می شود و جنبه وصف در این قسمتها بسیار قوی است. تشبیهات بسیار تازه در اشعار او اغلب زاده احساس و قوه تخیل خود اوست. غزلیات خاقانی شامل ابیات لطیف و شورانگیز است که گاهی تحت تأثیر سبک غزلیات سنائی واقع می شود.

از آثار خاقانی جز دیوان قصاید و غزلیات او منوی تحفة

العراقین است. (دیوان خاقانی چاپ تهران)

خالد (ت) [ف: نیمه قرن ششم] امیر فخرالدین تاج الافاضل خالد بن ربیع الملکی از شاعران خراسان و کاتبان مشهور قرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۵-۵۵۶) می زیسته و با انوری دوستی داشته است. خالد بن ربیع از جمله امیران و به قول خود او (مرد لشکری) بوده است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان سنجر را

مدح گفته است .

خانقاه (م) جایگاهی که سالکان را برای رسیدن به مقام واقعی عرفان ارشاد می کند ، و متصوفه در آنجا به ریاضت و عبادت و تفکر می پردازند .

منم که گوشه میخانه خانقاه من است

دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است

«حافظ»

خبین (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف حرف دوم یعنی الف است که می ماند فعلاتن؛ و آنرا مخبون گویند.

در مستفعلن حذف سین است که می ماند متفعلن. بجای آن

مفاعلن می گذارند. و آنرا مخبون گویند. در مس تفع لن مانند خبن در مستفعلن است.

در مفعولات حذف فاء است که می ماند معولات. بجای آن

مفاعیلُ می گذارند؛ و آن را مخبون خوانند.

ختا (م) ولایتی در ترکستان چین که مشک آن معروف بوده است.

ای گمشده آهوی ختائی هم زابخور ختات جویم

«خاقانی»

ختن (م) ولایتی در ترکستان چین که آهوی مشکین و مشک آن معروف بوده است.

مژدگانی بده ای خلوتی نافه گشای

که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد

«حافظ»

خجندی (ت) «رجوع شود به کمال خجندی»

خداوندنامه (ک) منظومه‌ای بر وزن شاهنامه که فتحعلی خان صبا ملک الشعرا دربار فتحعلیشاه قاجار آن را دربارهٔ پیغمبر اسلام و علی بن ابیطالب سروده است.

خداینامه (ک) خداینامه که به زبان پهلوی به معنی شاهنامه است کتابی است که در دورهٔ ساسانیان در ایران تألیف شده است. این کتاب را ابن المقفع در قرن دوم هجری به زبان عربی ترجمه کرده و آن را سیرالملوک نامیده است. نسخهٔ این کتاب اکنون در دست نیست.

خرپ (زحاف) (ع) حذف میم و نون است در مفاعیلن؛ که می ماند فاعیلُ بجای آن مفعولُ می گذارند؛ و آنرا اُخرپ خوانند.

خردنامهٔ اسکندری (ک) یکی از مثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را در حدود سال ۸۹۰ ساخته است. این کتاب به تقلید اسکندر نامهٔ نظامی ساخته شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامه



فردوسی است. جامی در این مثنوی پس از خطبه در توحید و نعمت پیغمبر و بیان معراج به اصل موضوع می‌پردازد و از نصایحی گفتگو می‌کند که به نام ارسطو و افلاطون و سقراط و فیثاغورث و حکمای دیگر به اسکندر داده شده است و همچنین مکاتبات و مراسلات حکیمانه و گفتگوهای فیلسوفانه بین اسکندر و کسان دیگر را بنظم آورده و مثنوی را به داستان وفات اسکندر و ندبه حکیمان بر وی و تعزیت نامه ارسطو به مادر اسکندر ختم می‌کند. هفت اورنگ (چاپ تهران)

خرقانی (ت) [ف: ۴۲۵] ابوالحسن خرقانی از مشایخ بزرگ صوفیه. خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی مانند ابوعلی سینا و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر و ناصر خسرو بوده است. از آثار او کتاب: نورالعلوم است به زبان فارسی در مبانای عرفان.

خرقه لباسی که پیران و مرشدان خانقاه بر تن سالکان طریقت می‌پوشاندند، و این کار هنگامی صورت می‌گرفت که سالک پس از ریاضت و مجاهدت بسیار شایستگی دخول در صف صوفیان را پیدا می‌کرد. خرقه پوشاندن با آداب خاصی انجام می‌گرفت و به صاحب آن مقام والائی می‌بخشید.

در خرقه زن آتش که خم ابروی ساقی

بر می‌شکند گوشه محراب امامت

«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف حرف اول یعنی میم است که می‌ماند

فاعیلین؛ بجای آن مفعولن می‌گذارند؛ و آن را اخرم خوانند.  
خروج (ق) از حروف قافیه. آن است که حرف وصل به آن پیوندد:  
خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم

دیا نتوان بافت از این پشم که رشتیم

«سدهی»

میم در کلمه‌های کشتیم ورشتیم خروج است.

خزائن‌عامره (ک) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف میر غلامعلی آزاد بلگرامی از فاضلان هند. مؤلف کتاب را در سال ۱۱۷۶ در اورنگ آباد دکن تألیف کرده و در تنظیم آن از لباب‌الالباب عوفی و تذکره دولتشاه و تذکره سامی وهفت اقلیم و تذکره نصر آبادی و ریاض الشعراى واله و تذکره‌های دیگر و کتب تاریخ و دیوانهای شاعران استفاده کرده است. این تذکره مشتمل است بر شرح حال صد وسی و پنج شاعر متقدم و متأخر به ترتیب حروف الفباء و تعدادی از اشعار شاعران که در ضمن غالب کلمه‌های دشوار آنها را شرح داده است. مؤلف خود گاهی ماده تاریخی دروفات بعضی از شاعران ساخته و آن را ذکر کرده است. در این کتاب کلمات عربی بطور فراوان و گاه کلمه‌های اردو بکار رفته است. (چاپ هند)

خسروانی (ت) ابوطاهر طیب بن محمد خسروانی از شاعران عصر سامانی و معاصر رودکی. اشعاری از او در تذکره‌ها باقی است.

خسرو پرویز (ش-ت) پسر هرمز و نواده انوشیروان که شورشیان پدرش را کور کردند و کشتند و او را بر تخت نشانند. خسرو ابتدا به دفع بهرام

چوبینه پرداخت و برای این کار از قیصر روم کمک خواست. قیصر دختر خود مریم را به او داد و به او کمک کرد تا بهرام چوبینه را دفع کرد و پس از آن به کشورداری پرداخت و تخت طاقدیس را ساخت و ایوان مدائن را بنا کرد. داستان خسرو و شیرین در ادبیات فارسی معروف است و مهمترین نمونه آن، داستان منظومی است که نظامی گنجوی سروده است. در این داستان خسرو عاشق شیرین برادرزاده مهین بانو، ملکه ارمنستان، می شود و سالها از عشق او درسوز و گداز بصرمی برد. شیرین به علت نجابت و پاکدامنی جز از راه ازدواج به او تن در نمی دهد و سرانجام به همسری او درمی آید. خسرو پرویز به وسیله شیرویه پسر خود که بنا بر داستان نظامی عاشق شیرین بود، کشته می شود. در شعر فارسی پرویز و خسرو مثال شوکت و جلال است و به داستان عشق او با شیرین بارها اشاره می شود:

خسرو آن است که در صحبت او شیرین است

در بهشت است که هم خوابه حورالعین است

«سعدی»

سپهر بر شده پرویزی است خون افشان

که ریزه اش سر کسری و تاج پرویز است

«حافظ»

خسرو و شیرین (ک) یکی از مثنویهای خمسه نظامی داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم که آن را در سال ۵۷۶ به نام اتابک شمس الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز ساخته است. این مثنوی دارای شش هزار و پانصد بیت است و داستان عشقبازی خسرو پرویز شاه ساسانی

باشیرین شاهزاده ارمنی می باشد. داستان خسرو و شیرین از داستانهای کهن ایرانی است و در شاهنامه فردوسی هم آمده است، اما در منظومه نظامی تفصیل و شاخ و برگ بیشتری دارد. خسرو و شیرین نظامی سه بحر هزج مسدس محذوف است (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

خسروی سرخسی (ت) [ف: ۳۸۳] ابوبکر محمد بن علی خسروی سرخسی. از شاعران قرن چهارم و مداح شمس المعالی قابوس و صاحب بن عباد و امیر ناصر الدوله ابو الحسن محمد بن ابراهیم سیمجور. خسروی به زبان فارسی و عربی شعر می گفته است و از اصطلاحات فلسفی که در اشعارش به کار برده پیدا است که از علوم حکمی و فلسفی اطلاع داشته است. در لباب الالباب قطعه ای از اشعار عربی او نقل شده است.

خسوف (نج) هر گاه ماه با خورشید مقابله کند خسوف واقع می شود. مقابله آن است که خورشید بر یک طرف قطر یعنی بر خطی باشد که از مرکز کره می گذرد و ماه بر طرف دیگر آن قطر و زمین حایل میان ماه و خورشید گردد، در این صورت خسوف ایجاد می شود:

مه نوی تو به ملک اندر از خسوف مترس

از آنکه راه نباشد خسوف را به هلال

«انوری»

خضر (تن) از پیغمبران و معاصر اسکندر ذوالقرنین که با او به طلب آب حیات رفت و در ظلمات چشمه حیوان را یافت و از آن خورد و عمر

جاودانی یافت.

شاه دريك حال هم خضر است وهم اسکندر است

کاینه دین کسرد و شد با آب حیوان آشنا

«خاقانی»

خطوط خطاطان (ك) تألیف میرزا حبیب اصفهانی که آن را در اسلامبول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است. موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است.

خطیب تبریزی (ت) [ف: ۵۰۲] ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی از عالمان ادب و لغت عرب در قرن پنجم و شاگرد ابوالعلاء معری. خطیب تبریزی چندی در مدرسه نظامیه بغداد تدریس می کرده است. در عروض و قوافی و اعراب قرآن و شرح دیوانهای عرب تألیفات دارد. مهمترین آثار او: شرح حماسه ابی تمام، شرح دیوان متنبی، شرح دیوان ابی العلاء معری و شرح معلقات سبع است.

خفیف (ع) از بحور شعر فارسی و عربی، اصلش دوبار: «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است. در فارسی از این بحور وزن زیر بسیار رایج است (خفیف مسدس مخبون محذوف = فاعلاتن مفاعلن فعلن) مثال:

صنما طاقت فراقم نیست      جز به وصل تو اتفاقم نیست

خلاصه الاشعار وزجده الافکار (ك) تذکره ای در احوال شاعران تألیف تقی الدین محمد کاشی.

این تذکره مشتمل است بر مقدمه و چهار فصل و چهار رکن

دو خاتمه. چهار فصل در بیان عشق و محبت، چهار رکن شامل شرح احوال شاعران متقدم است تا عصر مؤلف و خاتمه شامل شاعران زمان مؤلف است. این کتاب در چهار جلد به سال ۹۸۵ تألیف یافته و در ۹۹۳ مؤلف جلد پنجم را بر آن افزوده است و چنانکه خود در مقدمه کتاب می گوید نسخه تمام شده را به نام پادشاه وقت شاه عباس بزرگ صفوی مزین ساخته است.

نثر کتاب گاه ساده و غالباً مصنوع است و از نظر اشتمال بر اشعار شاعران قابل استفاده می باشد.

خلاصه الحساب (ک) تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان دوره صفویه.

این کتاب در اصول جبر و حساب و هندسه است که در عین اختصار بسیار سودمند است و جزو کتابهای درسی به شمار می رفته است.

خلد بدرین (ک) اثر وحشی بافقی شاعر قرن دهم که آنرا به تقلید مخزن الاسرار نظامی ساخته است. این مثنوی شامل ۵۹۲ بیت و دارای شش روضه است حاوی پند و اندرز و تمثیل های شیرین.

خلیل یا خلیل الله (تن) «رجوع شود به ابراهیم»

یارب این آتش که بر جان من است

سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

«حافظ»

خلیل بن احمد البصری (ت) [ف: در حدود ۱۷۰] خلیل در سال ۱۰۰ هجری در

بصره متولد شد و در همان شهر به کسب علم پرداخت و در علوم مختلف  
 خاصه در علوم ادبی تبخیر یافت. خلیل از نحویان و لغویان بزرگ  
 صدر اسلام شمرده می‌شود. ایجاد شکل یعنی علامتهای حرکات را  
 به طریقی که در خط عربی و فارسی امروز معمول است به او نسبت  
 می‌دهند. از آثار مهم او کتاب لغت عربی است که آن را بر حسب  
 مخرج حروف مرتب کرده یعنی حرفهای ملفوظرا از مخرج حلق  
 آغاز کرده و به لب پایان داده است و چون در این ترتیب حرف  
 نخستین «عین» بوده، کتاب لغت او به کتاب العین معروف شده است.  
 دیگر از آثار مهم او علم عروض است که آن را خود ابداع کرده و  
 پیش از او در زبان عربی چنین علمی سابقه نداشته است.  
 کتاب الايقاع و کتاب النغم که هر دو در علم موسیقی بوده نیز  
 به او منسوب است.

خمسة نظمايى (ک) مجموعه‌ای شامل پنج مثنوی از آثار نظامی گنجوی شاعر  
 بزرگ داستانسرای قرن ششم.

این پنج مثنوی عبارت است از: مخزن الاسرار، لیلی و  
 مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر یا بهرام نامه، اسکندرنامه  
 «رجوع شود به این کلمات»

خواجوی کرمانی (ت) [ف: ۷۵۳] کمال الدین ابوالعطاء محمود بن علی  
 کرمانی از شاعران بزرگ قرن هشتم که در کرمان متولد شده و همانجا  
 کسب فضائل کرده و پس از چندی به سفر پرداخته است. وی در ضمن  
 سفر به ملاقات شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی (متوفی ۷۳۶) از

بزرگان صوفیه نائل آمد و جزو مریدان او گشت.

خواجو سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث الدین محمد را در قصاید خود مدح کرده است. مدتی در شیراز اقامت کرد و با فضلان آن شهر از جمله باخواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد و شیخ ابواسحاق اینجو و شمس الدین محمود صاین وزیر او و تاج الدین احمد عراقی از بزرگان کرمان را مدح کرده است. از آثار خواجو دیوان غزلیات و قصاید اوست. دیگر مثنویهایی به سبک نظامی مانند: همای و همایون، گل و نوروز، روضة الانوار، کمال نامه، سام نامه، گوهر نامه. خواجو در غزل پیرو شیخ سعدی است.

خواجه حافظ شیرازی (ت) «رجوع شود به حافظ شیرازی»

خواجه عبدالله انصاری (ت) «رجوع شود به عبدالله انصاری»

خواجه نصیر الدین طوسی (ت) «رجوع شود به نصیر الدین طوسی»

خواجه نظام الملک (ت) «رجوع شود به نظام الملک»

خوارزمی (ت) [ف: ۳۸۷] ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب

خوارزمی از دانشمندان معروف اسلامی، در بلخ زاده شد و چندی در دربار سامانیان سمت دبیری داشت و از خواص نوح بن منصور سامانی بشمار می آمد و به امر ابوالحسین عتبی وزیر نوح ثانی کتاب مفاتیح العلوم را به زبان عربی تألیف کرد. «رجوع شود به مفاتیح العلوم»

خوارزمی (ت) محمد بن موسی از بزرگترین ریاضی دانان قرن سوم هجری،

وی معاصر مأمون خلیفه اسلامی بود و آثارش در تمدن اسلامی و مراکز علمی اروپا مقام والایی داشته است. از آثار او کتاب المختصر



فی حساب الجبر والمقابلة که متن عربی و ترجمه‌های لاتینی و متن انگلیسی آن به طبع رسیده است.

خوان اخوان (ک) از آثار منشور ناصر خسرو شاعر و نویسنده قرن پنجم درباره مسائل دین که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایاصوفیه ضبط است.

خواندمیر (ت) [ف: ۹۴۱] غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین نواده و شاگرد میر خواند که در زمان امیر علیشیر نوائی می‌زیسته و در تحت حمایت او قرار گرفته است. از آثار او یکی خلاصه‌ال‌اخبار است که تلخیص از کتاب روضة‌الصفاست، دیگر کتاب حبیب‌السیر که در سال ۹۲۹ تألیف یافته است.

خورق (م) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام پسر یزدگرد ساسانی ساخت.

از شاره ملون و پیرایه به زر آنجایی خورق و اینجا یکی ارم

خون سیاوش یا خون سیاوشان (ش-د) گویند که چون به فرمان افراسیاب سیاوش کشته شد، بر زمینی که خون او ریخته شد، گیاهی روئید که به خون سیاوش یا خون سیاوشان معروف گشت این گیاه چون دارو به کار می‌رفته است.

شب چاه بیژن بسته‌سر، مشرق گشاده زال‌زر

خون سیاوشان نگر برخاک و خارا ریخته

«خاقانی»

خیام (ت) [ف: ۵۱۷] حکیم ابو‌الفتح عمر بن ابراهیم‌الخیام نیشابوری. از دانشمندان و ریاضی دانان و شاعران بزرگ ایران در اواخر قرن پنجم

و اوایل قرن ششم. خیام معاصر سلطان ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام‌الملک و از جمله کسانی بود که به دستور ملکشاه به اصلاح تقویم ایران پرداخت و ایام سال را به وضع ثابت در آورد. خیام علاوه بر نجوم در پزشکی و حکمت استاد بوده و در ریاضی و فلسفه آثاری دارد. در زمان حیاتش بیشتر به حکیم معروف بود تا شاعر. آثار خیام به زبان فارسی و عربی است.

از جمله رساله‌های او به زبان عربی رساله‌هایی است در طبیعیات، معراج، رساله جبر و مقابله، لوازم الامکنه در اختلاف هوای اقالیم، رساله‌ای در حل يك مسئله جبری که در آن از بیست و يك قسم معادلات جبری نام برده است. «در باره جنبه ریاضی و علمی حکیم عمر خیام رجوع شود به کتاب حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر تألیف دکتر غلامحسین مصاحب»

از آثار فارسی خیام یکی ترجمه رساله خطبة الغراء ابوعلی سیناست به فارسی. دیگر نوز نامه و رساله‌ای در علم کلیات یا رساله وجودیه، که خیام آن را برای فخر الملک بن نظام الملک نوشته است. از آثار معروف خیام رباعیات اوست که گویا قصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر و شاعری نبوده، بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته و به اغلب زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. خیام افکار فلسفی و نظرهای حکیمانه خود را با عبارات ساده در قالب رباعی که موجزترین نوع شعر است، گنجانده است.

قالب رباعیات خیام و مضامین آنها مورد تقلید بسیاری  
از شاعران بعد از او قرار گرفته است . دیوان خیام چندین بار به  
چاپ رسیده است .

خیفماء (ب) آن است که در شعر یا عبارت يك کلمه منقوط و يك کلمه  
بی نقطه باشد .

زین عالم شد او به بخشش و مال      تیغ او زینت ممالک شد



دارا (ش - د) دارا پسر داراب پادشاه کیانی که در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان باژ خواست . اسکندر که به روایت شاهنامه پسر دیگر داراب بود به او جواب سخت داد و بر اثر آن جنگ در گرفت. در این جنگ ایرانیان شکست خوردند و دوتن از سرداران دارا که وضع او را دگرگون دیدند، شبانه دشته برسینه او زدند . چون خبر به اسکندر رسید ، بر بالین دارا آمد و زاری کرد و براو فاش کرد که برادر اوست. دارا پس از آنکه اسکندر را به دادگری وصیت کرد جان داد. زاری اسکندر بر بالین دارا از قسمتهای بسیار مؤثر شاهنامه فردوسی است، و در اسکندرنامه نظامی نیز مجلس وصیت دارا هنگامی که اسکندر سر او را برزانو نهاده است به شیوائی تمام سروده شده است .

داراب (ش - د) پسر بهمن که مادرش برای آنکه تاج و تخت را از دست ندهد ، او را با جواهر بسیار در صندوقی گذاشت و به آب انداخت . گازی صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نسام

كودك را داراب گذاشت . داراب بزرگ و نیرومندگشت و فرهنگ و سواری آموخت ، ولی چون نسبت به پدر و مادر گسازر پیشه مهری احساس نمی کرد، از نژاد خود پرسید و چون راز را دانست ، اسبی و سلاحی خرید و به خدمت مرزبان درآمد . اتفاقاً رومیان به آن مرز آمدند و مرزبان را کشتند و جنگ آغاز کردند ، هما ملکه ایران شخصی را به نام « رشنواد » با لشکری به جنگ روم فرستاد ، داراب در آن جنگ رشادتها کرد و مورد توجه «رشنواد» قرار گرفت و چون از نژاد او آگاه شد ، نامه ای به هما نوشت و داراب را به درگاه فرستاد . هما که پسر را چنان دید ، از گذشته پوزش خواست و بزرگان را جمع کرد و او را بر تخت شاهی نشانده . داراب دختر قیصر روم را به زنی گرفت . اما چون دهانش بوی ناخوش داشت ، از او سیر شد و او را نزد پدر فرستاد ، دختر بارداشت و پسری زائید به نام اسکندر که قیصر او را پسر خود خواند .

داراب نامه (ك) از داستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است از آنجمله روایتی است که به قلم مولانا شیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی در سال ۸۸۷ کتابت شده است . داستان داراب نامه داستان کهنه ای است مربوط به ملک داراب بن بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب و پسرش فیروزشاه ( داراب نامه از روی نسخه ای که در کتابخانه « روان » ترکیه بوده است به وسیله دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه تصحیح و منتشر گردیده است . )

دارالسلام (تن) اشاره به بهشت .

در عیش نقدکوش که چون آبخور نماند

آدم بهشت روضه دارالسلام را

«حافظ»

داماد شعیب (تن) حضرت موسی که دختر شعیب را به زنی گرفت.  
دانشنامه علائی (ک) یا دانشنامه علائیه یا حکمت علائی کتابی به زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا. این کتاب به خواهش علاءالدوله کاکویه نوشته شده و شامل منطق و الهیات و طبیعیات است .

دانشنامه علائی مشتمل بر بسیاری از اصطلاحات فلسفی و

منطقی به زبان فارسی است . (چاپ تهران)

داوود (تن) از پیغمبران و یازدهم پشت یعقوب که آوازی خوش داشت و هنگامی که کتاب آسمانی خود یعنی زبور را می‌خواند ، مرغ از طیران باز می‌ماند .

کوه دانش را چو داوود از نفس

منطق الطیر از خوش آوازی فرست

«خاقانی»

دایره متفقه (ع) از دوایر اوزان فارسی و عربی . بحرهای متقارب سالم و متدارك سالم از آن استخراج می‌شود .

دایره مجتلبه (ع) از دوایر اوزان عربی و فارسی . شامل سه بحر است که در فارسی مثنی و در عربی غالباً مسدس است:

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

رجز سالم = مستفعن مستفعن مستفعن مستفعن

دایره مجتلبه زائده مزاحفه (ع) از دوایر اوزان فارسی. شامل چهار

مفاعیل' (بحر هزج مثنی مکفوف) یا چهار بار مفتعلن (بحر رجز مثنی

مطوی) یا چهار بار فاعلاتن (بحر رمل مثنی مخبون)

دایره مختلفه (ع) از دوایر اوزان عرب. شامل سه بحر است :

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن

مدید = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن

بسیط = مستفعن فاعلن مستفعن فاعلن

دایره مشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر :

منسرح = مستفعن مفعولات مستفعن

خفیف = فاعلاتن مستفعن فاعلاتن

مضارع = مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن

مقتضب = مفعولات مستفعن مستفعن

سریع = مستفعن مستفعن مفعولات

مجتث = مستفعن فاعلاتن فاعلاتن

دایره مشتبهه زائده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام بر طبق

معیار الاشعار خواجه نصیر طوسی است و شمس قیس رازی آنرا

«دایره مختلفه» خوانده است، شامل بحر منسرح مطوی (مفتعلن

فاعلاتن ۲ بار)؛ مضارع مکفوف (مفاعیل فاعلاتن ۲ بار)؛ مجتث

مخبون (مفاعیل فاعلاتن ۲ بار)



دایرهٔ مشتبهٔ مزاحفه (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام را خواجه نصیر طوسی در معیار الاشعار به این دایره داده و شمس قیس رازی آنرا «دایرهٔ منتزعه» خوانده است، شامل بحر سریع مطوی (مفتعلن مفتعلن فاعلات)؛ بحر منسرح مطوی (مفتعلن فاعلات مفتعلن)؛ بحر قریب مکفوف (مفاعیل مفاعیل فاعلات)؛ مضارع مکفوف (مفاعیل فاعلات مفاعیل)؛ خفیف مخبون (فعالتن مفاعلن فعلاتن)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعالتن فعلاتن)

دایرهٔ مؤکلفه (ع) از دوایر اوزان عرب، شامل دو بحر است:

وافر = مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

کامل = متفاعلن متفاعلن متفاعلن

دب اصغر (نچ) از صورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس کوچک.

جملهٔ ستارگان خرس کوچک را بنات النعش خرد گویند.

دب اکبر (نچ) از صورتهای فلکی که در شمال منطقه البروج قرار گرفته

و به شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده.

دبران (نچ) منزل چهارم از منازل قمر و ستاره ای است درشت و

روشن و سرخ که به تازی آنرا «تابع النجم» گویند که در پشت

«ثریا» است.

گر ثور چو عقرب نشدی ناقص و بی چشم

بر قبضهٔ شمشیر نشاندی دبران را

«انوری»

دخیل (ق) از حروف قافیه و آن متحرکی است که میان الف تأسیس و

حرف روی قرار گیرد مانند صاد در کلمه قاصر و ه در کلمه ماهر .  
تکرار حرف دخیل لازم نیست و اگر مراعات شود از محسنات شعر  
محسوب می شود . مثال از سعدی :

چشم بدت دور ای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع و میر قبایل

مثال عدم مراعات از حافظ:

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل

یحیی بن مظفر ملك عالم عادل

درة التاج لغرة الدجاج (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف قطب الدین  
محمود بن مسعود بن المصلح الشیرازی معروف به علامه شیرازی . مؤلف  
آن را بنا به خواهش امیردباج فرمانروای گیلان و به نام او در سال ۶۹۳  
تألیف کرده است . کتاب درة التاج دارای چندبخش است در منطق  
و ریاضی و فلسفه و در حکمت نظری و عملی شامل دوازده رشته از  
علوم .

این کتاب از گنجینه های گرانبهای زبان فارسی و مشتمل  
بر همه فنون متداول عصر است و از هر جهت به کتاب الشفاء ابن سینا  
شبهه است . (بخش اول تصحیح محمد مشکوة استاد دانشگاه . چاپ  
۱۳۲۰ تهران ، بخش دوم به کوشش سیدحسن مشکان طبسی . چاپ  
تهران)

درفش کاویان (ش-د) علمی که کاوه آهنگر از چرم پاره ای برسر چوبی  
ساخت و مردم را برضحاك شورانید . از آن پس این چرم پاره که

به گوهرهای گرانبها آراسته شده بود درفش شاهی ایران شد و تا پایان کار ساسانیان همچنان درفش رسمی ایران را درفش کاویان می خواندند .

دره‌نادره (ك) تألیف میرزا مهدی بن محمد نصیرآسترآبادی منشی دربار نادر. در این کتاب صنایع ادبی به طرز نامأنوس و بالفاظ مهجور آورده شده و کلام سست و پیچیده و نامرغوب است ( این کتاب چندین بار به چاپ رسیده است)

دستور عشاق (ك) «رجوع شود به حسن و دل»

دستورالکاتب فی تعیین المراقب (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف شمس نخجوانی معروف به شمس منشی پسر هندوشاه نخجوانی . این کتاب شامل مکتوبهای شاهان و امیران و عالمان و حکیمان همچنین حاوی احکام دیوانی و تفویض اعمال به امیران مغول و وزیران است. دستورالکاتب در اوایل سلطنت سلطان شیخ اویس بن حسن ایلکانی تألیف شده است .

دقیقی (ت) [ف : در حدود ۳۶۵] ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم و معاصر سامانیان. بعضی او را بلخی و بعضی طوسی گفته اند، ابتدا در دربار چغانیان که در ماوراءالنهر سکونت داشتند، می زیست، و امیر ابوسعید مظفر و ابونصر بن علی چغانی و امیر فخرالدوله از آل محتاج و ابوصالح منصور بن نوح سامانی را مدح گفته است. دقیقی به نظم شاهنامه پرداخت، ولی نتوانست آن را به پایان رساند و به دست غلام خود کشته شد. این قسمت از

شاهنامهٔ دقیقی به گشتاسب نامه معروف است و مربوط به ظهور زرتشت و جنگ بین گشتاسب و ارجاسب است و فردوسی عیناً آن را در شاهنامهٔ خود آورده است. از دقیقی جز گشتاسب نامه قصاید معدود و غزلها و ابیات پراکنده در تذکره ها و کتابهای تاریخی باقی است.

دلو (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقه البروج و به شکل دلو آب کشی. برج دلو برابر ماه بهمن است.  
فتاده آبکش را دلو در چاه

بمانده آبکش خیره چو گمراه

«از ویس و رامین»

دماوند (م) کوه معروف در شمال شرقی تهران، در شاهنامه آمده است که فریدون ضحاک را در آن کوه حبس کرد.  
دم عیسی (تن) نفس عیسی که مرده را زنده می کرد.  
هر نسیمی که بهمن بوی خراسان آرد

چون دم عیسی در کالبدم جان آرد

«سید حسن غزنوی»

دمیته القصر و عصره اهل العصر (ك) کتاب مشهوری در ذکر احوال نویسندگان و شاعران عربی زبان، تألیف علی بن الحسن باخرزی. این کتاب در واقع ذیلی است بر یتیمه الدهر ثعالبی.

دنبلی (ت) [ف: ۱۲۴۳] عبدالرزاق بیک دنبلی از طایفهٔ دنبلی. وی در سال ۱۱۷۶ در خوی متولد شده است. در جوانی به شیراز رفت و در

محافل علم و ادب رفت و آمد کرد و به سبب استعداد فطری مردی ادیب و دانشمند گردید. دنبلی تافوت کریم خان زند در شیراز ماند و پس از او به اصفهان آمد و به خدمت فتحعلی شاه رسید و در دربار او تقرب حاصل کرد و تاریخ قاجاریه و مآثر خاقانی را نوشت و در ۱۲۱۵ به عتبات رفت.

از آثار دیگر عبدالرزاق بیک: مآثر سلطانی و حدایق الجنان است در شرح حال عالمان و فاضلان معاصر خود که یکبار در آن تجدید نظر کرده و نامش را تجربه الاحرار و تسلیة الابراگذار داشته است. دنبلی در سبک این کتاب به شیوه تاریخ و صاف و گلستان سعدی نظر داشته و مانند آنها نثر فنی به کار برده است. عبدالرزاق شعر نیز می سروده و «مفتون» تخلص می کرده است.

دوانی (ت) [ف : ۹۰۸] جلال الدین محمد بن اسعد الدوانی اهل قریه دوان در حوالی کازرون فارس. وی مردی ادیب و حکیم و عارف بوده و پدرش در کازرون شغل قضا داشته است. از آثار او به فارسی کتاب اخلاق جلالی است که آن را به نام امیر حسن بیک ترکمان و پسرش سلطان خلیل بایندر در نیمه دوم قرن نهم تألیف کرده است. بیشتر تألیفات ملا جلال دوانی به زبان عربی است از آثار او : رساله اثبات واجب قدیم و رساله اثبات واجب جدید و رساله انموذج العلوم و حواشی تهذیب المنطق و شرح هیاکل النور سهروردی و چند کتاب دیگر. ملا جلال دوانی شاعر نیز بوده و «فانی» تخلص می کرده است.

دوایر اوزان عرب (ع) خلیل بن احمد واضح علم عروض اوزان اصلی شعر عربی را در پنج دایره قراردادده است از این قرار: دایره مختلفه - دایره مؤتلفه - دایره مجتلبه - دایره مشتبهه - دایره متفقہ «رجوع شود به هر يك از این دایره‌ها»

دوایر اوزان فارسی (ع) دوایر اوزان فارسی پنج است از این قرار: دایره متفقہ - دایره مجتلبه - دایره مجتلبه زائده مزاحفه - دایره مشتبهه مزاحفه - دایره مشتبهه زائده . «رجوع شود به هر يك از این دایره‌ها»

دو بیتتی (ب) مانند رباعی است، اما به وزن معینی اختصاص ندارد. دو بیتتی‌های باباطاهر که برون «مفاعیلان مفاعیلان فعولن» است شهرت بسیار دارد.

نسیمی کز بن آن کاکل آيو

مرا خوشتر ز بوی سنبل آيو

چو شب گیرم خیالت را در آغوش

سحر از بستم بوی گل آيو

دولت‌شاه سمرقندی (ت) [ف: ۹۰۰] امیر دولت‌شاه بن علاء الدوله سمرقندی. از بزرگان و رجال دوره تیموری. پدرش از مقربان دربارشاه رخ بوده است و خود دولت‌شاه در هرات از درباریان ابوالغازی سلطان حسین و امیر علیشیرنوائی و معاصر جامی است و نام این سه نفر را در تذکره خود آورده است.

دهلوی (ت) [ف: ۷۷۷] خواجه حسن شیخ نجم‌الدین بن علی سنجری دهلوی.

از شاعران فارسی زبان هندوستان و از عارفان معروف قرن هشتم .  
خواجه حسن دهلوی معاصر و مورد توجه امیر خسرو دهلوی بود و  
به دلالت او به خدمت شیخ نظام الدین اولیاء رسید و در سلك مریدان  
او در آمد. خواجه حسن دهلوی در غزل پیرو سعدی است و خود نیز به این  
امر اشاره می کند و ازین رو او را «سعدی هندوستان» می نامند. (دیوان  
امیر حسن چاپ هند)

دهخدا (علی اکبر) (ت) [ف: ۱۳۳۴ ش] پسر خانباخان از ملاکین متوسط  
قزوین که در تهران اقامت کرد. دهخدا در حدود سال ۱۲۹۷ قمری  
در تهران متولد شد. علوم معمول زمان مانند زبان عربی و علوم دینی  
و معانی و بیان و حکمت را نزد یکی از فاضلان به نام شیخ غلامحسین  
بروجردی آموخت و از محضر حاج شیخ هادی نجم آبادی دانشمند  
معروف استفاده کرد. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه علوم سیاسی  
به اروپا سفر کرد و زبان فرانسه آموخت. مدتی هم در وین بسربرد.  
دهخدا در آغاز مشروطیت به تهران بازگشت و روزنامه «صور  
اسرافیل» را با همکاری میرزا جهانگیرخان و میرزا قاسم خان شیرازی  
نشر کرد و قسمت فکاهی آن را تحت عنوان «چرند و پرند» و با امضاء  
«دخو» بعهد گرفته. مدتی نماینده مجلس شوری و چند سال رئیس  
مدرسه حقوق و علوم سیاسی بود. از آن پس تا پایان عمر به مطالعه و  
تحقیق و تألیف پرداخت.

از آثار دهخدا کتاب امثال و حکم در چهار جلد است که  
حاوی امثال سایر در زبان فارسی است. دیگر حواشی بر دیوان ناصر خسرو و

و دیوان منوچهری و ترجمه کتاب روح القوانین منتسکیو و سرعظمت و انحطاط دولت روم و فرهنگ فرانسه به فارسی و تصحیح دیوان مسعود سعد و فرخی. بزرگترین اثر و مهمترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تا کنون چندین جلد آن به چاپ رسیده است. دهخدا شعرنیز می گفت و پیرو سبک متقدمان بود. ترجیع بند معروفی در مرثیه میرزا جهانگیرخان شیرازی معروف به صورت سرافیل دارد. (دیوان دهخدا - چاپ تهران ۱۳۳۴ ش.)

دینوری (ت) «رجوع شود به ابوحنیفه دینوری»

دینوری (ت) «رجوع شود به ابن قتیبه دینوری»

دیوان شمس تبریزی (ک) دیوان غزلیات مولانا جلال الدین رومی معروف به مولوی که به دیوان شمس مشهور است. گرچه تخلص مولوی در این کتاب «خمش» یا «خاموش» بوده و غزلیاتی به نام صلاح الدین زرکوب یا حسام الدین چلبی دارد، ولی به علت ارادتی که به شمس تبریزی داشت، اغلب غزلهارا به نام وی ختم کرده است. حتی نام «شمس تبریز» یا «شمس الحق تبریز» در متن غزل نیز آمده است. از اینروست که دیوانش به نام شمس تبریزی معروف گردیده است. مولوی هرگز به شعر و شاعری تفاخر نمی کرد ولی حالات روحی و جذبه و شوری را که در وجودش پدید آمده بود به صورت شعر بیان می کرد، خاصه غزلهای مولوی سراسر حاکی از این شور و جذبه است. مولوی هرگز نخواسته است از فنون شعر و صنایع لفظی استفاده کند و یا به قافیه سازی بپردازد و هنگام سرودن شعر فقط به حال درونی



خود توجه داشته نه به محسنات کلام. به همین جهت اشعاری در دیوانش یافت می شود که حتی فاقد قافیه است، ولی پراز لطایف معنوی است.  
(چاپ تهران)



ذخیره خوارزمشاهی (ك) کتابی در طب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشك معروف قرن ششم که آنرا در سال ۵۰۴ هجری به نام قطب‌الدین محمد بن انوشکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است و جزء کتب مهم طبی به شمار می‌رود .

ذخیره در دوازده جلد است و هر جلد دارای چند باب و فصل و شامل مباحث طب و ادویه و تشریح است . مؤلف در مقدمه کتاب شرحی درباره خوارزم و امارت قطب‌الدین محمد دارد . در این کتاب بسیاری از ترکیبات و اصطلاحات طبی به فارسی به کار رفته است . ذخیره خوارزمشاهی بوسیله خود مؤلف به عربی ترجمه شده است .

ذم شبیهه به مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف زشت، پس از کلمات استثناء مانند اما و لیکن صفتی را ایراد کند که آن نیز ذم است .

نانشان نه گندمین و سخشان درشت لیک

گاه عطا ترش رو و در وعده کاذب اند

ذو بحرین (ب) آن است که شعر به دو بحر از بحور عروضی خوانده شود. مانند این شعر :

ای بت سنگین دل سیمین قفا      ای لب تو رحمت و غمزه بلا

که با دو وزن خوانده می شود: ۱- مفتعلن مفتعلن فاعلن ۲- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن .

ذوالفقار (تن) شمشیر حضرت علی .

صمصام شاه چون زهر چاشنی دهد

زخمش برابر آید با زخم ذوالفقار

«ابوالفرج رونی»

ذوقافیتین (ب) آن است که شاعر شعری شامل دو قافیه بگوید . مانند کلمه های آسمان و کمان و تخت و سخت در این شعر :

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت

سست است عدو تا تو کمان داری سخت

حمله سبک آری و گران داری رخت

پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

ذوالقرنین (تن) اسکندر که به روایتی از پیغمبران است و سد یا جوج

و ماجوج را ساخت و با خضر به طلب آب حیوان رفت ولی به آن

دست نیافت . اسکندر که صورت دگرگون شده الکساندر است به

روایت تاریخ نام شاه یونان پسر فیلیپوس است که سی و سه سال عمر

کرد و سراسر ایران را تاهند تسخیر کرد .

کلمه ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است و مفسران او را با اسکندر مقدونی تطبیق کرده اند . مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله‌ای دارد که در آن با ذکر قرائن و ادله‌ای اظهار نظر می‌کند که ذوالقرنین مذکور در قرآن کورش هخامنشی بوده است نه اسکندر مقدونی .

فرمانبر خدای و نگهبان خلق باش

این هر دو قرن اگر بگرفتی سکندری

«سعدی»





رابعه قزداري (ت) رابعه بنت كعب قزداري بلخي از زنان شاعر قرن چهارم و معاصر سامانيان و رودكي . رابعه دختر كعب قزداري از اميران عرب بوده است . درباره رابعه گفته شده است كه عاشق بكتاش نام غلام پدرش گشت و به همين جهت به دست برادر كشته شد . عوفى او را در نظم فارسى و تازى زبردست دانسته است . اشعار پراكنده اى از او باقى است . داستان عشق رابعه با بكتاش در الهى نامه عطار آمده است .

راحة الصدور و آية السرور (ك) از كتابهاى مهم اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم . تأليف نجم الدين ابوبكر محمد راوندى كه آنرا در سال ۵۹۹ به نام كيخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقيان روم تأليف كرد . مؤلف در اين كتاب پس از ذكر مقدمه و سبب تأليف كتاب به تاريخ سلجوقيان مى پردازد و وقايع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت سنجر شرح مى دهد . همچنين سلاجقه عراق و وقايع

سلطنت ایشان را تا استیلای خوارزمشاهیان ذکر می‌کند. در آخر کتاب فصولی در ذکر آداب شطرنج و شراب و مسابقه، تیرانداختن و شکار و امثال آن دارد، همچنین در ضمن کتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذکر می‌کند. این کتاب شامل اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است و از سودمندترین کتابهای فارسی پیش از مغول به‌شمار می‌آید.

رازی (ت) [ف : ۳۱۳] ابوبکر محمدبن زکریای رازی از حکیمان و طبیبان عالقدر ایرانی. رازی در سال ۲۵۱ در ری متولد شد و تحصیلات خود را در همان شهر شروع کرد و به فلسفه و ریاضیات و نجوم و ادب پرداخت، پس از آن به علم کیمیا و طب توجه کرد و پس از شهرت در طب به خدمت ابوصالح منصور بن اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف او به ریاست بیمارستانی که در ری تأسیس شده بود منصوب گشت. پس از آن به بغداد رفت، در آنجا هم ریاست بیمارستان را بعهده گرفت ولی مدت درازی نماند و به ری باز گشت. وی در اواخر عمر به کوری مبتلا شد. رازی آثار فراوانی در فلسفه و طب دارد و در فلسفه مخالف عقاید ارسطو می‌باشد. از آثار فلسفی او : القوانین الطبيعية فی الحکمة الفلسفیه ، العلم الالهی ، مقالة فی مابعد الطبيعة ، القول فی القدماء الخمسه ، القول فی الهولی ، القول فی الزمان والمکان .

آثار طبی او نیز متعدد است و ابوریحان متجاوز از ۵۶



کتاب طبی به رازی نسبت داده است . مهمترین تألیفات طبی او کتاب الحاوی وطب المنصوری است .

از کتابهای دیگر او کتاب الشکوک است که در آن بر جالینوس ایراد کرده است . دیگر کتاب من لایحضره الطیب که به طب الفقرا مشهور است، زیرا که در این کتاب دستورهای ساده برای علاج است بی حاجت به طیب .

زکریای رازی در علم کیمیا نیز از بزرگترین استادان به شمار می رود و آثاری در این علم دارد و در نتیجه تحقیقات فراوان موفق به کشف الکل (الکحل) و جوهر گوگرد یا زیت الزاج گشته است . از جمله کتابهایی که در این قسمت به رازی نسبت داده اند، کتاب علل المعادن ، اثبات الصناعة، کتاب الاکسیر، کتاب الحجر، کتاب شرف الصناعة و آثار دیگر است.

راوندی (ت) نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان الراوندی. از نویسندگان قرن ششم و معاصر سلجوقیان که نزد خال خود تاج الدین احمد تربیت یافت و علوم شرع و ادب فراگرفت و می گویند هفتاد گونه خط آموخت و به استنساخ مصاحف پرداخت و در سال ۵۷۷ به استادی خط سلطان طغرل بن ارسلان انتخاب شد و از مقربان درگاه او گشت. راوندی پس از قتل طغرل به آسیای صغیر رفت و در خدمت غیاث الدین کیخسرو بن قلج ارسلان در آمد و در سال ۵۹۹ کتاب راحة الصدور را به نام این پادشاه تألیف کرد.

راه کهکشان یا راه کهکشان . (نج) مجره

از بس که در این راه رز انگور کشانند

این راه رز ایدون چوره کاهکشان است

«منوچهری»

رباعی (ب) عبارت است از چهار مصراع که اول و دوم و چهارم دارای قافیه واحد باشد و بروزن لاحول و لاقوة الابالله. معنی رباعی اغلب در مصراع آخر کامل می‌شود. رباعیات خیام بسیار معروف است.

اسرار ازل را نه تودانی و نه من

وین حرف معما نه توخوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو

چون پرده برافتد نه تومانی و نه من

ربیع (زحاف) (ع) در فاعلاتن آن است که آن را صلّم کنند. می‌ماند فاعل؛ پس آن را مخبون کنند فعل می‌ماند. و آن را مربسوع خوانند.

ربنجنی (ت) ابوالعباس فضل بن عباس ربنجنی از شاعران عهد سامانی که عوفی قطعه‌ای از او در مرثیه نصر بن احمد سامانی نقل کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده است. ابیات پراکنده‌ای نیز از او در فرهنگها به عنوان شاهد ذکر شده است.

ربیع بوشنجی (ت) [مقتول: ۷۰۲] صدرالدین خطیب متخلص به ربیعی بوشنجی. از شاعران معاصر فخرالدین کرت پادشاه هرات که

اورا در اشعار خود مدح کرده و بعد به فرمان همین شاه به زندان افتاده است. وی در زندان مثنوی کارنامه را ساخته و مثنوی دیگری هم به نام کورت نامه به سبک شاهنامه دارد .

رجز (بحر) (ع) اصل آن در عربی شش بار «مستفعلن» است. در فارسی از این بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است .

رجز مثنی سالم (مستفعلن ۸ بار) مثال :

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یسار من

تایک زمان زاری کنم بر ریح و اطلال و دمن

رجز مثنی مطوی (مفتعلن ۸ بار)

ای که ز یک تابش تو کوه احد پاره شود

چه عجب ارمشت گلی عاشق و بیچاره شود

رخش (ش - د) نام اسب رستم . گاهی در شعر فارسی به معنی مطلق اسب نیز آمده است .

صدر توبه پایه تخت جمشید      خنگ توبه سایه رخس رستم

«انوری»

ردالصدر الی العجز (ب) آن است که شاعر کلمه واحدی را در ابتدا و انتهای شعر استعمال کند :

بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ

در معرضی که تخت سلیمان رود به باد

«حافظ»

ردالعجز الی الصدر (ب) آن است که شاعر لفظی را که در آخر شعر

می آورد ، دراول بیت بعد مکرر کند .

قوام دولت و دین روزگار فضل و هنر

ز فضل وافر تو یافت زیب و فر و نظام

نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر

به رونق است دراین روزگار کلک و حسام

ردالمطلع (ب) آن است که گوینده مصراع اول یا دوم بیت اول قصیده یا

غزل را در آخر قصیده یا غزل تکرار کند . مانند این غزل حافظ :

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

زار و بیمار غم راحت جانی به من آر

و در آخر غزل گوید :

دل از پرده بشد دوش که حافظ می گفت

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

ردف (ق) از حروف قافیه . ردف ، الف ، واو ، یایی است که بلافاصله

قبل از حرف روی قرار گرفته باشد، در این صورت قافیه را مردف

خوانند ، بشرط آنکه ماقبل واو مضموم و ماقبل یاء مکسور و ماقبل

الف مفتوح باشد ، مانند شجاع ، روز ، سیر . و کلمه های کار و

پار در این شعر فرخی :

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار

چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بر دو قسم است : ردف اصلی - ردف زائد .

ردف اصلی آن است که بی فاصله قبل از روی قسرا گیرد .

مانند کار .

ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله شود مانند گماشت یا گوشت . حروف ساکنی که بین واو، الف، یاء، و روی واقع می‌شود شش است : ش ، ر ، ف ، س ، خ ، ن (شرف سخن) التزام ردف واجب است .

ردیف (ق) يك یا چند کلمه مستقل و جدا از قافیه است که در همه بیتها عیناً تکرار شود و شعر در معنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد . مانند «نتوان کرد» در این شعر :

دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد

تکیه برعهد تو و باد صبا نتوان کرد

رس (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل الف تأسیس یعنی فتحه. مانند حرکت قاف و میم در کلمه‌های قاصر و ماهر.

رسائل اخوان الصفا (ک) رسائلی است در بیان عقاید اخوان الصفا که در قرن چهارم هجری تدوین شده است . طایفه اخوان الصفا برای آنکه آزدانه عقاید خود را منتشر سازند و با مخالفت متعصبان دین و فلسفه روبرو نگردند رسالات خود را بی ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند . این رسائل شامل علوم ریاضی ، الهی ، طبیعی ، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه با اصول دین تطبیق شده است . و شامل چهار قسمت است :

۱ - رسائل ریاضیه تعلیمیه ۲ - رسائل جسمانیه طبیعیه

۳ - رسائل نفسانیه عقلیه ۴ - رسائل ناموسیه الهیه . و مجموع این

رسالات ۵۴ است. از این رساله‌ها خلاصه‌ای به فارسی و تازی

وجود دارد .

رستم (ش - ۵) از پهلوانان معروف شاهنامه و پسر زال و رودابه و نوادهٔ سام و مهرباب کابلی . رستم در زمان شاهی منوچهر به دنیا آمد ، هنر و مردی آموخت و داستان پهلوانی او از کشتن پیل سفید آغاز شد و پس از آن دلاوریهای بسیار کرد و پیروزیها بدست آورد ، مانند گشودن دژ کوه سپند که سام و نریمان مدتی آن را حصار کرده و بر آن دست نیافته بودند؛ آوردن کیقباد از البرز کوه و بر تخت نشاندن او ، داستان هفتخوان ، و فتح مازندران و رهانیدن کاووس از دست دیوسپید ، جنگ با شاهاموران و رهانیدن کاووس از زندان ، جنگ با سهراب و کشتن او بی آنکه او را بشناسد ، جنگ با افراسیاب به خونخواهی سیاوش ، جنگ با تورانیان و کشتن اشکبوس و گرفتار کردن خاقان چین ، جنگ با اکوان دیو ، رهانیدن بیژن از چاه ، جنگ با اسفندیار و کور کردن و کشتن او . رستم پس از آنهمه دلاوری سرانجام به خیانت برادرش شغداد به چاه افتاد و پس از کشتن شغداد ، جان سپرد .

رشحات عین الحیاة (ک) تألیف فخرالدین علی بن حسین کاشفی که آنرا در سال ۹۰۹ تألیف کرده است . این کتاب در ذکر اسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجه احرار شیخ اعظم سلسلهٔ نقشبندیه و تعالیم و کرامات شاگردان اوست و مشتمل بر یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه است .

رشیدالدین فضل الله همدانی (ت) [ف : ۷۱۸] فضل الله بن عمادالدوله

ابی الخیر ملقب به رشید طیب الهمدانی . از وزیران و طبیبان و مورخان بزرگ ایران در دوره مغول، که در سال ۶۴۵ در همدان متولد شد. رشیدالدین فضل‌الله در دربار اباقاخان سمت طبیب خاص و در دربار غازان خان منصب صدارت داشته است . در سال ۷۰۳ که غازان به شام لشکر کشید ، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و در عهد سلطان محمد خدا بنده نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد و خدمت‌های بسیار و آبادانی‌های فراوان کرد. این وزیر دانشمند در زمان سلطنت ابوسعید به علت خصومت وزیر دیگر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد و در سال ۷۱۸ ، در سن هفتاد سالگی با پسرشازده ساله‌اش به قتل رسید و مایملک او ضبط شد .

رشیدالدین فضل‌الله علاوه بر تنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحقیقات تاریخی پرداخت و اثر معروف خود را به نام جامع‌التواریخ به وجود آورد . از آثار دیگر او مجموعه رشیدی است به زبان عربی شامل کتاب توضیحات در مسائل تصوف و کلام و مفتاح‌التفاسیر در مسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن و مفسرین آن و کتاب لطائف‌الحقائق در مسائل کلام و الرسالة السلطانیه شامل مباحثه‌هایی در موضوع کلام در حضور سلطان الجایتو و بیان‌الحقایق .

رشید و طواط (ت) [ف : ۵۷۳] رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالحلیل عمری کاتب از شاعران و دانشمندان معروف قرن

ششم . در بلخ متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسه نظامیه آن شهر به پایان رساند و در فارسی و عربی مهارت یافت ، پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان در آمد و صاحب دیوان رسائل دربار اتسز خوارزمشاه گردید و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند . تخلص رشید به و طواط به مناسبت کوچکی جثه و مشابهت او به و طواط است که پرنده کوچکی می باشد .

و طواط غیر از شاهان خوارزم عده ای از رجال و امیران زمان خود مانند خاقان محمود بن محمد بغراخان، و امام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازی نصره الدین رستم بن علی بن شهریار بن قارن ، از شاهان آل باوند را مدح گفته است . رشید با خاقانی و ادیب صابر مشاعره و مراسله داشته و خاقانی به احترام از او یاد می کند . از آثار رشید و طواط دیوان شعر است ، دیگر منشآت اوست به زبان فارسی ، اعم از رسائل سلطانی و اخوانی ، حدائق السحر فی دقائق الشعر در بدیع و صنایع شعری ، نثر اللئالی من کلام امیر المؤمنین علی که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است ، منظومه ای در عروض فارسی شامل شانزده بحر از بحور عروضی و همچنین چند رساله به عربی در مسائل ادبی و کلام . رشید و طواط از دانشمندان بزرگ و ادیبان معروف در زبان فارسی است و در نثر عربی هم از بلغاء مشهور است .

رشیدی (ت) سیدالشعرا استاد ابو محمد بن محمد رشید سمرقندی . از



شاعران معروف ماوراءالنهر در قرن ششم و اهل سمرقند که در دربار سلطان خضر بن ابراهیم تقرب داشت و لقب سیدالشعرائی یافت. معاصر عمق بود و میان آنها کدورتی وجود داشت. با مسعود سعد سلمان نیز معاصر بود و با هم مکاتبه و مشاعره داشتند. از ممدوحان او خضر بن ابراهیم و قدرخان ابوالمعالی و سلطان سنجر سلجوقی بوده‌اند. منظومه‌ای به نام مهر و وفا به او نسبت داده‌اند. قصیده‌ای در صنعت توشیح دارد که شمس قیس آنرا به عنوان نمونه این صنعت نقل کرده است.

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المعانی التتوی. از فاضلان و نویسندگان دربار شاه جهان و عالمگیر. اصلش از سادات مدینه و از اینرو حسینی و مدنی لقب یافته است. مولدش شهر تته از مضافات سند است. رشیدی در زبان فارسی و تازی استاد بوده و درباره لغات فارسی که در زبان عرب داخل شده است تحقیق و تتبع کرده و مجموع تحقیقات خود را در رساله‌ای به نام معربات و منتخب اللغات آورده و آنرا به نام شاه جهان تألیف کرده است. از آثار دیگر وی فرهنگ رشیدی است در لغات فارسی.

رشید یاسمی (ت) [ ف : ۱۳۳۰ ش ] غلامرضا فرزند محمد ولی خان گورانی. تحصیلات خود را در کرمانشاه و تهران انجام داد و به زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی و عربی و پهلوی آشنائی یافت و از سال ۱۳۱۲ در دانشگاه تهران به سمت استادی تاریخ انتخاب شد.

رشید یاسمی علاوه بر مقالات متعدد ترجمه‌ها و تحقیقات بسیار دارد. از آثار او ترجمه ایران در زمان ساسانیان اثر ارتور کریستن سن و چنگیزخان از هارولد لمب و رساله اردویرافنامه و اندرز مارسپندان است، همچنین دیوان مسعود سعد و ابن یمین و سلمان ساوجی به کوشش و تصحیح وی منتشر شده است. رشید دارای اشعار فراوانی است که در آن تحولات اجتماعی و فرهنگی نمودار است. (دیوان رشید - چاپ تهران)

رضاقلیخان هدایت (ت) «رجوع شود به هدایت»

رضوان (تن) دربان بهشت.

برده رضوان به بهشت از پی پیوندگری

از تو هر فضله که انداخته بستان پیرای

«انوری»

رضی نیشابوری (ت) [ف: ۵۹۸] رضی الدین نیشابوری از دانشمندان و شاعران قرن ششم که جلال الدین قلیج و طمغاج خان ابراهیم بن حسین و پسرش قلیج ارسلان از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است.

رضی الدین به زبان عربی نیز شعر می گفته است و غیر از دیوان اشعار کتابی به نام مکارم الاخلاق به زبان فارسی به او منسوب است.

رِفْع ( زحاف ) (ع) در مستفعلن حذف مس است که می ماند تفعلن بجای آن فاعلن می گذارند و آنرا مرفوع خوانند. در مفعولات،

حذف مفعول است که می ماند عولات بجای آن مفعول می گذارند ؛  
و آنرا مرفوع خوانند .

رفیع لنباسی (ت) رفیع الدین مسعود لنبانی اصفهانی از شاعران مشهور  
اواخر قرن ششم . مولد وی لنبان از قراء اصفهان بوده و در جوانی  
قوت کرده است . از ممدوحان او رکن الدین مسعود بن صاعد قاضی  
از افراد آل صاعد و عمید الدین اسعد بن نصر وزیر اتابک سعد زنگی  
می باشند . دیوان او به قول هدایت دارای ده هزار بیت بوده ولی  
همه آن در دست نیست .

رفیع مروزی (ت) عوفی در لباب الالباب رفیع مروزی را از جمله  
شاعران سلجوقی آورده و ایساتی از او نقل کرده است و گویا از  
شاعران نیمه دوم قرن ششم باشد .  
رقطه (ب) آن است که گوینده در شعر حرفی نقطه دار و حرفی بی نقطه  
بیاورد .

غمزه آن شوخ صنم      خسته به هجر جان من

رمل (بحر) (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن در عربی شش  
بار «فاعلاتن» است در زبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج  
بسیار دارد :

رمل مثنی سالم (فاعلاتن ۸ بار) مثال :

سهمگین آبی که مرغابی در او ایمن نبودی

کمترین موج آسیا سنگ از کنارش در ربودی

رمل مثنی سالم محذوف ( فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن )

مثال :

هرشب از بحر خیالت مردم چشمم به اشک

حجره را آبی زده پس بر سر راه آمده

رمل مَثْمَن مَخْبُون (فعلاتن ۸ بار) مثال :

پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را

الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مَثْمَن مَخْبُون محذوف یا مقصور (فعلاتن فعلاتن فعلن -

یا فعلات) مثال :

خبرت هست که بی روی تو آرامم نیست

طاعت بار فراق این همه ایامم نیست

رمل مسدس سالم محذوف الآخر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

مثال :

بشنو از نی چون حکایت می کند

وز جدایها شکایت می کند

رمل مسدس مَخْبُون محذوف الآخر ( فعلاتن فعلاتن فعلن - یا

فعلات )

دلَم ای دوست توداری ، دانی جان بیر نیز نمی توانی

روحانی (ت) ابو بکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی از شاعران قرن

ششم که تذکره نویسان او را سمرقندی می دانند، روحانی یمن الدوله

بهرامشاه را مدح کرده است . ابیاتی از روحانی در تغزل باقی

است .

روح‌الجنان (ک) یا روض‌الجنان کتاب معتبری به زبان فارسی در تفسیر قرآن، تألیف ابوالفتوح رازی که آنرا در اوایل قرن ششم تألیف کرده است. این تفسیر در بیست مجلد است که مؤلف در آن اطلاعاتی از آیات محکّمات و متشابهات و اینکه مکی است یا مدنی و همچنین نظرهای قراء را در باره آن آیات به دست می‌دهد، سپس به نقل و تفسیر آیات می‌پردازد. کتاب بانثر بسیار ساده و روان نوشته شده و از تفسیرهای بی‌نظیر زبان فارسی است.

روح‌القدس (تن) مقصود روحی است که در مریم دمیده شد و موجب پیدایش عیسی گشت.

فیض روح‌القدس از باز مندر فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

روحی (ت) حکیم روحی و لولوالجی از شاعران قرن ششم و از ولوالجی ماوراءالنهر. وی در اشعار خود از مسعود سعد و فرخی و قطران نام برده و خود را با آنها سنجیده است. اشعارش هزل آمیز است و حتی در اشعار عادی نیز جنبه شوخی و بذله‌گوئی را از دست نداده است. در وصف اسب کندرو خود قصیده مطبوعی دارد که در دست است.

رودابه (ش - د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر مهرباب کابلی که بنسب روایت شاهنامه از نژاد ضحاک بود و به سام باج می‌داد. رودابه عاشق زال پسر سام شد و زال نیز شیفته او گشت. پنهانی دیدارهایی میان آنها دست داد. زال از پدر خواست تا با پیوند آن

دو موافقت کند . نخست منوچهر شاه ایران از پیوند زال بارودابه که از نژاد ضحاک بود هر اسناک شد، ولی پس از شور با اخترشناسان چون دانست که این پیوند سرانجام نیک دارد و پهلوانی چون رستم از آن به وجود می آید موافقت کرد . رودابه با زال پیمان زناشوئی بست و به سیستان رفت .

رودکی سمرقندی (ت) [ف: ۳۲۹] ابو عبدالله جعفر بن محمد شاعر بزرگ قرن چهارم و معاصر سامانیان که در قریه رودک نزدیک سمرقند متولد شده است . عده ای گویند که کور مادرزاد بوده است، ولی در اشعارش اشاراتی یافت می شود که دال بر بینائی اوست . عوفی می گوید که رودکی در هشت سالگی قرآن را از حفظ داشت و صدای خوش داشت و بربط خوب می نواخت . رودکی در دربار امیر نصر سامانی تقرب یافت و ثروت و مکنت فراوان اندوخت . از ممدوحان رودکی امیر نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی و ابو جعفر احمد بن خلف بن الیث از امیران صفاری و ماکان کاکلی و ابو الفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است .

رودکی نخستین شاعر بزرگ ایران است که استاد شاعران نامیده شده است و شاعران پس از او بسیاری از اشعار او را تضمین کرده و مقام او را در شاعری ستوده اند . رودکی در فنون مختلف شعر استاد ماهر بود و اشعار او را در حدود صد هزار بیت تخمین زده اند که بجز معدودی همه از میان رفته است . در دیوان موجود رودکی نیز قطعه هایی از اشعار قطران به اشتباه وارد شده است .

از آثار مهم رودکی کلیلهدومنه منظوم است که جزایبات پراکنده‌ای از آن در دست نیست .

روزبه فکتی (ت) ابو عبدالله روزبه نکتی لاهوری از شاعران نیمه اول قرن پنجم معاصر سلطان مسعود غزنوی و از جمله مداحان اوست. اشعاری در لباب‌الالباب از او آمده است .

روشنائی نامه (ک) رساله منظومی اثر حکیم ناصر خسرو قبادیانی در وعظ و حکمت شامل پانصد و نود و دو بیت ( این منظومه در آخر دیوان ناصر خسرو به تصحیح حاج سید نصرالله تقوی به چاپ رسیده است .)

روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات (ک) کتابی به زبان عربی تألیف محمد باقر بن حاجی امیرزین العابدین الموسوی الخوانساری. این کتاب شامل شرح حال ۷۴۲ تن از عارفان و فاضلان و شاعران قدیم و جدید فقیهان شیعه می باشد. تاریخ تألیف آن سال ۱۲۸۶ هجری است . شرح احوال بر حسب حروف تهجی است، ولی اغلب به نام معروف بزرگان نیست و پیدا کردن ذکر اشخاص مورد نظر به آسانی میسر نمی شود . (چاپ تهران)

روضه الاخوان (ک) مثنوی در تصوف و عرفان اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم ، که آنرا در سال ۷۴۳ به نام شمس الدین محمود صاین وزیر شیخ ابواسحاق اینجو ساخته است .

روضه رضوان (تن) کنایه از بهشت .

فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند

غلمان ز روضه حور زجنت بدر کشیم

«حافظ»

روضه‌الشهداء (ك) کتابی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی، ملمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبرها می‌خواندند و گویا نخستین کتابی است که در ذکر مصایب اهل بیت نوشته شده است و خوانندگان آن را بر منبر «روضه خوان» می‌نامند.

روضه‌الصفا (ك) کتاب معروف و عظیمی در تاریخ عمومی عالم تألیف مورخ معروف قرن نهم میرخواند که آن را به نام امیر علیشیر نوائی، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا، تألیف کرده است.

این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میرخواند تألیف کرده و به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان رساند و جلد هفتم محتملاً بوسیله خواندمیر صاحب کتاب حبیب‌السیر پایان یافته است.

شش جلد اول مشتمل است بر تاریخ انبیا و بزرگان و شاهان ایران قبل از بعثت حضرت محمد، تاریخ پیغمبرص و خلفای راشدین، تاریخ ائمه و خلفای اموی و عباسی، تاریخ شاهان ایران بعد از اسلام تا هجوم تاتار، احوال شاهان و امیران مغول، تاریخ تیمور و جانشینان او تا سال ۸۷۳. جلد هفتم که محتمل است به قلم خواندمیر باشد شامل سلطنت و زندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعة است. بعدها رضاقلی‌خان هدایت در



زمان قاجاریه جلد هشتم و نهم و دهم را تألیف کرده و به سایر جلدها افزوده است و آن را روضة الصفاى ناصرى نام نهاده است . این سه جلد در تاریخ صفویه و عالمان و رجال آن دوره، تاریخ زندیه، شاهی آغا محمدخان قاجار ، سلطنت فتحعلیشاه ، جاسوس محمد میرزای ولیعهد در تبریز ، سلطنت محمدشاه قاجار ، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷۴ هجری است .

میرخواند در روضة الصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند تاریخ طبری و الكامل ابن اثیر استفاده کرده است. نثر روضة الصفا مانند آثار سایر نویسندگان دوره مغول و تیمور از نوع نثر مسجع و مترسلانه است و دارای صنایع لفظی فراوان می باشد . ( چاپ تهران )

روضه العقول (ك) ترجمه ای است از مرزبان نامه که به وسیله محمد بن غازی الملطیوی و به تشویق سلیمان شاه بن قلج ارسلان در سال ۵۹۸ صورت گرفته و از لهجه طبری به فارسی در آمده است . مترجم در این کتاب از سبک کلینه و دمنه نصرالله منشی پیروی کرده است. انشاء کتاب مصنوع و دارای شواهد و امثال بسیار به زبان عربی و فارسی است ( روضة العقول نسخه خطی ۲۰۴۰ کتابخانه ملی فهرست بلوشه، ملطوی )

روضه المنجمین (ك) تألیف شهردان بن ابی الخیر که آنرا در سال ۴۶۶ نگاشته است . مؤلف در مقدمه می گوید که در کتابش سخنهای متداول به کار برده است تا دانستن آن بر همه آسان باشد .

روم ( م ) سرزمینی که به موجب روایت شاهنامه جزء کشور فریدون بود و چون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ، روم به سلم رسید :

نخستین به سلم اندرون بنگرید

همه روم و خاور مر او را گزید

«شاهنامه»

رومیان در ادبیات فارسی به سفیدی چهره موصوف و مثل‌اند و در شعر بر آمدن روشنی روز را به هجوم و غلبه لشکر روم تمثیل می‌کنند .

خورشید روم پرور و ماه حبش نگار

سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست

«خاقانی»

روی (ق) آخرین حرف اصلی کلمه قافیه ؛ مانند تاء در کلمه‌های دست و هست. اگر حرف آخر از اصل کلمه نباشد، ولی به کثرت استعمال مانند حرف اصلی شده باشد می‌توان آن را روی ساخت . مانند دانا و بینا ؛ و اگر مشهورا ترکیب باشد مانند الف شاه و خداوندانمی‌توان آن را روی ساخت .

روی بر دو قسم است : روی مطلق ، روی مقید ( به این

کلمات رجوع شود)

روی مطلق (ق) هرگاه روی ساکن به حرف وصل پیوندد و متحرک شود آنرا روی مطلق گویند. روی مطلق دوازده نوع است. مطلق

مجرد ، مطلق به قید ، مطلق به ردف ، مطلق به خروج ، مطلق به خروج و مزید ، مطلق به خروج و مزید و نایره ، مطلق به قید و خروج ، مطلق به قید و خروج و مزید ، مطلق به ردف و خروج ، مطلق به ردف و خروج و مزید ، مطلق به ردف و خروج و مزید و نایره .

۱- مطلق مجرد و آن بردونوع است ، مطلق به حرف اطلاق، مطلق به حرف وصل . مطلق به حرف اطلاق: مانند کلمه سرمد و فرقد در این شعر که به الف اطلاق وصل شده است و الف اطلاق در شعر فارسی عیب محسوب می شود . مثال:

ای شب چنین دراز نبودی و سرمدا

از تو پدید نیست نه شعری نه فرقدا

مطلق به حرف وصل . مانند کلمه دشمن در این مصراع که به یاء وصل شده است .

دوستا گر دوستی گر دشمنی

در این قافیه دو حرف و دو حرکت لازم است .

۲- مطلق به قید . مثال :

آخر در زهد و توبه در بستم      وز بند قبول این و آن رستم

در این قافیه سه حرف و دو حرکت لازم است .

۳- مطلق به ردف و آن بر دونوع است : مطلق به ردف

اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی :

نگفتی کزین پس کم دوستداری  
 در این قافیه سه حرف و دو حرکت لازم است.  
 مطلق به ردف زائد :

ای همای همت سر بر فلک افراخته  
 در این قافیه چهار حرف و دو حرکت لازم است .  
 ۴- مطلق به خروج :

صنما تا به کف عشوه عشق تودریم  
 در این قافیه سه حرف و یک حرکت لازم است .  
 ۵- مطلق به خروج و مزید :

زانچه از حق در دلستش هرچه خواهد حاصلستش  
 در این قافیه چهار حرف و دو حرکت لازم است .  
 ۶- مطلق به خروج و مزید و نایره :

تاکی بهخون دیده و دل پروریمشان  
 تاکی ز ره روند و بهره آوریمشان  
 در این قافیه شش حرف و دو حرکت لازم است .  
 ۷- مطلق به قید و خروج :

تا ظن نبوی که دل ز مهرت رستست  
 یا از طلب تو فارغ و آهستست  
 در این قافیه چهار حرف و یک حرکت لازم است .  
 ۸- مطلق به قید و خروج و مزید :

چهره دل بند لاله رنگستش غمزه دلدوز چون خدنگستش  
 در این قافیه پنج حرف و سه حرکت لازم است .

۹- مطلق به قید و خروج و مزید و نایره :

سودای تو از سینه فرو رفتنیست

وانگه سخن تو نیز ناگفتنیست

در این قافیه شش حرف و چهار حرکت لازم است .

۱۰- مطلق به ردف و خروج و آن بردونوع است:

مطلق به ردف اصلی :

در جهان گرمیج یاری دارمی

در این قافیه چهار حرف و سه حرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد :

دل داغ تو دارد ارنه بفروختمی

در دیده توئی و گرنه بر دوختمی

در این قافیه پنج حرف و چهار حرکت لازم است .

۱۱- مطلق به ردف و خروج و مزید و آن دونوع است.

مطلق به ردف اصلی :

چون سرخ گل شکفته ر خاستش

بر سرخ گل ز مشک نشانستش

در این قافیه پنج حرف و سه حرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد :

رخ چو ماه آراستش

کیسه زان پرخواستش

در این قافیه شش حرف و سه حرکت لازم است.

۱۲- مطلق به ردف و خروج و مزید و نایره و آن دونوع

است . مطلق به ردف اصلی :

گر لطف حق یارستمی جز عشق او کارستمی  
در این قافیه شش حرف و چهار حرکت لازم است .  
مطلق به ردف زائد :

گر دل زغم یارنه پرداختستیش  
با او به همه وجوه درساختستیش  
در این قافیه نه حرف و سه حرکت لازم است.

روی مقید (ق) روی مقید ساکن است و به حرف وصل نمی پیوندد و  
آن برشش قسم است . مقید مجرد ، مقید به قید، مقید به تأسیس ،  
مقید به دخیل ، مقید به ردف اصلی ، مقید به ردف زائد .  
۱ - مقید مجرد که روی ساکن به حرفی از حرف قافیه

پیوندد مانند کلمه های کهن و سخن در این شعر :  
سخن همچو جان زان نگرردد کهن

که فرزند جان است شیرین سخن

در این قافیه يك حرف و يك حرکت لازم است.

۲- مقید به تأسیس :

سلام علی دار ام الکواعب بتان سیه چشم عنبر ذواثب  
در این قافیه دو حرف و يك حرکت لازم است . باء حرف روی،  
عین دخیل ، الف تأسیس .

۳- مقید به دخیل :

چشم بدت دور ای بدیع شمایل  
ماه من و شمع جمع و میر قبایل

لام روی است، باء دخیل، الف حرف تأسیس.

در این قافیه دو حرف و دو حرکت لازم است .

۴- مقید به ردف اصلی:

ای به هستی داده گیتی را کمال

در این شعر لام روی است ، الف ردف اصلی و حرکت ماقبل الف ، حذو .

در این قافیه دو حرف و يك حرکت لازم است .

۵- مقید به ردف زائد :

هر که آمد عمارت نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت

در اینجا تاء روی، خ ردف زائد الف ردف اصلی و حرکت ماقبل الف حذو .

در این قافیه سه حرف و يك حرکت لازم است .

۶- مقید به قید :

چنین است رسم سرای سپنج

یکی زو تن آسان و دیگری به رنج

جیم حرف روی . نون قید، حرکت پ و راء حذو .

در این قافیه دو حرف و يك حرکت لازم است .

رویین تن (ش-د) لقب اسفندیار پسر گشتاسب . « رجوع شود به

اسفندیار . »

... جمشید کیان که دین جز او را

رویین تن هفتخوان ندیده است

«خاقانی»

رویین دژ ( م ) نام قلعه‌ای در ترکستان که در داستانهای شاهنامه

جایگاه ارجاسب بود و دختران گشتاسب در آن زندانی بودند .  
اسفندیار از راه هفتخوان به آنجا رفت و آن را گشود و ارجاسب  
را کشت و خواهران خود را آزاد کرد .  
یا مگر اسفندیارم کان عروسان را همه

از دز رویین به سعی هفتخوان آورده ام

«خاقانی»

ریاض الشعراء (ك) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف علیقلی والهداغستانی .  
این کتاب شامل شرح حال دو هزار و پانصد شاعر ، از شاعران  
مقدم و متأخر است با ذکر بعضی از اشعار آنان و تألیف آن در سال  
۱۱۶۱ به پایان رسیده است . مؤلف ، چنانکه خود در مقدمه کتاب  
می نویسد قریب هفتاد دیوان شعر و تذکره و چند جلد تاریخ و کتبی  
مانند نفحات الانس و مجالس العشاق و مجالس النفایس را مطالعه  
کرده است . ریاض الشعراء دارای يك مقدمه و بیست و هشت روضه  
است که هر روضه شامل يك حرف از حروف الفباست . در این  
تذکره شرح حال شاعران به ترتیب حروف الفبا و از روی نام یا  
تخلص آورده شده است . در ریاض الشعراء فنون شعر و عروض  
وقافیه و صنایع بدیعی نیز ذکر شده و در ذیل نام هر شاعر مختصری  
از وقایع شاهان آن روزگار آمده است . (چاپ هندوستان)

ریاض العارفین (ك) تذکره‌ای تألیف رضاقلیخان هدایت که آن را در  
سال ۱۲۶۰ به پایان رسانده است . این کتاب شامل شش گلبن و دو  
روضه و يك فردوس و يك خلد است ، در بیان حقیقت تصوف و



صفت سالکان و فضیلت اهل ذکر و تعریف انسان و سلسله طریقت و ذکر اصطلاحهای عرفانی و شرح حال عارفان و فاضلان و حکیمان و شاعران معاصر مؤلف. درخاتمه مختصری از شرح حال مؤلف ذکر شده است.

ریاض همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی متخلص به ریاض از شاعران و نثرنویسان عهد فتحعلی شاه و محمدشاه . ریاض همدانی مقالاتی به سبک بدیع الزمان همدانی نوشته و کتابی به نام گنج شایگان دارد که در آن از گلستان سعدی و پیریشان قآنی تقلید کرده است. ریاض به دوزبان فارسی و عربی شعر می گفته و در نجوم و هندسه و حساب نیز دست داشته است . (غزلیات ریاض چاپ تهران)





زاجل (م) یا زاوول نام ولایت سیستان ، در مشرق ایران ، که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ک) از مهمترین تألیفات ناصر خسرو قبادیانی شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم که آن را در سال ۴۵۳ تألیف کرده است.

این کتاب در بیست و هفت قول نوشته شده و نویسنده در آن اصول عقاید حکیمانه و فلسفی را مانند اقسام علم و نفس و هیولی و مکان و زمان و اثبات صانع و حدوث عالم و رد مذهب تناسخ و اثبات ثواب و عقاب و معاد شرح داده است و در ضمن عقاید مخالفان خاصه عقاید محمد بن زکریای رازی را که مغضوب متکلمان اسمعیلیه است رد کرده. زادالمسافرین از مهمترین کتابهای اسمعیلیه است. (زادالمسافرین چاپ برلن)

زال (ش - د) پسر سام و پدر رستم که چون هنگام زادن مویش سپید بود ، به دستور پدر بر بالای کوه البرز گذاشته شد. بر طبق روایات

شاهنامه سیمرغ اورا نزد جوجه‌های خود برد و بزرگ کرد . سام پس از سالها بر اثر خوابی که دید، به جستجوی پسر رفت. سیمرغ زال را به او سپرد و پری از خود به زال داد که هنگام حاجت آنرا آتش زند و از سیمرغ یاری بخواهد. زال که از سیمرغ‌دستان لقب گرفته بود، نزد بزرگان به دانش آموختن پرداخت و پهلوانی دانشور و نیرومند شد. از حادثه‌های زندگی او عشقش به رودابه دختر مهرباب کابلی است که سرانجام اورا به زنی گرفت و رستم از او به وجود آمد .

زبدۃ التواریخ (ک) تألیف شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو ، که آنرا در سال ۸۲۶ به امر بایسنقر میرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است در چهار جلد ، حاوی دیباچه و تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تا زمان چنگیز و حوادث سالهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و ۸۳۰ زمان شاهرخ . چنانکه مؤلف گوید جلد آخر یا ربع آخر کتاب را زبدۃ التواریخ بایسنقری نام نهاده است . تاریخ عمومی او مجموعاً به نام مجمع التواریخ السلطانیه نامیده شده است . اسلوب انشاء کتاب ساده و بی تکلف است .

زحاف (ع) هر تغییری که به اصول افعال عروض وارد آید ، زحاف خوانده می‌شود و اوزان فرعی را که به وسیله این زحافات از یک بحر به وجود می‌آید ، مزاحفات آن بحر خوانند . زحاف عبارت است از حذف حرفی یا حروفی یا اسکان متحرکی یا افزودن حرف

یا حروفی به آخر فعل.

از احیاف اشعار فارسی سی و پنج است که بیست و دو از آن جمله از احیاف اشعار عرب است که در اشعار فارسی مستعمل است و باقی مخصوص شعر فارسی است. نامهای از احیاف از این قرار است: قبض، قصر، حذف، خبن، کف، شکل، خرم، خرب، شتر، قطع، تشعیث، طی، وقف، کشف، صلح، معاقبت، صدر، عجز، طرفان، مراقبت، اسباغ، اذاله، جدع، هتم، جف، تخنیک، سلخ، طمس، جب، زلل، نحر، رفع، ربع، بتر، حنذ.

زحل (نج) یا کیوان که در فلک هفتم قرار گرفته و سه حلقه نورانی دور آن را گرفته است. قدما آن را نحس می دانستند.

هر نماز دگری بر افق از قوس و قزح

در گهی بینی افراشته تا اوج زحل

بگیر طره مه چهره ای و قصه مخوان

که سعدونحس ز تأثیر زهره و زحل است

ز رکوب (ت) ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی از ادیبان و نویسندگان قرن هشتم و معاصر شیخ ابواسحق اینجو. کتابی در تاریخ و جغرافیای وطن خود تألیف کرده است به نام شیراز نامه.

ز کریای رازی (ت) «رجوع شود به رازی»

ز کریای قزوینی (ت) [ف : ۶۸۲] عمادالدین زکریای محمد قزوینی از بزرگان و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل داشته است. از تألیفات او: عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات

است که در علوم طبیعی و به زبان عربی نوشته شده و ترجمه آن به فارسی موجود است. دیگر آثار البلاد به زبان عربی که در آن شرح حال عده‌ای از شاعران معروف ایران ذکر شده و از قدیمترین منابع اطلاعات است درباره شاعران و بلادی که در آنجا متولد شده یا توطن داشته‌اند .

زلالی (ت) [ف : ۱۰۲۴] مولانا حکیم زلالی خوانساری از شاعران قرن یازدهم و معاصر شاه عباس کبیر که در دربار او سمت ملک الشعرائی داشته است . زلالی میرداماد را مدح کرده است و هفت منظومه به نام سبعة سیاره دارد شامل مثنویهای محمود ایاز ، شعله دیدار ، آذر و سمندر ، میخانه ، سلیمان نامه ، ذره و خورشید ، حسن گلوسوز (نسخه خطی شامل مثنویهای حکیم زلالی به نام سبعة سیاره یا هفت سیاره - کتابخانه ملی) .

زلل (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع هتم و خرم است که باقی می ماند فاع ؛ و آن را ازل خوانند .

زلیخا (ن) زن عزیز مصر که عاشق یوسف گشت و چون یوسف تسلیم وی نشد ، براو خشم گرفت و شوهر را واداشت که او را به زندان افکند . سرانجام یوسف از زندان نجات یافت و عزیز مصر گشت و زلیخا که فقیر و کور و علیل گشته بود ، پیوسته به درگاه خدا می نالید و بر سر راه یوسف می نشست و چون دین او را پذیرفت ، بر اثر معجزه یوسف جوان و بینا گشت و به همسری او درآمد .

من از آن حسن روز افزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را

«حافظ»

زمخشری (ت) [ف: ۵۳۸] ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد الخوارزمی از عالمان بزرگ در علم نحو و حدیث و تفسیر و به زمخشر خوارزمی منسوب و به جارالله معروف می‌باشد. وی خود را ابوالقاسم معتزلی می‌نامیده است. زمخشری دارای تألیفات بسیار در لغت و علوم بلاغی است. از آثار او: الکشاف عن الاسرار التنزیل است در تفسیر قرآن، کتاب مقدمه‌الادب که آن را برای اتسز خوارزمشاه نوشت. این کتاب از نظر اشتمال بر لغات کهنه فارسی پر ارزش است. دیگر از آثار او اساس البلاغه در تحقیق لغت عرب و کتاب المفصل، در نحو و کتاب انموذج است که تلخیص کتاب المفصل می‌باشد. کتاب المفصل در سال ۵۱۴ تألیف یافته و جزو کتابهای معروف علم نحو شده و علماء نحو بر آن شروح بسیار نوشته‌اند.

زمزم (تن) چاهی نزدیک خانه کعبه.

بسان چاه زمزم است چشم من

که کعبه وحوش شد سرای او

«منوچهری»

زند (ك) به معنی توضیح و تفسیر است. چون زبان کتاب دینی زرتشتیان یعنی اوستا در دوره ساسانیان کهنه و منسوخ شده بود و عامه معنی

آن را نمی‌فهمیدند، متن اوستا را به زبان متداول زمان خود یعنی پهلوی ساسانی ترجمه کردند. این ترجمه‌ها را که گاهی توضیح و تفصیلی نیز در بردارد، زند می‌خوانند، زندقسمتی از فصول کتاب اوستا اکنون در دست است مانند زند وهومن یسن و غیره. زنگی اهل ولایت زنگه یا زنگبار که به سیاهی چهره معروفند. زلفش بسان زنگیان درهم شده از هر کران

برعارضش بازی‌کنان افتان و خیزان دیده‌ام

«خاقانی»

زوزنی (ت) [ف : ۴۸۶] ابو عبدالله حسین بن احمد الزوزنی. از عالمان علم لغت و ادب که در نحو و عربیت استاد زمان خود بود. از آثار معروف او شرح معلقات سبع و کتاب اللغه الفارسیه و کتاب المصادر است.

زهره (نج) یا ناهید (اناهیده) نسبت به زمین بعد از عطارد قرار گرفته است و درخشانترین سیارات می‌باشد. قدام آن را سعد می‌دانستند و به خنیاگری نسبتش می‌دادند.

بگیر طره مه چهره‌ای و قصه مخوان

که سعد ونحس ز تأثیر زهره و زحل است

«حافظ»

ور زهره جز به بزم تو خنیاگری کند

جاوید رف دریده و بربط شکسته باد

«انوری»

زجادالاعجم (ت) از قدیمترین شاعران ایرانی در قرن دوم یا سوم



که به زبان عربی شعر می سروده است . اصل وی از اصفهان است ولی در خراسان اقامت داشته ، او را از این جهت اعجم می گفتند که کلمات عربی را به لهجه ایرانی ادا می کرده است .

زین الاخبار (ك) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالحی بن المضحاک بن محمود گردیزی که آن را در سال ۴۴۰ هجری و در زمان سلطنت عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین تألیف کرده است . زین الاخبار تاریخ عمومی است شامل وقایع از ابتدای خلقت تا پایان دوره مودود بن مسعود غزنوی . اخبار تاریخ گردیزی به طریق ایجاز و اختصار است ، نویسنده جدولهایی ترتیب می دهد و در شرح حال يك سلسله یا يك خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می کند ، مثلاً درباره خلافت خلفای اسلام یازده ستون در جدول ترتیب داده که شامل این نکات است : لقبها ، کنیتها ، نامها ، مادران ، وزیران ، قضایان ، دبیران ، حاجبان ، مهر انگشتری ، ابتداء خلافت ، عهد خلافت . گردیزی به عادات و رسوم و افسانه های ملل باستانی بسیار توجه کرده و درباره آنها اطلاعات سودمندی بدست می دهد . سبک نوشته تاریخ گردیزی بسیار ساده و روان است . تکلف و پیچیدگی در آن نیست و به سبک نثر سامانیان نزدیک است . (چاپ تهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبار زینبی علوی محمودی . از شاعران دوره غزنوی معاصر سلطان محمود و سلطان مسعود . عده ای نام او را زینتی گفته اند . بنا به گفته ابوالفضل بیهقی زینبی در شمار

شاعران بزرگ، دربار غزنوی و مورد لطف سلطان مسعود بوده است.  
ابیات معدودی از این شاعر در کتابهای لغت و ادب مانند  
حدائق السحر و لباب الالباب و مجمع الفصحاء آمده است .

## س

سالک یا میرید کسی است که به قصد طی طریق وارد خانقاه می‌شود و به اطاعت پیر در می‌آید و در همه کار از او پیروی می‌کند. سالک باید واجد صفات خاصی باشد مانند رازداری و فرمانبرداری .

به می‌سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید

که سالک بیخبر نبود ز راه و رسم منزلها

تشویش وقت پیر مغان می‌دهند باز

این سالکان نگر که چه با پیر می‌کنند

«حافظ»

سام (ش - د) نیای رستم و پسر نریمان که به روایت گرشاسب نامه برادرزاده گرشاسب و به روایتی نبیره او بود . هنگام شاهی نوزد، مردم که از رستم او به جان آمده بودند از سام خواستند که بر تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت .

سامری (تن) مردی از پیروان موسی که در غیبت او گوساله زرینی ساخت و خاک زمینی که اسب جبرئیل در آن پای نهاده بود ، بر او افشاند.

گوساله به صد آمد و حرکت کرد و سامری به این وسیله بنی اسرائیل را گمراه کرد . چون موسی بازگشت ، مردم را از گمراهی بیرون آورد و گوساله سامری را کشت .  
سحر بامعجزه پهلو نزنند دل خوش دار

سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

«حافظ»

سام میرزا (ت) [ف : ۹۸۳] سام میرزا پسر شاه اسمعیل اول صفوی و مؤلف تحفه سامی است که به اهر شاه اسمعیل ثانی کشته شد .  
سیا (تن) شهری که بلقیس بر آن حکومت می کرد و سلیمان به قصد جنگ آهنگ آن کرد و با ملکه سیا روبرو شد و او را به زنی گرفت .  
ای هلهد صبا به سبا می فرستم

بنگر که از کجا به کجا می فرستم

«حافظ»

سبب (ع) یکی از ارکان اوزان عروض و بر دو قسم است: سبب خفیف، سبب ثقیل .

سبب خفیف : از يك متحرك و يك ساكن تركيب شده و علامت آن به صورت يك صفر و يك الف است. مانند نم و دم که به این شکل نشان داده می شود: ه ا

سبب ثقیل : از دو حرف متحرك و يك ساكن تركيب شده؛

مانند همه ، رمه. و علامت آن دو صفر است و يك الف : ه ه ا

سبب: الأجرار (ك) منظومه ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن

را در سال ۸۸۷ به نام سلطان حسین بایقرا ساخته است. این منظومه شامل مضامین عرفانی و اخلاقی است و دارای چهل عقد است که هر عقد با شرح یکی از فضایل نفسانی آمیخته به حکایتهای نغز شروع می‌شود و به مناجات حق تعالی ختم می‌گردد. (هفت اورنگ - چاپ تهران)

سبزواری (ت) [ف: ۱۲۹۵] حاج ملاهادی فرزند حاج محمد سبزواری از حکیمان بزرگ ایران. در سال ۱۲۱۲ هجری در سبزواری متولد شد و تحصیلات خود را در آنجا و سپس در مشهد تکمیل کرد. پس از آن به مکه سفر کرد و در بازگشت به اصفهان رفت و حکمت و فقه و اصول و کلام را نزد ملاعلی نوری آموخت و به جرگه دانشمندان درجه اول دوره قاجار درآمد. از تألیفات او منظومه‌ای است به عربی در منطق و حکمت با شرح آن در دو قسمت، قسمت اول لآلی المنتظمه و قسمت دوم غرر الفرائد نام دارد و هر دو باهم به نام شرح منظومه مشهور است. به فارسی نیز کتابی در حکمت الهی نوشته است موسوم به اسرار الحکم در شرح مثنوی. سبزواری به فارسی هم شعر می‌گفته و اسرار تخلص می‌کرده است. (دیوان اسرار - چاپ تهران)

سپهر (ت) میرزا محمد تقی خان کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر از مستوفیان دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار و از دانشمندان قرن سیزدهم. وی از طرف محمدشاه مأمور نوشتن تاریخ عمومی گشت و ناسخ التواریخ را تاجلد یازدهم به فارسی

فصیح نوشت و به این جهت از طرف محمد شاه به لقب لسان‌الملک ملقب گردید . از آثار دیگرش براهین‌العجم است در علم قافیه . سپهر (ت) عباسقلیخان سپهر پسر میرزاتقی‌خان ملقب به لسان‌الملک است که مؤلف ناسخ‌التواریخ می‌باشد . عباسقلی‌خان پس از پدر در دربار ناصرالدین شاه می‌زیست و تا کشته‌شدن آن شاه از مهربان او بود . چندین جلد در شرح حال ائمه و سلطنت ناصرالدین شاه بر ناسخ‌التواریخ افزوده است . عباسقلی‌خان کتاب و فیات‌الاعیان ابن‌خلگان را نیز از عربی به فارسی ترجمه کرده است .

سجری (ت) [ف: ۴۱۴] ابوسعید احمدبن محمدبن عبدالجلیل السجری . منجم و ریاضی‌دان قرن چهارم و معاصر عضدالدوله دیلمی . در نجوم و ریاضی آثاری دارد . از جمله رساله‌ای است به عنوان : خواص الشكل المجسم الحادث من ادارة القطع الزايد و المكافی دیگر تحصیل القوانین الهندسیة المحدودة و الجامع الشاهی که آن را به نام عضدالدوله دیلمی نوشته است . دیگر کتاب المدخل در نجوم به نام ابوجعفر احمدبن محمد صفاری و تحصیل القوانین راجع به استنباطات قضایای نجومی ، و زایجات الکواکب و منتخب من کتاب الالوف که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است .

سجع (ب) در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح آن است که نویسنده یا شاعر کلماتی به کار برد که در وزن و حروف خواتیم مشابه باشد . سجع بر سه قسم است : متوازی، متوازن، مطرف .

سجع در نثر حکم قافیه را در شعر دارد.

سجع متوازی آن است که در آخر دو جمله ، دو کلمه بیاید

که در وزن و حروف روی یکی باشد مانند : انیس ، جلیس .

سجع متوازن آن است که دو کلمه در آخر دو جمله بیاید

که در وزن یکی باشد و در حرف روی متفاوت باشد مانند : يك

شب تأمل ایام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می خوردم.

سجع مطرف آن است که در آخر دو جمله کلماتی بیاید

که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات : باد

و استعداد.

سحاب (ت) [ف: ۱۲۲۲] میرزا سید محمد اصفهانی پسر سید احمد هائف

از قصیده سرایان دوره قاجاریه و معاصر و مداح فتحعلیشاه قاجار

که از جانب وی به لقب « مجتهد الشعرا » مفتخر گشت . سحاب

در قصیده از شاعران قرن ششم و در غزل از شاعران قرن هفتم مانند

سعدی شیرازی پیروی کرده است . از آثار او رشحات سحاب به

نام فتحعلیشاه قاجار است . دیوان سحاب دارای پنجهزار بیت

می باشد. (دیوان سحاب- چاپ تهران)

سحابی (نچ) پنج کوب است از نوع کلهکشان چون پاره ابر .

سحبان وائل (ت) از خطیبان معروف عرب در عهد جاهلیت و اوایل

اسلام . وی در بلاغت و فن بیان شهرت فراوان یافته و نامش در

نظم و نثر فارسی به عنوان نمونه فصاحت و بلاغت بسیار ذکر

شده است .

توان در بلاغت به سبحان رسید

نه در کنه بیچون سبحان رسید

«سدی»

سد اسکندر (تن) سدی که اسکندر در برابر یاجوج و ماجوج بست.

یاجوج ظلم بینم جز رای روشن او

از بهر سد انصاف اسکندری ندارم

«خاقانی»

سدیره (تن) درختی در جانب راست عرش .

که ای بلند نظر شاهباز سدیره نشین

نشین تونه این کنج محنت آبادست

«حافظ»

سدرة المنتهی (تن) «رجوع شود به سدیره»

مرا منتهای طلب نیست سدیره      که از سدرة المنتهی می‌گریزم

«خاقانی»

سده از جشنهای ایرانیان در روز دهم ماه بهمن. به قولی از این جهت آنرا

سده می‌گویند که پنجاه روز و پنجاه شب به نوروز مانده است .

پارسیان در این روز آتش برمی‌افروختند . این جشن تا

چند قرن پس از اسلام معمول بوده است و هنوز در بعضی از

شهرستانهای ایران خاصه نزد زردشتیان معمول است :

بر لشکر زمستان نوروز نامدار

کرده است رای تاختن وقصد کارزار



و اینک پیامده است به پنجاه روز پیش

چشن سده طسلايه نوروز نامدار

«منوچهری»

سد یاجوج (تن) اشاره به سدی است که اسکندر در برابر یاجوج و

مأجوج ساخته است .

تو گفنی سد یاجوج است لشکر

هم ایشان باز چون یاجوج بی مر

«ازویس و رامین»

سدیر ( م ) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام گور

ساخت و دارای سه گنبد یاسه دیر بود .

سراحدیب (تن) یا جزیره سیلان در جنوب شبه جزیره هندوستان که

برطبق روایات مذهبی آدم پس از رانده شدن از بهشت به آنجا

افتاد .

سرطان (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل

خرچنگ . برج سرطان برابر ماه تیر است .

من چو برجیس ز حوت آمده ام

سرطان مستقری خواهم داشت

«خاقانی»

سروری (ت) محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی از فرهنگ نویسان قرن

یازدهم . در سال ۱۰۳۲ هجری به هندوستان رفت و به دربار شاه

جهان راه یافت . در هندوستان فرهنگ جهانگیری را مطالعه کرده و

با استفاده از آن و کتابهای دیگر فرهنگ خود را به نام مجمع الفرس

تألیف کرده است. «رجوع شود به فرهنگ سروری»

سروش (تن) از فرشتگان آئین زردشت و در شعر فارسی به معنی ندا دهنده غیبی .

سروش اصفهانی (ت) [ف : ۱۲۸۵] میرزا محمدعلی از شاعران قصیده سرای قرن سیزدهم . مولدش اصفهان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده است . چندی در تبریز اقامت گزیده و نزد قهرمان میرزا پسر نایب السلطنه تقرب حاصل کرده است. چون ناصرالدین میرزای ولیعهد به شاهی رسید ، سروش با او به تهران آمد و به مناسبت آنکه در اعیاد و مجالس دربار اشعار تهنیت آمیز می خواند، ناصرالدین شاه لقب شمس الشعرائی به او داد. سروش در قصیده از سبک فرخی و منوچهری و امیر معزی پیروی کرده است . از آثار او غیر از دیوان قصیده و غزل مثنویاتی مانند ساقی نامه، الهی نامه، زینة المذایح و حماسه ای دینی به نام اردیبهشت نامه در احوال پیغامبر است. در اشعار سروش اشاره هایی به وقایع زمان ناصرالدین شاه از جمله برقرار شدن تلگراف دیده می شود .

سریع (بحر) (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن « مستفعلن مستفعلن مفعولات» است. در فارسی از این بحر وزن زیر متداول است ، بحر سریع مسدس مطوی محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

«نظامی»

سطرلاب (نج) «رجوع شود به اسطرلاب»

چشمه خورشید لطف بلکه سطرلاب روح

گوهر گنج حیات بلکه کلید کسرم

«خاقانی»

سعادتنامه (ک) منظومه کوتاهی منسوب به ناصر خسرو قبادیانی حکیم و شاعر قرن پنجم، شامل سیصد بیت درسی بساب در حکمت و موعظت و در نسبت این منظومه به ناصر خسرو تردید است و گویا مردی به نام شریف آنرا سروده است. (سعادتنامه. ضمیمه دیوان ناصر خسرو. تصحیح حاج سید نصرالله تقوی- چاپ تهران).  
سعدا لاجبیه (نج) منزل بیست و پنجم از منازل قمر که شامل چهار ستاره است که سه تای آن مانند مثلث است و چهارم در میان آن.

گردی بر آبی ییخته زراز ترنج انگیخته

خوشه زتاک آویخته مانند سعدا لاجبیه

«منوچهری»

سعدا صغر یا سعدا خرد (نج) ستاره زهره.

شعر من فالی است نامش سعدا کبر گیر از آنک

راوی من در ثبات از سعدا صغر ساختند

«خاقانی»

سعدا کبر (نج) ستاره مشتری.

بر آسمان مکرمت از روشن علم

چون مشتری به نور خرد سعدا کبرم

«انسوری»

سعدا لدین دشتنازانی (ت) «رجوع شود به تفتازانی»

سعد ذابح (نج) منزل بیست و دوم از منازل قمر که دو ستاره است که میان آنها به اندازه یک گز فاصله است و بر شاخ جدی (بزغاله) قرار دارند .

نه سعد کسایت تو ذابح      نه صبح عنایت تو کاذب  
«جمال الدین اسفہانی»

سعد السعود (نج) منزل بیست و چهارم از منازل قمر که سه ستاره کوچک است که در دم جدی قرار گرفته است .  
بر سپهر لاجوردی صورت سعد السعود

چون یکی چاه عقین در یکی نیلی ذقن  
«منوچهری»

سعد وراوینی (ت) «رجوع شود به وراوینی»

سعدی (ت) [ف : ۶۹۱ یا ۶۹۴] مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی . از بزرگان و نوابغ شعر و ادب ایران . در حدود سال ۶۰۶ در شیراز متولد شده و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز کرده سپس به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه کسب فضائل کرده است .

سعدی به علت شوق جهانگردی و نیز به سبب کشمکشهای بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم مغول به سفری طولانی پرداخت که در حدود سی تا چهل سال طول کشید و بغداد و سوریه و مکه را تا شمال افریقا گشت و در آثار خود از سفر به کاشغر و هند و ترکستان نیز سخن می گوید . سعدی پس از این

سفر طولانی به شیراز باز گشت و چون آنجا را آرام و مردم را در رفاه دید ماند و به تألیف و تصنیف پرداخت و اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۳۲ - ۶۶۸) و پسرش سعد بن ابوبکر را که تخلص خود را از او گرفته است مدح کرد. از ممدوحان دیگر سعدی غیر از اتابکان ، بزرگان و دانشمندانی بوده اند مانند صاحب‌دیوان شمس‌الدین و برادرش عطا ملک جوینی. سعدی باشاعرانی مانند مجد همگر و خواجه همام تبریزی ارتباط داشته و مورد ستایش آنان قرار گرفته است .

سعدی را هم جزء شاعران درجه اول ایران می‌توان محسوب کرد و هم از نویسندگان مبرز و استاد نثر مسجع دانست. سعدی در انواع شعر مانند قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند دست داشت. اما می‌توان گفت از زمان سعدی است که غزل در ردیف اول شعر فارسی قرار گرفته است و مخصوصاً سخن سعدی در غزل به حد اعلای لطافت و زیبایی رسیده است که دارای روانی و صنعت سهل و ممتنع می‌باشد.

آثار سعدی عبارت‌است از دیوان غزلیات شامل طلیبات ، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیمه. دیگر: بوستان، گلستان، قصاید و ملمعات ، رباعیات و ترجیعات است . مجموع آثار سعدی را کلیات سعدی گویند . چون آثار سعدی نتیجه تجربیات و مطالعات و مشاهدات اوست در سفرهای طولانی ، از اینرو بسیار سودمند و پرمعنی و در نهایت درجه اهمیت است که هم شامل نکات اخلاقی

و پند و موعظه است و هم دارای مضامین عاشقانه و لطف و زیبایی است. آثار سعدی به زبانهای خارجی ترجمه شده و موجب شهرت جهانی وی گردیده است. کلیات سعدی چندین بار در تهران و هندوستان به چاپ رسیده است.

سعید طائی (ت) از شاعران آل سلجوق که در نیمه دوم قرن ششم می زیسته است. از احوال او اطلاعی در دست نیست و از او تنها يك قصیده باقی مانده است، در یأس و تأثر از ناپایداری دنیا و زوال دولتها که از قصاید خوب فارسی شمرده می شود. مطلع قصیده این است:

غم مخور ای دوست کاین جهان بنماند

هر چه تو می بینی آنچنان بنماند

سفرنامه (ک) از آثار منثور حکیم ناصر خسرو قبادیانی، شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم، و ظاهراً نخستین کتاب منثور نویسنده است. این کتاب شامل شرح حوادث هفت ساله سفر ناصر خسرو است به آسیای صغیر، شام، حجاز، مصر، قاهره، تا بازگشت او به بلخ. ناصر خسرو در طول این سفر با رجال و عالمان زمان ملاقاتها کرد و در قاهره به خدمت المستنصر بالله رسید و به مذهب اسمعیلی گروید، سفرنامه دارای اطلاعات جغرافیائی و تاریخی درباره شهرها و کشورهایی است که ناصر خسرو از آنها دیدن کرده است. سبک انشاء سفرنامه روان و ساده است. (سفرنامه - چاپ تهران)

سقراط (ت) فیلسوف و حکیم یونانی که او را به گناه حقیقت پرستی و

مخالفت با آداب متداول زمانه به قتل محکوم کردند و او با دست خود جام شوکران را گرفت و نوشید و آنقدر شاگردان خود را موعظه کرد تا از پای در آمد.

سگ اصحاب کَهِف (تن) سگ شبانی که به دنبال اصحاب کَهِف افتاد و هر چه خواستند او را برانند برنگشت تا آنکه به زبان آمد و خدا پرستی خود را برایشان نمایاند. یاران از او دست بازداشتند و او را باخود به غار بردند.

سگ اصحاب کَهِف روزی چند

پی نیکان گرفت و مردم شد

«سمدی»

سلامان و اِيسال (ك) داستان منظومی از هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را ظاهر آبه سال ۸۸۵ به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قوینلو ساخته است. اشخاص این داستان عبارتند از پادشاه یونان و مرد حکیم که معلم اوست و پسر او موسوم به «سلامان» و دایه خوبروی او به نام «اِيسال». اِيسال عاشق طفل شیرخوار خود یعنی سلامان می شود و هنگامی که سلامان به سن رشد می رسد دایه او را به جادویی فریفته خود می سازد. حکیم که از این موضوع اطلاع می یابد به وسیله قوه مغناطیس سلامان را مجبور می کند که در قرارگاه خود با اِيسال توده عظیمی از هیزم فراهم سازد و عاشق و معشوق خود را به آتش افکنند. در نتیجه اِيسال بکلی سوخته و خاکستر می شود و سلامان تندرست بیرون می آید و پدرش تاج و

تخت خود را به او می‌بخشد . (چاپ تهران)

سلیخ (زحاف) (ع) سلیخ در فاع لاتن آن است که دو سبب یعنی لا و تن را بیندازند ، و عین را ساکن کنند ؛ می‌ماند فاع ؛ و آن را مسلوخ گویند .

سلسبیل (تن) چشمه‌ای در بهشت :

ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل

سلسبیل کرده جان و دل سیل

«حافظ»

سلسله الذهب (ك) یکی از مثنویهای هفت‌اورنگ مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به نام سلطان حسین بایقرا و به سبک حدیقه سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل بر سه دفتر است : دفتر اول شامل شرح احادیث و مقالات صوفیه و ائمه و بسیاری از مسائل عرفانی. دفتر دوم مشتمل بر تحقیق در اقسام مختلف و وجوه گوناگون عشق مجازی و حقیقی و حکایتهائی برسبیل تمثیل. دفتر سوم مشتمل بر حکایات شاهان و آئین ملك داری و نصیحت به سلاطین و اشاره به فضایل ستوده و همچنین داستانهای منسوب به اطباء مانند ابن سینا و گفتاری در بیان شعر و ذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بایقرا (ت) [ف: ۹۱۱] سلطان ابوالغازی حسین بن منصور بایقرا از شاهزادگان گورکانی که ابتدا تحت حمایت میرزا الغ بیک بود و چون وی و پسرش عبداللطیف به قتل رسیدند، ابوسعید



اورا به حبس افکند، سلطان حسین از حبس گریخته به ابوالقاسم بابر پیوست و با او فرار کرد و در سال ۸۶۲ استرآباد را تسخیر کرد و در آنجا به شاهی نشست. بعد از مرگ ابوسعید، سلطان حسین هرات را گرفت و در سال ۸۷۲ به تخت نشست. سلطان حسین بایقرا از شاهان دانشمند و علم دوست بود و دوره شاهی او از جنبه ادبی بسیار مهم است، زیرا که دربار او در هرات مرکز علم و ادب گشت و شاعران و نویسندگان به آنجا رو آوردند و مورد تشویق او و وزیر دانش پرور او امیر علیشیر نوائی قرار گرفتند. سلطان حسین شخصاً علاقه وافری به علم و ادب داشت و کتاب مجالس العشاق به او منسوب است.

سلطان وید (ت) [ ف : ۷۱۲ ] بهاء الدین احمد سلطان ولد پسر مولانا جلال الدین رومی است که در شهر لارنده در آسیای صغیر متولد شد و علوم طریقت و عرفان را نزد پدر و شمس الدین تبریزی و شیخ صلاح الدین زرکوب و حسام الدین چلبی آموخت و در این راه به مقام عالی رسید و جای پدر را در ارشاد گرفت. سلطان ولد شعر نیز می سرود و به زبان ترکی نیز آشنایی داشت. مثنوی ولد نامه از اوست.

سلم (ش - د) پسر بزرگتر فریدون. چون فریدون کشور خود را تقسیم کرد، روم و خاور را به سلم داد. سلم با برادر خود تورهم دست شد و ایرج برادر کوچک خود را که فرمانروای ایران شده بود، کشت.

نخستین به سلم اندرون بنگرید

همه روم و خاور مر او را گزید

«از شاهنامه فردوسی»

سلمان ساوجی (ت) [ف: ۷۷۸] جمال‌الدین سلمان بن علاء‌الدین ساوجی. از بزرگترین شاعران قرن هشتم. در اوایل عمر در خدمت خواجه غیاث‌الدین محمد وزیر سلطان ابوسعید بهادر (۷۱۶-۷۳۶) بود. بعد از مرگ آن وزیر به دربار جلایریان یا شاهان ایلکان که در مغرب ایران و عراق عرب حکومت داشتند، رو آورد و شیخ حسن بزرگ مؤسس آن سلسله و زوجه او دلشادخاتون و سلطان اویس و سلطان حسین را مدح گفت.

سلمان شاعری است قصیده‌سرا و می‌توان او را بزرگترین شاعر قصیده‌سرای ایران بعد از مغول و پیش از عصر صفویه دانست. وی از سبک متقدمان خاصه انوری تقلید کرده و به منوچهری نیز نظر داشته است. در نعت خدا و رسول و ائمه قصایدی دارد که پیش از او معمول نبوده است. سلمان در تغزل نیز استادی داشته و مورد توجه حافظ بوده است. در غزل‌های سلمان مضمون‌های تازه و تشبیهات نو فراوان است. گذشته از قصاید و غزلیات ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و قطعه و مثنوی نیز دارد.

از آثار او جز دیوان شعر، مثنوی عشقی به نام جمشید و خورشید است که آنرا در سال ۷۶۳ به امر سلطان اویس سروده و فراقنامه که به سال ۷۷۰ به نام همان سلطان ساخته است.

سلیمان (تن) پسر داوود که خدای تعالی هم پیغمبری به او داد و هم پادشاهی و انگشترئی داشت که اسم اعظم بر آن نوشته بود تا به برکت آن آدم و پری و دیو و وحش و طیر و باد مطیع او بشوند . باد هرچه در قلمرو شاهی او می گذشت به گوش او می رساند و تخت او را به هر جا که می خواست می برد .

چون سلیمان خبر قدرت بلقیس را در سبا شنید، آهنگ جنگ با او کرد . بلقیس که دانست او پیغمبر است ، خواست که به درگاهش بشتابد ولی سلیمان فرمود تا باد تخت بلقیس را بردارد و به درگاه او حاضر کند . بلقیس به سلیمان ایمان آورد و به همسری او درآمد .

پیش صاحب نظران ملك سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان که ز ملك آزاد است

«خواجهی کرمانی»

سمائی (ت) محمود بن علی سمائی مروزی از شاعران عهد سلجوقی و اهل مرو . از احوال او چیزی در دست نیست . عوفی چند غزل از او نقل کرده و او را به هنر شعر ستوده است .

سماک اعزل (نج) منزل چهاردهم از منازل قمر . ستاره ای بزرگ و روشن در جنوب سماک رامح که نزدیک آن هیچ ستاره نیست و از این رو به آن اعزل گویند و اعزل یعنی مرد بی سلاح . این ستاره در صورت سنبله است .

گاه با ضربت رمحی ز سماک رامح      گاه بانگیت عزلی ز سماک اعزل

«اوری»

سماک رامج (نج) ستاره‌ای است بزرگ در برابر بنات النعش، و نزدیک آن دو ستاره است که آنها را رامج یا نیزه سماک گویند.

وز شهاب ناوك انداز و سماک نیزه‌دار

لشکر شروانشه صاحبقران انگيخته

«خاقانی»

سمعانی (ت) [ ف : ۵۶۲ ] از فقیهان مشهور قرن ششم . وی در مرو متولد شد و برای تحصیل علم به ری و همدان و شهرهای عراق و حجاز و شام و موصل سفر کرد و نزد عالمان و بزرگان دین کسب دانش کرد و در علم حدیث و اخبار استادی یافت. از آثار معروف وی کتاب الانساب است که سماعی در آن شرح حال متجاوز از چهارهزارتن از بزرگان دین را برحسب حروف اول القاب آنان آورده است . دیگر از آثار او تاریخ مرو می‌باشد.

سمک عیار (ك) از قدیمترین نمونه‌های داستان‌پردازی در ادبیات فارسی . این کتاب بسیار مفصل و دارای سه جلد است . مؤلف آن فرامرزبن خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی است که در کتاب راوی قصه‌ها به نام « صدقه بن ابی القاسم شیرازی » معرفی کرده است . زمان تألیف اصل قصه و جمع و تدوین روایت معلوم نیست ولی اشعاری از شاعران قرون پنجم و ششم در آن نقل شده است و همچنین از نامه‌های خاص ترکی که در متن کتاب آمده است می‌توان حدس زد که تاریخ تدوین بیش از اواخر دوره سلجوقی نیست .

انشاء کتاب به زبان ساده است و برای سخنوری پرداخته

شده . داستان سمک بسیار مشغول کننده است و پیداست که قرن‌ها مایه سرگرمی و نشاط مردم بوده است. (چاپ دانشگاه و بنیاد فرهنگ ایران با تصحیح و مقدمه دکتر پرویز خانلری)

سمندر مرغی افسانه‌ای که در آتش نمی‌سوزد و بعضی‌ها گفته‌اند که از آتش بوجود می‌آید و چون از آن بیرون بیاید می‌میرد.

سمندر نه‌ای گرد آتش مگرد

که مردانگی باید آنگه نبرد

«سعدی»

سنائی (ت) [ف : ۵۴۵] حکیم ابوالمجد مجذوب بن آدم از شاعران بزرگ قرن ششم . ابتدا به دربار غزنویان راه یافت و مسعود بن ابراهیم و بهرامشاه بن مسعود را مدح کرد و پس از سفر خراسان و ملاقات با مشایخ صوفیه از دربار شاهان چشم پوشید و عزلت اختیار کرد و سفری به مکه کرد و به سیاحت اغلب شهرها و به معاشرت با رؤسای صوفیه پرداخت و به حلقه ایشان درآمد. بعد از سفر مکه چندی در بلخ و سرخس و مرو و نیشابور زیست و در حدود سال ۴۱۸ به غزنین برگشت و تا پایان حیات در آنجا ماند. از آثار او دیوان شعر است که شامل قصاید و غزلیات و مقطعات می‌باشد .

دیگر: حدیقة الحقیقة، سیرالعباد الی المعاد، طریق التحقیق، کارنامه بلخ و مثنویهایی به نام عشقنامه ، عقل نامه .

از ممدوحان سنائی ثقة‌الملك طاهر بن علی وزیر سلطان

مسعود بن ابراهیم و خواجه قوام‌الدین ابوالقاسم وزیر سنجر و عده‌ای

از رجال دیگر دربار غزنویان درخور ذکرند.

اشعار دوره اول شاعری سنائی تحت تأثیر سبک فرخی و مسعود سعد است و در دوره دوم که سنائی در عالم عرفان وارد شد مضامین مستقل و اشعار عارفانه دارد. سنائی را می‌توان نخستین غزلسرای عارف ایران دانست که افکار و اصطلاحات عرفانی را با مضامین عاشقانه آمیخته است. (دیوان سنائی - چاپ تهران)

سناد (ق) از عیوب قافیه؛ اختلاف ردف است. مثال:

کئی ناخوش به ما بر زندگانی      اگر از ما می‌دوری گزینی

سنبله (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل خوشه گندم. برج سنبله برابر ماه شهریور است.

دست من جوزا و کلکم حوت و معنی سنبله

سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من

«خاقانی»

سند بادنامه (ك) از قصص قدیمه هند که به زبان پهلوی نقل شده و مسعودی و ابن الندیم آن را از اسمار و احادیث هندوان دانسته‌اند. این کتاب از جمله کتابهای پهلوی بوده که به عربی ترجمه شده است.

ترجمه فارسی این کتاب به امر امیرنوح بن منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷) به دست خواجه عمید ابوالفوارس فناورزی انجام شده است و دو تهذیب از سندبادنامه به پارسی صورت گرفته است. یکی از شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد الدقایقی المروزی

شاعر اواخر قرن ششم و دیگری از ظهیری سمرقندی.  
 انشاء خواجه عمید ابوالقوارس انشائی ساده بوده است  
 ولی ظهیری آن را به نثری مزین با شواهد و اشعار پارسی و تازی  
 آراسته است و سندباد نامه او از نمونه‌های نثر مصنوع قرن ششم  
 به شمار می‌آید (چاپ استانبول).  
سؤال و جواب (ب) آن است که شاعر کلامی مشتمل بر پرسش و پاسخ  
 بیاورد .

گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید

گفتم که ماه من شو، گفتا اگر بر آید

«حافظ»

سودابه (ش-د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر شاه هاماوران که  
 کاووس عاشق او گشت و با او به زندان افتاد ، رستم کاووس را  
 رهائی داد و او با سودابه به ایران آمد ، اما سودابه بعدها عاشق  
 سیاوش پسر کاووس شد و چون نجابت و خودداری سیاوش را دید،  
 پیشدستی کرد و او را نزد کاووس متهم ساخت .

سوزنی (ت) [ف: ۵۶۲] شمس‌الدین تاج‌الشعرا محمدبن علی سوزنی.  
 از شاعران معروف قرن ششم . مولدش سمرقند است و تحصیلات  
 خود را در بخارا انجام داده و شاهان آل افراسیاب را مدح کرده  
 است . سوزنی از شاعران هجا پرداز می‌باشد که در هجو معانی  
 خاص و مضمونهای تازه بکار برده و با بعضی از شاعران زمان  
 خود مانند عمیق و معزی و ادیب صابر و رشیدی سمرقندی

مهاجرات داشته است. سوزنی قصاید فصیح و روان دارد و می گویند در پایان عمر از هزل و هجا دست برداشته و استغفار کرده است.  
(دیوان سوزنی - چاپ تهران)

سومندان (م) بتکده ای معروف در هند که سلطان محمود غزنوی آن را فتح کرد و بتهایش را شکست .

سها (تج) ستاره کوچکی در دب اصغر ، این ستاره به کم نوری مثل است و گاهی تیزچشمی کسان را بدان می آزمایند :  
سها در جلوه گاه خود نمائی است

به مهرش دعوی صاحب ضیائی است

«میرزا نصیر»

سهراب (ش - د) از پهلوانان شاهنامه و پسر رستم . داستان پهلوانیهای او در جنگ با پدر معروف است . پدر و پسر ناشناس برابر هم درآمدند . هیچیک دیگری را نشناخت ، پدر پیر با پسر جوان زور آزمائیها کرد . یک بار رستم پشتش بر زمین آمد ، اما با نیرنگ از چنگ سهراب رها شد ، و بار دوم رستم پسر را بر زمین زد و با خنجر جگرگاه او را شکافت و چون بازوبندش را دید و او را شناخت ، کس نزد کاووس به جستجوی نوشدارو فرستاد . کاووس از دادن نوشدارو خودداری کرد و سهراب جان سپرد . مثل «نوشدارو پس از مرگ سهراب» اشاره به این قسمت از سرگذشت اوست . «رجوع شود به نوشدارو»

سهروردی (ت) [مقتول : ۵۸۷] شیخ شهاب الدین ابوالفتوح یحیی بن



حبش بن امیرك السهروردی معروف به شیخ اشراق از بزرگترین فیلسوفان ایران است. در شهر سهرورد متولد شد و نزد شیخ مجدالدین الجبلی استاد فخر رازی حکمت و فقه آموخت و در فنون فلسفه استاد گشت چون در بعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دینی زردشت را بکسار می برد، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حاب صلاح الدین ایوبی، فرمانروای مصر و شام را به قتل او وادار سازند.

شهاب الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق در آثارش به کمال رسیده است. مجموع ۴۹ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می دهند که معروفتر از همه کتاب حکمة الاشراق و رساله فی اعتقاد الحکما و قصة الغربة الغریبه است (این سه کتاب به همت هانری کربن مستشرق فرانسوی با مقدمه به زبان فرانسه در سال ۱۳۳۱ چاپ شده است) دیگر کتاب تلویحات، کتاب المشارع والمطاوحات، رساله عقل سرخ (چاپ انجمن دوستداران کتاب) رساله العشق به نام مونس العشاق، با شرح فارسی و همچنین لغت موران، صغیر سیمرغ، ترجمه رساله الطیر ابن سینا، رساله فی حالة الطفولية (به همت دکتر بیانی در تهران چاپ شده است) و رساله آواز پر جبرئیل است.

سهل دین هارون دشت میسائی (ت) از نویسندگان ایرانی قرن سوم واز شعوبی مذهب ان متعصب. تصانیف متعدد دارد از جمله کتاب دیوان

الرسائل و کتاب تدبیر الملک و السياسة و چند داستان ادبی.

سپهیل (نبح) از ستارگان قدر اول .

از اوج حق یقین تو تابنده چون سپهیل

بر دیو شرک تیر تو بارنده چون شهاب

«ابوالفرج ردنی»

سیاست‌نامه (ک) از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی در دوره سلجوقی

تألیف ابوعلی حسن بن علی بن اسحق طوسی ملقب به نظام‌الملک

که آن را به دستور ملک‌شاه سلجوقی تألیف کرده است .

موضوع کتاب سیاست‌نامه تدبیر ملک‌داری است، درباره عدل

و سیرت نیکو و استقضاء از حال وزیران و دبیران و قضاة و برگزیدن

جاسوسان و مشورت با دانایان روش لشکر‌داری و حق‌گزاری و غیره .

مؤلف در ابتدای هر فصل مطالبی مبنی بر نصیحت و اندرز و راهنمایی

شاهان می‌آورد و حکایت‌هایی به عنوان شاهد ذکر می‌کند که اغلب

جنبه تاریخی دارد و اگرچه منظور نویسنده جمع‌آوری اطلاعات

تاریخی نیست ، لیکن آنچه درباره تشکیلات سیاسی و کشوری

ایران قبل از مغول ذکر می‌کند ، بسیار سودمند است . نظام‌الملک

چون مرد سیاسی و درباری بوده و از رموز مملکت‌داری مطلع

بوده است ، بهتر از دیگران توانسته نکته‌های لازم را تذکر دهد

و چنانکه خود او می‌گوید در کتابش هم پند است و هم مثل و هم

تفسیر قرآن و هم اخبار رسول و قصص انبیاء و هم سیرت و حکایات

شاهان .

نثر سیاستنامه بسیار روان و ساده است و عبارتهایش از لغات نامأنوس خالی می‌باشد. (چاپ مکرر)  
سیاقه‌الاعداد (ب) آن است که گوینده اسمهای متعدد را در پی یکدیگر در شعر قرار دهد.

اسب و گهر و تیغ بدو گیرد قیمت

تخت و سپه و تاج بدو یابد مقدار

سال و فال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت

بادت اندر هر دو گیتی برقرار و بر دوام

سیاوش (ش - د) از پهلوانان شاهنامه . پسر کاووس . سیاوش نزد رستم بزرگ شد و هنر آموخت و چون به درگاه پدر باز گشت سودابه زن کاووس عاشق او شد. سیاوش به علت نجابت طبع از این عشق سر باز زد و سودابه به او کینه‌ور شد و شوهر را بر او بدبین ساخت .

سیاوش پس از رنجهایی که از این عشق ناپاک کشید ، به دستور پدر به جنگ با تورانیان رفت ، اما با افراسیاب صلح کرد . و کاووس پس از شنیدن این خبر بر او خشمگین شد و پسر را سرزنش کرد . سیاوش از بیم پدر در سرزمین توران ماند و نزد افراسیاب تقرب یافت و فرنگیس دختر او را به زنی گرفت . گرسیوز برادر افراسیاب که بر سیاوش حسد می‌برد افراسیاب را ابرو بدبین ساخت تا سرانجام به فرمان افراسیاب ، سیاوش ر کشتند «رجوع شود به خون سیاوش»

سیبویه (ت) [ ف : در حدود ۱۶۰ ] ابوالحسن عمرو بن عثمان از استادان علم نحو . در اصل از بیضای فارس بوده ولی در بصره متولد شده است . وی فنون عربی را از خلیل بن احمد آموخت و در علم نحو از استادان معروف گشت . سیبویه کتابی در نحو تألیف کرد به اسم الکتاب که شهرت خاص یافت و بارها به چاپ رسید و مورد استفاده ادیبان قرار گرفت .

سید حسن غزنوی (ت) «رجوع شود به حسن غزنوی»

سیره جلال الدین منکبرنی یا تاریخ جلالی (ک) تاریخی به زبان عربی تألیف محمد بن احمد بن علی بن المنشی النسوی دبیر سلطان جلال الدین خوارزمشاه که آن را در سال ۶۳۹ تألیف کرده است . موضوع کتاب تاریخ کاملی از اوضاع ایران در زمان آخرین سلطان خوارزمشاهی جلال الدین منکبرنی و هجوم تاتار است . مؤلف پیش از شروع به ذکر حوادث مغول از کشور چین و حدود و ثغور آن و قبیله چنگیز و اقامتگاه مغول سخن می گوید و به ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه و اتابکان و سعدبن زنگی و کسانی که با دربار خوارزمشاه ارتباط داشته اند می پردازد و در این قسمت به اختصار می کوشد ولی سلطنت سلطان جلال الدین را بطور مشروح بیان می کند و در ضمن از مأموریت های خود و مصاحبت های خود با سلطان وجدائی از او سخن می گوید و احوال سلطان را در هنگام حمله تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می دهد . مؤلف سوء تدبیر امیران و تأثیرش را در ایجاد این وقایع یادآوری

می‌کند. نثر کتاب به صنایع لفظی آراسته است و مؤلف در میان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکر می‌کند و نکته‌های حکیمانه‌ای تذکر می‌دهد.

کتاب سیره جلال‌الدین تاریخ ذقیمتی است که مؤلف همه وقایعی را که خود به چشم دیده و حتی در آنها دخالت داشته، نقل می‌کند. (ترجمه به فارسی به وسیله محمد علی ناصح، چاپ تهران)

سیر العباد الی المعاد (ک) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را در سرخس به نام سیف‌الدین محمد بن منصور قاضی سرخسی ساخته است. شاعر در این منظومه از خلقت انسان و عقل و نفس و مباحث اخلاقی سخن گفته است. (چاپ تهران)

سیر الملوك (ک) «رجوع شود به خدا»

سیف اسفردگی (ت) [ف: اواخر قرن ششم] مولانا سیف‌الدین الاعرج از شاعران معاصر خوارزمشاهیان، اصلش از اسفردنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم رفته و به خدمت او رسیده است. وی معاصر مجیر بیلقانی و ضیاءالدین خجندی بوده و با ایشان مشاعره و معارضه داشته است.

از ممدوحان او سلطان سنجر سلجوقی، و خسرو ملک غزنوی

و تاج‌الدین محمودخان بن محمد ارسلان خوارزمشاهی می‌باشند.

سیفی (ت) علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمه آخر قرن ششم،

مداح سلطان تکش (۵۶۸-۵۹۸) قصیده‌ای نیز در مدح شاه محمود پسر ارسلان خان از شاهان آل افراسیاب دارد. شمس قیس ایباتی از او که در هر مصرع سنگ و سیم را التزام کرده در المعجم آورده است. قصاید و غزلیات مصنوع دارد و چند غزل از او در لباب الالباب آمده است.

سیمرغ (ش - د) پرنده‌ای افسانه‌ای که بنا بر داستان شاهنامه زال پسر سام را از کوه البرز برگرفت و با جوجه‌های خود پرورش داد. پس از چندی سام بر اثر خوابی که دیده بود به دنبال پسر آمد. سیمرغ زال را به سام سپرد و پری از خود به او داد تا در هنگام لزوم به آتش افکند و او را به کمک بخواند. سیمرغ به این ترتیب در جنگ رستم و اسفندیار به خواهش زال به یاری رستم شتافت و به تدبیر او اسفندیار به دست رستم کشته شد.

تهمن گزاند رگمان راند زود      بدان سان که سیمرغ فرموده بود

«شاهنامه»

در منظومه «منطق الطیر» عطار سیمرغ به عنوان شاه مرغان و تمثیلی از وحدت وجود آمده که مقر او در کوه قاف است و مرغانی که به طلب او می‌روند، پس از رسیدن به مقصود در می‌یابند که آن مرغ افسانه‌ای وجودی جز خود آنان نیست، زیرا که از همه مرغانی که به این سفر رفته بودند، تنها سی مرغ به مقصد رسیدند و غرض از سیمرغ همان سی مرغ بوده است.

خویش را دیدند سیمرغ تمام      بود خود سیمرغ سی مرغ مدام

«منطق الطیر»

سینا (تن) نام ناحیه‌ای که کوه‌طور یعنی کوهی که موسی برای مناجات  
برسر آن می‌رفت، در آن واقع است.  
آشنای طور سینا موسی عمران بود

تا که از معجز عصا در دست او گردد چو مار

«امیر معزی»





## ش

شاپور (ش - ت) شاپور اول پسر اردشیر بابکان از دختر اردوان که تا هفت سالگی پدر از وجودش بیخبر بود و آخر وزیری که مادرش را پنهان کرده بود ، او را نزد پدر آورد . شاپور روزی به شکار رفت ، در باغی دختری دید که بر سر چاهی دلو سنگینی را که دیگران از بیرون کشیدنش عاجز بودند ، به آسانی بیرون کشید . چون از نژادش پرسید دختر خود را زادهٔ مهرک نوش زاد ، از دشمنان اردشیر معرفی کرد که همهٔ خاندانش به دست اردشیر کشته شده بودند . شاپور دختر را به زنی گرفت و از او پسری به نام هرمز یافت . شاپور سی سال شاهی کرد و در زمان او میان ایران و روم جنگی در گرفت که به شکست رومیان انجامید .

شاپور دوم (ش - ت) دهمین پادشاه ساسانی ، پسر اورمزد و معروف به شاپور ذوالاكتاف وی در شکم مادر بود که به سلطنت رسید و سالیان دراز پادشاهی کرد و در بسط قدرت ساسانیان کوشید . مانی نقاش که ادعای پیغمبری داشت به فرمان شاپور ذوالاكتاف کشته شد .

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراءالنهر می‌زیسته است. از این شاعر اشعار بسیاری نمانده، ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام او را در شعر آورده است و بعضی از اشعار او در کتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است.

شاه اچورجا (ت) [ف: در حدود ۵۹۸] حکیم شهاب‌الدین شاه‌علی ابورجاء غزنوی. از شاعران قرن ششم. او را معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته‌اند و مدح بهرامشاه در قصایدی که از او باقی مانده دیده می‌شود. از احوال او اطلاع صحیحی در دست نیست و اشعاری از او در تذکره‌ها باقی است.

شاه قاسم اخوار «رجوع شود به انوار»

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منشور یا منظومی اطلاق می‌شود که در شرح تاریخ و داستانهای ملی ایران نوشته شده باشد. شاهنامه نویسی در قرون اولیه اسلام مورد توجه عده‌ای از دانشمندان و امیران و سرداران ایرانی خاصه رجال قسمت شرق ایران قرار گرفت و کتابهایی به تقلید خداینامه و سیرالملوک ابن مقفع و محمد بن جهم برمکی و زادویه پسر شاهویه نگاشته شد. نام شاهنامه هم درست ترجمه «خوتای نامک» پهلوی است. اصل خدای نامه و ترجمه آن یعنی سیرالملوک در دست نیست.

از شاهنامه‌های منشور فارسی شاهنامه‌ای است که ابوالمؤید بلخی شاعر و نویسنده ایرانی در آغاز قرن چهارم نوشته است و اصل آن در دست نیست. اما در کتابهای تاریخی قرون بعد، از آن

کتاب و داستانهایش یاد شده است .

دیگر شاهنامه ابوعلی بلخی است که آن نیز منشور بوده است . چنانکه از گفته ابوریحان در کتاب آثارالباقیه مستفاد می شود شاهنامه ابوعلی کتابی معتبر و مستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی بر روایات مکتوب بوده است .

دیگر شاهنامه ابومنصور محمد بن عبدالرزاق است . ابومنصور محمد بن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود که نسب خود را به شاهان قدیم ایران می رساند و بر اثر تعصب نژادی و علاقه بسیار به ایران به تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان و صاحبان کتب را از اطراف خواند و در طوس گرد آورد و به تدوین شاهنامه برگماشت .

این شاهنامه از شاهی کیومرث تا یزدگرد شهریار آخرین شاه ساسانی است و تاریخ تألیف آن ۳۴۶ هجری می باشد. مآخذ و مدارک این شاهنامه کتابها و دفترهای قدیم و بعضی روایتهای شفاهی بوده است. این کتاب مأخذ اصلی و اساسی فردوسی در نظم شاهنامه قرار گرفته است. دیگر شاهنامه منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است که روایتهای حماسی ایران را به نظم آورد . این شاهنامه در حدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن در دست نیست .

دیگر شاهنامه دقیقی یا گشتاسب نامه است . ظاهراً دقیقی شاهنامه را به امر نوح بن منصور (۳۶۵ - ۳۸۷) به رشته نظم کشید.

این شاهنامه مربوط به ظهور زرتشت و داستان جنگ گشتاسب و ارجاسب است .

دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای حماسه و نشان دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم فردوسی در نظم شاهنامه بشود. شاهنامه فردوسی بزرگترین منظومه حماسی و تاریخی ایران بلکه جهان است . فردوسی در جوانی علاقه فراوانی به نظم داستانهای کهن داشت و پس از آنکه گشتاسب نامه دقیق را دید بسیار مایل گشت که کار او را دنبال کند . یکی از دوستان او را یاری کرد و نسخه ای از شاهنامه منشور ابو منصور برایش فراهم کرد و او با شوق عظیم کار را شروع کرد. تاریخ شروع شاهنامه فردوسی در حدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ و تاریخ اتمامش در حدود ۴۰۰ هجری است و فردوسی خود به سی سال رنجی که در نظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می کند . فردوسی پس از اتمام شاهنامه چندین بار در آن تجدید نظر کرده ، بعضی ابیات را تصحیح کرده یا چیزی بر آن افزوده است . فردوسی در نقل داستانها امانت بسیار به کار برده است و هرگز احساس و تعصب شخصی را دخالت نداده و به جعل داستانی نپرداخته و به حماسه ملی ایران دست نبرده و در اصل مطلب تصرفی نکرده است ، اما در بیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیارزبردستی نشان داده است . مهمترین مأخذ فردوسی ، همین شاهنامه ابو منصور است ولی در بعضی از داستانهای منفرد از شاهنامه ابو منصور استفاده

نکرده است ، مانند داستان بیژن و منیژه، رزم رستم و اکوان دیو ، داستان رستم و سهراب. فردوسی داستانهای پراکنده‌ای به دست آورده و آنها را به نظم کشیده و در جای جای شاهنامه گنجانده است . موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم است از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب . شاهنامه را بر سه قسمت می‌توان تقسیم کرد. ۱- دوره افسانه‌ای ۲- دوره پهلوانی ۳- دوره تاریخی .

۱- دوره افسانه‌ای- یعنی عهد کیومرث و هوشنگ و طهمورث و جمشید و ضحاک تا ظهور فریدون. این دوره عهد پی بردن به خوراک و پوشاک و مسکن و پیدایش آتش و آموختن زراعت و پیشه است. در این دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدمیان و دیوهاست. مطالب در نهایت اختصار است . شاهنامه تا اواخر عهد ضحاک بیشتر ارزش افسانه‌ای دارد .

۲- دوره پهلوانی - این دوره از قیام کاوه آغاز می‌شود و به قتل رستم و سلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد . این قسمت حماسه واقعی ملی ایران است . در این دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می‌شوند . کاوه آهنگر ، گرشاسب ، سام، نریمان دیده می‌شوند. جنگهای بین تورانیان و ایرانیان آغاز می‌شود . پهلوانی ترین دوره‌های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است. رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می‌شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن،

فرامرز ، سهراب ، گیو در این دوره دیده می‌شوند .  
 مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط به این عهد است.  
 از قبیل داستان رستم و سهراب ، رستم و افراسیاب ، هفتخوان  
 رستم، رزم هاماوران ، داستان سیاوش ، کیخسرو، بیژن و منیژه ،  
 جنگ کیخسرو و قتل افراسیاب ، دل برکندن کیخسرو از جهان  
 و ناپدید شدن او ، داستان رستم و اسفندیار و امثال آن. این دوره  
 را باید دورهٔ جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات و حوادث  
 خارق‌العاده است .

دورهٔ سوم دورهٔ تاریخی است یعنی دوره‌ای که اشخاص  
 و اعمال تاریخی جای افراد خارق‌العاده و اعمال پهلوانی را  
 می‌گیرد . دورهٔ تاریخی شاهنامه از عهد دارای داراب شروع  
 می‌شود . تاریخ اشکانیان در شاهنامه بسیار به اختصار ذکر شده  
 است . نخستین داستان این دوره از شاهنامه داستان اسکندر است.  
 بعد اردشیر بابکان ، شاپور ذوالاکتاف ، بهرام گور ، هفت بزم  
 نوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسرو شیرین و  
 غیره. اغلب این داستانها جنبهٔ تاریخی دارند و اشخاص این داستانها  
 افراد معمولی هستند نه خارق‌العاده .

در این قسمت غیر از جنگها از حوادث دیگر از قبیل  
 ترجمهٔ کتاب و اختراع وسایل بازی، جشن، روابط میان دربارهای  
 شاهان و جشنها یاد می‌شود .

شاهنامه در حفظ غرور ملی و احیای مفاخر گذشتهٔ ایران

اثر بسیار مهمی داشته است. بعد از شاهنامه عمده بسیاری تحت تأثیر آن قرار گرفتند و به ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند. در قرون اخیر شاهنامه فردوسی در همه جای دنیا مورد توجه قرار گرفت و از آن ترجمه‌های مختلف به عمل آمد. فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است. چنانکه در توصیف میدانهای جنگ و لشکرکشی و جنگهای تن به تن و وصف شجاعت و مردانگی و جنگجویی و دلاوری پهلوانان ایران با چنان مهارتی سخن می‌گوید که خواننده همه آنها را پیش چشم می‌بیند. شاهان و شاهزادگان همه با فر و شکوه و دارای خصائل پهلوانی‌اند. در شاهنامه علاوه بر داستانهای پهلوانی به داستانهای عشقی زیبایی بر می‌خوریم که به رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است. داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن و سودابه و سیاوش از بزرگترین و زیباترین داستانهای عاشقانه شاهنامه است. در شاهنامه اشارات اخلاقی و نصایح نیز دیده می‌شود. پندها اغلب در پایان داستانها و هنگام قتل و مرگ اشخاص آمده است.

بیان فردوسی بسیار ساده و روان و در عین حال متین و استوار است و اگر چه در شاهنامه به صنایع لفظی بر می‌خوریم ولی این صنایع از روانی شعر نمی‌کاهد. شاهنامه علاوه بر زنده نگهداشتن تاریخ ایران به زبان فارسی نیز خدمت بزرگی کرده است. درباره سبک شعر و زبان شاهنامه کتابها می‌توان تألیف کرد.

شاه دَعْمَةُ اللَّهِ وُلِي (ت) «رجوع شود به نعمة الله کرمانی»

شاهی (ت) [ف: ۸۵۷] امیر آق‌ملک بن ملک جمال‌الدین از غزلسرایان قرن نهم که در خدمت بایسنقر میرزا پسر شاهرخ می‌زیست، مولدش سبزواری است و در همانجا وفات یافت. غزلهای لطیف از او باقی است. شبانکاره (ت) محمد بن علی شبانکاره از مورخان و شاعران قرن هشتم و معاصر ابوسعید. اثر معروف او کتاب مجمع‌الانساب است در تاریخ عمومی عالم.

شبان وادی ایمن (تن) کنایه از هوسای پیغمبر که برای شعیب شبانی کرد و دختر او را به زنی گرفت.

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چند سال به جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شبدیز (ش - د) نام آسی که شیرین به خسرو پرویز بخشیده بود. اگر شبدیز خسرو را تکی هست

ز تیزی نیز گلگون را رگی هست

«نظامی»

شبهستری (ت) [ف: ۷۲۰] سعدالدین محمود بن عبدالکریم شبهستری. از عارفان بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. وی در قریه شبهستری نزدیک تبریز متولد گشته و ظاهراً همه عمر را با آرامش در همان شهر یا نزدیک آن به سر برده و همانجا وفات یافته است. شهرتش در عهد الجایتو و ابوسعید بود و از جمله فاضلان و بزرگان متصوفه



بشمار می‌آمد، چنانکه از هر جا برای پرسیدن مسائل فلسفی و عرفانی به حضورش می‌رسیدند. از آثار معروف او مثنوی «گلشن راز» است در تصوف. دیگر رساله «حق‌الیقین» و رساله «شاهد» است. رساله «سعادتنامه» و «مرآة المحققین» در تصوف نیز به او منسوب است.

رساله حق‌الیقین و مرآت‌المحققین در مجموعه عوارف المعارف در شیراز چاپ شده است.

شب قدر یا لیلۃ‌القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به آن اشاره شده است و گویا شب بیست و هفتم است.

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است

یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است

«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) [ف: ۱۳۳۲] از نویسندگان نامی هندوستان که در سال ۱۲۷۵ هجری در هند متولد شده و تحصیلات خود را در تاریخ و فلسفه و ادب انجام داده و از استادان عصر خود گشته است. شبلی سفری به مکه کرد و چندی در مدینه ماند و به مطالعه کتابهای نفیس پرداخت و در بازگشت به هند به استادی زبان فارسی و عربی «کالج علی‌گره» منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس اشتغال داشت، پس از آن به حیدرآباد دعوت شد و به سمت مستشاری معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست انجمن علمی در لکنهو به او واگذار شد و در

آنجا خدمت‌های ذی‌قیمتی انجام داد .

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو و فارسی و عربی دارد که از همه معروفتر کتاب شعرالعجم به زبان اردوست . شبلی علاوه بر مقام نویسندگی و احاطه بر زبان فارسی و عربی شعر نیز می‌سرود و به فارسی صاحب دیوان می‌باشد .

شب یلدا (نچ) شب اول دی که درازترین شبهای سال است .

همه‌شبهای غم آستن روز طرب است

یوسف روز به چاه شب یلدا بیند

«خاقانی»

شتر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع قبض و خرم است یعنی حذف میم و یاء که می‌ماند فاعلن و آن را اشتر خوانند .

شرح اشارات (ك) کتابی از خواجه نصیر در تفسیر اشارات ابوعلی سینا در منطق و حکمت که، پیش از خواجه نصیرالدین، امام فخر رازی بر آن شرح نوشته و در ضمن اعتراضاتی بر ابوعلی سینا وارد ساخته بود . خواجه نصیر طوسی در شرح اشارات آن اعتراضات را رد کرده است .

شرح مشكلات دیوان انوری (ك) عده بسیاری از نویسندگان بر دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم شرح نوشته‌اند، از آن جمله شرحی است که به وسیله ابوالحسن حسینی فراهانی (مقتول ۱۰۴۰) انجام گرفته است . مؤلف معاصر وزیر امام قلیخان حاکم فارس بوده و در حدود سال ۱۰۱۵ این کتاب را تألیف کرده است . (انتشارات دانشگاه تهران)

شرف (تج) «رجوع شود به قدر»

شرف‌الدین حسام (ت) حسام‌الائمہ محمد بن ابوبکر نسفی از دانشمندان معروف قرن ششم . در انواع علوم دینی استاد بوده و هر روز آدینه مجلس وعظ داشته که در آن اشعار زیبائی می‌خوانده است . قصیده‌ای دارد با ردیف «نشکنند» در مدح رکن‌الدین ابوالمظفر قلیچ طمغاج خان از سلاطین خانیهٔ ماوراءالنهر . این قصیده در زمان حیات شاعر معروف شده است .

شرف‌الدین شفروه (ت) از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم . اهل شفروهٔ اصفهان می‌باشد و در خدمت اتابک شیرگیر برادر اتابک ارسلان آبه از سران دولت سلاجقهٔ عراق بوده و او را مدح کرده است . تذکره نویسان او را ملک الشعراء اتابک شیرگیر دانسته‌اند . هدایت دیوان او را در هشت هزار بیت دانسته است .

شرف‌الدین فضل‌الله (ت) شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی از ادیبان و شاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم . وی توسط خواجه غیاث‌الدین محمد به خدمت الجایتورسید و بیشترنوشته‌های خود را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد و اتابک نصره‌الدین احمد شاه لرستان تألیف کرده است .

از آثار معروف او تاریخ معجم فی آثار الملوك المعجم است در ذکر مآثر شاهان قدیم ایران . دیگر الترسل النصریه در فن انشاء و بیان سخن و شناختن ارباب سخن . شرف‌الدین فضل‌الله در نثر از پیروان و صاف است .

شرف‌الدین علی یزدی (ت) [ف: ۸۵۸] از ادیبان و شاعران اوائل دورهٔ تیموری که شرف تخلص می‌کرده و در فن معمارائی زبردست بوده است. عمدهٔ شهرت شرف‌الدین در زمان شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰) می‌باشد. وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است. هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان در فارس و اصفهان حکومت داشت شرف‌الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی و مشاوری برگزید.

شرف‌الدین به درخواست او به نوشتن ظفرنامهٔ تیموری پرداخت. وقتی که شاهرخ به اصفهان تاخت، بر شرف‌الدین بدگمان شد و او را به سمرقند فرستاد و او پس از مرگ شاهرخ به یزد برگشت و در قریهٔ تفت ساکن شد. از آثار معروف او «ظفرنامهٔ تیموری» است در تاریخ تیمور.

شریف جرجانی (ت) «رجوع شود به جرجانی»

شست کله (ت) امیرالشعرا شمس‌الدین احمد بن منوچهر شست کله. از شاعران معروف قرن ششم و از درباریان سلطان طغرل بن ارسلان. عنوان شست کله را به خطا به منوچهری دامغانی نیز نسبت داده‌اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد و نام پدر شمس‌الدین که منوچهر بوده پیش آمده است.

ششتری (ت) [مقتول: ۱۰۱۹] سید نورالله بن شریف‌المرعشی شوشتری از سادات مرعشی و اهل شوشتر که مقیم هندوستان گشته و سالها از طرف اکبر شاه سمت قضاوت لاهور و پنجاب را داشته است.

کتابهایش بیشتر دربارهٔ امور دینی است و معروفترین آنها به فارسی «مجالس المؤمنین» است. قاضی نورالله در زمان جهانگیر شاه به جرم ثبات عقیده در مذهب شیعه به قتل رسید.

شش جهت (م) مقصود شمال و جنوب و مشرق و مغرب و زیر و بالا است.

شهری است پرکرشمه و خوبان ز شش جهت

چیزیم نیست ورنه خریدار هر ششم

«حافظ»

شطرنجی (ت) دهقان علی شطرنجی از شاعران بزرگ نیمهٔ دوم قرن ششم در ماوراءالنهر. نظامی عروضی او را از شاعران آلخاقان شمرده است. اشعارش بیشتر قطعاتی است در بند و اندرز.

شعر (ب) کلامی است موزون و مقفی. از زمانهای قدیم دربارهٔ شعر تعریفهای گوناگونی برجاست. ارسطو شعر را در برابر نثر قرار داده و از شعر سخن موزون اراده می‌کند. در نظر وی شعر از وزن جدا نیست، اما میان شعر و نظم فرق گذاشته است. اصل شعر را در معنی و مضمون می‌جوید و صورت شعر را که مقید به وزن و قواعد دیگر نظم است جزء ماهیت آن نمی‌داند و معتقد است که بسیاری از سخنان منظوم را نباید از جنس شعر بشمار آورد.

ابوعلی سینا در فن شعر از منطق کتاب «الشفاء» گوید: «شعر سخنی است خیال‌انگیز که از اقوالی موزون و متساوی ساخته شده باشد.»

خواجه نصیر طوسی در کتاب اساس الاقتباس می‌گوید:

«شعر در عرف منطقی کلام مخیل است و در عرف متأخران کلام موزون و مقفی.»

اما دربارهٔ قافیه ، خواجه نصیر طوسی معتقد است که  
 «شرط تقفیه در قدیم نبوده است و خاص است به عرب . . . . .  
 پس معلوم می‌شود که اعتبار قافیه از فصول ذاتی شعر نیست بل از  
 لوازم اوست بر حسب اصطلاح .»

شعرای شامی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اصغر یا کلب  
 مقدم است . شعرای شامی و شعرای یمانی را شعریان گویند:

چو پاسی از شب دیرننده بگذشت

بر آمد شعریان از کوه موصل

«منوچهری»

شعرای یمانی (نج) از کواکب ثابت که بر دهان کلب اکبر یا کلب  
 الجبار است .

شعرالعجم (ک) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسندهٔ مبرز قرن  
 اخیر هندوستان که آن را به زبان اردو در حدود سال ۱۳۲۵ هجری  
 تألیف کرده است . موضوع کتاب شعر و شاعری در ایران است  
 و مؤلف آن را به سه دوره تقسیم کرده است . دورهٔ قدما که از  
 حنظله شروع می‌شود و به نظامی ختم می‌گردد . دورهٔ متوسطین که  
 از کمال شروع می‌شود و به جامی ختم می‌گردد . دورهٔ متأخرین  
 که از بابا فغانی شروع می‌شود و به ابوطالب کلیم ختم می‌شود .  
 نویسنده در بخش چهارم و پنجم به نقد شعر و تقریظ و انتقاد به  
 شعر و شاعران می‌پردازد . (این کتاب به وسیلهٔ سید محمد تقی فخر  
 داعی گیلانی در ۵ جلد به فارسی ترجمه و چاپ شده است .)

شعیب (تن) از پیغمبران ، که چون رسالت خود را بر مردم آشکار کرد  
 عدۀ بسیاری بر او ایمان نیاوردند . خدای تعالی برایشان عذاب  
 فرستاد و گرما را بر ایشان مسلط کرد . کافران به صحرا رفتند  
 و به زیر سایۀ ابری پناه بردند ، اما از ابر آتش بارید و همه را  
 سوخت جز مؤمنان را . شعیب موسی را ، که از مصر گریخته  
 بود ، پناه داد و در برابر دو سال شبانی او بجای کابین ، دختر خود  
 را به او داد .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چندسال به جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شغاد (ش - د) پسر زال که از کنیزکی خواننده به وجود آمده و به  
 بدخوئی و ستیزه جوئی معروف بوده است . زال او را به درگاه  
 شاه کابل فرستاد تا همانجا پرورش یابد . چون شاه کابل رشادت  
 او را دید ، دختر خود را به او داد و خواست تا از باژ دادن به  
 رستم سر باز زند ، به این سبب باهدستی شغاد ، چاهی درنخجیرگاه  
 رستم کند و با نیرنگ رستم و رخس و همراهان او را در چاه افکند  
 و به این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد .

شفاء (ك) یکی از مهمترین آثار دانشمند بزرگ ابوعلی سینا به زبان  
 عربی شامل چهار قسمت : منطق، طبیعیات، ریاضیات ، الهیات .  
 هر يك از این قسمتها به مقالات و فصول تقسیم می شود . منطق  
 شامل نه فن و طبیعیات شامل هشت فن و ریاضیات شامل چهار فن

و الهیات شامل ده مقاله است .

شفائی(ت) [ف:۱۰۳۷] حکیم شرف‌الدین حسن طبیب و ندیم شاه‌عباس اول که علاوه بر طبابت ذوق شعر داشته و در هزل استاد بوده است و غزلیات و رباعیاتی از او باقی است و مثنوی دارد به نام نمکدان حقیقت که آن را به تقلید حدیقه الحقیقه سنائی ساخته است. صائب در اشعار خود نام شفائی را با ادب و احترام ذکر می کند .

شکل (ع) (زحاف) در فاعلاتن مجموع خبن و کف است ؛ یعنی حذف الف و نون . می ماند فعلات ؛ و آن را مشکول گویند . در مس تفع لن حذف نون و سین است که می ماند متفعل بجای آن مفاعل می گذارند؛ و آن را مشکول خوانند .

شمس خاله(ت) عمدة الملك شمس الدین محمد بن مؤید الحدادی البغدادی. از شاعران نیمه دوم قرن ششم و مداح سلاطین آل افراسیاب . او را شاگرد سوزنی دانسته اند و ضیاء خجندی سخنان فصیح و خط زیبای او را ستوده است .

شمس طبسی (ت) [ ف : در حدود ۶۲۶ ] امام شمس الدین محمد بن عبدالکریم طبسی از شاعران ایران در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم . وی مداح نظام الملك تاج الدین محمد بن محمد وزیر سمرقند است و جز او امیران و بزرگان دیگر ماوراءالنهر را نیز مدح کرده است . شمس طبسی معاصر خاقانی بوده و در قصیده از او پیروی کرده است . دیوان شمس طبسی در حدود دو هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات، رباعیات ، مقطعات است . شمس به آوردن



ترکیبات خاص و مضمون‌های دقیق توجه داشته است ولی چون در جوانی در گذشته اشعار فراوانی از خود باقی نگذاشته است.

شمس فخری (ت) شمس الدین محمد بن سعید فخر اصفهانی از نویسندگان و شاعران قرن هشتم و معاصر شیخ ابواسحق اینجو . شمس فخری در سال ۷۴۵ کتابی در لغت فارسی به نام معیار جمالی نوشته که به شیخ ابواسحق اینجو تقدیم کرده است . این کتاب دارای چهار جزء است : در عروض ، قافیه ، بدایع الصنایع ، لغات زبان فارسی .

شمس قیس رازی (ت) [ف: او اسط قرن هفتم] شمس الدین محمد بن قیس الرازی از دانشمندان قرن هفتم هجری . وی اهل ری بود ولی مدتی در اذربایجان و خوارزم و خراسان و خوارزم اقامت کرد و بعد در فتنه مغول و آشوب و انقلاب ایران مدت هفت هشت سال در شهرهای مختلف عراق بسر برد و یکی دو بار اسیر شهنشاهان مغول شد و در التزام رکاب سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه شهر به شهر می گشت تا در سال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد و به خدمت اتابک سعد بن زنگی رسید .

اتابک وی را با اکرام پذیرفت و پس از مدتی از جمله ندیمان خاص خود گردانید و پس از او اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همان مقام را در دربار خود به او داد . از آثار شمس قیس کتاب المعجم فی معانی الأشعار العجم و المعرب فی معانی الأشعار العرب و کتاب الکافی فی العروضین و القوافی که گویا اصل دو کتاب فوق می باشد. (المعجم به تصحیح مرحوم محمد قزوینی و به تجدید تصحیح و تحشیه مدرس رضوی چند بار چاپ شده است .)

شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی (ت) [ ف: ۴۰۳ ] از امیران خاندان زیاری و از ادیبان معروف که در نظم و نثر تازی دست داشته است. شمس المعالی در عصر عضدالدوله حکومت گرگان را داشت، ولی با فخرالدوله که از ملک پدر بی بهره شده، بر ضد عضدالدوله برخاست در سال ۳۷۰ از او شکست خورد و به خراسان پناه برد و هیجده سال در نیشابور در پناه غزنویان ماند و در سال ۳۸۸ به گرگان بازگشت. سرانجام در سال ۴۰۳ به وسیله مخالفان که با پسرش منوچهر همدست شدند مجبوس و کشته شد.

از آثار معروف او کمال البلاغه است که شامل مجموعه‌ای از رسائل او می‌باشد و قطعاتی از اشعار فارسی و عربی نیز از او باقی مانده است. گنبد قابوس که قبر شمس المعالی است و به وسیله خود او ساخته شده است از مهمترین ساختمانهای ایران در قرن چهارم هجری محسوب می‌شود.

شواهد النبوة (ک) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۸۵ به خواهش امیر علیشیر نوائی تألیف کرده است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هفت رکن و یک خاتمه است، در بیان شواهد و دلایل قبل از ولادت پیغمبر، وقایع بعد از تولد تا بعثت، وقایع از بعثت تا هجرت، وقایع از هجرت تا وفات، تفصیل وقایع بعد از وفات. در بیان شواهد و دلایلی که بواسطه اصحاب و ائمه به ظهور پیوست، شواهدی که در زمان تابعین یا اتباع ایشان به ظهور رسیده است.

انشاء کتاب سادہ و خالی از تکلف و عبارت پردازی است .  
شہاب (نج) سنگھا و اجرام فلکی کہ بہ سطح زمین می افتند و بر اثر تماس  
 با جو مشتعل می شوند و شہا در آسمان مانند تیر شعلہ ور بہ چشم  
 می آیند . قدما می پنداشتند کہ شہاب تازیانہ آتشی نی است کہ  
 فرشتگان شیطان و دیوها را با آن از آسمان می رانند .

دیو از شہاب گشته گریزان بر آن مثال

چون خصم منہزم ز سنان خدایگان

«انوری»

شہاب قر شیمیزی (ت) [ف: ۱۲۱۵] عبدالله از شاعران قرن دوازدهم و معاصر  
 فتحعلی شاه قاجار کہ با آذر و صباحی دوستی داشته است . شہاب  
 مدتہا ملازمت دربار فتحعلی شاه را داشته و پس از آن گوشہ گیری  
 اختیار کردہ و بہ تصوف پرداختہ است . از آثار او جز دیوان شعر  
 مثنویہائی است بہ نام خسرو و شیرین ، یوسف و زلیخا ، بہرام نامہ ،  
 عقد گہر .

شہاب ثاقب (نج) «رجوع شود بہ شہاب»

دست تو سپہر نور بخش است      کلک تو در او شہاب ثاقب

«جمال الدین امفہانی»

شہاب الدین سپہروردی (ت) «رجوع شود بہ سپہروردی»

شہاب مؤید (ت) شہاب الدین احمد بن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران  
 اواخر قرن ششم و مداح ابوالمظفر رکن الدین قلیچ طمغاج خان  
 مسعود از شاہان خانیہ . از احوال او اطلاع کافی در دست  
 نیست . وی معاصر سوزنی شاعر بودہ و اورا ہجو کردہ است . ابیاتی

از او در تذکره‌ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) [ف: ۵۴۸] امام ابو الفتح تاج الدین محمد بن عبدالکریم شهرستانی از فضلا و متکلمان معروف ایران که در فقه و علم الادیان صاحب تحقیق می باشد . اهل شارستان (شهرستان) خراسان نزدیک نسا است . شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی ، قاضی طوس ، و ابونصر قشیری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی محدث بزرگ ، علم آموخت و از مشاهیر عصر خود گشت . مدتی در خوارزم زیست ، سپس به بغداد رفت و پس از باز گشت همه عمر را در خراسان گذراند . مدتی در خدمت سلطان سنجر بود و سرانجام در مولد خود شارستان در گذشت .

از آثار معروف شهرستانی: کتاب الملل و النحل، کتاب المناهج والایات والمصارعة است که در رد بر مسائل الهی ابن سینا نوشته شده است، دیگر کتاب نهیة الاقدام در علم کلام است. علاوه بر اینها شهرستانی دارای مجالسی بوده است که در سفرها ترتیب می داد . از جمله مجلس و عطفی است که در نظامیه بغداد داشت . این مجالس اغلب ضبط شده و یکی از آنها به زبان فارسی به خط علامه قطب الدین شیرازی موجود است و موضوع آن خلق و امر است .

شهریارنامه (ک) مثنوی اثر مختاری غزنوی که آن را به خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی و از روی داستان مثنوی ساخته که شهرتی داشته است . داستان مربوط است به شهریار پسر

برزو پسر سهراب پسر رستم کسه مانند پدر و جد بیخبر از نسب خود با خویشاوندانش به جنگ پرداخت و با عم خود فرامرز به نزاع برخاست. مختاری چنانکه خود گفته است سه سال در کار سرودن آن رنج برده است.

شهریارنامه شامل سه قسمت است: قسمت اول در باره جنگهای فرامرز پسر رستم است با دیو سیاه و با سپاهسالار هند. قسمت دوم در باره رفتن زال به دربار سلیمان و جنگ با دیوی است به نام اهریمن. قسمت سوم پایان داستان است. این مثنوی در شمار منظومه‌های متوسط حماسی است که بعد از فردوسی به وجود آمده است.

شهمات یا شاه مات اصطلاحی است در بازی شطرنج یعنی آنگاه که مهره شاه در میان مهره‌های دیگر محصور می‌شود و راهی برای خلاص نمی‌یابد، می‌گویند مات شده و صاحب آن مهره بازی را باخته است. این اصطلاح در ادبیات فارسی بسیار بکار رفته و بر کسی اطلاق می‌شود که در کاری شکست خورده است، چنانکه خاقانی در قصیده مداین گوید:

از اسب پیاده شو بر نطح زمین رخ نه      زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان

شهرمدان بن ابی‌الخیر (ت) از عالمان و منجمان معروف قرن پنجم. دو کتاب به فارسی از او در دست است به نام روضه المنجمین و نزهت نامه علائی. «رجوع شود به این دو لغت»

شهنشاهنامه (ک) حماسه‌ای تاریخی که فتحعلی‌خان صبا ملک الشعرا

دربار فتحعلیشاه آن را بر وزن و تقلید شاهنامه فردوسی در ذکر  
محامد فتحعلیشاه سروده است .

شهید بلخی (ت) [ف: در حدود ۳۲۵] ابوالحسن شهید بن حسین بلخی . از  
شاعران دوره سامانی و از حکیمان و فاضلان آن عصر . در زبان  
فارسی و عربی مهارت داشته و در فلسفه نیز استاد بوده است و با  
ابوبکر محمد بن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته  
است . از ممدوحان شیخ بلخی نصر بن احمد سامانی و ابو عبدالله  
محمد بن احمد جیهانی است . شهید در انواع فنون شعر دست داشته  
و او را در ردیف رودکی می‌شمارند .

شیبانی (ت) ابوالنصر فتح الله بن محمد کاظم شیبانی از شاعران قرن  
سیزدهم هجری . در جوانی به خدمت محمد شاه قاجار در آمد و او  
و پسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی در نظم و نثر  
دست داشته و در قصیده پیرو سبک شاعران قدیم است . از آثار او  
مجموعه‌هایی است به نام درج درر، گنج گهر ، مسعود نامه ،  
شرف الملك ، کامرانیه ، زبدة الاثار .

شیخ اشراق (ت) « رجوع شود به سهروردی »

شیخ الرئیس (ت) « رجوع شود به ابوعلی سینا »

شیخ دهائی عاملی (ت) [ف: ۱۰۳۱] شیخ محمد بن حسین عاملی ملقب به  
بهاءالدین . از عالمان بنام دوره صفوی و از رجال دربار شاه عباس .  
پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ از دمشق به ایران مهاجرت  
کرد و شیخ بهائی که در آن هنگام سیزده ساله بود به تحصیل فقه و

حکمت و ریاضیات پرداخت .

شیخ بهائی به فارسی و عربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب و رساله می‌رسد. از جملهٔ مثنویهای او نان و حلوا، شیر و شکر، خلاصة الحساب، تشریح الافلاک و از همه معروفتر کتاب کشکول است که دارای نوادر حکایات و علوم و اخبار و اشعار عربی و فارسی است .

شیخ صنعان (د) از اشخاص کتاب منطق الطیر شیخ عطار که با همهٔ زهد و تقوی دل به دختر ترسائی بست و دین و ایمان خود را در راه او به باد داد و خمر خورد و قرآن سوزاند و زنا بست و خو کبانی کرد و سرانجام، پس از دعای دوستان، هشیار شد و به راه آمد و از معشوق برگشت، دختر به دنبال او به راه افتاد و دین او را پذیرفت.

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن

شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمار داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ت) «رجوع شود به طوسی»

شیرازنامه (ک) کتابی در تاریخ شهر شیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳۴ به نام حاج قوام الدوله وزیر تألیف کرده است. این کتاب دارای يك مقدمه و چند اصل است در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان شیراز .

مؤلف در ضمن تاریخ از کتابهایی که مورد استفاده‌اش

بوده است نام می‌برد ، مانند فارس‌نامهٔ ابن بلخی ، تاریخ حمزه اصفهانی . نثر شیرازنامه خالی از تصنع نیست . در شرح وقایع تاریخی یا ذکر جنگها اغلب ساده و روان است و هنگام مدح یا وصف طبیعت به تشبیه و استعاره آمیخته می‌شود . مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می‌دهد ، چنانکه گاهی سنوآت وقایع را به شعر ذکر می‌کند .

شیرین (د) از اشخاص معروف داستان عشقی ایرانی . شیرین دختری ارمنی و برادرزادهٔ مهین بانو ملکهٔ ارمنستان است که خسرو پرویز شاه ساسانی بر او عاشق گشت . شیرین در داستان نظامی با وجود شیفتگی بسیار بر خسرو ، هرگز قدم از راه عفاف بیرون نگذاشت تا سرانجام به همسری وی درآمد . شیرین پس از آنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد ، خود را آراست و در کنار تابوت خسرو باخنجر سینهٔ خود را درید .

شیرین و خسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که آن را در سال ۶۹۸ به نام علاءالدین محمد در تقلید خسروشیرین نظامی سروده است .



## ص

صائب قمبریزی (ت) [ف : ۱۰۸۰] محمدعلی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی . از شاعران بزرگ قرن دوازدهم . پدرش از بازرگانان معروف تبریز بود . صائب اگرچه در تبریز متولد شده ، اما در اصفهان تربیت یافته است . در اوایل جوانی سفری به مکه کرد و بعد به هندوستان عزیمت نمود . چندی در کابل اقامت کرد و مورد توجه ظفرخان والی آنجا گشت و به همراهی او به دربارشاه جهان رفت و نزد آن پادشاه تقرب یافت . پس از مدتی بنابه دعوت پدر به اصفهان بازگشت و به دربارشاه عباس راه یافت و سمت ملك الشعرائی دربار او را یافت و او را مدح گفت .

صائب شعر فراوان ساخته و در بدیهه گوئی دست داشته است . از میان انواع شعر درغزل استادی نشان داده است . به سعدی و حافظ ارادت ورزیده و تحت تأثیرسخنان ایشان قرارگرفته است . سبک صائب را می توان سبک هندی شناخت که دارای رقت خیال و باریک اندیشی است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد .

(دیوان صائب مکرر به چاپ رسیده است.)

صاحب بن عباد (ت) [ف: ۳۸۵] صاحب کافی اسمعیل بن عباد از رجال و نویسندگان معروف دربار دیلمی، اهل طالقان و از شاگردان ابن فارس. صاحب بن عباد در جوانی به خدمت ابن عمید رسید و پس از فوت او و برکناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد و تا آخر عمر در آن مقام باقی بود.

صاحب علاوه بر مقام سیاسی و مملکتداری اهل علم و ادب بوده و به شاعران و نویسندگان توجه خاصی داشته است. پیوسته به تشویق آنها می پرداخت و جوایز بسیار به ایشان می بخشید. خود نیز در علوم ادب و کلام استاد بود و کتابخانه بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود. از آثار او کتاب المحيط در لغت عربی است. مجموعه رسائل او نیز در مصر به چاپ رسیده است. صالح (ن) پیغمبری که بر دو قوم عاد و ثمود مبعوث شد، آن دو قوم بت پرست بودند و به او نگریدند و معجزه خواستند که ناقه یعنی شتر ماده ای با بچه اش از سنگ بیرون بیاید. صالح دعا کرد، سنگ به فرمان خدا شکافته شد و ناقه با بچه از آن بیرون آمد، ایشان منکر شدند و گه تنند سحر است و سرانجام ناقه را کشتند.

شخصی زعرب ناقه صالح پی کرد

پیغمبر ما حرام بر وی می کرد

صبا (ت) [ف: ۱۳۱۱] ملك الشعر محمود بن محمد حسین عندلیب کاشانی در کاشان متولد شد، ولی خانواده اش به آذربایجان منسوب است.

پدرش محمدحسین خان متخلص به عندلیب و جدش فتحعلی خان صباست. محمودخان صبا در دربار محمدشاه و پس از آن در دربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته و لقب ملك الشعرائی را از ناصرالدین شاه دریافت کرده است. محمودخان گذشته از شعر در حکمت و حدیث و تفسیر و علوم ادبی و حسن خط و نقاشی و مثبت کاری دست داشت و مظهر ذوق و دارای مهارت در صنایع ظریفه بود. در قصیده پیرو عنصری و فرخی و امیرمعزی و منوچهری بوده است و قصایدش بیشتر مدایحی است درباره ناصرالدین شاه و وصف جلوس او و سفرها و جشنها. دیوانش قریب دو هزار و پانصد بیت دارد.

صبا (ت) [ف: ۱۲۳۸] ملك الشعرا فتحعلی خان صباى كاشانى. از شاعران قصیده سرای زمان فتحعلی شاه. در جوانی شاگرد صباحی کاشانی بوده است. صبا در خدمت دیوانی درآمد و از طرف شاه حکومت قم و کاشان یافت، سپس از طرف فتحعلی شاه به لقب ملك الشعرائی مفتخر شد و قصایدی در مدح آن شاه و شاهزادگان و امیران دربار او ساخت. صبا جز قصیده، مثنوی و غزل و رباعی هم سروده است. از آثار او مثنوی شاهنشاه نامه، خداوندنامه، عبرت نامه، گلشن صباست. دیوانش شامل ده‌الی پانزده هزار بیت است. صبا از زنده کنندگان سبك قدیم و پیرو قصیده سرایان بزرگ است.

صبحی (ت) [ف: ۱۲۱۸] حاج سلیمان صباحی بیدگلی کاشانی از

شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم که آقامحمدخان قاجار را مدح گفته است. صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته و ترکیب‌بندی به تقلید کلیم ساخته است. دیوانش شامل قصاید و ترکیب بند و غزل و مرثیه است. (دیوان صباحی - چاپ تهران) صدر (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن الف به معاقبت نون بیفتد، آن را صدر گویند.

صدرالدین شیرازی (ت) [ف: ۱۰۵۰] صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا. از فیلسوفان و حکیمان عالم‌مقام ایران در قرن یازدهم. وی در شیراز متولد شد و پس از مرگ پدر به اصفهان سفر کرد و نزد میرداماد و شیخ بهائی به تحصیل پرداخت، پس از آن چندین بار به زیارت مکه رفت. ملاصدرا افکار فلسفی دقیق داشت و تألیفاتش در حکمت مرجع و مأخذ اهل علم بوده است، مهمترین آثار او به زبان عربی است.

از آثار ملاصدرا به زبان عربی: اسفار اربعه و شواهد الربوبیه، شرح اصول کافی، حاشیه بر الهیات شفای ابوعلی سینا، شرحی بر حکمة الاشراق (سهروردی)، کتاب واردات القلبیه و چند تفسیر درباره بعضی سوره‌های قرآن است. ملاصدرا را می‌توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد.

صرصر (تن) باد تند و پر صدا و در اشعار فارسی اشاره به باد سختی است که قوم عباد را به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هلاک کرد.

لشکر عاندند و کلک من چو صرصر از صریر

نسل یا جو جند و نطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

صرفه (نیج) منزل دوازدهم از منازل قمر . در این شعر کلمه صرفه به  
ایهام آمده است .

خصم سگدل ز حسد نالد چون جهت ماه

نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح حال شیخ صفی الدین اردبیلی  
و مرشد او شیخ زاهد گیلانی . این کتاب کمی بعد از وفات شیخ  
صفی الدین به وسیله یکی از درویشان به نام توکل بن اسمعیل  
معروف به ابن البزاز و به تشویق و راهنمایی شیخ صدرالدین پسر  
شیخ صفی الدین که پس از او به مقام ارشاد رسیده ، تألیف یافته  
است . صفوة الصفا دارای يك مقدمه و دوازده باب است که هر  
بابی شامل چند فصل است در ذکر نسب و نژاد و کرامات شیخ  
و احوال او و تأویلاتی که از آیات قرآن کرده و جذبه و سماع  
و اصابت نظر شیخ و کرامات او بعد از مرگ و عظمت او . این  
کتاب قدیمترین مأخذی است که مورد استفاده نویسندگان  
تاریخ صفویه قرار گرفته است .

صفورا (تن) دختر شعیب و زوجه موسی «رجوع شود به موسی»

موسی از بهر صفورا کند آتش خواهی

وان شبانیش هم از بهر صفورا بیند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف سبب و قطع و تند است که می ماند  
فاعل . بجای آن فعل لن می گذارند . و آن را اصلم خوانند . در  
مفعولات حذف لات است که می ماند مفعو بجای آن فعل لن می گذارند  
و آن را اصلم می خوانند .

صور اسرافیل - صور یا شاخی که اسرافیل ملك مقرب برای زنده کردن  
خلق در روز قیامت در آن می دمدم .

سربرون زد ز مهد میکائیل      به رصدگاه صور اسرافیل

«نظامی»

صور فلکی (نیج) صورت‌هایی است که منجمان برای شناختن ستاره‌ها فرض  
کرده اند . صور فلکی چهل و هشت است . دوازده صورت بر  
منطقه البروج است و بیست و یک بر شمال منطقه البروج و پانزده  
بر جنوب آن . صور فلکی منطقه البروج از این قرار است :

حمل ، ثور ، جوزا ، سرطان ، اسد ، سنبله ، میزان ، عقرب ،  
قوس ، جدی ، دلو ، حوت .

صورتهای شمالی عبارت است از :

دب اصغر ، دب اکبر ، ثنین ، قیفاوس ، عوا ، فکه یا  
اکلیل ، جاثی علی ر کبته ، لورا یا کشف ، دجاجه ، ذات الکرسی ،  
برساوس ، ممسک العنان ، حوا ، حیه الحوا ، سهم ، عقاب ، دلفین ،  
فرس اول ، فرس ثانی ، اندرومیدا یا مسلسله ، مثلث .

صورتهای جنوبی منطقه البروج :

قیطس ، جبار ، نهر ، ارنب ، کلب اکبر ، کلب مقدم ،

شجاع ، سفینه ، کاس ، غراب ، قنطورس ، سبع ، مجمره ، اکلیل  
جنوبی ، حوت .

صوفی (ت) به قولی از کلمه صوف است و به معنی پشمینه پوش است که  
اشاره به فقر و قناعت است و به کسی می گویند که پیرو و معتقد  
مسلك تصوف و عرفان است .

صوفی الرازی (ت) [ف: ۳۷۶] ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی  
الرازی . از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که  
عضدالدوله دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت، عبدالرحمن  
درباره صورتهای فلك البروج کتابی به زبان عربی تألیف کرده  
است به نام صور الكواكب الثابته یا الصور السمائية که آن را به  
عضدالدوله تقدیم کرده است . ترجمه فارسی این کتاب موجود  
است .





## ضحی

ضحاک (ش - د) ضحاک یا بیوراسب . از نژاد عرب که بر طبق داستان شاهنامه به اغوای ابلیس پدر را کشت و ابلیس دو کتف او را بوسید و ناپدید شد . پس از آن از جای بوسه‌ها دو مار بیرون آمدند که ضحاک را بسیار رنج می‌دادند و هرچه آنها را قطع می‌کردند ، باز می‌روئیدند . پزشکان چاره آنرا نمی‌دانستند تا آنکه ابلیس به صورت پزشکی بر ضحاک ظاهر شد و داروی دردش را که مغز آدمی بود، به او نشان داد . از آن پس هر روز دوجوان را می‌کشتند تا غذای مارهای کتف ضحاک شود . ضحاک بر ایران چیره شد و جمشید را کشت و بر تخت نشست و بسیار ستم کرد چنانکه مردم از ستم او به‌جان آمدند. سرانجام آهنگری به نام کاوه که ضحاک پسرانش را کشته بود ، مردم را به شورش دعوت کرد و فریدون را که از نژاد تهمورث بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاک را اسیر و در کوه دماوند زندانی کرد .

دست آهنگر مرا در مار ضحاک کی کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل‌دانای من

«خاقانی»

ضیاء خجندی (ت) [ف: ۶۲۲] خواجه ضیاء‌الدین بن جلال‌الدین مسعود خجندی، از شاعران معروف قرن ششم و از شاگردان امام فخر رازی، اصلش از شیراز است و در جوانی به خراسان رفت و در شهر خجند اقامت کرد. ضیاء خجندی، حسام‌الدین بن علی بیغم معروف به بیغم‌ملک از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است. از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی از استواری کلام او است.



## طارم فیروزه (نج) کنایه از آسمان

بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرصاد

زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست

«حافظ»

طالب آملی (ت) [ف: ۱۰۳۶] ملك الشعرا محمد طالب آملی. از شاعران قرن یازدهم. ابتدا در آمل مازندران می زیست، سپس به کاشان و مرو و از آنجا به هندوستان رفت، مدتی در شهرهای مختلف هند بسربرد و سرانجام به دربار جهانگیر راه یافت و در سال ۱۰۲۸ به لقب ملك الشعرائی دربار او مفتخر گشت. چنانکه از گفته طالب برمی آید در علوم مختلف مانند هندسه، منطق، حکمت، هیئت دست داشته است. دیوانش شامل قصاید و غزلیات است. اشعاری درباره خواهر خود سنی النساء که زن لایق و عاقلی بوده است دارد. همچنین منظومه ای به نام جهانگیرنامه ساخته است. طالب در آوردن استعاره های لطیف و نومهارت داشته است.

طالع (نج) در اصطلاح نجوم برج و درجه‌ای است که هنگام ولادت یا هنگام وقوع امری از افق نمودار باشد و از روی آن منجمان سرنوشت نوزاد را تحقیق و تعیین می‌کنند یا حکمی درباره نتیجه کاری استخراج می‌نمایند.

کو کب بخت مرا هیچ منجم نشناخت

یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم

«حافظ»

در فارسی از کلمه «طالع» گاهی مطلق معنی «بخت» دریافته

می‌شود:

چشم بد دور کز این تفرقه بازت آورد

طالع نامور و دولت مادر زادت

طاووس (تن) اشاره به طاووس بهشتی است که بوته گندم را به ابلیس نشان داد، تا آدم و حوا به اغوای او گندم را خوردند و از بهشت رانده شدند. طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده شد.

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج

پر طاووس بهشتی را مگس‌ران دیده‌اند

«خاقانی»

طاهر بن فضل چغانی (ت) [مقتول: ۵۸۱] امیر ابویحیی طاهر بن فضل بن محمد بن محتاج چغانی. از امیران چغانی در ماوراءالنهر و شاعر و فضل دوست و از ممدوحان منجیک ترمذی شاعر معروف. طاهر بن فضل در سال ۵۸۱ در جنگ با پسر عم خود ابوالمظفر چغانی

ممدوح دقیقی فراری گشت و کشته شد. عوفی ابیاتی از او نقل کرده است.

طبری (ت) [ف: ۵۴۸] شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از فقیهان معروف شیعه که در حدیث و فقه و تفسیر سمت اجتهاد دارد. طبرسی در سال ۵۲۳ از مشهد به سبزوار رفت و در سال ۵۴۸ همانجا وفات یافت.

از تألیفات اوسه تفسیر مجمع البیان و الکافی الشافی و جوامع الجامع است. مجمع البیان از تفسیرهای مهم ادبی و ظاهری شیعه می باشد و به فارسی ترجمه شده است.

طبری (ت) [ف: ۳۱۰] ابو جعفر محمد بن جریر از فقیهان و مورخان بزرگ اسلامی در قرن سوم و چهارم اهل طبرستان بود و مقدمات علوم را در آمل فرا گرفت، سپس در ری نزد محمد بن عبید رازی و مثنی بن ابراهیم الاملی به تحصیل پرداخت و برای کسب علوم عربی و ادبی به بصره و کوفه و مصر و شام سفر کرد و در تمام شهرها با علماء و محدثان ملاقات کرد و بغداد را برای اقامت برگزید و به تدوین و تألیف پرداخت. طبری در علوم تفسیر، قرائت قرآن، حدیث، فقه، لغت، نحو، منطق، علوم ادب، شعر، استادی داشته و در اکثر این علوم تألیفاتی دارد. مورخان و نویسندگان وی را صاحب مذهب و اجتهاد دانسته و طریقه وی را «طبریه» خوانده اند. از آثار طبری کتاب: جامع البیان فی تفسیر القرآن معروف به تفسیر کبیر، کتاب اختلاف الفقها و مهمتر از همه تاریخ الرسل والملوک است.

طبقات صوفیه (ک) از آثار معروف خواجه عبدالله انصاری. اصل این کتاب به عربی تألیف ابو عبدالرحمن محمد بن حسن السلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲) می باشد که در شرح حال پنج طبقه از مشایخ صوفیه است. خواجه عبدالله انصاری این کتاب را به زبان هروی که یکی از لهجه های نزدیک فارسی است ترجمه کرده است. آنچه خواجه عبدالله انصاری در مجالس، بر طبقات الصوفیه سلمی شرح می گفته و مطالبی را که به آن می افزوده به وسیله شاگردانش ضبط و جمع آوری می شده است. بنابراین به اصل طبقات الصوفیه اطلاعات و مطالب بسیاری افزوده گسه کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است.

طبقات ناصری (ک) تاریخی تألیف ابو عمر منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی که آن را به نام ناصر الدین محمود شاه پسر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان و شاهان غوریه و جانشینان آنهاست در غزنه و هند. در پایان فصل کامل و سودمندی درباره حمله مغول به ایران و خانان مغول تا عهد هلاکو دارد. اگرچه درباره حمله مغول به تفصیل نمی پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده و حوادث را به چشم دیده است، اخبارش مقرون به صحت می باشد و درباره مغول همه جا کلمه «ملعون» بکار برده است. مؤلف در این کتاب از تاریخ بیهقی استفاده بسیار کرده و آن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده و حتی در سبک نوشتن هم از آن

تقلید کرده است. در طبقات ناصری اشعار و قصایدی نیز از خود مؤلف نقل شده و لغات مغولی بار اول بکار رفته است.

الطب المنصوری (ک) تألیف دانشمند و طیب بزرگ ایرانی ابوبکر محمد بن زکریای الرازی که آن را به نام منصور بن اسحق سامانی حاکم ری نوشته است. این کتاب در ده جزو است و به زبان لاتین ترجمه شده است.

طرفان (ع) (زحاف) از اقسام معاقبت. اگر از فاعلاتن الف و نون به معاقبت ماقبل و مابعد بیفتد آنرا طرفان خوانند.

طریق التحقیق (ک) از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را به روش حدیقة الحقیقه در سال ۵۲۸ ساخته است. (چاپ تهران) طسوجی (ت) میرزا عبداللطیف از نویسندگان قرن سیزدهم هجری و معاصر محمد شاه قاجار است که به فرمان بهمن میرزا حاکم آذربایجان کتاب الف لیله و لیله را از تازی به پارسی ترجمه کرد و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه آنرا به پایان رساند. «رجوع شود به هزار و یک شب.»

طغرائی اصفهانی (ت) [ف: ۵۱۴] فخر الکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن محمد اصفهانی. از بزرگان شعر و ادب عربی. وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه از سلجوقیان عراق را داشت. وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می رفته است. قصیده عربی او موسوم به «لامیه العجم» معروف است. طغرائی در سال ۵۱۴ به تهمت الحاد کشته شد.

طمس (ع) (زحاف) در فاعلاتن آن است که دو سبب یعنی لا و تن را بیندازند و عین را هم حذف کنند می ماند فا بجای آن فع می گذارند؛ و آن را مطموس گویند .

طویبی (تن) درختی در بهشت

باغ بهشت و سایه طویبی و قصر حور

با خاک کوی دوست برابری نمی کنم

«حافظ»

طور (تن) کوهی که موسای پیغمبر بر روی آن به مناجات می رفت. گویند موسی وقتی از خدا خواست که او را ببیند . خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی بینی» پس خدا بر کوه تجلی کرد و کوه پاره پاره شد و موسی مدهوش افتاد . گویند کوه احد از پاره های آن است .

شب تار است و ره وادی ایمن در پیش

آتش طور کجا موعده دیدار کجاست

«حافظ»

طور سینا (تن) «رجوع شود به طور»

آشنای طور سینا موسی عمران بود

تا که از معجزه عصا در دست او گردد چو مار

«حافظ»

طوس (ش - د) پسر نوذر و از شاهزادگان ایران که در جنگهای ایران

با توران سپهدار لشکریان ایران بوده است .



طوسی (شیخ) (ت) [ف: ۴۶۰] شیخ ابو جعفر محمد بن حسن از بزرگترین فقیهان شیعه که در فقه و تفسیر و کلام و حدیث مرجع علمای شیعه می باشد. وی در سال ۴۰۸ از وطن خود طوس به بغداد رفته و در نجف اقامت کرده است. از آثار معروف او کتاب التبیان در تفسیر قرآن است در بیست جلد. دیگر مصباح کبیر، استبصار، تهذیب الاحکام، کتاب الرجال است.

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد و نوح به فرمان خدا با کسانش در کشتی نشست و نجات یافت.

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح

ور نه طوفان حوادث ببرد بنیاد

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست. مثال آن این است: فعولن مفاعیلن ۲ بار

طی (ع) (زحاف) در مستفعلن حذف فاء است که می ماند مستعلن، بجای آن مفتعلن می گذارند و آن را مطوی خوانند. در مفعولات حذف واو است که می ماند مفعلات بجای آن فاعلات می گذارند و آن را مطوی خوانند.



## ظ

ظفرنامه (ک) کتابی به زبان فارسی تألیف نظام‌الدین شامی که آن را در سال ۸۰۴ بر حسب امر تیمور تألیف کرده و شخص امیر تیمور اوراق و اسناد رسمی دربار خود را در اختیار مؤلف گذارده است. این کتاب شامل تاریخ سلطنت و داستان فتوحات تیمور است. ظاهراً تاریخ نظام‌شامی بعد از سال ۸۰۶ ادامه نیافته و جزئیات وقایع سال آخر حیات امیر تیمور در این تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو در سال ۸۱۴ در زمان سلطنت میرزا شاهرخ و به فرمان وی ذیلی بر ظفرنامه شامی نوشته و تاریخ امیر تیمور را تا سال آخر حیات او به قلم آورده است. این تساریخ اساس و پایه تساریخ ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی قرار گرفته است. (چاپ تهران)

ظفرنامه تیموری (ک) کتابی بزرگ به شیوه جهانگشای جوینی تألیف مولانا شرف‌الدین علی یزدی که آن را به سال ۸۲۸ و به درخواست ابراهیم سلطان بن شاهرخ تألیف کرده و مطالب آن را بیشتر از

ظفرنامه نظام‌شامی اقتباس کرده ، حتی اغلب اشعار و آیات قرآن را عیناً از آن کتاب نقل کرده است . نثر ظفرنامه نثر فنی است و مورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرار گرفته است. ظفرنامه مرجع تواریخی است که بعد از آن نوشته شده است مانند حبیب‌السیر و روضة‌الصفاء .

ظلمات (تن) یا ظلمت . تاریکی که خضر پیغمبر برای بدست آوردن آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن

ظلمات است ترس از خطر گمراهی

«حافظ»

ظهوری (ت) [ف: ۱۰۲۵] نورالدین محمدظهوری ترشیزی. از شاعرانی که در هندوستان بیش از ایران شهرت داشته است . مولدش ترشیز است و چندی در خراسان و عراق و فارس بسر برد و پس از آن به هند رفت بعد از مدتی اقامت در دکن به مکه سفر کرد و به هند باز گشت و تا آخر عمر آنجا ماند. ظهوری در نثر نیز شهرت فراوان داشت . از آثار او جز قصیده و غزل و مثنوی ، سه دیباچه به نام سه نثر ظهوری معروف است .

ظهیر فاریابی (ت) [ف : ۵۹۸] ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی . از شاعران قصیده‌سرای معروف قرن ششم . جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به نیشابور و مازندران و آذربایجان سفر کرد و در زبان عربی و حکمت و نجوم کسب معرفت کرد .

حسام الدوله ابوالحسن اردشیر از ملوک باوندی مازندران و طغانشاه حاکم نیشابور و محمد بن یلدگز و قزل ارسلان بن یلدگز و نصره الدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان و طغرل بن ارسلان آخرین شاه سلاجقه عراق را مدح کرده است . ظهیر با شاعرانی مانند جمال الدین اصفهانی و مجیر بیلقانی و خاقانی شیروانی معاصر بوده است . وی علاوه بر علم و ادب در علوم عقلی و نجوم دست داشته است . قصایدش به سبک انوری است و در غزل استادی نشان داده است .

ظهیری سمرقندی (ت) بهاء الدین محمد بن علی بن محمد بن الحسن – الظهیری الکاتب السمرقندی از نویسندگان و مترسلان اوایل قرن ششم و اوایل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلج طمغاج خان از شاهان آل افراسیاب. ظهیری صاحب تألیفات متعدداست از جمله: اغراض السياسة فی اغراض الریاسة به نام قلج طمغاج خان. این کتاب شامل لطایف کلام ملوک است از عهد جمشید تا زمان طمغاج خان . نثر کتاب مصنوع و دارای شواهد نظم و نثر فارسی و عربی است . دیگر سندبادنامه است.



## ع

عاد (تن) نام قبیله‌ای از نسل عاد بن نوح که هود پیغمبر ایشان بود و به سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاک شدند .

لشکر عادند و کلک من چو صرصر از صریر

نسل یاجوجند و نطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

عارض (ت) چیزی است که انفکاکش از شیئی جایز باشد . مثل کتابت از انسان .

عارف (ت) پیرو و معتقد مسلک عرفان «رجوع شود به عرفان»

عارف قزوینی (ت) [ف: در سال ۱۳۱۲ ش] میرزا ابوالقاسم شاعر غزلسرا

و تصنیف ساز معاصر که مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی شهرت یافته است. وی از ابتدای مشروطیت از پیشروان آزادی بود و اشعارش نمودار احساسات شدید وطن پرستانه است. عارف باموسیقی آشنائی داشته و اغلب از تصنیفاتش را خود در مجالس موسیقی می خوانده است . دیوان عارف در سال ۱۳۳۲ قمری در برلن و

پس از آن در تهران به طبع رسیده است.

عارفی هراتی (ت) [ف: ۸۵۳] محمود. از شاعران دوره تیموری که نزد دوستان به سلمان دوم مشهور بوده است. زیرا که از طرفی به روش خواجه سلمان ساوجی شعر می گفته و از طرفی چنانکه در مجالس النفایس آمده مانند او به چشم درد سختی مبتلا بوده است. از آثار عارفی مثنوی گوی و چوگان یا حالنامه است که آن را در سال ۸۴۲ به نام سلطان محمد، ظاهراً سلطان محمد بن بایسنقر، شروع کرده و در دو هفته به پایان رسانده است.

عازر (تن) نام مرده‌ای که به دعای حضرت عیسی زنده شد.

عیسی عهدی که از تو قالب ملک

چون تن عازر به يك قیام برآمد

خاقانی

عاشق اصفهائی (ت) [ف: ۱۱۸۱] آقا محمد از شاعران معروف قرن سیزدهم. وی از نخستین کسانی است که پس از سبک هندی به پیروی از شیوه قدیم برخاست و در غزل از شاعران قرن هفتم و هشتم مانند سعدی و حافظ پیروی کرد. (دیوان عاشق - چاپ تهران)

عالم آرای عباسی (ک) کتابی در شرح حال و سلطنت شاه عباس اول و اجداد او تا جلوس شاه صفی. مؤلف این کتاب اسکندر بیگ منشی است که آن را در سال ۱۳۰۸ تألیف کرده است.

عاملی (ت) «رجوع شود به شیخ بهائی»

عباس مروزی (ت) از نخستین سخن‌سرایان ایران در قرن دوم و سوم.



معروفترین شعری که به او نسبت داده‌اند قصیده‌ای است که هنگام ورود مأمون به مرو در سال ۱۹۳ هجری در مدح او سروده است .

عبدالرزاق سمرقندی (ت) [ف: ۸۸۷] کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحق سمرقندی از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ . مولدش هرات است ، ولی چون سمرقند موطن پدرش بوده به سمرقندی معروف شده است . عبدالرزاق رساله‌ای در صرف و نحو به نام شاهرخ تألیف کرد که مورد توجه وی قرار گرفت ، سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت و سه سال در آنجا ماند و شرحی دربارهٔ این سفر نگاشت .

عبدالرزاق بعد از وفات شاهرخ در خدمت میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و سلطان ابوسعید می‌زیست و پس از آن عزلت اختیار کرد و در خانقاه شاهرخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت . از آثار معروف او مطلع‌السعدین می‌باشد .

عبدالقاهر جرجانی (ت) «رجوع شود به جرجانی»

عبدالله انصاری (ت) [ف: ۴۸۱] ابواسمعیل عبدالله بن محمد الانصاری الهروی از صوفیان مشهور قرن پنجم و معاصر البارسلان سلجوقی و خواجه نظام‌الملک که نسبش به ابویوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله در هرات بوده است. وی در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عرب شهرت یافت و در علم حدیث و فقه توانا

گشت و عرفان و تصوف را نزد شیخ ابوالحسن خرقانی آموخت و از شیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد. خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی و عربی شعر سروده و صاحب تألیفات بسیاری است، از جمله ترجمه و املاء طبقات الصوفیه سلمی است به لهجه هروی. دیگر تفسیری از قرآن که اساس کار میدی در تألیف کشف الاسرار و عدة الابرار قرار گرفته است. رساله‌های متعددی به فارسی دارد مانند مناجات‌نامه، زادالعارفین، الهی‌نامه، کنزالمسالكین، رساله دل و جان، قلندرنامه. خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون و مسجع دانست.

عبدالنبی (ت) [ف: ۱۰۰۱] فخرالزمانی قزوینی. ملاعبدالنبی درقزوین متولد شد و چون به سن رشد رسید به شعر و ادب تمایل بسیار یافت، در ۱۹ سالگی به مشهد و از آنجا به هندوستان رفت و به شهرهای مختلف آن مانند لاهور و کشمیر سفر کرد و در سال ۱۰۲۸ در پتنه به دربار سردار خان خواجه یادگار تقرب یافت و «تذکره میخانه» را به نام او ساخت. ملاعبدالنبی در قصه‌دانی ماهر بود و حافظه‌ای قوی داشت، شعر می‌گفت و در شعر «نبی» تخلص می‌کرد. از آثار دیگر او «نوادرا الحکایات» یا «بحرانوادرا» است که شامل حکایتها و داستانهای شیرین است و ظاهراً آن را در ۱۰۴۱ تکمیل کرده است.

عبدالواسع جبلی (ت) «رجوع شود به جبلی»

عبیدزاکانی (ت) [ف : در حدود : ۷۷۲] نظام‌الدین عبیدالله زاکانی

از شاعران هجوسرا و نویسندگان قرن ششم. از قریه زاکان قزوین بود، ولی مدت زیادی در آنجا بسر نبرد و به شیراز رفت و به آن شهر علاقه مند گردید. عبید در شیراز به تحصیل علوم و فنون پرداخت و از فضلان و ادیبان عصر خود گردید، سپس به بغداد سفر کرد و با سلمان ساوجی ملاقات کرد. وی معاصر حافظ است و ابواسحق اینجو و وزیرش خواجه رکن الدین عمید را مدح گفته است. دیگر از ممدوحان او شاه شجاع مظفری و سلطان اویس جلایر است. مجموعه آثار عبید کلیات اوست که شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، قطععات، اشعار هزلیه، عشاقنامه، اخلاق الاشراف، ریش نامه، صدپند، تضمینات، رساله دلگشا، رساله تعریفات، موش و گربه، سنگتراش، فالنامه است. اشعار جدی عبید در حدود سه هزار بیت است.

عبید از بزرگان ادب است. شاعری است منتقد و بذله گو که فساد زمانه را با زبان طنز آمیز و لحن شیرین انتقاد کرده است و نباید او را به هرزه درایی نسبت داد. (کلیات عبید - چاپ تهران)

عتبی (ت) [ف: ۴۲۷] ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی از ادیبان و تاریخ نویسان قرن چهارم و پنجم هجری و معاصر غزنویان. در آغاز جوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته و چندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین و ابوعلی سیمجور بسر برده است و کتاب مشهور خود را در تاریخ سلطان محمود یمن الدوله و پدرش سبکتکین به نام تاریخ یمنی تألیف کرده است. از آثار دیگر عتبی کتاب لطایف الکتاب است به

زبان عربی .

عجائب البلدان (ك) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف در آن از عجایب بلاد و بر و بحر سخن گفته است و صاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را در باب سیستان از این کتاب نقل کرده است. مرحوم ملك الشعراء بهار نسخه‌ای از این کتاب در اختیار داشته که نسخه اصلی نبوده، بلکه از روی کتاب ابوالمؤید تحریر شده است .

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند .

عدن - معنی لفظی آن اقامت کردن است و به باغهای بهشت اطلاق می‌شود .

بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه

که از پای خمت یکسر به حوض کوثر اندازیم

«حافظ»

عدول (ب) آن است که شاعر خطای لفظی یا معنوی را جایز دارد. خطای لفظی بر چند قسم است .

زیادات :

مانند واو «سخون» در شعر رودکی :

بودنی بود می‌یار اکنون رطل پر کن مگوی بیش سخون

حذوف :

آدمی چون بداشت دست از صیت

هر چه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمه گو پیش از هر چه خواهی کن حذف شده است .

تغییر الفاظ مثل :

آب انگور و آب نیلوفل      مر مرا از عبیر و مشک بدل

در این شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .

خطای معنوی :

ای اختر سخا که ز سیر نوال خویش

هر روز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می گفت که با نجوم تفاخر کنی درست بود ، زیرا که

قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخوش و تقدیم و تأخیرهای زشت

و معانی واهی به کار می برد .

خرمن ز مرغ گرسنه خانی کجا بود

ما مرغکان گرسنه ایم و تو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفاده زشت است .

دیگر از عیوب شعر ، غلو در اوصاف مدح و هجاست که بحد

محال برسد .

کفرست و گرنه دست جود تو      لا از سر لاله بر گیرد

عراقی (ت) [ف: ۶۸۰] فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی

از عارفان و غزلسرایان قرن هفتم که در همدان متولد شده و در

جوانی به هندوستان سفر کرده است . عراقی در مولتان به شاگردی

شیخ بهاءالدین زکریا از بزرگان صوفیه درآمد و پس از وفات او

به جانشینی اش برگزیده شد ، ولی بر اثر حسادت درویشان از

هندوستان مهاجرت کرد و به مکه رفت. در بغداد با شیخ شهاب‌الدین سهروردی ملاقات کرد و از آنجا به آسیای صغیر عزیمت کرد و در قونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین قونیوی حاضر شد و کتاب لمعات را نوشت و به شیخ صدرالدین تقدیم کرد. عراقی در بلاد روم مرید بسیار یافت و پس از چندی از قونیه به مصر و از مصر به دمشق رفت و همانجا در سال ۶۸۰ وفات یافت.

عراقی از غزلسرایان و عارفان پرشور بوده است و مجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می‌رسد که شامل غزلهای عاشقانه و عارفانه و ترجیع‌بند و مثنوی است. مثنوی عشاقنامه را به شیوه حذیقۀ سنائی ساخته است. عرض (ط) از کلیات خمس. امری که به خودی خود وجود نداشته، بلکه به تبع دیگری موجود باشد. مانند: سفیدی، سیاهی. عرض بردو قسم است: عرض عام، عرض خاص. عرض عام آن است که بر چندین نوع صادق باشد، مانند جنبنده که شامل همه انواع مختلف انسان و جانوران است. عرض خاص آن است که تنها به یک نوع تعلق داشته باشد. مانند: خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد. عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج از ماهیت موضوع است و بر آن عارض می‌شود مانند خندان که با آنکه این صفت در وجود مردم هست، اما در مرتبۀ نخستین ذات نیست. عرفان یا تصوف— مسلکی است که از قرون اولیه اسلام در ایران ظاهر گشت. پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجود می‌دانند که تنها هستی واقعی است و در همه موجودات تجلی می‌کند و هر

که بخواند به مقام او پی ببرد و ذات او را بشناسد باید به ریاضت نفس و وارستگی و ترك علايق و شهوات و اعتقاد به ذات احدیت و عشق شدید برای پیوستن به مبدأ خو گیرد و دست از طلب بر ندارد تا به مقام کشف و شهود برسد و چون آئینه دل را از ناپاکیها بزدايد خدا در آن تجلی می کند. آنچه حکیمان می خواهند از راه تعقل و استدلال به آن برسند، عارفان از راه عشق و ریاضت نفس به آن نائل می آیند. عارف نسبت به همه مذاهب به دیده احترام و محبت می نگرد و معتقد است که همه در راه وصول به يك مقصود پیش می روند. حافظ گفته است :

همه کس طالب یار است چه هشیار و چه مست

همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کشت

عرفی شیرازی (ت) [ف : ۹۹۹] جمال الدین محمد عرفی . از شاعران معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش در هند و عثمانی بوده است . مولدش شیراز بوده و پدرش در دارالایاله شغل شریفی داشته است . عرفی پس از تحصیلات مقدماتی سفری به هند کرد و مدتی در مصاحبت فیضی و ابوالفتح گیلانی بود و پس از آن به دربار خانخانان و اکبر شاه راه یافت و آنان را مدح گفت . دیوان عرفی دارای قصاید و غزلیات و ترجیع بند و قطعات است ، خاصه غزلهای او در هند و ترکیه مورد توجه و تقلید قرار گرفته است . قصیده معروفی در منقبت حضرت علی در ۱۸۱ بیت سروده است . عرفی به تقلید نظامی به تألیف خمسه پرداخته و مثنویهایی به سبک مخزن الاسرار و خسرو و شیرین ساخته است . رساله منشوری به نام نفسیه در تصوف دارد .

عروض (ع) علم شناختن و سنجیدن اوزان شعر در عربی و فارسی. این علم را خلیل بن احمد نحوی متوفی میان سالهای ۱۷۰-۱۷۶ وضع کرده است. عزیز مصر (تن) وزیر اول مصر و شوهر زلیخا که یوسف را خرید و در کاخ خود جا داد و بر اثر تهمتی او را به زندان افکند و یوسف پس از رهائی از زندان به عزیزی مصر رسید. در ادبیات فارسی گاهی مراد از عزیز مصر یوسف است.

عزیز مصر به رغم برادران غیور

ز قعر چاه بر آمد به اوج ماه رسید

«حافظ»

عسجدی (ت) [ف: در حدود ۴۳۲] ابو نظر عبدالعزیز بن منصور المروزی از شاعران دربار محمود غزنوی و مداح او. دیوانی به عسجدی نسبت داده اند که در دست نیست، فقط اشعاری از قصاید و قطعه و مثنوی در تذکرها به نام او ثبت است. قصیده او در فتح سومنات که به سال ۴۱۶ صورت گرفته است، معروف می باشد.

عشاقنامه (ک) از آثار فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی. این مثنوی در بیان مراتب عشق و حالهای عاشق می باشد و شامل یک مقدمه و ده فصل است در صفت عاشقان، عاشق و معشوق، بیان عشق و امثال آن. مثنوی عشاقنامه شامل نزدیک یک هزار و شصت بیت است و به نام خواجه سعدالدین صاحب دیوان می باشد. پروفیسور ارتور. ج. آربری آنرا به نظم انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است. عشقی (ت) [مقتول: ۱۳۴۲] میر محمد رضا معروف به میرزاده پسر حاج سید ابوالقاسم کردستانی از شاعران معاصر است. وی در همدان



متولد شد و هنگام جنگ بین الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد و در ۱۳۳۹ روزنامهٔ قرن بیستم را منتشر ساخت. عشقی در سن سی سالگی کشته شد. (دیوان عشقی - چاپ تهران)

عصار (ت) [ف: ۷۸۳] شمس‌الدین محمد عصار از شاعران عارف تبریز و مداح سلطان اویس ایلکانی است. وی مثنوی به نام «مهر و مشتری» دارد که جامی آن را ستوده است.

عصای موسی (تن) عصبائی که چون موسای پیغمبر در محضر فرعون بر زمین انداخت اژدها شد و این از معجزات بزرگ موسی به شمار می‌آید. عصا برگرفتن نه معجز بود

همی ازدها کرد باید عصا

گر عصای موسوی شد ازدها

من عصا اندازم و موسی شود

همچنین وقتی که موسی در بیابان عصای خود را بر سنگ

زد، چشمه‌های آب از آن جاری شد.

خارا چو مار بر کشم و پس به یک عصا

ده چشمه چون کلیم ز خارا بر آورم

«خاقانی»

عبدالدین ایچی (ت) «رجوع شود به ایچی»

عطاء‌دن یعقوب (ت) [ف: ۴۹۱] ابوالعلاء عطاء‌بن یعقوب کاتب معروف

به ناکوک از شاعران و فاضلان دورهٔ دوم غزنوی که به دو زبان

عربی و پارسی شعر می‌گفته است. وی در دربار سلطان ابراهیم

غزنوی تقرب داشته و پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع

شده و به هندوستان تبعیدگشته است. مسعود سعد در مدح و مرثیهٔ

او اشعاری سروده است . منظومهٔ برزونا‌نامه و بیژن‌نامه را به او نسبت داده‌اند و ابیاتی به پارسی و عربی در تذکرة لباب الالباب از این شاعر نقل شده است .

عطار (ت) [ف: ۶۲۷] شیخ فریدالدین ابو‌حامد محمدبن ابوبکر ابراهیم بن مصطفی . از عارفان بزرگ ایران و از پیشوایان شاعران متصوف که در عالم تصوف به مقام ارشاد رسیده است . پدرش در شادباخ دکان عطاری داشت وی نیز پیشهٔ پدر را دنبال کرد و به همین مناسبت لقب عطار یافت . به‌گفتهٔ خود او در داروخانه طبابت هم می‌کرده است . عطار پس از چندی از کسب و مشغلهٔ دنیوی دست کشید و به‌عالم عرفان رو آورد و افکار لطیف خود را در اشعار دل‌انگیز بیان کرد. عطار قسمتی از عمر را به سفر پرداخت و به مکه رفت و بسیاری از مشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی گردید . عطار آثار فراوانی دارد که اغلب آنها در دست است و مشهور است که به عدد سوره‌های قرآن کتاب و رساله تألیف کرده است . از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنوی‌های اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، مختارنامه، وصیت‌نامه، بلبل‌نامه، حیدرنامه، خسرونامه، شرفنامه است . از آثار مهم منشور او تذکرة الاولیاء می‌باشد .

عطار معانی عالی عرفانی را در بیانی ساده و روان آورده و الحق در این کار استادی نشان داده است وی همه‌جا حقایق عرفان را

با تمثیل‌های گوناگون و حکایت‌های مختلف شیرین ساخته است .

(دیوان غزلیات و قصاید - چاپ تهران)

عطارد (نج) یا تیر از همه سیارات به آفتاب نزدیک‌تر است و بعد از کره

ماه نزدیکترین سیارات است به زمین ، به موجب افسانه یونانی

قاصد خدایان بوده است . عطارد ستارهٔ دبیران و سخنوران است

و «دبیر فلک» خوانده می‌شود .

در دانشی که آن خردم را زیان شدست

بر آسمان جان چو عطارد سخنورم

«انوری»

عطاردی (ت) امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن محمد انعطاردی از شاعران

عصر محمود که ابیاتی از او باقی است .

عطا ملک جوینی (ت) «رجوع شود به جوینی»

عقدا لعلی لئلموقنا الاعلی (ک) «رجوع شود به تاریخ کرمان»

عقرب (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقه البروج و به

شکل کزدم . برج عقرب برابر ماه آبان است .

دم عقرب بتایید از سر کوه

چنان چون چشم شاهین از نشیمن

«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد از ماده ؛ هم از حیث ذات و هم از

حیث فعل . مجرد از ماده از حیث ذات ، آن است که نمی‌شود

به آن اشارهٔ حسی کرد . مجرد از ماده از حیث فعل ، آن است

که در صدور فعل محتاج به آلت نباشد .

عکس (ب) - صنعت عکس آن است که مکان کلمات تغییر کند یا مصراع

از شعر را معکوس کنند و با آن بیت تمام بسازند . گاهی معنی

تغییر نمی کند مانند این غزل حافظ که با این مطلع شروع می شود:

دلبر جانان من برد دل و جان من

برد دل و جان من دلبر جانان من

و گاهی بعضی کلمات مصراع را وارونه کنند و معنی

تغییر یابد مانند این شعر سعدی :

به زیورها بیاریند مردم خوبرویان را

توسمین تن چنان خوبی که زیورها بیارائی

علاءالدوله سمنانی (ت) [ف: ۷۳۶] ابوالکرام زکن الدین احمد بن

محمد بیابانکی سمنانی از عارفان بزرگ نیمه دوم قرن هفتم و نیمه

اول قرن هشتم که در سال ۶۵۹ هجری در قریه بیابانک از قراء

سمنان متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملک شرف الدین

در دستگاه غازان خان سمت وزارت داشت . علاءالدوله در دوران

جوانی به آموختن علوم عقلی و نقلی پرداخت و در پانزده سالگی

به ملازمت عم خود در دستگاه ارغون به خدمت دیوانی مشغول

گشت و مورد توجه ارغون خان شد ، ولی پس از ده سال از کار

دیوانی دست کشید و به عبادت و تکمیل علوم دینی پرداخت و

صرف و نحو و حدیث و تفسیر و فقه را نزد استادان فن آموخت

و اجازه روایت گرفت و در ۶۸۷ به بغداد سفر کرد و به خدمت

شیخ عبدالرحمن اسفرائینی رسید و جزء مریدان او گشت و از آنجا سفری به مکه کرد و باز به بغداد برگشت و از شیخ عبدالرحمن مرتبه ارشاد یافت و به سمنان باز گشت و به عبادت و ارشاد پرداخت .

علاءالدوله دارای آثار بسیار به زبان فارسی و عربی است . در حدود سیصد کتاب و رساله به او نسبت می‌دهند . از آن جمله: مطلع النقط و مجمع اللقط در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن به زبان عربی، سرالبال فی اطوار سلوک اهل الحال به فارسی و سلوة العاشقین به فارسی و العروة الاهل الخلوۃ و الجلوة در حکمت الهی .

علاءالدوله شعر نیز می‌سروده و چند غزل و رباعی از او باقی است .

علیشیر نوائی (ت) [ف : ۹۰۶] امیر نظام‌الدین علیشیر نوائی . وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا که اجدادش در خدمت تیموریان مقامات عالی داشتند و او طفولیت را به مصاحبت حسین میرزا بایقرا گذراند و با او به مرورفت و در آنجا به کسب کمالات پرداخت و در زمان سلطنت سلطان حسین به شغل مهرباری و امارت دیوان خاص او مشغول گشت . پس از آن به حکومت استرآباد رفت ، اما پس از چندی از حکومت استرآباد استعفا داد و عزلت اختیار کرد . امیر علیشیر مردی متدین بود و به راهنمایی مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید . معروف است که امیر علیشیر ۳۷۰ باب مسجد و مدرسه و اماکن خیر بنا کرد و بر اثر تشویق او صنایع ظریفه و موسیقی پیشرفت کرد .

وی ادیبان و شاعران را تشویق می کرد و صلہ می بخشید، چنانکه دربار سلطان حسین بایقرا از وجود ادیبان و هنرمندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمند قرار گرفته بود رونق بسیاری یافت. امیر علیشیر به زبان جغتائی (ترکی شرقی) و زبان فارسی تسلط کامل داشت و به هر دو زبان شعر می سرود و در شعر «فسانی» تخلص می کرد. در زبان ترکی پنج مثنوی به تقلید خمسه و مثنوی دیگر به نام لسان الطیر به سبک منطق الطیر عطار ساخت. از آثار او تذکره مجالس النفایس به زبان ترکی و خمسه المتحیرین و رساله محاکمة اللغتين و رساله میزان الاوزان است.

عماد فقیه کرمادی (ت) [ف: ۷۷۳] از فقیهان و شاعران قرن هشتم و معاصر شاه شجاع، حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است. چنانکه منقول است عماد گربه ای را آموخته بود که هنگام اداء نماز و انجام رکوع و سجود به او اقتدا کند. شاه شجاع این عمل گربه را دلیل بر کرامت عماد می دانست، ولی حافظ آن را به حيله و مکر نسبت داده است. عماد فقیه اهل کرمان بوده و در آنجا مدرسه ای بنا کرده است. از آثار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست. دیگر مثنوی محبت نامه صاحب دلان و مثنوی مونس الأبرار.

عمادی (ت) [ف: ۵۸۳] امیر عمادالدین عمادی شهریار، از شاعران اواخر قرن ششم، معاصر و مداح سیف الدین عمادالدوله فرامرز شهریار مازندران و از امیران خاندان باوندی. عمادی پیش از آنکه

به عمادالدوله پیوندد، شهرتی نداشته است، لیکن شاعرنوازی این امیر موجب تقویت فکر و قریحه او شده است. وی پس از وفات عمادالدوله به عراق آمد و به دربار طغرل بن محمد پیوسته و او را مدح گفته است. دیگر از ممدوحان او اتابک جهان پهلوان می باشد. اشعار عمادی روان است ولی گاه به سبب تشبیهات و تعبیرات دشوار مشکل می شود.

عمارة مروزی (ت) [ف: اوائل قرن پنجم] از شاعران معروف و اوخر عصر سامانی و اوائل غزنوی که اقامتش در مرو بوده است. عماره در قتل ابو ابراهیم آخرین شاهزاده سامانی مرثیه ای ساخته و پس از آن سلطان محمود سبکتکین را نیز مدح کرده است. قطعاتی از اشعار او در لغت فرس اسدی و لباب الالباب نقل شده است.

عمر خیام (ت) «رجوع شود به خیام»

عمیق بخارائی (ت) [ف: ۵۴۳] امیر الشعرا ابو النجیب شهاب الدین عمیق بخارائی از شاعران معروف ماوراء النهر در اوایل قرن ششم. مولدش بخاراست و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت و به دربار آل خاقان راه یافت و در دربار خضرخان ابراهیم به لقب ملك الشعرائی مفتخر گشت. از ممدوحان و معاصران عمیق ابو الحسن شمس الملك نصر بن طمغاج خان ابراهیم بن نصر و احمدخان بن خضرخان و محمود خان بن شمس الملك نصر و رکن الدین ابوالمظفر طمغاج خان مسعود و چند تن دیگر از ملوک خانیه است. عمیق با سلطان سنجر رابطه داشت و مرثیه ای در مرگ دخترش

سروده است و از شاعران ماوراءالنهر با رشیدی سمرقندی و انوری معاصر بوده است. عمیق بر علوم زمان خود احاطه کامل داشت و این امر در اشعارش نمودار است. وی در صنایع بدیع خاصه در آوردن تشبیهات لطیف و کلمات موزون استادی داشته است. دیوانش شامل قصیده و رباعی است.

یوسف و زلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود به او نسبت داده‌اند که اکنون در دست نیست.

عنصرالمعالی (ت) [ف: در حدود ۴۹۲] امیر عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس وشمگیر. از امیران دانشمند خاندان زیاری که در قرن چهارم و پنجم در گرگان و گیلان و طبرستان و رویان و ری و جبال امارت داشتند. عنصرالمعالی مدتی طولانی از سر زمین امارت خاندان خود دور بوده است و بنا بر گفته او هشت سال در غزنین ندیم مودود بن مسعود غزنوی بوده و چندی در هندوستان بسر برده و مدتی نیز در سفر حج گذرانیده است.

عنصرالمعالی مردی دانشمند بود که علاوه بر نویسندگی به زبان فارسی دری و طبری شعر می‌سروده است. در انشاء و عروض و موسیقی و نجوم دست داشته و از آثار معروف او قابوسنامه است. عنصری (ت) [ف: ۴۳۱] ابوالقاسم حسن بن احمد از شاعران بزرگ قصیده‌سرای دوره غزنوی. عنصری بوسیله امیر نصر بن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد و نزد او تقرب یافت و ملک - الشعرا در بارگشت و مال و ثروت فراوان بدست آورد. اشعارش



بیشتر در مدح سلطان محمود و امیر نصر و سلطان مسعود و فتوحات و لشکرکشی‌ها و جنگهای ایشان است. دیوان قصاید عنصری اکنون متجاوز از دوهزار بیت دارد و گویا در اصل سی‌هزار بیت بوده است. عنصری جز دیوان شعر، منظومه‌های دیگر نیز داشته است مانند مثنوی و امق و عذرا، سرخ بت و خنگ بت، شاد بهر و عین الحیات که بعضی از ابیات آنها در فرهنگها موجود است. عنصری به زبان و ادب عرب نیز احاطه کامل داشته و در اشعارش فکر منطقی و احاطه او بر علوم عقلی آشکار است. سبک قصیده سرایی عنصری بعدها مورد تقلید بیشتر شاعران قصیده‌سرا قرار گرفته است.

عنقا - پرنده‌ای موهوم که معنی لفظی آن دراز کردن و نام دیگری برای سیمرغ که جایگاه او در کوه قاف است و در ادبیات فارسی نمونه انزوا و استغناست.

بیر ز خلق و ز عنقا قیاس کار بگیر

که صیت گوشه‌نشینان ز قاف تا قاف است

«حافظ»

عوا (بج) منزلی از منازل قمر، که شامل چهار ستاره است به صورت سگ فریاد کننده.

خضم سگدل ز حسد نالد چون جبهت ماه

نور بی‌صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

عوفی (ت) [ف: ۶۳۵] سدیدالدین یا نورالدین محمد بن محمد عوفی بخاری . از نویسندگان و دانشمندان بزرگ ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم . وی از فرزندان عبدالرحمن بن عوف از مشاهیر صحابه رسول اکرم می باشد و به همین جهت به عوفی شهرت یافته است . ولادتش در بخارا در نیمه دوم قرن ششم اتفاق افتاد و تحصیلات خود را همانجا انجام داد . پس از آن به بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان سفر کرد و با بزرگان و دانشمندان ملاقات کرد . عوفی در اوائل حمله مغول به بلاد سند رفت و به خدمت ناصرالدین قباچه رسید و تا سال ۶۲۵ در خدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباچه مغلوب سلطان شمس الدین التتمش شد و خود را در سند غرق کرد ، عوفی به خدمت التتمش درآمد و در دهلی اقامت کرد .

عوفی علاوه بر نویسندگی شعر نیز می گفته و قصاید و قطعات مختلف از او باقی است و در جوامع الحکایات قطعه ای از اشعاری که در ستایش نظام الملک جنیدی سروده ذکر کرده است . از آثار مشهور عوفی لباب الالباب و جوامع الحکایات است .

عیسی (تن) عیسی بن مریم از پیغمبران اولوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است . عیسی قوم اسرائیل را به دین خود دعوت کرد ، ایشان نپذیرفتند و از او معجزه خواستند او مرده ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری او گواهی داد . سرانجام جهودان

قصد کشتن او را کردند عیسی گریخت، ولی یکی از حواریون، یهودا نام، در برابر سی‌درم رشوه عیسی را به ایشان نشان داد. جهودان خواستند عیسی را بگیرند، حق تعالی او را از چشم ایشان پنهان داشت و ایشوع، بزرگ یهود را به صورت عیسی در آورد. او را گرفتند، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده نکرد ایشوع را به دار زدند و عیسی به آسمان رفت. ایشوع هفت شبانه روز بر درخت ماند. مریم هر شب پای درخت می‌رفت و می‌گریست. شب هفتم عیسی از آسمان به زمین آمد تا مریم را آرامش بخشد، هفت نفر از حواریون آن شب عیسی را دیدند و تا صبح با او بودند، سحرگاه عیسی به آسمان رفت.

به غیرت از نفسش روح عیسی مریم

به خجلت از قلمش چوب موسی عمران

«انوری»

عین‌القضاة (ت) [ف: ۵۲۵] ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی از مشایخ صوفیه و از شاگردان عمر خیام و امام احمد غزالی که در آثار خود از استادش غزالی گفته‌های بسیار نقل کرده است. عین‌القضاة در جوانی به کسب کمالات پرداخت و از راه مطالعه در معارف عصر خود تبحر یافت. وی با رجال مشهور زمان خود مکاتبه داشته است و به علت بی‌پسروایی در افشای اسرار صوفیان و حمله به متعصبان مورد کینه علمای متعصب قرار گرفت و سرانجام هم در سال ۵۲۵ به تهمت الحاد و زندقه در همدان بر

دار کشیده شد. وی به علت حسن بیان و نفوذ کلام مریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می‌ورزیدند. عین‌القضاة در مدت عمر کوتاه خود یعنی در سی و سه سال، آثار بسیاری به فارسی و عربی از خود باقی گذاشت از جمله یزدان شناخت، تمهیدات یا زبدة الحقایق و مکاتیب.

عیوب قافیہ (ق) عیوب قافیہ هشت است. اقواء، اکفاء، سنار، ایطا، مناقصه، تضمین، تخلیع، عدول. «به هر يك از این کلمات رجوع شود»

عیوق (نج) از ستارگان ثابت که بر بازوی ممسک‌العنان (گیرنده‌عنان) است.

بسوده دست جلال تو دامن عیوق

سپرده پای کمال تو زروه اعلی

عیوقی (ت) از شاعران قرن ششم و دوره سلجوقیان. مثنوی ورقه و گلشاه از او باقی است.

عیون‌الاجبار (ک) تألیف ابو عبدالله محمد الدینوری معروف به ابن قتیبه. این کتاب به زبان عربی و دارای مقدمه و ده باب است و علاوه بر حکایتهای تاریخی، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات و سیرتهای طبقات مختلف کشورها و خطبه‌های تاریخی و حدیثهای معروف. ابن قتیبه آداب لشکرکشی و سلاح پوشی اعراب و ایرانیهارا نشان می‌دهد. آداب تیراندازی، اسب‌سواری را از کتاب آئین نامک که از بین رفته است نقل می‌کند. از این

کتاب بخوبی می‌توان به عادات و روحيات ملل و سياستها و طرز  
حکومتها و رفتار امرا و پادشاهان پی‌برد . علاوه بر این نکات  
جغرافیائی هم دارد که قابل استفاده است .



## غ

غالب (ت) [ ف : ۱۲۸۵ ] میرزا اسداله خان غالب از شاعران پارسی زبان هند است که در شهر آگرا متولد شده و در دهلی اقامت کرده و همانجا وفات یافته است. غالب به زبان اردو و فارسی شعر می گفت اشعاری در مدح بهادر شاه ثانی آخرین پادشاه بابرین دارد. از غالب قصاید و غزلهای بسیار باقی مانده است. (دیوان غالب - چاپ هند)

غرر اخبار مملوک الفرس و سیرهم (ک) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری که آن را به امر ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده است. موضوع کتاب تاریخ شاهان ایران است از ابتدای شاهی کیومرث تا یزدجرد بن شهریار، آخرین شاه ساسانی.

ثعالبی داستانهای ملی ایران را مانند داستان زال و رودابه ورستم و اسفندیار در این تاریخ ذکر کرده است. منابع ثعالبی

کتاب مختلف فارسی و عربی مانند تاریخ حمزه اصفهانی، تاریخ طبری، شاهنامه ابو منصور است. از مسعودی مروزی و مزدوج او نیز نام می برد. بسیاری از داستانهای کتاب ثعالبی عیناً داستان شاهنامه فردوسی است و حتی طرز بیان حکایتها شبیه به هم است.

غریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی. «فاعلاتن فاعلاتن مستعلنن ۲ بار». اما این بحر در فارسی نیز رواج بسیار ندارد.

بحر غریب مسدس مخبون (فاعلاتن مفاعلن مفاعلن)  
ملکا تیغ تو مر بدسگال را

بخورد همچو غضنفر شکال را

غزالی (ت) [ ف: ۵۰۵ ] حجة الاسلام امام زین العابدین ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی از مشهورترین متکلمان و عالمان دین اسلام در قرن پنجم. علوم دینی و ادبی را در مدارس طوس و نزد یکی از دوستان پدرش موسوم به ابو حامد احمد رادکانی آموخت، سپس به نیشابور رفت و در آنجا نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی، فقیه بزرگ شافعی، به تحصیل علم پرداخت و در بیست و هشت سالگی در علوم متداول دینی زمان خود استاد گردید و پس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام الملک رسید و در سال ۴۸۴ بنا به دعوت او برای تدریس در مدرسه نظامیه، به بغداد رفت و چهار سال در آنجا به تدریس مشغول بود.

شهرت غزالی در همان اوایل جوانی به حدی رسید که چندبار از



طرف ملک‌شاه به رسالت نزد خلیفه رفت. امام غزالی با وجود شهرت و مقام عالی که بدست آورده بود، درسی و نه سالگی میل به اعتزال کرد و امام احمد غزالی برادر خود را در نظامیه جانشین کرد و خود به حج رفت و مدت ده سال در شهرهای بیت المقدس و شام و مصر و حجاز گذراند و بعضی از کتابهای خود را در آن مدت تألیف کرد. پس از این سفر طولانی به طوس بازگشت و مدتی در نظامیه نیشابور تدریس کرد و بعد از آن عزلت گزید تا در سال ۵۰۵ در طوس درگذشت.

غزالی در حدود هفتاد کتاب و رساله در علوم دین و اصول و کلام و حدیث و اخلاق و فلسفه و منطق و تصوف تألیف کرده است. از آثار معروف او به زبان عربی: احیاء العلوم، مقاصد الفلاسفه، تهافت الفلاسفه در فلسفه و حکمت، معیار العلم در منطق و از رساله‌های مهم او رساله المنقذ من الضلال است که در حقیقت سرگذشت روحانی اوست. الوسیط در فقه و البسیط در فروع مذهب شافعی.

از آثار مهم او به فارسی: مجموعه مکاتیب فارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوك است.

غزالی از دانشمندان بزرگی است که مدتها دچار حمله سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه و الحاد گرفتار گشته است. وی گذشته از مقام بزرگش در علوم مختلف، در نثر فارسی هم مقام خاصی دارد و در آوردن لغات و اصطلاحات تازه بطریق

ساده و درخور فهم عوام قدم تازه‌ای در نثر فارسی برداشته است. غزالی (ت) [ف : ۵۲۰] شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی طوسی . برادر حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی و از جمله فقیهان مذهب شافعی . وی مدتی بجای برادر در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرد. غزالی به وعظ علاقه بسیار داشته و مربی چند تن از مشایخ بزرگ صوفیه بوده است .

از آثار او کتاب بحر الحقیقة است و موضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید از بحرهای معرفت، جلال، وحدانیت ، ربوبیت ، الوهیت ، عزت ، گذشت. دیگر کتاب الذخیره فی علم البصیره . دیگر سوانح العشاق که غزالی آن را در اسرار عشق نوشته است و در ضمن فصول، حکایتها و مثلها و اشعاری ذکر کرده است . نوشته این کتاب بسیار ساده و پراز لطف است. دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همه آنها به اشاراتی از آیات و احادیث آمیخته و بسیاری از عقاید در آنها مورد بحث قرار گرفته است .

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیه واحد ، و مصراع اول بیت نخستین یعنی مطلع شعر نیز دارای قافیه است . غزل از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه دارد و در بیان احساسات یا گفتگوی بامعشوق و خطاب به اوست. غزل یا عرفانی است یعنی مضمون آن مربوط به عالم فوق الطبیعه و حقیقت مطلق و مطالب اخلاقی می باشد یا

غزل عادی که خطاب به معشوق و دوست است . غزلهای حافظ و سعدی و مولوی نمونه عالی غزل فارسی است .

غزنوی (ت) «رجوع شود به حسن غزنوی»

غضائری رازی (ت) [ف : ۴۲۶] ابوزید محمد الغضائری الرازی . از شاعران دوره غزنوی و شیعی مذهب . غضائری اهل ری بوده و امیران دیلمی آل بویه را در ری مدح گفته است . اشعاری نیز در مدح سلطان محمود غزنوی دارد . خاصه در قصیده لامیه از عطایای این شاه سخن گفته است . دیوان غضائری در دست نیست .

غضائری با عنصری بحث ادبی داشته و قصایدی انتقادی برای یکدیگر می فرستاده اند . از اشعارش قصائد و قطعه‌هایی در کتابهای لغت و تذکره باقی است .

غلمان (تن) جمع غلام . پسران بهشتی . این کلمه در قرآن کریم آمده است .

فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند

غلمان ز روضه حور زجنت بدر کشیم

«حافظ»

غلو (ب) آن است که گوینده امری را ادعا کند که از عقل و عادت دور باشد .

شود کوه آهن چو دریای آب

اگر بشنود نسام افراسیاب

«فردوسی»

غنی (ت) [ ف : ۱۰۷۷ ] ملامحمد طاہر غنی کشمیری . از شاعران معروف ہندوستان و معاصر صائب . دیوانش شامل غزلہائی است کہ نمونہای از رقت خیال است . (دیوان غنی - چاپ ہند)

غیاث اللغات (ک) فرہنگی تألیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین بن شرف الدین رامپوری از فارسی شناسان ہند کہ آنرا در سال ۱۲۴۲ پس از چہارده سال صرف وقت تألیف کردہ است . این کتاب جامع لغات کثیر الاستعمال فارسی و عربی و ترکی است کہ مؤلف آن از کتابہای لغت و ادب و شعر و نجوم و طب استفادہ کردہ و برای ہر لغت مأخذ و منبعی ذکر می کند . کتاب از این حیث دارای ارزش است ، ولی فاقد شواہد شعری و نثری می باشد . (غیاث اللغات چاپ ہند و تہران)

## ف

فارابی (ت) [ف: ۳۳۹] ابونصر محمد بن محمد الفارابی. از بزرگترین فیلسوفان ایرانی. وی در شهر فاراب ماوراءالنهر متولد شده است. بعضی نژاد او را از ترکان و بیشتر از ایران می‌دانند، فارابی از ماوراءالنهر به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت و علوم فلسفی را نیز همانجا فراگرفت و کتابهای ارسطو را مطالعه کرد. پس از آن به حلب و دمشق رفت و به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان رسید و همچنان در دمشق ماند و به تألیف پرداخت. فارابی به سبب شرحهائی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثانی» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده‌اند. فارابی در همه علوم عهد خود استاد و صاحب تألیف است. در ریاضیات و موسیقی و طب اطلاعات بسیار داشته است و از آثار او شرحهائی است که برانالوطیقای اول و ثانی و سوفسطیقا و بوطیقای ارسطو نوشته است. در علم النفس

کتاب النفس اسکندر الافرویدیسی ودر علوم ، السماع الطبیعی و الاثار العلویه والسماء والعالم و کتاب الحروف ارسطو والمجسطی بطلمیوس را تفسیر کرده است. از کتابهای دیگر او: رساله فی مبادی آراء اهل المدینه الفاضله، فصوص الحکم، الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس. فارابی کوشیده است که در این کتاب بین عقاید افلاطون و ارسطو التیام دهد. عقاید فسارابی در فیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ک) تألیف ابن البلخی که در اوائل قرن ششم و بنا به دستور سلطان محمد بن ملک شاه سلجوقی تألیف یافته است و از کتابهای معتبر فارسی و از منابع تاریخ پیش از اسلام و جغرافیای فارس است. مؤلف در این کتاب از تاریخ حمزه بن الحسن و تاریخ محمد بن جریر طبری و کتابهای دیگر عربی و فارسی استفاده کرده است. در این کتاب پادشاهان ایران پیش از حمله عرب بر چهار دسته تقسیم شده اند : پیشدادیان - کیانیان - اشکانیان - ساسانیان . مؤلف از اسکندر جانشینانی نیز ذکر کرده است . نثر کتاب بسیار روان و محکم است . (چاپ تهران)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض .

فاصله بر دو قسم است : فاصله صغری . فاصله کبری .

فاصله صغری عبارت است از سه متحرك و يك ساكن . مثال

بدهم و علامت آن سه صفر و يك الف ههه

فاصله کبری چهار متحرك است و يك ساكن مثال: بدهمش

و مثال آن چهار صفر و یک الف است بر این صورت : ۱۰۰۰۰

فتحعلی خان صبا (ت) « رجوع شود به صبا »

فتحوحی (ت) اثیرالدین شرف‌الحکماء فتحوحی مروزی از شاعران بزرگ مرو در نیمه آخر قرن ششم. فتحوحی معاصر انوری است و بنا بر قول رضاقلیخان هدایت قطعه مربوط به هجوبلخ که به انوری نسبت داده‌اند از فتحوحی است. وی با ادیب‌صابر دوستی و مکاتبه داشته است و عوفی او را در نظم و نثر استاد دانسته است. اشعاری از فتحوحی در تذکره‌ها باقی است .

فخرالدین عراقی (ت) « رجوع شود به عراقی »

فخر رازی (ت) [ف: ۶۰۶] ابو عبدالله فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین طبری رازی معروف به ابن الخطیب از فیلسوفان و متکلمان و فقیهان شافعی و از عالمان بزرگ ایران در قرن ششم که در علوم اسلامی از نوادر زمان خود بشمار می‌رفت. امام فخر رازی در فنون مختلف تألیفات مهم دارد و به مناسبت آنکه در جلد و ایراد بر فلاسفه و شک در مسائل فلسفی استادی داشت او را «امام المشککین» خوانده‌اند. فخر رازی از مخالفان ابن‌سینا بود و از راه استدلال عقلی و فلسفی به رد عقاید او پرداخت.

از آثار مشهور او به زبان عربی در کلام : نهایة العقول، کتاب الاربعین ، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من الحکماء و المتکلمین . و رساله‌ای در معراج است .

در فلسفه و حکمت : الملخص، شرح الاشارات، شرح عیون.

الحکمة، مباحث المشرقيه، النهاية است. در تفسیر: مفاتیح الغیب، که معروف به تفسیر کبیر است و در حقیقت دائرة المعارفی است از علوم دینی که ناتمام گذارده است. دیگر نهاية الاعجاز در بیان موارد فصاحت و بلاغت قرآن.

مهمترین آثار او به زبان فارسی جامع العلوم باحدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاء الدین تکش خوارزمشاه در سال ۵۴۷ تألیف کرد. دیگر رساله روحیه است در حقیقت روح و فنای جسم و حکمت مرگ و پند و نصیحت. دیگر اصول عقاید در هشت باب، رساله الاختیارات العلائیه در نجوم که آن را به نام علاء الدین خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است و این کتاب به عربی ترجمه شده است.

فخر گرمانی (ت) [ ف: در حدود ۴۶۶ ] فخرالدین اسعد الجرجانی از شاعران داستانسرای ایران در قرن پنجم. وی معاصر ابوطالب طغرل بیک محمد بن میکائیل بوده و نزد او تقرب داشته است. از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری در دست نیست ولی از اشعار او پیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده و کتب فلسفه و حکمت خوانده و از ادبیات فارسی و عربی اطلاع کامل داشته و به زبان پهلوی نیز آشنا بوده است. فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی در سال ۴۴۳ هجری اصفهان را فتح کرد، با او بود و بعد از او در آنجا نزد حاکم اصفهان ابوالفتح المظفر بن محمد ماند و به درخواست او داستان ویس و رامین را



به نظم آورد . فخرگرگانی سلطان ابوطالب طغرل بیک و خواجه عمیدالملک کندی وزیر معروف طغرل و خواجه عمیدابوالفتح را مدح گفته است .

فرالدوی (ت) ابو عبدالله محمد بن موسی الفرالدوی از شاعران معروف سامانیان و معاصر شهید بلخی که رودکی اورا باشهید در بیک ردیف آورده است. ابیات کمی از این شاعر در مجمع الفصحا و لباب-الالباب عوفی ذکر شده است .

فراهی (ت) [ف : ۶۴۰] از شاعران قرن هفتم و منسوب به قریه فراه از سیستان است . وی معاصر بهرام شاه بن تاج الدین می باشد . کتاب نصاب الصبیان در لغت عربی به پارسی از تألیفات اوست . نصاب الصبیان به نظم ساخته شده است .

فرج بعدالشدۀ (ک) اصل این کتاب به زبان عربی و تألیف قاضی محسن بن علی بن محمد بن داوود التنوخی (ف: ۳۸۴) می باشد، عوفی این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و بیشتر حکایتهای آن را در جوامع الحکایات آورده است . در نیمه دوم قرن هفتم شخص دیگری به نام حسین بن سعد بن الحسین الدهستانی المؤیدی ترجمه دیگری از این کتاب فراهم آورده و نام آن را جامع الحکایات فی ترجمه الفرّج بعدالشدۀ والضعیه نهاده است. این ترجمه شامل سیزده باب است و هر بابی حاوی حکایتهای بسیار در شرح حال کسانی که به بلا و محنت مبتلا بوده و پس از آن به رفاه و فراغت رسیده اند. (ترجمه فرج بعدالشدۀ - چاپ تهران)

فرخی (ت) [ف : ۴۲۹] ابوالحسن علی بن جولوغ . از شاعران بزرگ دربار سلطان محمود غزنوی . پدرش غلام امیرخلف بانو یعنی خلف بن احمد بن محمد خلف بن اللیث صفاری بوده است . فرخی ابتدا به دربار چغانیان رفت و ابوالمظفر احمد بن محمد امیرچغانی را مدح کرد و مورد نوازش او قرار گرفت . پس از آن به دربار غزنوی روی نهاد و مورد اکرام محمود غزنوی واقع شد . قسمت عمدهٔ قصاید فرخی در مدح سلطان محمود و پسران و برادرش و وزیران و ندیمان آنان می باشد .

دیوان فرخی بیش از نه هزار بیت دارد و شامل قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات می باشد . اشعار فرخی بسیار ساده و طبیعی است و از پیچیدگی و تکلف خالی است . در تغزل با دنیای واقعی بیشتر سر و کار دارد و در قصاید نیز جنبهٔ واقعیت تاریخی را بیشتر در نظر گرفته است ، خاصه جنگهایی را که خود ناظر آن بوده است بسیار زنده و حقیقی وصف می کند . فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می نواخته است . همچنین در عروض و نقدالشعر دست داشته کتاب ترجمان البلاغه را به او نسبت داده اند ، ولی این نسبت درست نیست ، زیرا که تألیف این کتاب در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم بوسیلهٔ یکی از ادیبان به نام محمد بن عمر الرادویانی صورت گرفته است . فرخی را می توان از قصیده سرایان درجهٔ اول ایران دانست (دیوان فرخی - چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است از بیتی مستقل که دارای معنی خاص و مستقل باشد ، خواه دومصراع آن يك قافیه داشته باشد یا نه . مثال :

دان ملخی نزد سلیمان بردن

عیب است و لیکن هنراست ازموری

فردوسی (ت) [ف: ۴۱۱ یا ۴۱۶] ابوالقاسم حسن فردوسی شاعر بزرگ حماسه سرای ایران در قرن چهارم و پنجم. وی از خانواده دهقانان بود و ثروت و ضیاع موروث داشت. فردوسی در حدود سال ۳۷۰ در سن چهل سالگی به نظم شاهنامه شروع کرد و آن را در حدود سال ۴۰۰ به پایان رساند و در حدود سال ۳۹۳ بدربار سلطان محمود رابطه یافت ، یعنی هنگامی که ثروت خود را صرف شاهنامه کرد و از تهیدستی به جان آمد به فکر تقدیم شاهنامه به محمود بن ناصرالدین سبکتکین افتاد و بوسیله ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی ، نخستین وزیر سلطان محمود ، به دربار او معرفی شد ، اما پس از عزل و مصادره ابوالعباس یا به علل دیگر که از آن جمله تشیع فردوسی و تعصب محمود در مذهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمه‌ری سلطان قرار گرفت ، چنانکه محمود برخلاف عهد خود به جای يك دینار در برابر هر بیت يك درم به او داد و این امر موجب رنجش فراوان فردوسی گشت و از غزنین به خراسان عزیمت کرد و شش ماه در خانه اسمعیل وراق ، پدر ازرقی شاعر ، ماند و از آنجا به طبرستان رفت و به خدمت سپهبدشهریار از آل باوند رسید و محمود را هجا کرد. ولی شهریار

آن هجارا خرید و دستور داد تا به آب شستند. فردوسی از مازندران به خراسان بازگشت و در مولدخود بسربرد تا به سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ بدرود زندگی گفت. گویند وقتی سلطان محمود انعام و صلۀ شاعر را فرستاد که جنازهٔ او را به گورستان می‌بردند. اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین و بزرگترین اثر ادبی ایران است. قصهٔ یوسف و زلیخای منظوم را به او نسبت می‌دادند، ولی اکنون مسلم شده است که از او نیست.

فرصت شیرازی (ت) [ف : ۱۳۳۸] میرزا محمد نصیرحسینی شیرازی ملقب به میرزا آقا از شاعران و ادیبان اوایل قرن چهاردهم. وی علاوه بر شعر و ادب و حساب و هیئت و منطق و هندسه در فنون نقاشی نیز دست داشته است. از آثار او : آثار عجم یا شیرازنامه است در تاریخ فارس، اشکال المیزان در منطق، بحور الحان به زبان فارسی در علم موسیقی، دیوان اشعار شامل قصاید و غزلیات و ترجیعات.

فرقدان یا فرقدین (نج) از کواکب ثابت و دو ستارهٔ روشن است بر سینهٔ دب اصغر.

ای رسانیده به دولت فرق خود بر فرقدین

گسترانیده به جود و فضل در عالم یدین

«ابوالعباس مردزی»

فرقدی (ت) محمدبن عمر فرقدی از شاعران خراسان در اواخر قرن ششم. معاصر و مداح محمدبن سام پادشاه غوری است. اشعار

کمی از او باقی است که قدرت او را در شعر می‌رساند .  
فرنگیس (ش-د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر افراسیاب که سیاوش  
 او را به زنی گرفت و هنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم شد،  
 فرنگیس به زاری نزد پدر رفت و او را از کشتن سیاوش منع  
 کرد ، اما افراسیاب گذشته از کشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس  
 را آنقدر بزنند تا طفلی که از سیاوش در شکم اوست ، بیفتد .  
 سرانجام پیران و یسه خود را به درگاه رساند و فرنگیس را از  
 افراسیاب گرفت و به خانه برد و جانش را نجات داد . فرنگیس  
 کیخسرو را به جهان آورد و چند سال پس از آن به یاری گیو با پسر  
 خود به ایران گریخت .

فرخود سار (ك) «رجوع شود به فرهنگ نفیسی»

فروغی (ت) [ ف : ۱۳۲۱ ] محمدعلی ملقب به ذکاءالملک . از  
 رجال و دانشمندان معاصر . فروغی در سال ۱۲۹۵ قمری متولد  
 شد و تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون به پایان رسانید و به  
 مطالعه در فلسفه پرداخت . مدتی به تدریس در مدرسه علوم سیاسی  
 اشتغال داشت و پس از آن به ریاست مدرسه منصوب گشت .  
 فروغی به زبان و ادب فرانسه تسلط کامل داشت . وی علاوه بر  
 کسب دانش به امور سیاسی و اجتماعی نیز می‌پرداخت و سالها  
 نمایندگی مجلس شوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ،  
 نمایندگی ایران در جامعه ملل ، ریاست جامعه ملل ، ریاست دیوان  
 عالی تمیز را به عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهایی است در تاریخ ، فیزیک ، علوم ،  
و تصحیح آثار بزرگان ادب مانند : کلیات سعدی ، دیوان حافظ ،  
رباعیات خیام و از آثار معروف او کتاب سیر حکمت در اروپاست  
در سه جلد . حکمت سقراط به قلم افلاطون در دو جلد . آئین سخنوری  
اغلب آثار فروغی به چاپ رسیده است .

فروغی بسطامی (ت) [ف: ۱۲۷۴] میرزا عباس بسطامی . از بزرگزادگان  
بسطام . دوران کودکی را در بسطام بسر برده و در اوایل سلطنت  
فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد و به تحصیل علوم ادبی  
پرداخت . فروغی در ابتدا «مسکین» تخلص می کرد و بعدها به  
مناسبت انتساب به دربار فروغ الدوله ، فرزند حسنعلی میرزا شجاع  
السلطنه والی خراسان و کرمان ، به فروغی تخلص یافت . ابتدا  
به مدح شاهان و شاهزادگان قاجار پرداخت و پس از آن به تصوف  
متمایل شد و عزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت .  
فروغی را می توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به  
شمار آورد . دیوان فروغی چند بار به چاپ رسیده است .

فرهاد (ش-د) از اشخاص داستان عاشقانه خسرو و شیرین . داستان  
خسرو و شیرین و فرهاد و شیرین را چند تن از شاعران ایرانی به  
نظم در آورده اند و مهمترین و معروفترین آنها داستان خسرو و  
شیرین نظامی داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم هجری است .  
فرهاد در عشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به  
کارهای دشوار تن در می دهد . فداکاری و پساایداری او در عشق

شیرین ، خسرو را بر می‌انگیزد که او را به کندن کوه بیستون بگمارد . فرهاد از دل و جان این شغل را می‌پذیرد و مدت‌ها در آرزوی وصل شیرین به کوه کندن می‌پردازد ، سرانجام به تدبیر خسرو خبر مرگ شیرین را به دروغ به او می‌رسانند و او با تیشه فرق خود را می‌شکافد و در می‌گذرد .

دل به امید صدائی که مگر در تو رسد

نالها کرد در این کوه که فرهاد نکرد

«حافظ»

فرهاد و شیرین (ك) منظومه‌ای از وحشی بافقی که آن را به تقلید خسرو و شیرین نظامی ساخته، امانت‌ناسته است به پایان برساند . این مثنوی ناتمام دارای هزار و هفتاد بیت است و وصال شیرازی در سال ۱۲۶۵ آن را به پایان رسانده است . منظومه فرهاد و شیرین از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می‌گشته است . ( چاپ تهران )

فرهنگ آندراج (ك) لغت‌نامه‌ای به زبان فارسی تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد که آن را در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمک دو برادرش در سرزمین هندوستان تدوین کرده است . این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده . مؤلف در این کتاب از فرهنگهائی مانند منتهی الارب ، برهان قاطع ، فرهنگ جهانگیری ، انجمن آراء ، غیاب اللغات و

امثال آن استفاده کرده است. وی بیشتر لغات فارسی را با شواهد شعری آورده و گاهی به اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده است. فرهنگ آندراج فرهنگ جامعی است که به سبب اشمال بر لغات فارسی و عربی ممتاز است. (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (ك) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی و آخرین تألیف معروف رضا قلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده است. این فرهنگ منحصر به لغات فارسی است و مشتمل بر مقدمه‌ای است حاوی چندین آرایش، در توضیح لغات و بیان بعضی از اشتباهات در لغات فرهنگها و تحقیق زبان فارسی و بیان حروف تهجی و آئین شناختن مصدر و اصطلاحات علم صرف و نحو و بیان و امثال آنها.

متن کتاب شامل بیست و چهار انجمن است و در خاتمه کتاب بعضی از استعارات و کنایات فارسی و عربی با شواهد شعر از فصحا و بلغا ذکر شده است. (فرهنگ انجمن آراء - چاپ تهران).

فرهنگ چهار عجم (ك) فرهنگی است جامع، تألیف رای لالاتیک چند بهار (متوفی ۱۱۸۰) از نویسندگان هند، این فرهنگ در هندوستان تألیف یافته و شامل لغات و اصطلاحاتی است که از کتابها و دیوانهای شاعران متقدم استخراج شده و بر حسب حروف تهجی ترتیب یافته است. نویسنده در این فرهنگ از شاعران بزرگ ایران



اشعاری به عنوان نمونه ذکر کرده و اغلب لغات را با اعراب آورده و گاهی در ضمن معنی کردن توضیحاتی نیز داده و در مقابل اصطلاحات معانی کنایه آمیز را نیز ذکر کرده است. فرهنگ بهار عجم بسیار سودمند است، بطوری که پیش از فوت مؤلف یعنی اواخر قرن دوازدهم هفت بار زیر نظر وی در هند به چاپ رسیده است. فرهنگ جهانگیری (ک) کتاب لغتی تألیف میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان. مؤلف کتاب را در زمان سلطنت اکبر شاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد و در زمان سلطنت پسرش جهانگیر شاه یعنی در سال ۱۰۱۷ به نام او به پایان رساند. این کتاب شامل لغتهای فارسی الاصل است و مؤلف برای هر لغت شعری بر سبیل شاهد آورده است و چنانکه خود در مقدمه کتاب می گوید چهل و چهار کتاب لغت در اختیار داشته و از آنها استفاده کرده است. بنای ترتیب بابها و فصول کتاب بر حرف دوم و اول لغات گذاشته شده و بهمین جهت برای مراجعان خالی از اشکال نیست. فرهنگ جهانگیری بسیار جامع و سودمند است و مورد تقلید و پیروی فرهنگ نویسان بعد مانند صاحب برهان قاطع قرار گرفته است.

فرهنگ چراغ هدایت (ک) فرهنگ کوچکی است تألیف سراج الدین علیخان متخلص به «آرزو». این فرهنگ در سال ۱۱۴۷ در عصر محمدشاه پادشاه دهلی نوشته شده است. چراغ هدایت شامل لغات و ترکیبات و اصطلاحاتی است که شعرای صفوی بکار می بردند

و چنانکه خود نویسنده می گوید: «در معنی دفتر دوم است از کتاب سراج اللغات . در بیان الفاظ و اصطلاحات شعرای متأخر فارسی زبان که داخل هیچ کتاب لغت مثل فرهنگ جهانگیری و سروری و برهان قاطع و غیره نیست» ترتیب لغات در چراغ هدایت بر حسب حروف الفباست . در این فرهنگ کلمات هندی الاصل که در شعر فارسی بکار رفته ذکر شده است . (چاپ تهران)

فرهنگ رشیدی (ک) از لغت نامه های نفیس فارسی تألیف عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی که آن را در سال ۱۰۶۴ در هندوستان تألیف کرده است . فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت در مندرجات ، از معتبرترین لغت نامه های فارسی است و همیشه مورد توجه خاص لغویون بوده است . مؤلف فرهنگ رشیدی در مقدمه کتاب از فرهنگ جهانگیری و سروری انتقاداتی کرده و اجتناب از سهل انگاری و اشتباهات ایشان را در کتاب خود لازم دانسته است . فرهنگ رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بر یک مقدمه و چند باب و خاتمه است . (فرهنگ رشیدی - چاپ تهران)

فرهنگ سراج اللغات (ک) سراج اللغات کتابی است تألیف سراج الدین علیخان متخلص به «آرزو» (متوفی ۱۱۶۹) در این فرهنگ لغات مانند برهان قاطع به ترتیب حروف اول و دوم و سوم آمده و شامل اصطلاحاتی است که در اشعار فارسی بکار رفته است . مؤلف در این کتاب نسبت به بعضی از فرهنگهای قبل مانند برهان قاطع و

فرهنگ رشیدی نظر انتقادی اظهار کرده و گاه آنها را اصلاح کرده است .

فرهنگ سروری (ک) یا مجمع الفرس ، فرهنگی به زبان فارسی تألیف محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص به سروری . مؤلف این فرهنگ را در چند نوبت نوشته است به این معنی که هر بار منابع و مأخذ تازه‌ای به دست آورده و بسر شرح لغتهای سابق افزوده است. نسخه کامل آن تاریخ ۱۰۵۴ هجری را دارد. مؤلف مجمع الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری و تحفة السعادة و امثال آن را در دست داشته است . مجمع الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است با ذکر مأخذ نقل هر لغت و نقد بعضی از لغات . (چاپ تهران)

فرهنگ شمس اللغات (ک) از فرهنگهایی است که در هندوستان تألیف یافته و از مؤلف آن در هیچ جای کتاب نامی برده نشده است . این فرهنگ در سال ۱۲۱۹ پایان یافته و شامل در حدود چهل و پنج هزار لغت از زبان فارسی و عربی و ترکی و گساهی پهلوی می‌باشد و بیشتر کلمات مفرد مورد توجه نویسنده بوده است . (چاپ بمبئی)

فرهنگ لغات فرس (ک) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی . این کتاب شامل لغاتی است که اسدی همه آنها را با شواهدی از اشعار شاعران توضیح داده و برحسب حروف آخر کلمات و حروف الفبا تنظیم کرده است و چنانکه

خود اسدی گفته است این کتاب را به تشویق اردشیر دیلمسپار النجمی ساخته است. فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعد قرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار با ارزش فارسی به شمار می‌رود. (چاپ تهران)

فرهنگ نفیسی یا فرنودسار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبر نفیسی ناظم‌الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ ش). مؤلف در این کتاب مقید به آوردن لغات فارسی خالص نشده، بلکه لغات تازی را نیز در آن وارد کرده است. همچنین به مفردات اکتفا نکرده، بلکه مرکبات و اصطلاحات و استعمالات مختلف الفاظ را نیز ذکر کرده است و در ذیل بسیاری از کلمات، خلاصه‌ای از علوم را به شکل دائرة المعارف آورده. این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است.

فرهنگ هفت قلزم (ك) فرهنگی است تألیف غازی‌الدین حیدر پادشاه هند که دیباچه و ترتیب و نظم آن بوسیله شخصی موسوم به قبول محمد انجام گرفته است. این کتاب در هفت جلد است و هر جلد به نام «قلزم» نامیده شده است. شش قلزم درباره لغات و قلزم هفتم درباره علم بدیع و عروض و قافیه است. این قلزما در سال ۱۲۳۴ مرتب شده و برحسب حروف اول و آخر هر کلمه تنظیم یافته و کلمات با اعراب آمده است. در این فرهنگ از ذکر شواهد و آوردن اشعار خودداری شده است. صاحب هفت قلزم از فرهنگ برهان قاطع بسیار استفاده کرده است.

فریدون (ش - د) از نژاد تهمورث و پسر آبتین که در خرد سالی ضحاک پدرش را کشته بود و مادرش «فرانک» او را به مرغزاری برده و با شیر گاو بزرگ کرده بود. چون کاوه آهنگر برضحاک شورید فریدون را به شاهی خواند. فریدون برضحاک چیره شد و او را در کوه دماوند به زندان کرد و خود به شاهی نشست.

فصل (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای‌شیء (کدامیک) واقع می‌شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یک حقیقت از حیوان است؛ یا جزء حقیقت مشترکه باشد مثل حساس که شامل همه نوع حیوان است.

فصیحی خوافی (ت) فصیح احمد بن محمد بن یحیی از نویسندگان و مورخان دوره تیموری و معاصر شاهرخ. وی در سال ۷۷۷ در هرات متولد شده و در همان شهر به تحصیل پرداخته است. پس از مرگ تیمور فصیحی به خدمت شاهرخ در آمد و شغل و منصب دیوانی یافت. در سال ۸۲۴ مأمور کرمان شد و در سال ۸۲۷ باز گشت و در بادغیس هرات به حضور شاه رسید وی به امر گوهرشاد به حبس افتاد و پس از رهائی از زندان در سال ۸۴۹ کتاب مجمل- فصیحی را نوشته به شاهرخ تقدیم کرد. «رجوع شود به مجمل فصیحی»  
فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (ك) شامل مکاتبات و مراسلات و محاورات و نصایح فارسی امام غزالی که بعد از وفات بوسیله یکی از نزدیکانش گرد آمده است. این مکاتبات عبارت است از نامه‌هایی که به امام غزالی نوشته و غزالی به آنها جواب داده است. در

این مجموعه نمونه‌هایی از رسائل دوستانه و دیوانی فارسی در نیمه قرن پنجم نشان داده شده است. خطبه‌ای در آن ذکر شده که از طرف امام‌غزالی در مجلس سنجر ایراد شده است. این مجموعه دارای پنج باب است. باب اول در نامه‌هایی که به شاهان نوشته شده است. باب دوم نامه‌هایی که به وزیران نوشته شده. باب سوم در آنچه به امراء و ارکان دولت نوشته شده است. باب چهارم در آنچه به علماء و فقها نوشته شده. باب پنجم در فصول و مواعظ. کتاب فضایل الانام علاوه بر آنکه شامل مطالب عرفانی و حکمی است از حیث فصاحت و روانی نیز از شاهکارهای نثر فارسی است و در ضمن آن می‌توان به بسیاری از خصوصیات و تاریخ زندگی امام غزالی پی برد. ( چاپ تهران )

فضولی بغدادی (ت) [ ف : ۹۷۰ ] محمد بن سلیمان فضولی در بغداد متولد شده و بیشتر عمر را در آنجا گذرانده است. بعد به عثمانی رفت و تبعه آن دولت گشت. وی به زبان ترکی و فارسی و عربی شعر می‌گفت و کتابی به تقلید روضة الشهداء حسین واعظ ساخته است به نام حديقة السعداء، دیگر دیوان شعر است شامل غزلیات و قطعات و رباعیات به ترکی و فارسی.

فعل (ط) (از مقولات عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم است در جسم دیگر مثل گرم کردن آتش آب را.

فلک (نج) بر حسب اعتقاد منجمان قدیم جسمی است گرد چون گوی که پیوسته در گردش است و غیر نورانی است و زمین در مرکز آن

قرار گرفته و افلاک دیگر مانند پیاز به دور آن پیچیده است، طبقات  
فلک هشت است :

قمر ، عطارد ، زهره ، آفتاب ، مریخ ، مشتری ، زحل ،  
نجوم متحیره (ستارگان بیابانی) که به ثوابت معروف اند، زیرا که  
بیحرکت اند .

فلکی شیروانی (ت) [ ف: ۵۸۷ ] نجم الدین ابوالنظام محمد فلکی  
شیروانی . از گویندگان آذربایجان در قرن ششم هجری که چون در  
علم نجوم مهارت داشته به « فلکی » تخلص یافته است . فلکی از  
درباریان شروانشاهان است، بخصوص خاقان اکبر منوچهر بن فریدون  
و پسرش اخستان رامدح گفته است . فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی  
به تحصیل شعروادب پرداخت . دیوانش شامل قصاید و غزلیات و  
مسمط است . وی مدتی در زندان شروانشاه بسر برده و اشعاری که در  
زندان سروده از لطیفترین اشعار اوست (دیوان فلکی - چاپ عکسی)  
فم الحوت (نیج) از ستارگان قدر اول که در آخر برج دلو و بر دهن  
حوت (ماهی) قرار گرفته است .

وزفم الحوت نهادی دندان      برسر ترکش ترکان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) [ ف: ۱۰۵۰ ] ابوالقاسم فندرسکی منسوب به فندرسک  
از اعمال استرآباد . فندرسکی در ریاضی و حکمت استاد بوده و  
در این علوم تألیفاتی دارد . فندرسکی در دربار شاه عباس اول  
تقرب داشت و مورد احترام وی بود . سفری به هند کرد و در آنجا

تحت نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی پیش گرفت .  
فندرسکی در شعر فارسی نیز دست داشت. قصیدہ‌ای بہ استقبال  
شعر ناصر خسرو ساخته است کہ در تذکرہ‌ها ضبط است .

**الفہرست (ک)** کتابی بہ زبان عربی ، تألیف ابوالفرج محمد بن اسحق  
الندیم کہ آن را بہ سال ۳۷۷ بہ اتمام رساندہ است. کتاب «الفہرست»  
چنانکہ از نامش پیداست ، فہرست کتابهای عرب و عجم است کہ  
بہ زبان عربی موجود بودہ است و شامل انواع علوم و اخبار مؤلفان  
آن با ذکر نسب و تاریخ تولد و مدت عمر و تاریخ وفات آنهاست  
از ابتدای پیدایش ہر علم تا عصر مؤلف . این کتاب شامل ۱۰۰ مقالہ  
و ہر مقالہ شامل چند فن می باشد کہ ہمہ بر حسب علوم و فنون  
مختلف تقسیم شدہ است . اسامی کتابها گاهی در ضمن شرح حال  
مؤلف می آید، و گاهی از نظر موضوع طبقہ بندی می شود. الفہرست  
کتابی است کہ از نقطہ نظر تاریخی بسیار سودمند است ، زیرا با  
آنکہ در کمال ایجاز و اختصار نوشتہ شدہ است، مرجع و مأخذ  
مورخان قرار گرفتہ و سرچشمہ بزرگی از علوم و فنون مختلف است  
مانند: شعر، حدیث، نحو، کلام، علم قرائت خطوط، کتابت، فلسفہ  
طب، مذہب مختلف، اعتقادات ملل. همچنین بسیاری از کتابها و  
مؤلفان ناشناس در این کتاب معرفی می شوند .

کتاب الفہرست یکی از جامعترین و بہترین کتابهای دورہ  
تمدن اسلامی است. سبک نوشتہ کتاب بسیار سادہ است و کمتر  
کسی توانستہ از آن تقلید کند.



فیاض (ت) «رجوع شود به لاهیجی»

فیروز آبادی (ت) [ف: ۸۱۷] ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب الشیرازی فیروز آبادی از بزرگان ادب و لغت عرب در قرن هشتم. مولدش فیروز آباد فارس است. ابتدا در شیراز و پس از آن در عراق عرب و بغداد به تحصیل علوم دینی مانند فقه و تفسیر و حدیث پرداخت. بعد به دمشق و اورشلیم رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت پس از دو سال تدریس به آسیای صغیر و قاهره و بعد به مکه معظمه رفت و پانزده سال در آنجا اقامت کرد. پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال در دهلی بسربرد و دوباره به مکه معظمه بازگشت و در سال ۷۹۴ به دربار سلطان احمد بن اویس جلایری به بغداد رفت. مدتی نیز قاضی القضاة یمن بود و در سال ۸۱۷ در یمن وفات کرد. از آثار او تألیف بسیار بزرگی است در علم لغت عرب موسوم به قاموس المحيط.

فیروز مشرقی (ت) [ف: ۲۸۳] از شاعران معروف صفاریان و معاصر عمرو بن لیث. ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است.

فیض کاشانی (ت) [ف: ۱۰۹۱] محمد بن مرتضی الکاشانی. ملامحسن متخلص به فیض از فقیهان و حکیمان معروف عصر صفوی. اهل کاشان بود و در همان شهر به تحصیلات ابتدائی و علوم شرع پرداخت. پس از آن تحصیلات خود را در شیراز نزد ملا صدرا تکمیل کرد. تألیفات فراوانی به ملامحسن نسبت می‌دهند.

از جمله آثار او اصول المعارف، الکلمات المکتونه،

در حکمت و تفسیر والصافی والوافی در حدیث و تفسیر قرآن.  
 از آثار فارسی او ابواب الجنان است که در سال ۱۰۵۵  
 تألیف یافته و موضوعش نماز جمعه و آداب آن است. ملامحسن  
 شعر نیز می‌سرود و دیوانش در حدود شش هفت هزار بیت دارد.  
 (دیوان فیض کاشانی - چاپ تهران)

فیضی دکنی (ت) [ف: ۱۰۰۴] ابوالفیض فیض فیاضی پسر شیخ مبارک  
 هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری. فیضی در  
 سال ۹۵۴ در شهر آگره هندوستان متولد شد و علوم مقدماتی را از  
 پدر فراگرفت و در جوانی به علوم متداول زمان آشنائی یافت و  
 در فقه و تاریخ و فنون شعری دست یافت. فیضی اگر چه در  
 هندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی  
 مانند شاعران خوب فارسی زبان است و او را از رواج دهندگان  
 زبان فارسی در هند می‌شمارند. شعر فیضی در عثمانی و هند بسیار  
 نفوذ یافت. وی از اغلب قصه‌های هندی اطلاع داشته و بعضی از  
 آنها را به فارسی ترجمه کرده است. فیضی در سال ۹۹۶ در دربار  
 اکبر شاه به رتبهٔ ملك الشعرائی رسید.

فیضی اشعار بسیار دارد که ابوالفضل برادر او در یکی از  
 نوشته‌هایش آنها را در حدود پنجاه هزار بیت دانسته است. غزلیاتش  
 به نسام تباشیر الصبح است و تفسیری به نام سواطع الالهام دارد  
 که در سراسر آن يك حرف نقطه‌دار بکار نبرده است.

فیضی مثنویهایی به تقلید نظامی ساخته که بعضی از آنها

نیمه تمام مانده است . خمسه او عبارت است از : مرکز ادوار ، سلیمان و بلقیس ، نل و دمن ، هفت کشور ، اکبرنامه .

فیہ مافیہ (ک) کتابی به نثر مشتمل بر شمه‌ای از مقالات و مجالس مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این کتاب متضمن بحثهای عرفانی و دینی و اخلاقی است . ( چاپ تهران )



## ق

قائنی (ت) [ ف: ۱۲۷۰ ] میرزا حبیب‌الله از شاعران بزرگ ایران در دوره قاجار و معاصر فتحعلیشاه . پدرش نیز شاعر بود و «گلشن» تخلص داشت . قائنی به سال ۱۲۲۲ در شیراز متولد شد و به خراسان سفر کرد و در آنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت . وی نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه تقرب یافت و به فرمان و به مناسبت اسم پسر شجاع‌السلطنه یعنی اوگتای قآن ، قائنی تخلص کرد و به وسیله همین شاهزاده به خدمت فتحعلیشاه رسید و پس از آن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان را مدح گفت . قائنی از معروفترین شاعران قصیده‌سرای دوره قاجار است . در قصیده از شاعران خراسان خاصه عنصری و فرخی و منوچهری پیروی کرده و در ترجیع‌بند و مسمط نیز دست داشته است . قائنی گذشته از دیوان اشعار ، کتابی به نام « پریشان » به نثر دارد که آنرا به سبک گلستان سده‌ی نگاشته است . وی اولین شاعر ایرانی

است که زبان فرانسه را آموخته است. اما آشنائی با زبانهای اروپائی در شعرش تأثیری نکرده است. (دیوان قآنی - چاپ تهران)

قائم مقام (ت) [ف: ۱۲۵۱] میرزا ابوالقاسم فراهانی پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم مقام وزیر عباس میرزا نایب السلطنه که در سال ۱۱۹۳ متولد شد و به وسیله پدر به دربار عباس میرزا راه یافت و در سفرها با شاهزاده همراه بود و کم کم پیشکاری او را برعهده گرفت و در امور صلح و معاهدات با روس کوشش بسیار کرد و اساس سلطنت عباس میرزا را محکم ساخت و بعد از او محمد میرزا را به تخت نشاند و خود به صدارت او منصوب گشت و پس از آنکه تخت و تاج را بی منازع کرد، در سال ۱۲۵۱ به دست دژخیمان به قتل رسید.

قائم مقام در علوم حکمت و ادب و نظم و نثر فارسی و عربی استاد بود. منشآت و مکتوبهای او نمونه نثر فصیح آن عصر و به سبک گلستان است. قائم مقام در شعر از سبک خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار و تجدد است. از آثار معروف او مثنوی فکاهی جلایرنامه است که از زبان جلایر یکی از نوکران اوست که بعدها مورد تقلید ایسرج در عارفنامه واقع گشته است. در مثنوی جلایرنامه اوضاع و نقائص لشکری و کشوری بازبانی هزل آمیز نشان داده شده است. قائم مقام اشعار شکوایی و حزن آوری دارد که اثری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن سیزدهم در آن نمایان است. قایم مقام در شعر «ثنایی» تخلص

کرده است .

قَاب قَوْسین - به قدر دو کمان و در اصطلاح عرفا مقامی است والا و نزدیک به خدا بحدی که مرحله فنا باشد .  
از طاعت بر شده به قاب قوسین

پیغمبر مادر زمین بطحاء

«فاسرخسرد»

قَابُوسَنَامَه (ك) تألیف امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ۴۷۵ در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته است . این کتاب شامل چهل و چهار باب است در مباحث مختلف و فنون و رسوم اعم از کشورداری و لشکرکشی و بازرگانی و علوم متداول زمان . مؤلف همه ابواب کتاب را با حکایتها و تمثیلها آمیخته و از اشعار خود نیز نمونه‌هایی ذکر کرده است . قابوسنامه را می‌توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی و حکمت‌های عملی آمیخته است . نثر قابوسنامه از بهترین و روانترین نثرهای فارسی است .

قارون (تن) پسر عم موسی که از موسی کیمیاگری آموخت و بسیاری از فلزات را به زر تبدیل کرد و خواسته بشمار جمع کرد . آنگاه غرور مال او را بر موسی نا فرمان کرد ، موسی زمین را فرمود تا دهان باز کند و قارون را با خواسته‌اش در خود فرو برد .

قارون هلاك شد كه چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت

«صدی»

قاضی ابوبکر حمیدالدین عمر بن محمود البلخی (ت) [ف: ۵۵۹] از عالمان و فاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی القضاتی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و با شاعران و دانشمندان زمان خود ارتباط علمی و ادبی داشته است، خاصه از انوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، و هنگامی که حکم نجومی انوری بر حسب پیش بینی او در مورد انقلاب جوی صحت نیافت و مردم بلخ بر او شوریدند قاضی حمیدالدین او را از مهلکه نجات بخشید. انوری درباره او و مقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمیدالدین علاوه بر احاطه بر علوم شرعی و قضا در علوم ادبی خاصه نثرنویسی معروف است. تسلط او در نثر مسجع است و کتاب مقامات را به این شیوه نوشته است.

از آثار دیگر او رساله هایی است به نام: وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة، حنین المستجیر الی حضرۃ المجیر، روضة الرضا فی مدح ابی الرضا، منیته الراجی فی جوهر التاجی.

از آثار منظوم او مثنوی سفرنامه مرو است که يك قطعه از آن در مجمع الفصحاء و تذکره هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) [ف: ۶۸۵] ابوالخیر ناصرالدین عبدالله ابوسعید



بیضاوی اهل بیضای فارس که در شیراز شغل قاضی القضااتی داشت پدرش نیز در عهد اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همین مقام را داشت. قاضی بیضاوی از فقیهان و مفسران بزرگ اسلام است. از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به اسرار التنزیل به زبان عربی. دیگر طوابع الانوار در توحید و منهاج الوصول در علم اصول. دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام نظام التواریخ. قاف (د) نام کوه افسانه‌ای که گرداگرد جهان را گرفته است و به روایت «منطق الطیر» عطار جایگاه سیمرغ بوده است.

ملك جهان بگیری از قاف تا به قاف

مال جهان ببخشی از عود تا به قار

«منوچهری»

قافیه (ق) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخریت است بشرط آنکه کلمات عیناً و به یک معنی در آخر ایات تکرار نشده باشد. این جزء شامل يك حرف ساکن اصلی است که آن را روی می- خوانند و حرکت ماقبل آن مانند قمر و شکر، که حروف آخر و حرکت میم و شین یکسان است؛ یا حرف ساکن ماقبل و حرکت پیش از آن مانند بدر و قدر، کاشت و داشت.

قاموس المحيط (ك) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهر مجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را در قرن هشتم هجری تألیف کرده است.

قانعی (ت) امیر بهاء الدین احمد قانعی. شاعری از اهل طوس که در حمله مغول به هندوستان گریخت و از آنجا به مکه و مدینه و بغداد

سفر کرد و سرانجام به آسیای صغیر رفت و در دربار شاهان سلجوقی روم در قونیه اقامت کرد و مثنوی به سبک شاهنامه در تاریخ آن سلسله به نظم آورد و در سال ۶۵۵ کتاب کلیله و دمنه را به فارسی منظوم کرد و به نام عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای صغیر ساخت .

قانون (ک) یکی از مهمترین کتابهای طبیی اسلامی تألیف دانشمند و پزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینا به زبان عربی . این کتاب شامل پنج قسمت است : ۱- در امور کلی طب ۲- در ادویه مفرده ۳- امراض جزئیة اعضاء انسان ۴- امراض جزئیة ای که اختصاص به اعضاء معین ندارد، ۵- در ادویه مرکبه .

کتاب قانون چندبار به طبع رسیده و ترجمه‌های متعددی از آن شده و شروح متعددی بر آن نوشته شده است .

القبای (ت) ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبای اهل بخارا و دیه قبا که در سال ۵۲۳ تاریخ بخارای نرشخی را از عربی به فارسی ترجمه کرده و مطالبی نیز بر آن افزوده است .

قبس (ن) به معنی پاره آتش و در شعر فارسی اشاره به پاره آتشی که در وادی ایمن از درختی بر موسی ظاهر شد .

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس

موسی اینجا به امید قبسی می آید

قبض (ع) (زحاف) در مفاعیلن اسقاط حرف پنجم یعنی یاء است که در این صورت مفاعیلن می شود مفاعیلن ؛ و آن را مقبوض گویند . در فعلون حذف نون است که می ماند فعول ؛ و آن را مقبوض خوانند . قدر (نج) جایگاه ستارگان و نسبت آنها به منطقه البروج که «شرف» نیز خوانده می شود . آنچه را که از همه بزرگتر است ، قدر اول یا شرف اول می خوانند . قدر اول پانزده است .

۱ - سماك اعزل ۲ - سماك راح ۳ - نسر واقع ۴ - نسر طایر ۵ - شعرای یمانی ۶ - شعرای شامی ۷ - عیوق ۸ - دبران ۹ - قلب الاسد ۱۰ - فم الحوت ۱۱ - منكب الجبار ۱۲ - قدم الجبار ۱۳ - سهیل ۱۴ - آخر النهر ۱۵ - رجل قنطورس

قدم الجبار (نج) از ستارگان قدر اول که در شکل «جبار» است و آنرا جوزا خوانند .

قران (نج) به معنی گرد آمدن و نزدیک شدن است، در اصطلاح نجوم وقتی است که دو ستاره به یکجا گرد شوند . قران مطلق گردد آمدن زحل و مشتری است و آن به هر بیست سال یک بار باشد . قران بعضی از ستارگان نحس است و بعضی سعد . از آن جمله قران ماه و مشتری که هر ماه یکبار واقع می شود سعد است :

گفتم که خواجه کسی به سر حجله می رود

گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند

«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی، اصل آن «مفاعیلن مفاعیلن

فاعلاتن» ۲ بار است. این وزن از آن بحر در فارسی گاهی به کار رفته است : بحر قریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاع لان ۲ بار) .

می‌آرد شرف مردمی پدید و ازاده‌نژاد از درم‌خرید

قزوینی (ت) [ف : ۱۳۲۸ شمسی] محمدبن عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی از محققان و دانشمندان معاصر که در سال ۱۲۹۴ قمری در تهران متولد شد . تحصیلات متداول را مانند صرف و نحو و فقه و کلام و حکمت در نزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل‌الله‌نوری و حاج شیخ‌علی‌نوری و ملا محمد آملی و ادیب پیشاوری آموخت و بخصوص در ادبیات عرب شوق فراوان یافت . قزوینی در سال ۱۳۲۲ قمری سفری به لندن کرد و در آنجا با جمعی از مستشرقان از جمله ادوارد براون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت . در سال ۱۳۲۴ برای مطالعه نسخه‌های فارسی و خاصه نسخه‌های کتاب جهانگشای جوینی که به تصحیح آن مصمم گشته بود به پاریس رفت . در پاریس با علی اکبر دهخدا ملاقات کرد و در مدت اقامت اغلب در مصاحبت یکدیگر بودند . در سال ۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانی اول با حسینقلی خان نواب به برلن رفت و تا پایان جنگ آنجا ماند و دوباره به پاریس بازگشت . قزوینی کتابهایی مانند لب‌الب‌الباب عوفی، المعجم فی معانی اشعارالعجم، چهار مقاله عروضی، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای جوینی را تصحیح کرده و دیوان حافظ را با همکاری دکتر غنی تصحیح و

چاپ کرده است .

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی و تاریخی اوست که در جراید مختلف پارسی در ایران و اروپا منتشر شده و با کوشش و مقدمه پورداوود در سال ۱۳۰۷ش به چاپ رسیده است . دیگر یادداشت‌هایی است شامل نکته‌هایی در باره مطالب مختلف .

قشیری (ت) [ف : ۴۶۵] از عالمان و عارفان قرن پنجم که در علوم عقلیه و نقلیه و فنون طریقت استاد بود . از تألیفات او رساله القشیریه است در تصوف و شرح حال رجال صوفیه . دیگر لطایف الاشارات در تفسیر .

قصر (ع) (زحاف) در مفاعیلن حذف نون و اسکان لام است که می‌شود مفاعیل و آن را مقصور خوانند . در فاعلاتن حذف نون و اسکان تاء است که می‌شود فاعلات بجای آن فاعلان می‌گذارند و آن را مقصور خوانند . در فاع لانن مانند قصر است در فاعلاتن .

در مس تفع لن حذف نون و اسکان لام است که می‌ماند مستفعل و بجای آن مفعولن می‌گذارند، و آن را مقصور خوانند . در فعولن حذف نون و اسکان لام است که می‌ماند فعول؛ و آن را مقصور خوانند .

قصص الانبیاء (ک) تألیف ابواسحق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری که در آن از روایات کلیبی در ذکر قصص قرآن نقل کرده است

مؤلف میان روایت خود و کلبی هفت واسطه ذکر کرده است. این کتاب در قرن پنجم هجری تألیف یافته و عبارات و ترکیباتش کهنه است. (چاپ تهران)

قصیده (ب) اشعاری است که مصراع اول و تمام بیت‌های آن دارای قافیه واحد باشد، عدد بیت‌های قصیده تا سیصد می‌رسد. ابتدای هر قصیده تغزل است یا وصف طبیعت، پس از آن شاعر تغزل را به مدح یا ذم می‌کشانند مانند قصاید فرخی، عنصری، خاقانی، انوری.

قطان مروزی (ت) [مقتول: ۵۴۸] عین الزمان امام ابوعلی حسن بن علی از حکیمان و پزشکان و ادیبان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم. وی به سال ۴۶۵ در مرو متولد شد و در جوانی به تحصیل فقه و حدیث پرداخت و در طب و هندسه و حکمت مهارت یافت و از انواع علوم ادبی اطلاع کافی تحصیل کرد. امام حسن قطان معاصر رشید و طواطم بوده و با او مکاتبه داشته است. وی در سال ۵۴۸ در حادثه غز اسیر شد و به قتل رسید.

از آثار او، بحثی در عروض است به فارسی که صاحب المعجم بدان اشاره کرده است و دو شجرهٔ اخرب و اخرم برای استخراج اوزان مختلف رباعی از ابداعات اوست. دیگر کتاب الدوحة در انساب و رسایلی در طب، از همه مهمتر کتاب کیهان‌شناخت است به زبان فارسی که آن را در حدود سال ۵۰۰ هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است.

قطب‌الدین رازی (ت) [ف: ۷۶۶] قطب‌الدین محمد بن محمد رازی از

شاگردان عضدالدین ایجی اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خود را در شام گذرانده است. در حکمت و منطق تألیفاتی دارد، از آنجمله است: شرح الرسالة الشمسیه معروف به شرح شمسیه در منطق که آن را به نام خواجه غیاث الدین محمد نوشته و در شرح کتاب کاتبی قزوینی است. دیگر کتاب لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار، کتاب محاکمات که در آن امام فخررازی و خواجه نصیرالدین طوسی را، به مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی سینا، محاکمه کرده است.

قطب‌الدین شیرازی (ت) [ف: ۷۱۰] قطب‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین مسعود شیرازی معروف به علامه شیرازی پدر قطب‌الدین اهل کازرون بود، اما او در شیراز متولد شد و نزد پدرش که از اطباء معروف و مشایخ صوفیه بود به آموختن علم طب پرداخت و در ده سالگی خرقه تصوف پوشید و پس از پدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد. وی هرگز از تحصیل بازنشست و قانون ابن سینا را نزد عموی خود آموخت. پس از چندی عزم سفر کرد و راه مراغه را پیش گرفت و به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسید و علم هیئت و کتاب اشارات ابن سینا را نزد او خواند. پس از چندی به خراسان و عراق عجم و از آنجا به بغداد و روم رفت و با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. قطب‌الدین آنگاه در قونیه اقامت کرد و از صدرالدین قونیوی طریقه ارشاد را فراگرفت و با حاکم روم، معین‌الدین سلیمان پروانه آشنا شد و به فرمان او به قضاء

سیواس و ملاطیه منصوب گردید و در سال ۶۸۱ از طرف احمد تکودار به سفارت مصر رهسپار شد. از مصر به شام رفت و در آنجا کتاب قانون و شفاء ابن سینا را تدریس کرد و به تبریز رفت و قریب چهارده سال عزلت اختیار کرد و به تصنیف پرداخت. قطب الدین در دربار اباقخان و غازانخان مقام بلندی داشت و مورد احترام شاگردان خود بود. وی رباب می نواخت و شطرنج می باخت و در انواع علوم خاصه در ریاضی استاد بود.

از آثار او به عربی: *نهاية الادراك في دراية الافلاك، التحفة - الشاهيه، شرح حکمة الاشراف سهروردی، فتح المنان في تفسير القرآن* وحاشیه بر کتاب *الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری* و غیره است و به فارسی کتاب *درة التاج* است.

قطران (ت) [ ف : ۴۶۵ ] حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی از شاعران قرن پنجم و دوره سلجوقی و از نخستین کسانی است که در آذربایجان به فارسی شعر سروده است. قطران از طبقه دهقانان بود که به شاعری پرداخت. از ممدوحان وی امیر ابو الحسن علی لشکری فرمانروای گنجه و امیر ابومنصور و هسودان بن محمد فرمانروای تبریز و ابونصر محمد بن و هسودان معروف به میلان است.

از آثار قطران دیوان شعر اوست شامل قصاید و غزلیات و رباعیات و ترجیعات. *سبک قطران* بیشتر به *سبک فرخی* و عنصری متمایل بوده است. از قصاید معروف او قصیده ای است در وصف زلزله تبریز که به سال ۴۳۴ رخ داده. اغلب اشعار قطران



با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت نام ممدوح رودکی ابونصر سامانی با کنیه ممدوح قطران ابونصر مملان می باشد. جز دیوان، کتاب لغتی به نام تفاسیر فی اللغة الفرس به او منسوب است. (دیوان قطران - چاپ تهران)

قطع (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف نون واسکان لام است که می شود مستفعل بجای آن مفعولن می گذارند و آن را مقطوع گویند. قطعه (ب) شعری است که از چند بیت درست شده و از حیث ظاهر مانند قصیده است، جز آنکه دو مصراع اول آن مستلزم داشتن قافیه واحد نیست. از حیث معنی، مجموع چند شعر است در بیان يك معنی و مقصود که معمولاً پند و حکمت و یا تقاضائی است. قطعه غالباً از سه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب یا مضمون یا کلمه ای را بطور مطبوعی واژگون کنند و بر چند قسم است.

### قلب کل :

در پای کوی تو سر ما می توان برید

نتوان بریدن از سر کوی تو پای ما

قلب مستوی : آن است که اگر هر يك از دو مصراع وارونه

شود، خواندنش فرق نمی کند.

شو همره بلبل به لب هر مهوش

شکر به ترازوی وزارت بر کش

قلب مجنح : آن است که کلمه های قلب شده در ابتدا و

انتهای مصراع قرار گیرد.

گنج دولت دهد گزارش جنگ

رای نصرت کند حمایت یار

قلب بعض: آن است که بعضی حروف در دو کلمه

مقلوب واژگون شود مانند سبحان و سبحان در این شعر:

توان در بلاغت به سبحان رسید

نه در کنه بیچون سبحان رسید

«سدی»

قلب الاسد (نج) از ستارگان قدر اول که در برج «اسد» قرار گرفته

است.

گرگاهی کافتاب استاده در قلب اسد

سنگ‌وریگ ثعلیه بید وریحان دیده‌اند

«خاقانی»

قلندر - به کسی اطلاق می‌شود که از قیود تکلفات و عادات وارسته و

طالب جمال حق باشد.

تا حضرت عشق را ندیمیم در کوی قلندران مقیمیم

«خاقانی»

قمر (نج) ماه است که در فلک اول قرار دارد و نزدیکترین سیارات به

زمین می‌باشد.

قمر بان چشم درد گین شود سپیده دم شود چو توتیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ت) ابوالقاسم زیاد بن محمد القمری الجرجانی از شاعران

نیمه دوم قرن چهارم و معاصر قابوس و شمس‌گیر که اشعاری در مدح

آن پادشاه سروده است. اشعاری از او در لباب‌الالباب ضبط است. قمی (ت) [ ف : نیمه آخر قرن چهارم ] ابو نصر حسن بن علی منجم‌القمی از منجمان قرن چهارم و معاصر فخرالدوله دیلمی . از آثار او کتاب البارغ در مدخل احکام نجوم است که آنرا در حدود ۳۶۷ تألیف کرده است .

قمی (ت) حسن بن محمد بن حسن قمی از عالمان و مورخان قرن چهارم هجری که در سال ۳۷۸ به تشویق صاحب بن عباد و فخرالدوله دیلمی کتاب تاریخ قم را به زبان عربی تألیف کرد .

قمی (ت) حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی از نویسندگان قرن نهم که کتاب تاریخ قم را در سال ۸۰۵ از عربی به فارسی ترجمه کرده است .

قوامی رازی (ت) شرف‌الشعرا امیربدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمه اول قرن ششم و مداح قوام‌الدین طغرایی که تخلص خود را از نام او گرفته است . قوامی شیعی مذهب بود و اشعار فراوانی در مدح خاندان پیغمبر و مرثیه آنان و همچنین اشعار پندآمیز مبتنی بر افکار دینی دارد . غزلهای عاشقانه قوامی بسیار لطیف است .  
(دیوان قوامی - چاپ تهران ۱۳۳۴ شمسی)

قوس (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل کمان . برج قوس برابر ماه آذر است .

کمانور را کمان در چنگ مانده

دوپای آزرده دست از چنگ مانده

قونیوی (ت) [ ف : ۶۷۱ ] صدرالدین قونیوی از عارفان نامی و مشایخ مشهور قونیه است . وی تحت سرپرستی ناپدری خود یعنی محی‌الدین ابن‌العربی به‌اخذ علوم متداول زمان موفق شد و در فقه و حدیث و علوم باطنیه و ظاهریه و عقلیه و نقلیه استادگشت .  
 مولانا جلال‌الدین رومی از شاگردان وی بوده است .  
 صدرالدین قونیوی دارای آثار بسیاری است از جمله تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن و احادیث .

قید (ق) از حروف قافیه . حرف ساکنی است که پیش از روی قرار می‌گیرد . حروف قید در فارسی ده است . س ، ش ، ه ، ب ، ف ، ر ، خ ، ن ، غ ، ز ، مانند : دست ، دشت ، سپهر ، ابر ، صفر ، سرو ، بخت ، رنج ، مغز ، رزم .  
 مراعات حرف قید در قوافی واجب است .

کاتب بغدادی (ت) ابو الفرج قدامة بن جعفر از شاعران و ادیبان و فیلسوفان قرن چهارم که در دولت عباسی مقامات عالی داشت . از آثار او نقد الشعر در بدیع که شامل بیست نوع از صنایع بدیع است. دیگر نقد النثر ، صناعة الجدل ، الخراج و تریاق الفکر .

کاتبی نیشابوری (ت) [ف : ۸۳۸] محمد بن عبدالله ترشیزی از شاعران قرن نهم در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده است، از اینرو گاهی او را ترشیزی و گاهی نیشابوری می خوانند . کاتبی از نیشابور به هرات و از آنجا به استرآباد و شیروان سفر کرد و مدتی در خدمت شیخ ابراهیم سلطان شیروان ماند و از آنجا به آذربایجان رفت و قصیده ای در مدح سلطان اسکندر بن قرا یوسف ترکمان ساخت ، سپس به اصفهان عزیمت کرد و در آنجا به مولانا خواجه صائین الدین علی ترکه از بزرگان عرفا برخورد و پیرو طریقه او شد و بقیه عمر را به عزالت و قناعت گذراند و دوباره به استرآباد برگشت

و همانجا وفات یافت .

دیوان کاتبی مشتمل است بر سه هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه و رباعی . سه مثنوی بنام تجنیسات، ذوبحرین، ذوقافیتن و منظومه‌هایی به نام: حسن و عشق، ناظر و منظور، بهرام و گل اندام دارد. کارنامهٔ بلخ (ک) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم در پانصد بیت که آنرا در شهر بلخ و در عهد سلطنت مسعود بن ابراهیم ساخته است. موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای هجو و مطایبه است و به این جهت آنرا مطایبه‌نامه نیز گویند. (این منظومه با تصحیح مدرس رضوی در جلد سوم از دفتر چهارم فرهنگ ایران زمین چاپ شده است.)

کاشفی (ت) [ ف : ۹۱۰ ] مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی از فضلان نامی دورهٔ آخر تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا. کاشفی اهل سبزوار است که در هرات به وعظ می‌پرداخته و در علم کلام و حدیث و تفسیر و سایر فنون ادب استادی داشته و در نثر فارسی هنرمند بوده است. از آثار معروف او کتاب: انوار سهیلی، صحیفهٔ شاهی یا مخزن الانشاء، لب‌لباب مثنوی مولوی، روضه الشهداء، تفسیر مواهب علیه، اخلاق محسنی و اسرار قاسمی در سحر و طلسم است. کاشفی (ت) فخرالدین علی بن حسین کاشفی . پسر حسین واعظ کاشفی که کتاب رشحات عین الحیاة را در سال ۹۰۹ تألیف کرده است . دیگر از آثار او کتاب لطائف الطوائف است .

الکافی (ک) تألیف فقیه و محدث معروف اسلامی محمد بن یعقوب کلینی .

کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست سال در تألیف آن وقت صرف کرده و شامل شانزده هزار حدیث است که مرجع علمای شیعه و فقیهان و محدثان می باشد. (الکافی با ترجمه فارسی - چاپ تهران)

کافی ظفر همدانی (ك) از شاعران او آخر قرن پنجم و معاصر ملکشاه بن البارسلان سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵) . در لباب الالباب چند قصیده و غزل از او نقل شده است .

کامل (ع) از بحور شعر عربی که در آن زبان مسدس است و در فارسی به ندرت بکار می رود . وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:  
بحر کامل مثنی (هر مصراع متفاعلن ۴ بار):

به حریم خلوت خود شی چه شود نهفته بخوانیم

به کنار من بنشین و به کنار خود بنشینم

کامل التواریخ (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی بن محمد معروف به ابن اثیر . این کتاب شامل ده جزء است مشتمل بر تاریخ عالم از ابتدای خلقت تا سال ۶۲۸ هجری . ابن اثیر در کتاب الکامل تاریخ پیغمبران و شاهان را به هم آمیخته است . و در نقل، از کتاب تاریخ طبری تقلید کرده و حذف و اضافاتی در آن بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است . الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانبهای آن دوره به شمار می رود .

کاووس (ش - د) از شاهان سلسله کیان و پسر کیکاوود که به یاری رستم

مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاه هاماوران رفت و به زندان افتاد و به دست رستم نجات یافت و سودابه دختر شاه هاماوران را گرفت و به ایران بازگشت. کاووس يك بار به فریب اهریمن به آسمان پرواز کرد و عقابهایی که تخت او را می کشیدند وی را در سرزمین آمل فرود آوردند. کاووس به خود کامکی و تندی معروف بود و بارستم که بارها او را از رنجهار هانیده بود، به تندی رفتار می کرد، چنانکه از دادن نوشدارو در مرگ سهراب خودداری کرد. همچنین با سیاوش پسر خود رفتاری ناجوانمردانه پیش گرفت، بر او خشمگین شد و او را به سرزمین توران فرستاد و دیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره گیری کرد و تخت و تاج را به کیخسرو پسر سیاوش وا گذاشت.

کاوه آهنگر (ش.د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه بر ضحاک که پسرانش را کشته بود، شورید و چرم پاره ای بر سر چوب کرد و مردم را به پیکار با ضحاک برانگیخت. ضحاک را در کوه دماوند به زندان کرد و فریدون را بر تخت نشاند.

کتاب (۱) (ک) کتاب معروفی است در نحو تألیف ابوالحسن عمرو بن عثمان سیویه. این کتاب در قرن دوم هجری تألیف یافته و شهری جهانی پیدا کرده است.

کسائی مروزی (ت) [ف: ۳۹۱] ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. از شاعران اواخر قرن چهارم که ناصر خسرو شاعر معروف در اشعار خود بسیار از او نام برده و به پیری و فرسودگی



او اشاره کرده است. کسائی قصایدی در مدح وزیر سامانیان و همچنین سلطان محمود غزنوی دارد و گذشته از توصیفات و مدایح، قصایدی هم در پند و اندرز و حکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است و ناصر خسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ایراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او در تذکرها و فرهنگها نقل شده است. کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگر میان زمین و آفتاب واقع شود، آفتاب را از چشم می‌پوشاند و سیاهی که بر آفتاب دیده می‌شود سایهٔ ماه است. کسوف یا تمام و کلی است یا ناقص

### و جزئی

تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر

آید به زیر سایهٔ عدلت به زینهار

«انوری»

الكشاف (ك) از مهمترین تفسیرهای معتزله تألیف ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (متوفی ۵۳۸). مؤلف در این تفسیر دربارهٔ خصوصیات صرف و نحو و معانی و بیان و شأن نزول آیات و مسائل اعتقادی معتزله بحث کرده است. کشاف از تفسیرهای پرازش است و شروح بسیار بر آن نوشته شده است.

كش (زحاف) (ع) در مفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را مکشوف خوانند.

كش الاسرار و عدة الابرار (ك) از مهمترین تفسیرهای پارسی قرآن،

تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیبیدی . این تفسیر در سال ۵۲۰ انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن ، و بعقیده مؤلف خواجه عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیار به کار برده ولی او به شرح و بسط بیشتری پرداخته است و در بسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به « پیر طریقت » یا « عالم طریقت » یاد کرده است . (چاپ دانشگاه تهران)

کشف المحجوب (ک) تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که آنرا به درخواست شیخ ابوسعید هجویری در اواسط قرن پنجم در لاهور تألیف کرده است . این کتاب از جمله قدیمترین کتابهای صوفیه می باشد که عطار در تذکرة الاولیاء و جامی در نفحات الانس از آن استفاده کرده اند . کشف المحجوب تذکرةای است از احوال اصفیاء و اولیاء و تاریخ مشایخ صوفیه و اقوال آنان . سبک نثر کتاب ساده و روان است ولی گاه نثر موزون در آن به کار رفته است . (چاپ تهران)

کشف المحجوب (ک) تألیف ابو یعقوب اسحق بن احمد سکزی که در اوائل قرن پنجم تألیف یافته و از مهمترین آثار اسمعیلیه محسوب می شود و شامل هفت مقاله است در توحید ، خلق اول (خرد) ، خلق ثانی (نفس) ، خلق ثالث (طبیعت) ، خلق رابع (موجودات روی زمین) ، خلق خامس (نبوت) ، خلق سادس (برانگیختن یعنی بعث و شورومعاد) . سبک نگارش کتاب بسیار کهنه است .

کشتور (ك) کتابی تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دوره صفویه . این کتاب شامل مطالب گوناگون اخلاقی و ادبی به نظم و نثر عربی و فارسی است و بارها به چاپ رسیده است .

کف (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون است که می ماند مشاعیل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

در فاعلاتن حذف نون است که می ماند فاعلات ، و آن را مکفوف گویند .

در فاع لاتن مانند کف در فاعلاتن است .

در مس تفع ل ن حذف نون است که می ماند مستفعل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

الکفایة (فی فروع الشافعیة) (ك) منسوب به امام البغوی الشافعی (متوفی ۵۱۶) محدث و مفسر معروف که آن را در اوایل قرن ششم در باره فقه شافعی تألیف کرده است . از مشخصات این کتاب آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی ذکر شود . از این کتاب يك نسخه به نام کفایة فی الفقه الفارسیه جزو نسخه های کتابخانه دانشگاه تهران موجود است .

کلب کبیر (نج) یا کلب الجبار از صورتهای فلکی در جنوب منطقه البروج به شکل سگ بزرگ .

کلب مقدم (نج) از صورتهای فلکی در جنوب منطقه البروج به شکل سگ .

کلبهٔ احزان (تن) خانه‌ای که یعقوب در آن مقیم بود و بر فراق یوسف

می‌گریست .

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

کلبی (ط) لفظی است که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد . مانند

مردم، که بر عمر و زید و بکر دلالت کند ؛ و حیوان ، که شامل

اسب و سگ و شیر و گربه و موش و انسان و انواع دیگر جانداران

است .

کلیات خمس (ط) عبارت است از : نوع ، جنس ، فصل ، عرض عام ،

عرض خاص .

از اینها سه ذاتی است : نوع ، جنس ، فصل .

و دو عرضی است : عرض عام ، عرض خاص .

کلیله و دمنه (ک) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به

وسیلهٔ برزویه طبیب از هندوستان به ایران آورده شد و از زبان

سانسکریت به پهلوی نقل گردید و سپس از پهلوی به وسیلهٔ

عبدالله بن المقفع به عربی در آمده است . رودکی کلیله و دمنه را

به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات پراکنده چیزی در

دست نیست . پس از آن در اوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله بن

محمد بن عبدالحمید منشی ترجمه‌ای از عربی به عبارت منشیانهٔ فارسی

ترتیب داد و آن را به نام ابوالمظفر بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم

ساخت . این ترجمه معروفترین ترجمه کلیلهدومنه است و از آثار نثرمصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به آوردن مترادفات و استشهاد به اشعار و آیات و امثال عربی و فارسی مقید بوده است. کتاب کلیلهدومنه برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده و قوت ترکیب و حسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است مانند انوارسهیلی حسین واعظ کاشفی و عیار دانش .

کتاب کلیلهدومنه در چندین باب است که یکی از آنها در ذکر حال برزویه طبیب می‌باشد و بقیه در حکمت و موعظت و پند و امثال که با داستانها و قصه‌ها بر زبان وحوش و حیوانات آمیخته است .

کتاب کلیلهدومنه مطابق گفته نصرالله منشی شامل شانزده باب بوده که ده باب آن متعلق به هندیان بوده است و شش باب را ایرانیان بر آن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم‌الله (تن) «رجوع شود به موسی»

خارا چو مار بر کشم و پس به يك عصا

ده چشمه چون کلیم ز خارا بر آورم

«خاقانی»

کلیم همدانی (ت) [ ف : ۱۰۶۱ ] ابوطالب کلیم کاشانی . در

همدان تولد یافت و مدتی در شیراز بسر برد و پس از آن به هندوستان سفر کرد و پس از چندی به وطن بازگشت ، ولی

دوباره به هندوستان رفت و به دربار شاه‌جهان راه یافت و نزد او تقرب پیدا کرد و به لقب ملك الشعرائی ملقب گشت. کلیم با شاه‌جهان به کشمیر رفت و چون شیفته هوا و مناظر طبیعی آنجا شد، با اجازه شاه‌جهان همانجا ماند تا درگذشت.

کلیم در تمام فنون شعر وارد است، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم در غزل‌سرائی است. غزل‌های وی دارای نیروی تخیلی می‌باشد که حتی در مضامین معمولی نیز در شعرش دیده می‌شود. کلیم علاوه بر نازک خیالی لفظ را نیز فراموش نکرده و کلامش یکدست و متجانس است. (دیوان کلیم - چاپ تهران)

کلینی (ت) [ف: ۳۲۹] ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحق کلینی رازی از محدثان و فقیهان معروف شیعه و از فتوی دهندگان معروف اسلامی. اولین محدث امامی است که به جمع و نقل اخبار دینی پرداخته است و در قرن چهارم اغلب مشایخ محدثان از او روایت کرده‌اند.

از آثار او: رد قرامطه، تعبیر الرویا، رسائل الاثمه، کتاب

الرجال است و از همه معروفتر کتاب الکافی در علم دین است.

کم (ط) (از مقولات عشر) از جمله عرضهاست که در مفهوم آن تقسیم کردن معتبر است و عبارت از قدر و اندازه اشیا است.

کمال خجندی (ت) [ف: ۸۰۳] کمال الدین خجندی از شاعران عارف قرن هشتم در خجند از بلاد ماوراءالنهر متولد شد و پس از

چندی به تبریز مهاجرت کرد و در خدمت سلطان حسین جلایر  
تقرب یافت، چنانکه سلطان برایش خانقاهی ساخت. در سال ۷۸۷  
که امیر قبچاق به تبریز تاخت، بسیاری از دانشمندان را به پایتخت  
خود برد، از آنجمله کمال بود. وی چهار سال در آن شهر ماند،  
دوباره به تبریز برگشت و همانجا ماند تا در خانقاه خود وفات  
یافت.

کمال در غزل عارفانه استادی داشته و اشعارش مورد نظر  
حافظ بوده است. دیوانش شامل غزلیات و قطعات و چندین رباعی  
است. (دیوان کمال خجندی- چاپ تبریز)

کمال خوارزمی (ت) [ف: در حدود ۸۴۰] کمال الدین حسین بن خوارزمی  
از نویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۵ و ۸۴۰ به دست  
اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد. کمال صاحب تألیفات بسیار  
است، از جمله دوشرحی است که بر کتاب مثنوی مولانا جلال الدین  
رومی نوشته. یکی به نام کنزالحقایق است که مختصر می باشد و  
دیگری که مفصل تر است جواهر الاسرار و ظواهر الانوار نامیده  
شده است.

کمال الدین اسمعیل (ت) [ف: ۶۳۵] خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل  
بن جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی از شاعران و قصیده  
سرایان معروف عراق در قرن هفتم. وی نیز مانند پدر (جمال الدین  
عبدالرزاق) مداح خاندان آل صاعد و آل خجند بوده است.  
کمال الدین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و سپهبدان طبرستان را

نیز مدح کرده است ، دوره وحشتناک مغول را به چشم دیده و در واقعه قتل عام اصفهان به دست مغول ، متواری گشته و سرانجام در سال ۶۳۵ به دست آنسان کشته شده است. کمال الدین در قصیده استاد است و معمولاً قصایدش بدون تغزل شروع می شود و اغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال الدین در توصیف اصفهان و روزگار آبادی و خرابی آن قصاید بسیار دارد. (دیوان کمال الدین - چاپ تهران)

کمالی سبزواری (ت) [ف: در حدود ۱۰۲۰] از شاعران عهد شاه عباس صفوی ، منظومه‌ای به نام عباس‌نامه دارد که در آن جنگهای شاه عباس را شرح داده است .

کمال‌نامه (ک) مثنوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم که آن را در سال ۷۴۴ بر وزن هفت پیکر نظامی و به نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است.

کمان رستم (نج) کنایه از قوس و قزح.

چون تیغ زند آفتاب رایت      بر ایر بسگرید کمان رستم

«ابوالفرج رونی»

کنایه (ب) هرگاه بجای آنکه کسی یا چیزی را نام ببرند یا عملی را صریحاً بیان کنند ، یکی از لوازم آن شخص یا حیوان یا امری که از صفتی حاصل می شود یا نتیجه عملی را بیان کنند ، معنی مقصود به کنایه ادا شده است. فی المثل اگر بجای خر اورا «دراز گوش» بخوانند ، شنونده معنی خر را درمی یابد، زیرا که داشتن



گوش دراز از لوازم و مختصات خر است . پس نام خر به کنایه بیان شده است .

کندی (ت) [ف: در حدود ۲۵۰] ابویوسف یعقوب بن اسحق از حکیمان و فیلسوفان و ریاضی دانان عرب در قرن سوم هجری. وی بسیاری از علوم متداول زمان را نزد حکمای عصر فرا گرفت و به علت استعداد فطری از مشاهیر علمای عصر خود گشت . ابومعشر - بلخی از شاگردان وی بوده است . کندی کتابهای بسیاری از یونانی به عربی ترجمه کرده است و خود آثار بسیاری در فلسفه و نجوم و هندسه و طب و موسیقی دارد .

کنعان (تن) شهری که یعقوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناهنده شد و دختر او را گرفت و همانجا ماند .

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

کوثر (تن) چشمه‌ای در بهشت که همهٔ چشمه‌های بهشت از آن جاری می‌گردد .

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست

تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست

«حافظ»

کوشیار (ت) «رجوع شود به گیلی»

یکی در نجوم اندکی دست داشت

ولی از تکبر سری مست داشت

بر کوشیار آمد از راه دور

دلی پر ارادت سری پر غرور

«سمدی»

کوکب (نیج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلک که غیر نورانی است .

شنیدستم که هر کوکب جهانی است

جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) «رجوع شود به فرهاد»

چو شه بشنید قول انجمن را

طلب فرمود کردن کوهکن را

«نظامی»

کپکشان (نیج) «رجوع شود به مجره»

چشم بزغاله بر آن خوشه که خرمن کرده شب

داس کژ دندان ز راه کپکشان انگیخته

«خاقانی»

کیخسرو (ش-د) از شاهان سلسلهٔ کیان ، پسر سیاوش و فرنگیس ،

که پس از مرگ سیاوش در سرزمین توران بسه دنیا آمد . پیران

ویسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شد . گیو پهلوان ایران مأمور

آوردن کیخسرو به ایران شد و پس از هفت سال جستجو او را

در مرغزاری یافت و از خالی که بر بازو داشت و نشان کیانیان

بود ، او را شناخت و با خود به ایران آورد . سران ایران در

پادشاهی کیخسرو همداستان نبودند و گروهی فریبرز پسر کاووس

را سزاوارتر می‌دانستند. کاووس برای آزمایش، هر دو را به گشودن دژ بهمین فرستاد. کیخسرو پیروز شد و به شاهی رسید. کیخسرو به کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته شد. کیخسرو شصت سال شاهی کرد و پس از آن به عبادت پرداخت و سران کشور را جمع کرد و کناره‌گیری خود را اعلام کرد و لهراسب را به تخت نشاند و به بزرگان گنج بخشید و ایشان را بدرود گفت و خود روی به کوهی نهاد و ناپدید گشت.

کیف (ط) (از مقولات عشر) عرضی است که نه می‌توان آن را قسمت کرد و نه نسبت داد. مثل سبکی، سنگینی. کیف اگر مختص به نفس حیوان و انسان باشد نقصانیه است. مثل: قدرت، اراده و اگر با حواس پنجگانه بتوان ادراک کرد محسوسه است مثل: طعم، رنگ.

کیقباد (ش-د) نخستین شاه کیانی و از نژاد فریدون. چون تخت ایران پس از مرگ گرشاسب بی شاه ماند زال، به اشاره مؤبد، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد. رستم کیقباد را از کوه البرز آورد و بر تخت نشاند.

کیمیای سعادت (ک) تألیف حجة الاسلام امام محمد غزالی که آن را پس از سفر دهساله خود میان سالهای ۴۹۰ و ۵۰۰ به زبان فارسی نگاشته است. کیمیای سعادت خلاصه‌ای است از احیاء العلوم که به زبان عربی نوشته شده بود و در چهار موضوع یا چهار عنوان

است . شناختن نفس، شناختن حق تعالی ، شناختن دنیا ، شناختن آخرت . این کتاب هم جنبه اخلاقی و دینی دارد و هم حکمتی و علمی . نثر کیمیای سعادت روان و در عین حال بسیار پخته و پر مغز و نثری عارفانه و ادبی است. (چاپ تهران)

کیومرث (ش - د) نخستین شاه پیشدادی که آئین تخت و تاج را آورد و شاه شد و سی سال سلطنت کرد . به روایت شاهنامه غذا پختن و جامه دوختن از پوست جانوران را او به مردمان آموخت .

## گ

گربهٔ ابوهریره - ابوهریره از اصحاب حضرت محمد(ص) بود و به علت نیروی حافظه بیشتر احادیث را از بر داشت و بسیاری از اصحاب از وی نقل قول می کردند. وی بسیار گربه دوست بود، يك بار که در حوض-ور پیغمبر (ص) بچه گربه ای بر زانو داشت ، حضرت نام ابوهریره به او داد، زیرا هریره به معنی گربه کوچک است . گربهٔ ابوهریره در ادبیات فارسی مانند سگ اصحاب کهف نمونهٔ حیوانی با عزت و حرمت و قابل احترام می باشد . سعدی در گلستان باب سوم در حکایتی نوشته است : مالدارى را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم... تا به جایی که نانی به جانی از دست ندادی و گربهٔ ابوهریره را به لقمه ای ننواختی و سگ اصحاب کهف را استخوانی نینداختی.

گردآفرید (ش - د) دختر نیرومند و پهلوانی که روی بسته به جنگ سهراب رفت و رشادتها کرد و با حیله او را تا دژ سپید کشید و خود را به داخل دژ افکند و در را به روی سهراب بست و خود وهمه

ایرانیان دژنشین را نجات داد .

گردیزی (ت) ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی غزنوی از نویسندگان دوره غزنوی و معاصر سلطان عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین . وی در زمان این پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده است که به زین الاخبار معروف است .

گرشاسب (ش - د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود و حکیم اسدی طوسی در قرن پنجم داستان دلاوریهای او را به نظم آورده و به گرشاسب نامه موسوم ساخته است .

گرشاسب نامه (ك) داستان منظومی تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی که در سال ۴۵۸ نظم آنرا به پایان رسانده است . این منظومه در حدود ده هزار بیت دارد و در شرح حال گرشاسب پهلوان سیستان و جد رستم است . شاعر سفرهای گرشاسب را به کشورهای هند و افریقه و هنر نمائیها و پهلوانیهای او و جنگهایی را که با اژدها و دیو و ببر کرده است به تفصیل وصف می کند و داستان را با بحثهایی مانند نکوهش جهان و ستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز و امثال آن می آمیزد .

اسدی گرشاسب نامه را از متن منثوری گرفته که شاید همان گرشاسب نامه منثور ابوالمؤید بلخی بوده و جزو شاهنامه او محسوب می شده است . اسدی در نقل داستان و وصف میدانهای جنگ و مناظر طبیعی استادی نشان داده است .

داستان گرشاسب نامه نخستین داستان حماسی است که پس

از شاهنامه فردوسی و به تقلید آن به نظم آمده است . ( چاپ

تهران )

گرگ (تن) در ادبیات فارسی اشاره به گرگی است که برحسب گفتار

دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

در کوی تو معروفم و از روی تو محروم

گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده

«سعدی»

گشایش و رهایش (ک) از رساله‌های فارسی تألیف ناصر خسرو قبادیانی

شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم . این کتاب شامل جوابهایی است

که ناصر خسرو به سؤالهای یکی از برادران دینی داده است . کتاب

حاوی سی سؤال و جواب است که ناصر خسرو با زبانی ساده و

روشن درباره امور دین و حل مشکلات آورده است .

گشتاسب (ش - د) پسر لهراسب که چون از پدر تاج و تخت خواست

و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم رفت و کتابیون دختر قیصر

را گرفت سپس گشتاسب برادر خود زریر را که از جانب پدر

به روم آمده بود شناخت و با او به ایران بازگشت و به تخت

نشست . گشتاسب از کتابیون دختر قیصر دو پسر داشت : اسفندیار

و پشوتن . از وقایع زمان گشتاسب ، ظهور زرتشت است که گشتاسب

و پسرانش و بزرگان ایران به دین او گرویدند . دیگر جنگ با

ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت با دلیرهای اسفندیار

به پیروزی انجامید .

گلستان (ک) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعر و ادیب

بزرگ ایران آن را در سال ۶۵۶ به نام شاهزاده سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است. گلستان کتابی است تربیتی و اخلاقی، شامل يك مقدمه در سبب تألیف کتاب و هشت باب : در سیرت پادشاهان ، در اخلاق درویشان . در فضیلت قناعت ، در فواید خاموشی ، در عشق و جوانی ، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت، در آداب صحبت .

سعدی در کتاب گلستان انواع مواعظ و حکم را در نثر آمیخته بانظم گنجانده است . نثر گلستان نثر مسجع و مزین است و در واقع باید سعدی را در این شیوه استاد مسلم دانست . سبک نثر گلستان مورد تقلید نویسندگان قرون بعد قرار گرفته است . گلستان چندین بار به چاپ رسیده و از قرن‌ها پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن راز (ک) مثنوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سال ۷۱۰ به رشته نظم کشیده است . این مثنوی از جامعترین مثنویهایی است در اصول تصوف ؛ و موضوع آن پاسخ پانزده سؤال است درباره تصوف که شخصی به نام «امیر حسینی حسین بن عالم ابی الحسین هروی» از عارفان بزرگ خراسان آنها را مطرح کرده است . سؤالا درباره تفکر و سر وحدت ، خود شناسی ، انالالحق ، ممکن و واجب ، قدیم و محدث ، جزء و کل و از این قبیل مسائل است .

شبستری در ضمن جواب به این سؤالا امثال و شواهدی



هم آورده است .

مثنوی گلشن راز بوسیله شیخ شمس الدین محمد لاهیجی  
در سال ۸۷۷ شرح شده و به نام، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز،  
خوانده شده است .

گلشن صبا (ك) کتاب منظومی که فتحعلی خان صبا ملك الشعراى دربار  
فتحعلیشاه آن را به تقلید بوستان ساخته است .

گلگون (ش - د) نام اسب شیرین

نبود آن روز گلگون در وثاقتش بر اسبی دیگر افتاد اتفاقی

«نظامی»

گل و نوروز (ك) مثنوی عشقی اثر شاعر بزرگ ایران خواجوی کرمانی  
که آن را به سال ۷۴۲ بر وزن خسرو و شیرین نظامی و به نام  
تاج الدین احمد عراقی ساخته است . عدد ابیات آن در حدود  
۲۶۰۰ می باشد .

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد تقی خان  
حکیم که آن را در سال ۱۳۱۵ هجری تألیف کرده است . این  
کتاب فرهنگ کاملی است از اسامی اماکن و بلاد ایران و رجال  
مشهور و یادداشتهای مفید شامل ۵۷۴ صفحه . امتیاز این فرهنگ  
بر فرهنگهای دیگر آن است که مؤلف در ابتدای کتاب بطور تفصیل  
مآخذ و منابعی را که مورد استفاده اش قرار گرفته ذکر کرده است .  
گنج قارون (تن) گنجی که قارون پسر عم موسی به وسیله کیمیاگری  
اندوخته کرد و به غرور آن بر موسی عصیان کرد ، موسی دعا  
کرد تا قارون و گنجش در خاک فرو رفتند .

قارون هلاك شد كه چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرود كه نام نكو گذاشت

«سدى»

گندم (تن) دانه‌ای كه خوردنش در بهشت برای آدم و حوا نهی شده بود ، ولی ایشان به اغوای ابلیس از آن خوردند و از بهشت رانده شدند .

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت

ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم

«حافظ»

گودرز (ش - د) از پهلوانان شاهنامه پسر کشواد . گودرز هفتادپسر داشت ، همه از پهلوانان نامی كه از آن میان گيو و بهرام در شاهنامه نامدارترند . خانواده او در شاهنامه گودرزبان خوانده شده‌اند . گودرز در دربار كاووس بسیار آبرو و احترام داشت و همیشه مورد شور قرار می‌گرفت .

گوساله سامری (تن) گوساله‌ای از طلا كه مردی به نام سامری در زمان موسی ساخت و مطابق روایات خاك زمینی را كه اسب جبرئیل در آن پانهاده بود ، بر آن افشاند گوساله به صدا آمد و حرکت كرد .

چون سامری مباح كه زرداد و از خری

موسی بهشت و از پی گوساله می‌رود

«حافظ»

گوهر مراد (ك) کتابی در حكمت و الهیات به زبان فارسی تألیف

عبدالرزاق لاهیجی که آن را در زمان شاه عباس ثانی و به نام او تألیف کرده است. این کتاب شامل مقدمه و سه مقاله است که هر مقاله دارای چندین فصل در منطق و خودشناسی و خداشناسی و رسالت و امامت است. گوهر مراد از کتابهای سودمندی است که در منطق و الهیات به زبان فارسی نوشته شده است.

گوهرنامه (ک) مثنوی بر وزن خسرو و شیرین نظامی که خواجوی کرمانی آن را به نام امیر مبارزالدین محمد مظفر و وزیر او بهاءالدین محمود ساخته است. موضوع آن تصوف و اخلاق است.

گوی و چوگان (ک) یا حالنامه منظومه عارفانه کوچکی در پانصدیت تألیف محمود عارفی هراتی که آن را در سال ۸۴۲ ساخته است. شاعر در این منظومه بازی گوی و چوگان را وصف کرده و مناظره‌ای بین آنها ترتیب داده و آن را، حالنامه، خوانده است.

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است به شاهزاده‌ای. درویش پیوسته از عشق خون دل می‌خورد تا سرانجام در این راه جان را به باد می‌دهد.

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته و در سراسر آن شور و مستی عشق را آشکار کرده است و در ضمن نقل حکایت قطعه‌های زیبا و بدیعی مانند مناظره زمین و آسمان و راز گفتن درویش با گوی و چوگان آورده است. (چاپ لندن)

غمیتی‌گشا (ک) کتابی در تارخ زندگی، تألیف میرزا محمد صادق موسوی. این کتاب در دوره انحطاط ادبی یعنی اواخر قرن دوازدهم

نوشته شده و نثر آن بسیار سست و متکلفانه است . (چاپ تهران) گیلی (ک) ابوالحسن کوشیار از منجمان و ریاضی‌دانان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم . از آثار او کتاب الاضطراب و عیون الحقایق است در علم نجوم . و مدخل فی صناعة احکام النجوم . کوشیار رصد خانه‌ای بنا کرده که به نام وی مشهور است .

گیو (ش - د) از پهلوانان شاهنامه و پسر گودرز که دلاوریها کرده و از کارهای معروف او آوردن کیخسرو به ایران است . دیگر یافتن دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس که کاووس او را به همسری بر می‌گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید . گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامه فردوسی است .

## ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفک نشود. مثل قدرت کتابت از انسان. لامعی گرگانی (ت) ابوالحسن محمد بن اسمعیل لامعی از شاعران قرن پنجم و معاصر طغرل سلجوقی و الب ارسلان است. اشعاری در مدح عمیدالملک کندی و وزیر طغرل و نظام الملک وزیر الب - ارسلان سروده است. لامعی در وصف و تنوع مضامین بسیار مهارت داشته است و چون به زبان عربی آشنا بوده، کلمات و حتی عبارتهای عربی بسیار استعمال کرده است. (مجموعه اشعار لامعی - چاپ تهران)

لاهیجی (ت) [ف : ۱۰۵۱] ملا عبدالرزاق لاهیجی از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه عباس ثانی. لاهیجی شاگرد ملاصدر است و تألیفات مهمی در حکمت و منطق دارد. معروفترین کتابهای فارسی او گوهر مراد و سرمایه ایمان است. از جمله تألیفاتش به زبان عربی شوارق الالهام در شرح تجرید خواجه - نصیرطوسی است. لاهیجی شعر نیز می گفته و «فیاض» تخلص

می کرده است .

لباب الالباب (ك) تذکره مهمی به زبان فارسی، تألیف محمد عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم که آن را در سال ۶۱۷ به نام عین - الملك فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تألیف کرده است . این کتاب در شرح حال شاعران ایران است ، از ابتدا تا زمان مؤلف و مشتمل بر دو جلد است . جلد اول حاوی شرح حال و نقل اقوال سخنگویان از شاهان و امیران و وزیران و دانشمندان . جلد دوم خاص شاعران و ادیبان است شامل شرح حال ۱۶۹ تن از شاعران ایران .

لباب الالباب قدیمترین تذکره‌ای است از احوال شاعران فارسی‌زبان و در آن از شاعرانی یاد شده است که احوال و آثارشان بر اثر حمله مغول یا وقایع دیگر از میان رفته است و اگر چه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به دست نمی‌دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می‌پردازد و عبارت پردازی را به آوردن معانی مفید ترجیح می‌دهد ، باز از نظر تاریخی و ادبی بسیار مهم است .

لبیبی (ت) از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . وی معاصر فرخی بود و مانند او ابتدا به دربار چغانیان و پس از آن به دربار غزنوی رفت . قصیده‌ای از او در مدح ابوالمظفر چغانی باقی است . لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعود سعد قصیده‌ای در استقبال یکی از شعرهای او ساخته است . ابیاتی از او در فرهنگها و

تذکره‌ها ضبط است .

لطف‌الله نیشابوری سالکی (ت) [ ف : ۸۱۶ ] از قاضیان دانشمند و شاعران نیشابور که معاصر امیر تیمور بوده و از مریدان شاه نعمه‌الله ولی است . مولانا لطف‌الله در شعر به ایراد صنایع لفظی توجه خاص داشته است و قصایدی در مدح ائمه اطهار دارد ( کلیات لطف‌الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانه ملی ایران موجود است . )

لغز (ب) از صنایع بدیع که گوینده با دادن نشانیهای مختلف چیزی را وصف کند مانند قصیده منوچهری در وصف شمع که مطلع آن این است :

ای نهاده در میان فرق جان خویشان

جسم مازنده به جان و جان تو زنده به تن

هنگامی که لغز به صورت سؤال باشد آن را «چیستان»

گویند .

لف و نشر (ب) آن است که گوینده یا نویسنده چند لفظ و چند معنی بیاورد که هر يك از معانی وابسته به یکی از الفاظ باشد.

به روز نبرد آن یل ارجمنند      به شمشیر و خنجر به گرز و کمند

برید و درید و شکست و بیست      یلان را سرو سینه و پا و دست

یا

فروشد به ماهی و برشده ماه      بن نیزه و قبه بسارگاه

«فردوسی»

لقمان (تن) بعضی از مورخان او را عمزادهٔ ابراهیم پیغمبر می‌دانند و نام او صریحاً در قرآن آمده است و به حکمت منسوب است .  
 قوله تعالی: آتینا لقمن الحکمة .

لمعات (ک) رساله‌ای در تصوف ، شامل تعلیمات استاد بزرگ محی -  
 الدین بن العربی . این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص  
 به عراقی در قونیه پس از آن که به خدمت شیخ صدرالدین قونیوی  
 رسید و در مجلس او به بحث در بارهٔ فصوص پرداخت ، تألیف  
 کرد و بر شیخ عرضه داشت .

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم و نثر عربی  
 و فارسی که جامی در زمان سلطان حسین بایقرا به دستور امیر -  
 علیشیر نوائی شرحی بر آن نوشته و آن را «اشعة اللمعات» نامیده  
 است .

لنبک سقا (ش - د) نام سقایی که در داستان بهرام گور در شاهنامه ذکر  
 شده . وی مردی بوده است که با وجود دست‌تنگی چندین روز  
 بهرام را که بطور ناشناس به خانهٔ او رفته بود مهمان کرد .  
 بر خلاف شخص دیگری به نام براهام یهودی ثروتمندی  
 که با وجود ثروت بسیار بهرام را به خانه راه نداد .  
 بهرام ننگرد به براهام چون نظر

بر خان و خوان لنبک سقا برافکند

لن تراندی (تن) اشاره است به قصهٔ موسی که گفت (ای پروردگار خود  
 را به من نما) جواب آمد (لن ترانی) یعنی که هرگز مرا نخواهی دید .



چو قلم ز دست بنهی بدھیش بی قلم تو

صفتی که نور گیرد ز خطاب لن ترانی

«از دیوان شمس قمر ریزی»

لوامع فی شرح الخمریہ (ک) شرحی به قصیدهٔ خمربیهٔ ابن فارض المصری (۵۷۶ - ۶۳۲) تألیف مولانا عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۷۵ تألیف کرده است. هر يك از فصول کتاب به نام «لامعه» است که مجموع آن لوامع خوانده می شود.

لواویح (ک) رساله‌ای به زبان فارسی در تصوف، از آثار معروف مولانا جامی که آن را در حدود سال ۸۷۰ به نام جهانشاه قره‌قوینلو تألیف کرده است. این کتاب مشتمل بر سی لایحه است با مقدمه‌ای در خطبه و مناجات؛ و نثر آن مسجع آمیخته به شعر است و از نظر تحقیق در عرفان بسیار سودمند می باشد. (چاپ لندن)

لوط (تن) از پیغمبران که هر چه قوم خود را به راه خدا دعوت می کرد نمی پذیرفتند. عاقبت به فرمان خدا لوط و کسانی که به او ایمان آورده بودند از شهر بیرون رفتند. و شهر سنگسار شد و زن لوط که از نافرمانان بود با دیگران سنگسار شد.

لوکری (ت) ابوالحسن علی بن محمد غزوانی لوکری اهل لوکر از شهرهای نزدیک مرو و از شاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم. لوکری نوح بن منصور سامانی و ابوالحسن عبیدالله بن احمد عتبی را مدح گفته است. اشعار پراکنده‌ای از غزل و قصیده از او باقی است. لهراسب (ش - د) از شاهان کیان که به دستور کیخسرو و بر خلاف

میل بزرگان شاه گشت و آتشکده آذربرین را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گشتاسب سپرد و خود در آتشکده نوبهار که در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیبۃ القدر (تن) «رجوع شود به شب قدر»

لیلی (د) از اشخاص داستانهای عرب ، لیلی دختری است از قبیله بنی عامر که از کودکی مورد علاقه و عشق مجنون (قیس) از قبیله خود، واقع می شود و خود نیز به او دل می بندد، اما به فرمان پدر لیلی از او جدا می شود و پس از مدتی به ازدواج «ابن السلام» در می آید. لیلی هیچگاه تن خود را به شوهر نمی سپارد و سرانجام به نا کامی جان می دهد .

داستان عشق لیلی و مجنون بوسیله بسیاری از شاعران ایرانی به نظم آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی است .

شی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

لیلی و مجنون (ك) یکی از مثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم که آن را در سال ۵۸۵ به نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ساخته است. این مثنوی دارای چهار هزار و هفتصد بیت است . اصل داستان لیلی و مجنون عربی است و موضوع آن عشق مجنون (قیس) از قبیله بنی عامر و لیلی بنت سعد از همان قبیله می باشد. داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیله شاعران دیگر

مانند جامی و مکتبی نیز به نظم آمده است .  
لیلی و مجنون (ک) یکی از مثنویهای هفت اورنگ عبدالرحمن جامی  
که آن را به تقلید لیلی و مجنون نظامی در سال ۸۸۹ ساخته است.  
جامی در نظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته و غالباً  
اشعار منسوب به قیس عامری را ترجمه کرده است. (هفت اورنگ -  
چاپ تهران)



ماچین کشوری در جنوب چین و مشرق هندوستان.

دوچشم شوخ تو بر هم زده ختا وختن

بهچین زلف تو ماچین و هند داده خراج

«حافظ»

ماده (ط) مایه واصل چیزی را گویند. مانند فولاد که ماده شمشیر است. ماده قاریخ آن است که در تاریخ واقعه‌ای کلمه یا عبارتی بجاوند که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه به دست بیاید. این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ» می‌نامند و معمولاً آن را در ضمن قطعه‌ای درج می‌کنند تا آسان به خاطر سپرده شود. گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است و از آنها کلمه یا عبارت با معنی حاصل نمی‌شود. مانند ماده تاریخ حیات ابوعلی سینا که این است :

حجة الحق ابوعلی سینا

در «شجع» آمد از عدم به وجود

در «شها» کرد کسب کل علوم

در «تکز» کرد این جهان بدرد

که از حروف «شجع» ۳۷۳ و از حروف «شها» ۳۹۱ و  
از حرف «تکز» ۴۲۷ حاصل می‌شود. اما ماده تاریخ فصیح و  
شیوا آن است که عبارت با معنی و متناسب با واقعه باشد مانند  
ماده تاریخ وفات حافظ:

چراغ اهل معنی خواجه حافظ      که شمعی بود از نور تجلی  
چو در خاک مصلی یافت منزل      بجو تاریخش از «خاک مصلی»  
که «خاک مصلی» می‌شود ۷۹۱.

مار(تن) جانوری که ابلیس را در دهان خود جای داد و پنهانی او را  
به بهشت برد تا آدم و حوا را فریفت.  
گاهی نیز در شعر فارسی به ماری که بر دو کتف ضحاک  
بوده اشاره شده است.

دست آهنگر مرا در مار ضحاک کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

«خاقانی»

مانی (ش-ت) نام نقاش ایرانی که مادرش منسوب به خاندان شاهی  
اشکانی بود و ادعای پیغمبری داشت. مانی به فرمان بهرام اول  
کشته شد. کتاب معروف مانی شاپورگان نام داشت و کتاب  
ارژنگ (یا ازتنگ) که مشتمل بر نقشها و تصویرهای دلکش بود  
به او منسوب است.

آئین مانی تا چندین قرن در آسیا و اروپا رواج داشت،

اما مانی در ادبیات فارسی بیشتر به هنر نقاشی شهرت دارد و در این هنر به او مثل زده می‌شود .  
سپهر گفتی نقاش نقش مانی گشت  
که هر زمان بنگارد هزار گونه صور  
«انوری»

ماه کنعمان (تن) اشاره به یوسف «رجوع شود به یوسف»

ماه کنعمانی من مسند مصر آن تو شد

جای آن است که بدوود کنی زندان را

«حافظ»

ماه مصر (تن) اشاره به یوسف «رجوع شود به یوسف»

ز صد هزار پسر همچو ماه مصر یکی

چنان شود که چراغ پدر کند روشن

«مائب»

ماه مقنع (د) ماهی کسه مقنع به سحر و جادو در شهر نخشب ساخته

بود و هر شب از چاهی برمی‌آمد و تاچه‌ار فرسنگ را روشن

می‌کرد .

کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان

گر چه کوه دیدگان را در خیال افتد منیر

«انوری»

ماه نخشب (د) «رجوع شود به ماه مقنع»

صبح بر آمد ز کوه چون مه نخشب زچاه

ماه بر آمد به صبح چون دم ماهی ز آب

«خاقانی»

ماه‌های رومی (نخ) ماه‌های رومیان قدیم که نام آنها در ادبیات فارسی آمده است. نام ماه‌های رومی را در این شعر نقل از «نصاب الصبیان» می‌توان دید:

دوتشرین و دو کانون و پس آنگه

شباط و آزر و نیشان ایار است

حزیران و تموز و آب و ایلول

نگهدارش که از من یادگار است

و تطابق ماه‌های رومی با ماه‌های مسیحی در جدول زیر دیده می‌شود:

ژانویه = کانون دوم . فوریه = شباط . مارس = آزار .

آوریل = نیشان . مه = ایار . ژوئن = حزیران . ژوئیه = تموز .

اوت = آب . سپتامبر = ایلول . اکتبر = تشرین اول .

نوامبر = تشرین دوم . دسامبر = کانون اول .

عمر برف است و آفتاب تموز اندکی مانده خواجه غره هنوز

«سعدی»

شک نیست که بوستان بخندد هر گه که بگرید ابر آزار

«سعدی»

این هنوز اول آزار جهان افروز است

باش تا خیمه زند دولت نیشان و ایار

«سعدی»

مبالمغه (ب) آن است که شاعر چیزی را به نوعی وصف کند که از

حد اعتدال خارج ولی محال نباشد .

دو پاکیزه پیکر چو حور و پری

چو خورشید و ماه از نکو منظری



دو صورت که گفתי یکی نیست بیش

نموده در آئینه همتای خویش

«سندی»

متدارك (ع) از بحور شعر عربی و فارسی که اخفش اوسط نحوی آن را یافته است و اصل آن «هشت بار فاعلن» است. در فارسی مشتقات این بحر رواج بسیار ندارد. وزن زیر در زمانهای اخیر متداول شده است (فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال:

ای فسانه فسانه فسانه      ای خدنگ ترا من نشانه

متقارب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. در فارسی از این بحر

وزنهای زیر رایج است: متقارب مثنی (فعولن ۴ بار) مثال:

جهانچه بدمهرو بدخوجھانی      چو آشفته بازار بازارگانی

متقارب مثنی مقصور یا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعولن)

یا فعل) مثال:

به نام خداوند جان و خرد      کزین برتر اندیشه برنگذرد

المتوکلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ممشاد اصفهانی. معروف به

مؤیدالمتوکلی اهل اصفهان که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته

پس از آن به خدمت یعقوب لیث رسیده است. المتوکلی در

فصاحت و کتابت عربی بی نظیر بوده و بعضی گویند قطعه معروف

«انا ابن الاکارم من نسل جم...» را او از قول یعقوب ساخته و برای

خلیفه فرستاده است. حمزه اصفهانی در باره زبانهای معمول دوره

ساسانی از او روایت کرده و یا قوت در معجم البلدان شرح حالش

را آورده است .

مثنوی (ط) از مقولات عشر . مفهوم مثنوی نسبت جسم است به زمان یعنی «کی بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعر فارسی که در زبان عربی نیز به تقلید فارسی ساخته شده است . و آن را «مزدوجه» خوانده اند . مثنوی شعری است که هر دو مصراع آن دارای قافیۀ واحد و مستقلى باشد . در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزمی و بزمی و عرفانی قالب مثنوی به کار می رود . مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی . مثال:

درختی که تلخ است وی را سرشت

گرس بر نشانی به باغ بهشت

ور از جوی خلدش به هنگام آب

به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب

سرانجام گوهر به کنار آورد

همان میوه تلخ بسار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ک) نام منظومه مفصل و معروف جلال الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتر است و مجموع ابیات آن به بیست و شش هزار می رسد .

مثنوی مهمترین و معروفترین اثر منظوم عرفانی است

که از زمان سروده شدن تا کنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقه‌مندان به تصوف و عرفان و اندیشه‌های لطیف عرفانی و حکمی بوده است و بر آن شرح‌های متعدد مبسوط نگاشته‌اند. کتاب مثنوی شامل حکایتهای مسلسل منظومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی و اخلاقی و دینی منظور داشته است. غالباً، چنانکه یکی از شیوه‌های متداول در ادبیات فارسی است، داستانهای کوتاه و بلند در ضمن داستان دیگر به مناسبت می‌آید و در هر مورد احادیث و اخبار، و آیات قرآن مجید برای تأیید و اثبات مطلب ذکر می‌شود. (کتاب مثنوی مکرر چاپ شده و در سالهای اخیر با تصحیح و تحشیه مفصل استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به چاپ رسیده است).

مجاز (ب) آن است که چیزی را ذکر کنند و از آن غیر معنی اصلی بخواهند. یا نسبت دهند به چیزی آنچه را که از وی نیست. اول را مجاز لغوی و ثانی را مجاز عقلی خوانند. مثال:

تا سلسله ایوان بگسست مداین را

در سلسله شد دجله چون سلسله شد پیمان

سلسله به معنی زنجیر است و از عبارت «دجله در سلسله شد» مراد شاعر آن است که رود دجله موج زن شد. پس از کلمه «سلسله» چیزی غیر از معنی اصلی آن اراده شده است. در این مورد کلمه «سلسله» به معنی مجازی به کار رفته است.

مجالس العشاق (ک) تألیف سلطان ابوالغازی حسین بایقرا که آن را در

سال ۹۰۸ تألیف کرده است . این کتاب دارای يك مقدمه در بیان عشق حقیقی و هفتاد و شش مقاله است موسوم به مجالس که سرگذشت عارفان یا شاهان به طرز داستانی در آن نقل شده است. آخرین مجلس این کتاب در شرح حال مؤلف یعنی سلطان حسین بایقرا است ، ولی انتساب این کتاب به سلطان حسین بایقرا قطعی نیست ، بلکه بابر در کتاب « بابرنامه » مؤلف آن را کمال الدین حسین گازرگاهی می‌داند .

این کتاب از حیث ترجمهٔ حال بزرگان قابل اعتماد نیست و نویسنده در شرح مطالب از سادگی خارج شده و به عبارت پردازی پرداخته است .

مجالس المؤمنین (ك) کتابی در شرح حال و آثار و احوال عالمان و فقیهان و شاهان و متصوفان تألیف قاضی نورالله ششتری که آن را در سال ۹۹۳ شروع کرده و در ۱۰۱۰ به پایان رسانیده است. این کتاب در دوازده مجلس است در شرح حال بزرگان و فقیهان و مبنایش بر نشر دعوت شیعه است . نوشتهٔ کتاب ساده است .  
(چاپ تهران)

مجالس النفايس (ك) اصل این کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میر نظام الدین امیرعلیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا و در سال ۸۹۶ تألیف یافته است .

مجالس النفايس شامل يك مقدمه و هشت مجلس است در ذکر حال شاعران و نویسندگان معاصر نویسنده ، و شرح حال

فاضلان خراسان و شاهان و شاهزادگانی که یا خود شعر می‌گفته‌اند یا به شعر و شاعری علاقه‌ی خاص داشته‌اند. همچنین در ذکر اوصاف ابوالغازی سلطان حسین بن بایقرا و حوادث سیاسی سلطنت او . مؤلف رویهمرفته در حدود سیصد و هشتاد و پنج تن از شاعران قرن نهم را نام برده است . این کتاب با آنکه بسیار مختصر است و مؤلف در شرح حال شاعران و فاضلان بسیار به ایجاز پرداخته است ، باز نمودار وضع ادبیات فارسی در قرن نهم است و در ضمن از فواید تاریخی و اجتماعی خالی نیست .

از مجالس النفایس سه ترجمه به فارسی صورت گرفته است . یکی به نام لطائف‌نامه که مترجم آن فخری هراتی است و کتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول پرداخته است . ترجمه دوم از حکیم شاه‌محمد بن مبارک‌القزوینی که آن را به نام سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید ساخته است . ترجمه سوم به دست شاه علی بن عبدالعلی انجام گرفته و به نام دین محمد از شاهان اوزبک ماوراءالنهر پرداخته شده است .

مجتث (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» است . در فارسی از این بحر و زنجهای زیر متداول است : بحر مجتث مثنی مخبون (مفاعلتن ۴ بار) مثال :

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

مجتث مثنیٰ مخبون محذوف (مفاعله فاعله مفاعله)

فعلن) مثال :

سحر ز هاتف غییم رسید مؤده به گوش

که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

مجدهمگر (ت) [ف: ۶۸۶] از شاعران قصیده سرای قرن هفتم هجری. اهل یزد بود ولی در شیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاءالدین جوینی حکمران فارس می زیسته است و اشعاری در مدح شمس الدین صاحب دیوان و اتابک سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی دارد. مجدهمگر علاوه بر مدح قطعات هجویه ای نیز در باره اشخاص سروده است. غزلهای عاشقانه نیز دارد و گاه مضمونهای اجتماعی و حکمی در اشعارش دیده می شود.

مجره (نج) یا راه کبکشان مجموع ستارگانی است از جنس ستارگان ابری، مانند دایره ای بزرگ که بر دو برج جوزا و قوس می گذرد. یکی پله است این منبر مجره زده گردش نقط از آب روین

«منوچهری»

مجری (ق) از حرکات قافیه. حرکت روی پیش از حرف وصل. مانند حرکت نون در کلمه دشمنی :

دوستا گر دوستی گر دشمنی

مجلسی (ت) [ف: ۱۱۱۱] محمد باقر از بزرگان و علماء شیعه در زمان صفویه. وی پسر ملا محمد تقی مجلسی و از متعصبان مذهب بوده

که تشیع را در میان عامه ترویج کرده و با صوفیه در کمال خشونت رفتار می کرده است. مجلسی به فارسی ساده و قابل فهم عوام چیز می نوشت و عقاید شیعه و تاریخ و احادیث را به این طریق ترویج می کرد. از آثار معروف او به عربی بحار الانوار است در حدیث و از آثار فارسی او: عین الحیاة شامل پند و اندرز، مشکوٰة الانوار، حلیة المتقین، حیوة القلوب، جلاء العیون و حق الیقین است.

مجموعه اصفهائی (ت) [ف: ۱۲۲۵] سید حسین طباطبائی از سادات اصفهان بوده که در جوانی به تهران آمده و بوسیله میرزا عبدالوهاب نشاط به دربار فتحعلیشاه راه یافته است. پس از مدتی از طرف شاه به لقب مجتهد الشعرائی مفتخر گشت. مجموعه سالها ندیم حسینعلی میرزا پسر فتحعلی شاه بوده و از شاعران غزلسرای دوره بازگشت ادبی است. غزلیات لطیف دارد و در قصیده پیروانوری و خاقانی و امیر معزی است. اشعار هزل و هجو دارد و مثنوی به سبک تحفة العراقین خاقانی سروده و قطعات مثنوی هم به سبک گلستان سعدی ساخته است.

مجموعه الامثال (ک) کتابی است شامل مستجاوز از شش هزار مثال در زبان عربی تألیف ابوالفضل احمد بن محمد میدانی. (چاپ تهران) مجموعه الانساب (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دو بار نوشته است. یکبار به سال ۷۳۳ و بار دیگر به سال ۷۴۳، زیرا در هنگامی که خانۀ غیاث الدین

محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل الله در تبریز غارت شد، نسخه اولی کتاب از میان رفت و مؤلف بار دیگر آن را از حافظه خود نوشت .

مجمع الانساب شامل تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا زمان تحریر. مؤلف در شرح حال طبقات شاهان و طوایف، تقسیمات مختلفی بکار برده است. شاهان را به چند طبقه و هر طبقه را به چند گروه و هر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است. وقایع را گاه به اختصار ذکر می کند و گاه به تفصیل. سبک کتاب در قسمت اول ساده تر است، ولی در اواخر متکلفانه می شود و با اشعاری در مدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع الفرس (ک) «رجوع شود به فرهنگ سروری .»

مجمع الفصحاء (ک) کتابی در شرح حال شاعران، تألیف رضا قلیخان هدایت که آن را بقول خود پس از سی سال کار به پایان رسانده است. این کتاب شامل شرح حال شاعران پارسی است از آغاز ظهور شعر تا زمان مؤلف یعنی ۱۲۸۴ و چنانکه هدایت خود در مقدمه کتاب گوید کتاب را بر چهار رکن یا باب تقسیم کرده است. باب اول در ذکر اشعار و حال شاهان قدیم و جدید. باب دوم شعرای متقدمین. باب سوم شعرای متوسطین. باب چهارم شعرای متأخرین و معاصرین. در پایان کتاب چندین صفحه به شرح حال و اشعار خود اختصاص داده است .

هدایت در مقدمه مجمع الفصحاء از کتابها و تذکره‌هائی



که استفاده کرده نام برده است . مجمع الفصحاء اگر چه به علت وسعت کار دارای لغزشها و خطاهای بسیار است ، با وجود این آخرین و جامعترین تذکره شاعران فارسی است و همواره مورد استفاده محققان و نویسندگان تاریخ قرار گرفته است . (مجمع الفصحاء - چاپ تهران)

مجمل التواریخ والقصص (ک) کتابی که مؤلف آن معلوم نیست ، ولی چنانکه از گفته او بر می آید جدش مهلب بن محمد بن شادی نام داشته است . مؤلف مجمل التواریخ اهل همدان و قریه اسدآباد بوده است و چون از اصفهان بسیار بحث کرده ، معلوم می شود که مدتی در اصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت تا سال ۵۲۰ هجری . این کتاب در بیست و پنج باب است و شیوه تنظیم مطالب آن تقلیدی است از تاریخ سنی ملوک الارض تألیف حمزه اصفهانی ، به این معنی که هر فصلی به موضوع معینی و به روایت مورخ معینی اختصاص داده شده است . مثلاً سنوات سلطنت در یکجا ، نام و نسب در جای دیگر ، همچنین آثار و بنا ، معاصران سلاطین ، القاب ، قبور ، سیرو صفات ، هر کدام در فصل جداگانه ذکر شده است . صاحب مجمل التواریخ منابع و کتابهای معتبری را که از آنها استفاده کرده است ، در کتاب خود نام می برد . مانند تاریخ

طبری، سیرالملوک ابن مقفع. و تاریخ حمزه اصفهانی .  
صاحب مجمل التواریخ کتاب خود را با قصه آمیخته  
ولی در عین حال اسناد و مدارکی در تاریخ ذکر می کند که بسیار مورد  
استفاده است. انشاء کتاب بسیار ساده و دور از تکلف و کمی کهنه  
تر از سبک زمان مؤلف است و لغات عربی بسیار کم دارد .  
(مجم التواریخ - چاپ تهران)

مجم فصیحی (ک) از تواریخ مهم دوره تیموری به زبان فارسی تألیف  
فصیحی خواسی که آن را در سال ۸۴۹ به نام شاهرخ تألیف  
کرده است . این کتاب تاریخ عمومی مختصری است از ابتدای  
خلقت تا اواسط قرن نهم و مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله و یک  
خاتمه است . در مقدمه تاریخ عالم از بدو خلقت تا ولادت پیغمبر  
اسلام نوشته شده است. مقاله اول از ولادت پیغمبر تا هجرت او به  
مدینه است . مقاله دوم مفصل ترین قسمت های کتاب است یعنی  
شامل وقایع از سال اول هجرت تا ۸۴۵ می باشد.

مجم فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده و وقایع  
سنوات به ترتیب پی در پی آمده است . این کتاب به نثری  
بسیار ساده نوشته شده و شامل مطالب بسیار پر ارزش و سودمند  
می باشد . (چاپ مشهد)

مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانه عرب. نام اصلی او «قیس»  
و از قبیله «بنی عامر» است. قیس از کودکی به لیلی بنت سعد از  
قبیله خود، دل می بندد و به مناسبت مخالفت پدر لیلی از او جدا

می‌گردد . کار قیس از عشق به جنون می‌کشد ، چنانکه وی راه  
بیابان پیش می‌گیرد و با وحش و طیر مأنوس می‌گردد و سرانجام  
در ناکامی جان می‌سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای‌محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

مجنون و لیلی (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعر  
آن را در سال ۶۹۸ هجری به تقلید لیلی و مجنون نظامی ساخته است .  
مجیر بیلقانی (ت) [ف : ۵۸۶] ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی از قصیده  
سرایان آذربایجان و اهل بیلقان . وی شاگرد خاقانی می‌باشد و  
ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملک‌شاه از سلجوقیان و اتابک شمس‌الدین  
ایلدگز و پسرانش جهان‌پهلوان و قزل‌ارسلان را مدح کرده است . مجیر  
از طرف ایلدگز مأموریتی به اصفهان یافت ، ولی اهالی اصفهان  
چنانکه باید او را ننواختند و به این سبب مجیر اشعاری در هجو  
اصفهانیان سرود . دیوان مجیر شامل قصاید و غزلیات و قطعات و  
رباعیات است و در اشعار او سبک خاقانی نمودار است . وی با  
اغلب شاعران زمان خود مانند خاقانی و نظامی و جمال‌الدین عبدالرزاق  
مناظره و معارضه داشته است . مجیر به روایتی به تعصب اهل  
اصفهان به قتل رسیده است .

محاق (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است از  
نظر ناپیدا است و نیمی که کاملاً تاریک است به سوی زمین است

این حال در آخر ماه است و آن را «اجتماع» و «اتصال» نیز گویند. زیرا که آفتاب و ماه با هم گرد می آیند. ماه از نخواهد آنکه بود نعل مرکب

از ناخن محاق ابد چهره خسته باد

«انوری»

محبوب القلوب (ک) کتابی شامل قصص و حکایات تألیف میرزا برخوردار بن محمود ترکمان فراهی از منشیان شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵) و مترسلان عهد صفوی. این کتاب دارای مقدمه و پنج باب و یک خاتمه است در آداب معاشرت و نیکوکاری و مساعدت اقبال و صعوبت ادبار و فوائد قناعت.

مؤلف در ضمن حکایتها و قصه های شیرین همه جا پند و اندرزهای سودمند داده است. نثر آن نثر مسجع و دارای عبارت پردازی و تعبیرات مشکل است. (محبوب القلوب - چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) [ف: ۹۹۶] شمس الشعرا محتشم کاشانی از شاعران معروف دوره صفویه و شاعر دربار شاه طهماسب. محتشم کاشانی ابتدا غزلسرائی و مدیحه گوئی کرده، اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است و می توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است. محتشم ترکیب بند معروفی در رثاء شهیدان کربلا دارد، علاوه بر مرثیه معروف غزلیاتی نیز از او باقی است به نام «نقل عشاق». شاعران زمان به تقلید او ترکیب بند های مختلف ساختند. (دیوان محتشم چاپ تهران)

محمّد بن الضمّین (ب) یا ذوّجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کار برد که در آن مدح و ذم باشد. مانند :

ای خواجه ضیا شود ز روی تو ظلم

با طلعت تو سور نماید ماتم

محقق سبزواری (ت) [ف : ۱۰۹۰] ملامحمد باقر سبزواری از فقیهان و متکلمان شیعه در عصر شاه عباس ثانی . وی از شاگردان شیخ بهائی بوده و در اصفهان منصب شیخ الاسلامی داشته است . از آثار او جامع الزیارات عباسی به زبان فارسی است که به نام شاه عباس تألیف کرده ، دیگر : روضة الانوار فی آداب الملوك ، شرح زبدة الاصول شیخ بهائی .

محمد بن غازی المصلطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه از بلاد آسیای صغیر . از فضلان دربار سلاجقه روم و دبیر ابوالفتح رکن الدین سلیمان شاه بن قلیج ارسلان که بعد در دربار او سمت وزارت یافت و به تشویق او کتاب مرزبان نامه را از زبان طبری به پارسی در آورد و آن را «روضه العقول» نامید .

محمد بن محمد (ت) از نخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری . به روایت تاریخ سیستان مردی سگری و فاضل و شاعر بود . شعری در مدح یعقوب از او نقل شده است .

محمد بن منصور (ت) نورالدین محمد بن منور بن ابی سعد از نویسندگان قرن ششم هجری و نواده شیخ ابوسعید ابی الخیر . وی مؤلف کتاب اسرار التوحید است که آن را بر حسب اطلاعات خود و روایات

در شرح حال و سخنان جد خویش تألیف کرده است.

محمد بن ناصر علوی (ت) شرف‌الدین محمد بن ناصر علوی از شاعران و سادات غزنین. سنائی در کارنامه بلخ او را به مرتبت بلند و شاعری ستوده است. عوفی او را برادر سید حسن غزنوی می‌داند و می‌گوید سید محمد بن ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود و مقام عالی داشت و علاءالدوله را مدح کرده است. ابیات معدودی از محمد بن ناصر علوی در لباب‌الالباب آمده که بیشتر در مدح است و شاعر در آنها به آوردن ردیفهای دشوار مقید شده است.

محمد طاهر (ت) صاحب تذکره نصرآبادی از نویسندگان قرن یازدهم. اجداد او مشاغل دیوانی داشته‌اند، ولی شخص او پس از کسب ادب و هنر گوشه‌انزوا اختیار کرده و به خدمت ادبی پرداخته است. محمد طاهر شعر نیز می‌سروده و از پیروان صائب و کلیم بوده است. بعضی از اشعار او در تذکره‌ها ضبط است.

محمد عبده (ت) محمد بن عبده الکاتب از نویسندگان و شاعران مشهور قرن چهارم و دبیر بغراخان از شاهان خانیه ماوراءالنهر. نظامی او را در نظم و نثر و بلاغت متبحر دانسته است. ابیاتی از او در حدائق‌السحر و ترجمان‌البلاغه آمده است.

محمد عوفی (ت) «رجوع شود به عوفی.»

محمد قزوینی (ت) «رجوع شود به قزوینی.»

محمد و صیف (ت) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زمان عمرو بن لیث و طاهر را هم درک کرده است. صاحب تاریخ سیستان او را

اولین شاعر زبان فارسی می‌داند و چند قطعه از او نقل می‌کند که یکی در مدح یعقوب و مربوط به فتح هری و کشتن عمار خارجی در سال ۲۵۱ است و دیگر به مناسبت شکست رافع بن هرثمه و قتل او در سال ۲۸۳ می‌باشد. قطعه دیگری نیز از او باقی است مربوط به گرفتاری عمرو لیث به دست اسماعیل سامانی در سال ۲۸۷. محمود (ت) مقصود سلطان محمود غزنوی است که در ادبیات فارسی هم به عنوان حامی و مشوق شعر و ادب و هم به سمت دلداده غلام ترک خود ایاز ذکر می‌شود. مثنوی «محمود و ایاز» زلالی خوانساری درباره عشق اوست.

غرض کرشمه حسن است و رنه حاجت نیست

جمال دولت محمود را به زلف ایاز

«حافظ»

مختاری غزنوی (ت) [ف: ۵۴۹] ابوالمفاخر خواجه حکیم سراج‌الدین ابو عمر عثمان بن عمر. از شاعران معروف دربار غزنوی در قرن ششم. مختاری بامسعود سعد و سنائی و ابوالفرج رونی معاصر بوده و سلطان ابراهیم مسعود و مسعود بن ابراهیم و ابوالملوک ارسلان مسعود بن ابراهیم را مدح گفته است. وی همچنین اشعاری در مدح قاوردیان دارد.

مختاری در اقسام شعر مانند قصیده و ترجیع بند دست داشته و مثنوی معروفی به نام «شهریارنامه» دارد در ذکر داستان شهریار پسر برزو پسر سهراب پسر رستم که آن را به خواهش

سلطان مسعود بن ابراهیم ساخته است. دیوان او را شامل هشت هزار بیت دانسته‌اند .

مختصر فی اخبار البشر (کتاب ال . . . .) (ك) «رجوع شود به تاریخ ابی الفداء»

مخزن الاسرار (ك) یکی از مثنویهای خمسۀ معروف نظامی داستانسرایی بزرگ قرن ششم ایران ، که آن را در سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی داوود پادشاه ارزنگان ساخته است . این مثنوی شامل دو هزار و دو بیست و شصت بیت است و موضوع آن حکمت و موعظه و پند است در بیست مقاله که همه جا با داستان و تمثیل و حکایات آمیخته است . نظامی در ساختن مخزن الاسرار از سنائی پیروی کرده است . (چاپ تهران)

مخلدی گنگانی (ت) ابوشریف احمد بن علی مخلدی گنگانی از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . اشعاری از او در تذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند ، اما به صورت ذم ، یعنی پس از ذکر چند صفت نیک ممدوح با کلمات استثنا مانند لکن و اما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، درحالی که یکی دیگر از اوصاف ممدوح را ذکر می‌کند .

به زلف کز ولیکن به قد وقامت راست

به تن درست ولیکن به چشمکان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده ممدوح را طوری بستاید که دو



مدح در آن باشد .

قارون کند اندر دونهس تیغ جهادت

بک طایفه میراث خور و مرثیه خوانرا

مدید (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است .

بحر مدید مسدس سالم (فاعلاتن فاعلاتن)

غالیه زلفی سمن عارضینی      سرو بالائی و زنجیر موئی

مرآت البلدان (ک) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه که شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبک معجم البلدان یا قوت حموی . این کتاب در چهار جلد است .

جلد اول آن شامل فرهنگ جغرافیائی ایران است از حرف الف

تا تاء که مؤلف پس از مباحث جغرافیائی به مباحث تاریخی زمان ناصرالدین شاه پرداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه است . جلد سوم شامل اوضاع سلطنت ناصرالدین شاه از سال شانزدهم تا سی و دوم است . جلد چهارم باز فرهنگ جغرافیائی ادامه می یابد و به حرف جیم می رسد .

(چاپ تهران)

مراعات نظیر (ب) آن است که نویسنده در آن چیزهایی را که با هم

متناسب اند جمع کند، مانند کلمه های کمان و تیر در این شعر:

از آن به خاک نشستم که آن کمان ابرو

مرا چو تیر سوی خود کشید و دور انداخت

و کلمات شبگرد و عیار و تاج و کمر در شعر ذیل:

تکیه بر اختر شبگرد مکن کاین عیار

تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاط یکی از دو حرف با اثبات

حرف دیگر ملازم باشد، یعنی دو حرف نه باهم ساقط می شود و نه

باهم ثابت می ماند. مراقبت در مفاعیلین میان یاء و نون است که اگر یکی

حذف شد دیگری می ماند.

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن

را از درازا خواند و هم از پهنا. رشیدالدین وطواط گوید:

به جانت نگارا که داری وفا

نگارا وفا کن به دل بی جفا

که داری به دل دوستی مر مرا

وفا بی جفا مر مرا خوشتر

مرزبان بن رستم بن شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم بن شروین . از

شاهان طبرستان و از خاندان آل باوند . وی مردی دانشمند و ادب

دوست بود و شعر نیز می سرود . از آثار او کتاب مرزبان نامه است

به لغت قدیم طبرستانی . ابن اسفندیار دیوانی به نظم طبری به نام

نیکی نامه به او نسبت داده است .

مرزبان نامه (ك) کتابی شامل داستانها و حکایتها بی به زبان وحوش و

طیور و حاوی حکمت و پند بسیار تألیف مرزبان بن رستم بن شروین

از شاهان طبرستان که آنرا در اواخر قرن چهارم هجری به زبان

قدیم طبرستان تألیف کرده است. این کتاب دوبار به زبان فارسی دری ترجمه شده است. نخست در قرن ششم به وسیله محمد بن غازی ملطوی که آن را روضة العقول نامیده است؛ و بار دیگر در اوایل قرن هفتم به وسیله سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب‌الدین هرون وزیر اتابک ازبک بن محمد از اتابکان آذربایجان ترجمه کرده است. روضة العقول با شواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان‌نامه سعد وراوینی نیز دارای انشاء مصنوع و تشبیهات و استعارات فراوان است. (مرزبان‌نامه - چاپ تهران)

مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد (ک) کتابی به زبان فارسی تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را در سال ۶۲۵ هجری به نام علاء‌الدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد. این کتاب از آثار ذیقیمت ادبی است در علم تصوف و اخلاق و آداب معاش و معاد. نشر کتاب گاهی نثر ساده و مرسل است و گاه دارای سجع و موازنه است. مؤلف در خلال موضوع، احادیث و آیات و همچنین اشعاری به فارسی و عربی از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. (چاپ تهران)

مرغ سلیمان (تن) «رجوع شود به هدهد.»

قافله شب چه شنیدی زصبح مرغ سلیمان چه خبر از سبا

«حافظ»

مروج الذهب و معادن الجواهر (ک) از معتبرترین کتابهای تاریخ قرن چهارم هجری به زبان عربی تألیف ابوالحسن بن حسین المسعودی.

این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ آدم ابوالبشر شروع می‌شود و به وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفته خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب اخبار الزمان و کتاب الاوسط اوست. مسعودی پیش از ذکر تاریخ پیغمبران و شاهان از اوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می‌کند. پس از آن از مذاهب و ادیان و تاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه و اکاسره و ملوک یونان و عربان سخن می‌گوید. در تاریخ شاهان به اختصار می‌کوشد و گاهی به ذکر نام و مدت سلطنت اکتفا می‌کند، ولی درباره اوضاع اجتماعی و نژاد و مشخصات و مذاهب گوناگون حتی عقاید خرافی بیشتر وارد بحث می‌شود. مسعودی مآخذ کتاب خود را ذکر می‌کند و در حدود سی تن از مورخان را نام می‌برد که پیش از او به تدوین تاریخ پرداخته‌اند. از قرآن هم روایاتی دارد. جز اینها مسعودی مدارکی را که در سفرهای طولانی بدست آورده و یا عاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقل می‌کند. بنابراین مطالب کتاب مروج الذهب بسیار متنوع و جالب است و مسعودی در فصل جداگانه‌ای اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت و بعد از اسلام نیز ذکر می‌کند. این کتاب به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است.

مریخ (نیچ) یا بهرام، بعد از آفتاب قرار گرفته و پنجمین کره است نسبت به زمین و در آسمان با نور سرخ می‌درخشد. مریخ ستاره جنگجویان است.

خنجر مریخ سست گردد و هر شب

از شفقش خون بر آسمان بنماند

مریم (تن) دختر عمران و مادر عیسی پیغمبر . عمران مقیم مسجد بیت المقدس بود و پسران بسیار داشت و به شکرانه آن نذر کرد که فرزند دیگری را مقیم مسجد کند . مریم متولد شد . چون دختر نمی توانست در مسجد مقیم شود ، عمران متحیر شد . وحی رسید و اجازه داده شد مریم در مسجد مجاور شود . زکریا پسر عم عمران از مریم در مسجد محافظت می کرد . چون مریم هیجده ساله شد ، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار در صومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی مژده داد ، به فرمان خدای تعالی روح القدس در او دمیده شده ، به قولی پس از نه ساعت و به قولی پس از نه ماه عیسی متولد شد .

آبستی مریم عمران به پسر بود

آبستی دختر انگور به جان است

«منوچهری»

مزید (ق) از حروف قافیه . آن است که خروج به آن پیوندد مثال:

این دل که به زلف دلبری بستیمش

هر چند گسست باز پیوستیمش

شین در کلمه های بستیمش و پیوستیمش مزید است .

مساوات (ب) آن است که لفظ و معنی با هم برابر باشد .

سؤال رفتی پیش عطا همیشه کنون

همی عطای تو آید پذیره پیش سؤال

مستزاد (ب) آن است که شاعر بعد از نظم هر مصراع قسمتی از کلام موزون بیاورد که شعر بی آن دارای وزن درست باشد ولی از حیث معنی به آن بستگی داشته باشد. مثال :

دوشینه پی گلاب می‌گردیدم	در صحن چمن
پژمرده گلی میان گلها دیدم	افسرده چو من
گفتم توجه کردی که چنین می‌سوزی	ای یار عزیز
گفتا که دمی درین چمن خندیدم	پس وای به من

مسرور طالقانی (ت) ابو الفضل مسرور بن محمد طالقانی از شاعران عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای از او در مدح ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی در لباب الالباب ضبط است .

مسعود سعد (ت) [ف: ۵۱۵] مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری از قصیده سرایان بزرگ قرن پنجم و معاصر دوره غزنوی و سلسجویی . اصلش از همدان و تولدش در لاهور است. مسعود سعد به ملازمت سیف الدوله مسعود بن ابراهیم غزنوی به هندوستان عزیمت کرد و در جنگها در التزام رکاب بود ، ولی سیف الدوله که مورد سوءظن پدر واقع گشته بود بانديمانش زندانی گشت و از آنجمله مسعود نیز هفت سال در قلعه های سو و دهك و سه سال در قلعه نای مجبوس شد و به وساطت عمید الملک ابوالقاسم خاص آزاد شد و به حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی بار دیگر گرفتار شد و هشت سال در قلعه مرنج در حبس ماند تا در سال ۵۰۰ به شفاعت ثقه الملک طاهر بن علی مشکان آزاد شد و تا پایان عمر کتابداری

شاهان غزنوی را داشت . مسعود سعد امیران غزنوی و وزیران را مانند ثقة‌الملک طاهر و ابونصر پارسی و ابوالقاسم خاص مدح کرده است . مسعود سعد در زبان تازی و هندی نیز دست داشته و اشعاری به عربی سروده است . مهمترین موضوع اشعار مسعود سعد شرح رنجهای بی‌پایان و سختی‌هایی است که در دوران زندان تحمل کرده است . این اشعار به حبسیات معروف است و بسیار مؤثر می‌باشد . (دیوان مسعود سعد - چاپ تهران)

مسعودی (ت) [ف : ۳۴۶] ابوالحسن علی بن حسین المسعودی مورخ بزرگ‌قرن چهارم . از فرزندان عبدالله بن مسعود بود که در عصر حضرت محمد می‌زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهار یافته است .

مسعودی در اواخر قرن سوم در بغداد متولد شد و در سال ۳۰۰ هجری از آنجا خارج شد و به مولتان و فارس و کرمان و هندوستان تا نزدیک چین سفر کرد و مدتی در شهرهای مختلف اقامت کرد و پس از این سفر طولانی دو باره به بغداد برگشت و نتیجه مطالعات چندین ساله اش را به صورت کتاب آورد . از آثار معروف او کتاب : اخبار الزمان ، کتاب الاوسط ، التنبیه والاشراف ، در علم هیئت و مهمتر از همه مروج الذهب می‌باشد .  
مسعودی غزنوی (ت) یا رازی شاعر قرن پنجم و معاصر سلطان مسعود غزنوی که در سال ۴۳۰ مغضوب واقع شد و به هندوستان تبعید گشت .  
ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است .

مسعودی مروزی (ت) از شاعران اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم. وی نخستین کسی است که شاهنامه منظوم ساخته است. از شاهنامه او اطلاع فراوانی در دست نیست. ثعالبی در غرر اخبار ملوک الفرس و المقدسی در کتاب البدء و التاریخ از این منظومه یاد کرده‌اند.

مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع متفق القوافی یا بیشتر و کمتر نهد و مصراع آخر را بر قافیه ای گذارد که قافیه اصلی شعر باشد مانند مسمط های منوچهری. مسمط را بر حسب شماره مصراعهای هر بندی مربع، مخمس، سدس می‌خوانند.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

آن برگ رزان است که بر شاخ رزان است

گوئی به مثل پیرهن رنگرزان است

دهقان به تعجب سر انگشت گزان است

کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلزار

مسیحا (تن) لقب عیسیای پیغمبر.

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی. به این وزن شعرهای

فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه های مرکزی و غربی ایران)



بیش از شعر فارسی دری است. اصل آن «فاع لاتن مفاعیلن مفاعیلن» است و از این اصل گاهی ابیاتی به وزن زیر دیده می شود .  
مشاکل مکفوف مقصور (فاع لات مفاعیل مفاعیل) :

ای نگار سیه چشم سیه موی      سرو قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ت) [ف: ۱۱۷۱] میرسیدعلی مشتاق اصفهانی از سادات حسینی اصفهان و از شاعران قرن دوازدهم . مشتاق در علوم معقول و منقول مهارت داشت و از علوم متداول زمان خود بهره مند بود . انجمن ادبی در اصفهان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» که سخن سرایانی مانند هاتف و عاشق و آذر بیکدلی در این انجمن حاضر شده کسب ادب می کردند. مشتاق از احیاکنندگان سبک عراقی است و دیوانش شامل قصیده و غزل و رباعی است . قصاید مشتاق بیشتر در مناقب حضرت رسول اکرم است ( دیوان مشتاق - چاپ تهران )

مشتری (نج) یا برجیس در فلک ششم نسبت به زمین قرار گرفته است و در نظر منجمان ستاره سعد است .

بر آسمان مکرمت از روشن علم

چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

المصادر (ك) از قدیمترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی . این کتاب در زمان مؤلف نیز معروف و مورد اعتماد بوده است . مؤلف در این کتاب مصادر عربی را به فارسی

شرح کرده و در برابر هر يك معادلی به فارسی آورده است .  
 مصادر عربی در این کتاب بر حسب افعال صحیح و معتل و مهموز  
 و مانند آن و به ترتیب حروف تهجی اواخر آنها تنظیم شده  
 است . مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده و پس از آن  
 ثلاثی مزید و رباعی مجرد و مزید را آورده است . (چاپ مشهد)  
مصحف (ب) آن است که چون نقطه کلمه‌ای را تغییر دهند معنایش  
 تغییر کند . مانند دو کلمه بوسه و توشه در این شعر :

مرا بوسه جانا به تصحیف ده

که درویش را توشه از بوسه به

مصراع (ب) در زبان عرب لنگه در است و در شعر نیمه‌ای از بیت  
 باشد . پس هر بیت شامل دو مصراع است .

مصراع (ع) از محور شعر عربی و فارسی . مرکب است از دو بار  
 «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» و در فارسی از این بحر وزنهای زیر  
 متداول است .

بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف مقصور یا محذوف

«مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان - فاعلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست

در حق او گمان ثبات و بقا خطاست

بحر مضارع مثنیٰ اخرب صدر و عروض : «مفعول

فاعلاتن ۲ بار»

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران

کز کوه ناله خیزد روز وداع باران

بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف : «مفعول فاعلات

مفاعیلن»

ای مطرب خوش آوا آوا ده ای ساقی آن قدح را با ما ده

«اورمزدی»

المضایف الی بدایع الازمان (ک) تألیف افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد

کرمانی در تاریخ کرمان. تاریخ تألیف کتاب اوایل سال ۱۳۳۶ است که تسلط ملوک شبانکاره و اتابکان فارس و امرای غز از کرمان قطع شده است. انشاء این کتاب مانند «عقد العلی» مصنوع و متکلف است.

مطلع الاتوار (ک) یکی از مثنویهای امیر خسرو دهلوی که آن را در

سال ۶۹۸ به نام علاء الدین محمد شاه در تقلید مخزن الاسرار نظامی ساخته است.

مطلع السعدین (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال الدین عبدالرزاق

ابن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری. این تاریخ در دو جلد است و شامل تاریخ صد و هفتاد سال، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تا پایان پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری است و بهمین مناسبت مؤلف نام آن را مطلع السعدین گذاشته است. نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده و وقایعی را نیز شرح داده است که خود شخصاً ناظر و شاهد آن بوده است.

مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات

بسیار سودمند می‌باشد و مورد استفاده تاریخ‌نویسان بعد قرار گرفته است. سبک آن ساده و روان است.

مطلع الشمس (ک) تألیف اعتماد السلطنه. دربارهٔ اوضاع ایالت خراسان، در جلد اول که در سال ۱۳۰۱ تألیف یافته و وضع جادهٔ تهران را به‌شاهد از دماوند و فیروزکوه و بسطام و بجنورد و قوچان وصف می‌کند و اوضاع هر یک از این بلاد را شرح می‌دهد. جلد دوم وصف شهر مشهد و ابنیهٔ تاریخی و بزرگان و اعظم آن است و شامل شرح حال امام علی بن موسی الرضا است، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانهٔ آستانهٔ قدس دارد. جلد سوم در شرح مراجعت ناصرالدین شاه از نیشابور و سبزوار و دامغان و سمنان است با شرح احوال رجال و بزرگان هر یک از شهرها. (چاپ تهران)

المعارف (ک) از مهمترین آثار صوفیان به زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین ولد. این کتاب مجموعه‌ای است از مجالس و مواعظ بهاءالدین که در آن از حقایق عرفان و تفسیر آیات قرآن سخن گفته است و شامل ترکیبات و لغات پارسی است و بسیار دلپذیر می‌باشد. (چاپ تهران)

معاقب (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی از افعال عروسی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه داشته باشد. در معاقل آن است که یاء و نون با هم ساقط نمی‌شود، اگر نون بیفتد یاء می‌ماند و اگر یاء بیفتد نون می‌ماند. معاقب در فاعلاتن میان نون و الف است یعنی یا نون می‌افتد یا الف.

معمدالدوله (ت) [ف: ۱۳۰۵] حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر نایب السلطنه عباس میرزا پسر فتحعلیشاه از شاهزادگان ادیب و فاضل قاجار. وی در تاریخ و جغرافیا و هیئت و نجوم دست داشت. از آثار او جام جم، کنزالحساب که شرح فارسی خلاصه الحساب شیخ بهائی است. دیگر منشآت و نصاب انگلیسی است.

المعجم فی آثار ملوک المعجم (ک) «رجوع شود به تاریخ معجم»

المعجم فی معائیر اشعار المعجم (ک) تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی که آن را در حدود سال ۶۳۰ به زبان فارسی تألیف کرده است. ظاهراً اصل کتاب به عربی نوشته شده و دربارهٔ عروض و قوافی فارسی و عربی بوده است، اما بعد بنا به سفارش دوستان آن را دو قسمت کرده است. آنچه را مربوط به زبان فارسی بوده در کتابی تلخیص کرده و نام المعجم فی معائیر اشعار المعجم بر آن گذاشته است و آنچه را متعلق به زبان عربی بوده به نام المعرب فی معائیر اشعار العرب موسوم کرده است. کتاب المعجم در فن عروض و علم قوافی و نقد الشعر است و یکی از مهمترین و سودمندترین کتابها است دربارهٔ علوم ادبی به زبان فارسی؛ و علاوه بر آنکه از حیث مطالب مربوط به عروض و قسافیه و نقد الشعر جامعترین کتاب فارسی است از لحاظ آوردن شواهد شعری و ذکر نام بسیاری از شاعران قبل از مغول بسیار پرارزش و مورد استفاده است. (المعجم-چاپ تهران)

معراج (تن) در لغت به معنی جای بالا رفتن و در اشعار فارسی اشاره

به عروج حضرت محمد (ص) بسوی خداست تا آنجا که فراتر رفتن از آن برای کسی میسر نبوده است.

براق همش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکار است

«ابوالفرج ردنی»

معراج السعادة (ك) کتابی در اخلاق، تألیف احمد بن مهدی نراقی از عالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه قاجار. این کتاب در واقع ترجمه‌ای است از کتاب جامع السعادات تألیف میرزا مهدی نراقی پدر مؤلف.

معروفی بلخی (ت) ابو عبدالله محمد بن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی و نیمه اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملک بن نوح (۳۴۳ - ۳۵۰) را مدح گفته است. اشعار پراکنده‌ای از او باقی است.

معری (ت) «رجوع شود به ابوالعلاء معری»

معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی (ك) فرهنگی در زبان فارسی که در سال ۷۴۵ به وسیله شمس‌الدین محمد فخری اصفهانی و به نام شیخ ابواسحاق بن امیر محمود انجو حکمران فارس تألیف یافته است. معیار جمالی شامل چهار فن است. فن اول در علم عروض، فن دوم در علم قوافی، فن سوم در علم بدایع الصنایع، فن چهارم در علم لغت فرس. اشعار کتاب و شواهد این ابواب جز ابیاتی معدود از خود نویسنده است. شمس فخری در کتاب معیار جمالی در فن چهارم مانند اسدی طوسی لغات را بر حسب حرف آخر

کلمات آورده و هر حرف را يك باب ساخته و بابها را برحسب  
الفبای فارسی تنظیم کرده است .

معزی (ت) [ف: در حدود ۵۲۰] امیرالشعرا ابو عبدالله محمد بن عبدالملک  
از شاعران بزرگ دوره سلجوقی . پدرش عبدالملک برهانی شاعر  
دربار الب ارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه وفات یافت و  
معزی جای او را گرفت . تخلص او به معزی به مناسبت انتساب  
به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه بن الب ارسلان می باشد ، لقب  
امیررا هم ملکشاه به او اعطا کرد . معزی تا فوت ملکشاه در دربار  
او می زیست و پس از آن مدتی در هرات و نیشابور و اصفهان  
گذراند و بعد به خدمت سنجر بن ملکشاه رسید و تا آخر عمر در  
دربار او ماند . سبب فوت او را تیری می دانند که از کمان شاه  
جدا شد و بی قصد به معزی اصابت کرد و چنانکه خود اشاره کرده  
است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود و گویا سرانجام بر اثر همان  
زخم فوت کرد . ممدوحان معزی علاوه بر سلطان ملکشاه و سلطان  
سنجر شاهان دیگر سلجوقی و وزیران ایشان می باشند مانند  
برکیارق و محمد بن ملکشاه، ارسلان ارغو پسر الب ارسلان، بهرامشاه  
بن مسعود غزنوی، اتسزبن محمد خوارزمشاه .

اشعار امیر معزی شامل قصاید و غزلیات است که در  
نهایت سادگی و خالی از تکلف می باشد . غزلهای نغزی دارد و  
در قصایدش اشارات تاریخی وجود دارد و به بسیاری از وقایع  
عصر سلجوقی مانند جنگها و صلحهای سلطان ملکشاه و سنجر

اشاره کرده است .

معما (ب) آن است که شاعر اسم یا معنی را نوعی به رمز گوید که خواننده جز به اندیشه و فکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .  
در معنی قبان :

چیست نه شلوار و نه پیراهنش

هرچه می‌خواهی نهی در دامنش

راست گوید هرچه گوید بی زبان

ازدهائی عقری در گردنش

معمری (ت) ابوزراعہ معمری جرجانی از شاعران دورهٔ سامانی که خود را در شاعری با رودکی مقایسه کرده است. ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است .

معیار الاشعار (ك) کتابی به زبان فارسی در علم عروض و قوافی تألیف خواجه نصیرالدین طوسی دانشمند بزرگ ایرانی. این کتاب شامل يك مقدمه و دو فن است. مقدمه در بیان ماهیت شعر و ذکر صناعات آن در سه فصل . فن اول در علم عروض که شامل ده فصل است. فن دوم در علم قافیه که شامل ده فصل می‌باشد . نویسنده در این کتاب اشعار فراوانی به فارسی و عربی به عنوان شاهد ذکر کرده است . (چاپ تهران)

معین‌الدین اسفزاری (ت) «رجوع شود به اسفزاری»

معین‌الدین یزدی (ت) [ف: ۷۸۹] از دانشمندان و تاریخ‌نویسان قرن هشتم و معاصر و مداح شاه شجاع . معین‌الدین بر حسب تشویق شاه



شجاع و پدرش امیر مبارزالدین محمد، کتابی در تاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را در سال ۷۵۷ شروع کرده است. عنوان این کتاب مواهب الهی است.

مغربی (ت) [ف: ۸۰۹] از شاعران متصوف ایران در قرن نهم. در نائین نزدیک اصفهان تولد یافته و در اصطهبانات فارس مدفون است ولی به مغربی تبریزی معروف است. وی از پیروان شیخ محیی الدین العربی است. دیوان مغربی مشتمل است بر غزلیات و ترجیعات و رباعیات و اشعارش بیشتر صوفیانه و عارفانه است (دیوان مغربی چاپ مکرر)

مناقیح العلوم (ک) تألیف ابو عبدالله محمد بن احمد خوارزمی، این کتاب شامل دو قسمت است. قسمت اول شامل شش باب است در علم عروض، علم کلام، فقه، نحو، کتابت و اخبار. قسمت دوم شامل نه باب است در منطق و فلسفه و طب و نجوم و هندسه و موسیقی، کیمیا، اعداد و خیال (ترجمه حسین خدیو جم - از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۷)

مقابله (نج) آن است که میان دو برج يك دوم دوره فلك یعنی شش برج فاصله باشد و در اصطلاح نجوم برجی به برج هفتمش نظر کند و این حال سعد است.

زاخترم نظر سعد در رهست که دوش

میان ماه و رخ یار من مقابله بود

مقابله یا متضاد (ب) آن است که شاعر کلمه‌های متضاد را در برابر هم قرار دهد .

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است

که بر صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

«حافظ»

مقامات ژنده پیل (ک) کتابی درباره زندگی و کرامات شیخ احمد جام . این کتاب در قرن ششم هجری به وسیله خواجه مؤیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی تألیف یافته است . مؤلف هنگامی به قصد سفر مکه از شهر جام می گذرد ، به خدمت شیخ جام می رسد و چنان تحت نفوذ شیخ قرار می گیرد که دست از سفر مکه بر می دارد و مقیم خانقاه می شود و به شاگردی شیخ مشغول می گردد . مقامات ژنده پیل در بیان آیات و احادیث است و دارای داستانهایی مفصل درباره کرامات شیخ می باشد .

مقامات حمیدی (ک) از کتابهای معروف نثر فارسی در قرن ششم ، تألیف قاضی حمیدالدین عمر بن محمود البلخی که آن را به تقلید مقامات حریری نگاشته است و کتاب دارای یک مقدمه و بیست و چهار مقاله و یک خاتمه است و شامل نکته‌های اخلاقی و اجتماعی و افکار عارفانه و مطالب تاریخی و فلسفی است . مقامات حمیدی به نثر مسجع و موزون است و نویسنده همه جا به آوردن صنایع لفظی و ایراد مترادفات و ذکر اشعار فارسی و عربی پرداخته است . با وجود این نثرش سلیس و روان است

و در زمان حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهند در ترسل و فن انشاء مهارت یابند، لازم و ضروری دانسته است. (چاپ تهران)

مقتضب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مفعولات مستفعلن مستفعلن» ۲ بار است. وزنه‌های این بحر در فارسی رواجی ندارد، متداول‌ترین آنها این است:

بحر مقتضب مثنی مطوی مقطوع «فاعلات مفعولن ۲ بار» در هر مصرع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات ای جان يك دم است تا دانی

«حافظ»

المقدسی (ت) شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد المقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافیا نویسان معروف قرن چهارم و معاصر سامانیان. المقدسی ممالک اسلامی و همه ایران را سیاحت کرده و در باره آداب و عادات و مذاهب و السنه ملل مطالعه کرده و نتیجه مطالعات را در کتاب معروف خود به نام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم آورده است.

مقدمه ابن خلدون (ک) این کتاب مقدمه کتاب اول است از تاریخ معروف کتاب العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب والعجم و البربر، اثر ابن خلدون دانشمند و مورخ بزرگ اسلامی. این مقدمه در حقیقت اثری است در جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ و

موضوعش بحثی است دربارهٔ تاریخ دول اسلامی و جامعهٔ اسلامی. کتاب العبر خود شامل هفت جلد است که جلد اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم برحسب تقسیم مؤلف کتاب دوم نامیده شده است و مشتمل بر تاریخ عرب و تاریخ اسلام و تاریخ مشرق است و کتاب ششم و هفتم که مؤلف آن را کتاب سوم نامیده است شامل تاریخ بربر و مغرب است و جلد هفتم در شرح حال مؤلف می باشد این کتاب بسیار باارزش است، خاصه قسمت‌هایی که مربوط به تاریخ بلاد مغرب است، که پیش از ابن خلدون کسی چنان اطلاعات گرانبھائی بدست نداده است. (مقدمهٔ ابن خلدون ترجمهٔ محمد پروین گنابادی - از نشریات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶ ش)

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همهٔ کلمات آن از حروف منفصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگر نتوان چسباند:

زار و زردم ز درد دوری او      درد دلدار زرد دارد و زار

مقلوب (ب) از صنایع بدیع که شاعر کلمه را وارونه کند و معنی تازه‌ای یابد.

مقلوب بر چهار قسم است:

مقلوب کل، مقلوب بعض، مقلوب مجنح، مقلوب مستوی.

مقلوب کل آن است که تقدیم و تأخیر در همهٔ حروف

کلمه باشد مثل تاریخ و خیرات، شیر و ریش؛ یا گنج و جنگ

در این شعر :

به گنج اندرون ساخته خواسته

به جنگ اندرون لشکر آراسته

مقلوب بعض آن است که تقدیم و تأخیر در بعضی از  
حروف کلمه باشد . مانند رقیب و قریب ؛ یا جادوانه و جاودانه در  
این شعر :

از آن جادوانه دو چشم سیاه      دلم جادوانه عدیل عناست

مقلوب مجنح همان مقلوب کل است ولی کلمه‌های  
مقلوب در ابتدا و انتهای کلام واقع شود . مانند کلمه زان و ناز  
در این شعر

زان دو جادو نرگس مخمور باکشی و ناز

زار و گریان و غریوانم همه روز دراز

مقلوب مستوی آن است که اگر يك عبارت یا يك مصرع را  
وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت بر کش

شو همره بلبل به لب هر مهوش

مقنع (ت) لقب حکیم بن عطا که دعوی پیغمبری می کرد و گویند به  
عنوان معجزه ماهی ساخته بود که شبانگاه از چاه بیرون می آمد  
و نورش تا چهار فرسنگ را روشن می کرد . ماه مقنع در شعر  
فارسی از اوصاف معشوق است به معنی « مساه پوشیده روی » و  
ایهامی دارد به ماهی که مقنع ساخته بود . مقنع زشتروی بود و

پیوسته نقابی بر چهره داشت. از این رو وی را مقنع می‌خواندند یعنی پوشیده روی .

مقولات عشر (ط) عبارت است از نه مقوله عرض و يك مقوله جوهر و جمیع موجودات عالم به حسب ذات منتهی به این اجناس می‌شود مقولات عشر عبارت است از : جوهر، این، متی، ملك، وضع، کم، اضافه، فعل، کیف، انفعال . مثال :

گل به بستان دوش در خوشتر لباسی خفته بود  
يك نسیم از کوی جانان خاست خرم در گذشت

جوهر	گل
این	بستان
متی	دوش
ملك	در خوشتر لباس
وضع	خفته بود
کم	يك نسیم
اضافه	از کوی جانان
فعل	خاست
کیف	خرم
انفعال	در گذشت

معانیب (ك) مجموعه‌ای از مکتوبهای فارسی عین القضاة از بزرگان و مشایخ صوفیه به دوستان و بزرگان زمان خود . این مکتوبها شامل حقایقی است در حکمت و عرفان که بانثر روان و ساده نوشته

شده است و کمتر جنبهٔ نامهٔ دوستانه دارد. عین القضاة در این مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران را به عنوان شاهد نقل کرده و در ضمن رباعیهائی نیز از خود ذکر کرده است که همه اندیشهٔ عرفانی دارد.

مکتب‌بسی شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری که به مناسبت شغل مکتب داری «مکتبی» تخلص کرده است. وی از شاعرانی است که به تقلید نظامی شعر گفته و مثنوی لیلی و مجنون را به پیروی از او به سال ۸۹۵ در دو هزار و یکصد و شصت بیت سروده است. مکتبی در علم موسیقی استادی داشته و سازی شبیه به قانون ساخته است.

ملاصدرا (ت) «رجوع شود به صدرالدین شیرازی»

ملا عبدالرزاق لاهیجی (ت) «رجوع شود به لاهیجی»

ملك (ط) از مقولات عشر. مفهوم ملك شکلی است که به سبب احاطهٔ چیز دیگر بر جسم عارض شود مثل شکل لباس پوشیدن و دسته‌ای احاطه را شرط ندانند، بلکه مالك بودن و صاحب بودن را معتبر دانند.

ملك سلیمان (تن) کشور سلیمان که قلمروش بسیار وسیع بود، زیرا که حق تعالی علاوه بر پیغمبری به سلیمان پادشاهی داد تا بر آدمی و پری و دیو حکومت کند. باد مأمور بود که هر چه در ملك سلیمان می‌گذشت، به گوش او برساند.

پیش صاحبنظران ملک سلیمان بار است

بلکه آن است سلیمان که زملک آزاد است

«خواجو»

ملک الشعراء چهار (ت) «رجوع شود به بهار»

ملک قمی (ت) [ف: ۱۰۲۵] از شاعران قرن دهم و یازدهم هجری که به هندوستان مهاجرت کرده و در دکن سه دربار نظام الدین شاه راه یافته و نزد او و ابراهیم عادلشاه با تقرب تمام می‌زیسته است. ملک قمی در هندوستان در عرفان مقام ارشاد یافته است و فیضی دکنی او را ستوده و می‌گوید که وی کمتر معاشرت می‌کرده است. دیوان ملک قمی شامل غزلیات و مثنوی است.

ملک سبأ (تن) «رجوع شود به بلقیس»

الملل والنحل (ک) از مهمترین کتابها درباره مذاهب و ادیان و عقاید فیلسوفان و حکیمان. تألیف ابو الفتح محمد بن ابی القاسم عبدالکریم شهرستانی که آن را به نام مجدالدین ابو القاسم علی نقیب السادات به زبان عربی تألیف کرده است. شهرستانی در این کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان و اهل مذاهب را مورد بحث قرار داده است. کتاب الملل والنحل یک بار به وسیله صدرالدین ترکه اصفهانی به نام تنقیح الادلة والعلل فی ترجمه کتاب الملل والنحل و بار دیگر به وسیله مصطفی بن خالقداد در سال ۱۰۲۰ به فارسی ترجمه شده است.

ملمع (ب) آن است که شاعر در شعر دو زبان به کار برد مانند این



شعر سعدی که به دو زبان عربی و فارسی است :

سل المصانع رکبا تهیم فی الفلوات

تو قدر آب چهدانی که در کنار فراتی

ممسک العنان (نیج) از صورتهای فلکی، در شمال منطقه البروج که شامل چهارده ستاره است به شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه و به دست دیگر عنان دارد .

منازل قمر (نیج) بیست و هشت منزل است از منطقه البروج که ماه در هر روز یکی از آن منازل را طی می کند و عبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ، نثره ، طرف ، جبهه، خراتین ، صرفه، عوا، سماک اعزل ، غفر، زبانی، اکلیل، قلب، شوله، نعایم، بلده، سعد ذابح، سعد بلع، سعد السعود، سعد الاخبیه، فرغ نخستین، فرغ دوم، بطن الحوت.

مناقضه (ب) آن است که معنی مصراع دوم مناقض و منافی معنی مصراع اول باشد

درمش بخشم بوسه نهد جور کند

ببرم جامه که بوسه نرود به درم

منتجب الدین بدیع (ت) منشی سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسالت او بود. در اوایل جوانی به مرو رفت و بعد از اتمام تحصیل به دستگاه دیوانی وارد شد . منتجب الدین مجموعه منشآت خود را به نام عتبه الکتبه نامید که پس از او سرمشق مترسلان قرار گرفت. عوفی دو کتاب به منتجب الدین نسبت داده است، یکی رقیة القلم

درفن دبیری و دیگر عبارات الکتبه . انشاء منتجب‌الدین نمونه‌نشر  
مصنوع و دارای سجع و اطناب است . اشعاری نیز از او نقل  
شده است .

منتظم ناصری (ک) تألیف اعتمادالسلطنه . شامل سه جلد است جلد  
اول شامل خلاصه تاریخ اسلام از سال اول هجرت تا سال ۶۵۶  
شامل تاریخ خلفا به ضمیمه وقایع مهم ایران، با سالنامه و تقویم .  
جلد دوم شامل وقایع و حوادث عالم از انقراض خلافت بنی‌عباس  
۶۵۶ تا ابتدای سلطنت قاجاریه .

جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه از سال ۱۱۹۴ به بعد با

سالنامه . (چاپ تهران)

منجیک ترمذی (ت) ابوالحسن علی‌بن محمد منجیک ترمذی از شاعران  
قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است . دیوان  
منجیک در قرن پنجم مشهور بوده و ناصر خسرو در سفرنامه خود  
از آن اسم برده است . منجیک شاعری است قصیده‌سرا و علاوه  
بر قصیده‌های بزرگ در مدح شاهان ، اشعاری نیز در هجو و هزل  
دارد .

اشعار منجیک در تذکره‌ها و کتابهای لغت موجود است .

منسرح (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن ۲ بار «مستفعلن  
مفعولات مستفعلن» است . در فارسی از این بحر وزنهای زیر به  
کار می‌رود . بحر منسرح مثنی مطوی موقوف (مفتعلن فاعلن ۲ بار)  
مثال :

تاجر عشقم به کف مایه و سودم وفا

تا که خرد دوستی تا چه دهد در بها

منسرح مثنی مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)

مثال :

بخت جوان دارد آنکه باتو قرین است

پیر نگرود که در بهشت برین است

منشوری (ت) ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی، از شاعران عصر غزنوی. از اشعار او قطعه‌هایی در ترجمان البلاغة و سایر فرهنگها موجود است.

منصور حلاج (ت) [مقتول : ۳۰۹] حسین بن منصور از بزرگان عرفا و متصوفه. عده‌ای پاره‌ای از خوارق عادات او را حمل بر کرامت او می‌کردند و او را از اولیاء می‌دانستند و دسته‌ای آن را اثر سحر و جادو می‌شمردند و سرانجام هم به استناد این گفته او «انا الحق ولیس فی جبتی الا الله...» او را به زندان افکندند و به فرمان حامد بن عباس وزیر مقتدر عباسی به دار آویختند.

منصور بر سردار این نکته خوش سراید

از شافعی پرسید امثال این مسائل

«حافظ»

کلمه یار در این شعر نیز اشاره به اوست :

گفت آن یار کزو گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

«حافظ»

منطقه البروج (نج) دایره بزرگی که محل عبور زمین در گردش به دور خورشید است و آنرا فلک البروج و نطاق البروج نیز خوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هر یک را برج می‌خوانند و این برجه‌ها به نام صورت‌هایی است که زمین از برابر آنها می‌گذرد .

منطق الطیر (ک) منظومه‌ای عرفانی از آثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری ؛ شامل ۴۶۰۰ بیت. در این منظومه افکار عرفانی و شیوه سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است .

مرغان در طلب سیمرغ که کنایه از حضرت حق است به راه می‌افتند و هدهد را به عنوان راهنما انتخاب می‌کنند. عده‌ای از مرغان از دشواری راه می‌گریزند و دسته‌ای تسلیم می‌شوند . پس از طی هفت منزل دشوار باز عده‌ای از پا در می‌آیند و سرانجام سی تن رنجور و خسته باقی می‌مانند که به کوه قاف می‌رسند و می‌بینند سیمرغی که در طلب او هستند خودایشان (سی مرغ) هستند. مقصود از این منظومه رمزی نمودن راه عرفان و رسیدن به حق است که بعضی از سالکان طریقت به سبب علایق دنیوی یا کوتاهی همت از دشواری راه می‌گریزند و کسانی که با کوشش موفق می‌شوند هفت مرحله سلوک را بپیمایند سرانجام حقیقت را در می‌یابند و فانی می‌شوند تا جامه بقا بپوشند. کتاب منطق الطیر از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفتگوی پرندگان حکایتها و تمثیل‌های شیرین آورده است .

منطقی (ت) [ف : ۳۹۱] ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی، فیلسوف بزرگ قرن چهارم و معاصر عضدالدوله دیلمی . منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده و رسائلی به نام او در شرح فنون حکمت و تفسیر کتابهای ارسطو نوشته است . از آثار او : رساله فی المحرك الاول، مقاله طبیعت اجرام علوی و مقاله فی الکمال الخاص بنوع الانسان .

منطقی رازی (ت) [ ف : نیمه دوم قرن چهارم ] ابو محمد منصور بن علی منطقی رازی . از شاعران معاصر صاحب بن عباد که بقول عوفی صاحب بن عباد پیوسته اشعار او را مطالعه می کرد . اشعاری از منطقی در تذکره‌ها ضبط است .

منصب الجبار یا منکب الجوزا (نج) از ستارگان قدر اول که در شکل «جبار» است و آن را جوزا خوانند .

من لایحضره الفقیه (ک) کتابی در فقه تألیف ابن بابویه فقیه مشهور قرن چهارم هجری در آئین تشیع که مرجع علمای شیعه است . مجموع آن در چهار جزو تنظیم شده که دارای ۶۶۶ باب و ۵۹۶۳ خبر است . این کتاب از اصول چهارگانه در فقه است و روایات آن مورد اعتماد علماست و چندین بار بر آن شرح نوشته شده است .  
(چاپ تهران)

منوچهر (ش - د) نواده ایرج است که به سرپرستی فریدون ، جد خود ، پرورش یافت و هنر آموخت، در زمان او سلم و تور لشکر از جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت و سلم و

تور را کشت و دژ الانان را گشود و با فیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی را بر سر وی نهاد و خود گوشه گیری کرد. منوچهر به راهنمایی و تدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) [ف: ۴۳۲] ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی. از شاعران بزرگ قرن پنجم و عصر مسعود غزنوی، تولدش در دامغان است و پیش از آنکه به خدمت مسعود برسد، در ری اقامت داشته است و هنگامی که مسعود به قصد لشکر کشی به گرگان از نیشابور حرکت کرد، منوچهری را نزد خود خواند. پس از آن منوچهری در دربار مسعود تقرب حاصل کرد و صاحب شکوه و جلال گردید.

منوچهری تخلص خود را از نام فلك المعالی منوچهرین قابوس و شمشیر حکمران زیاری گرفت که در ابتدای کار در دربار او بسر می برده است. از ممدوحان منوچهری سلطان مسعود بن محمود غزنوی، علی دایه سپهسالار مسعود، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود، ابوسهل زوزنی و عده دیگر از رجال زمان مسعود بوده اند. منوچهری با وجود جوانی، صاحب اطلاع وسیع در شعر و ادب فارسی و تازی بوده است، چنانکه در اشعارش از مضمونها و اسلوب شاعران تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی در شعر خود به کار برده است. منوچهری علاوه بر زبان و ادب عرب در علم طب و نجوم نیز دست داشته و اصطلاحات نجوم در اشعارش دیده می شود.

منوچهری در تشبیه و استعاره خاصه وصف طبیعت ورز و شراب استاد بوده و او را مبتکر مسمط می‌شمارند که ظاهراً این نوع شعر پیش از او در اشعار دیگران دیده نشده است. (دیوان منوچهری چاپ مکرر.)

من وسلوی (تن) من به معنی انگبین و سلوی به معنی بلدرچین است. من و سلوی غذائی بوده است که خداوند در بیابان برای موسی و قوم بنی اسرائیل فرستاد.

گر به عهد موسی امت را که قحط از هوا

باز من و سلوی سلوت رسان افشاندند ...

«خاقانی»

منه‌باج سراج (ت) [ف: ۶۹۸] منه‌باج‌الدین عثمان‌بن‌محمد سراج‌الدین جوزجانی. از عالمان خراسان بود که هنگام حمله مغول به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباچه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسه فیروزی منصوب گشت. وقتی که ناصرالدین قباچه خود را در سند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منه‌باج سراج به خدمت او درآمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب طبقات ناصری را به نام ناصرالدین محمود شاه پسر التتمش نوشت.

منیژه (ش-د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان ایران گشت و او را به کاخ خود برد و چون افراسیاب به عشق دختر پی برد، او را از قصر خود راند و بیژن را در چاهی

زندانی کرد . منیژه سر و پا برهنه به گدائی پرداخت و نانی را که از این راه به دست می آورد ، در چاه برای بیژن می انداخت . منیژه در عشق خود فداکاریها کرد تا رستم به یاری ایشان رسید و بیژن را از چاه بیرون آورد و منیژه با او به ایران گریخت .

منیژه الغصلا فی تواریخ الخلفاء والوزراء (ک) تاریخی تألیف ابو جعفر محمد بن تاج الدین معروف به ابن طقطقی ( متوفی ۷۰۱ ) ، ابن طقطقی این کتاب را در سال ۷۰۱ در موصل به نام فخرالدین عیسی که از طرف غازان خان در موصل حکومت داشت تألیف کرد . این تاریخ که به نام «الفخری» نیز نامیده می شود شامل دو قسمت است . قسمت اول در سیاست مدن و قسمت دوم تاریخی است از دول اسلام که در آن پس از ذکر وقایع عصر خلفا دربارۀ وزرا و شرح آنان نیز ذکری شده است .

المواقف (ک) کتاب المواقف فی علم الکلام و تحقیق المقاصد و تبیین المرام از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن بن احمد معروف به عضدالدین ایچی آن را به نام خواجه غیاث الدین محمد بن رشیدالدین تألیف کرده و میرسیدشریف جرجانی بر آن شرح نوشته است . (چاپ مصر - ۱۸۴۸م)

مواهب الہی (ک) کتابی در تاریخ خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و شاه محمود که معین الدین یزدی آن را بر اثر تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین در سال ۷۶۷ به پایان رسانده است .



این کتاب مانند تاریخ و صاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبه تاریخی سودمند است . (چاپ تهران)

مواهب‌علیه (ك) تفسیری از قرآن به زبان فارسی ، تألیف ملاحسین واعظ کاشفی که آن را در سال ۸۹۹ به نام امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است .

موسی (تن) موسی کلیم‌الله از پیغمبران اولوالعزم . وی در زمان شاهی ولیدبن مصعب فرعون مصر متولد شد . چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی اسرائیل مبطل احکام او خواهد بود، از اینرو دستور داد تا هر پسری که از بنی اسرائیل به وجود آید بکشند . وقتی که موسی متولد شد مادرش از ترس فرعون او را در صندوقی گذاشت و به رود نیل انداخت . آب صندوق را زیر قصر فرعون برد ، کنیز آسیه زن فرعون آن را گرفت و نزد بانوی خود برد . آسیه او را به فرزندی پذیرفت . کودك از پستان هیچکس شیر ننوشید جز مادرش . مادر را به دایگی انتخاب کردند و موسی درخانه فرعون بزرگ شد . روزی یکی از قبطیان را کشت و به این سبب گریخت و نزد شعیب رفت و در ازای ده سال شبانی دختر او را گرفت و به مصر عزیمت کرد . شعیب عصائی به او بخشید . در راه در شبی تاریک زنش درد زاییدن گرفت، در آن بیابان که وادی ایمن نام دارد ، موسی به جستجوی آب رفت، بر سر درخت روشنی دید و خطاب آمد «انی انالله» و

معجزه بر او کرامت شد. موسی معجزات را بر فرعون عرضه داشت. فرعون او را به سحر و جادو متهم کرد و ایمان نیاورد و چون قبطیان با بنی اسرائیل جور می کردند، موسی و بنی اسرائیل از مصر هجرت کردند و از آب نیل گذشتند و قبطیان که به دنبال ایشان رفتند، در آب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طور می رفت و خدای تعالی تورا را که بر الواح نبشته بود، بر او نازل کرد. وقتی موسی با خدا سخن گفت و دیدار خواست. جواب آمد «لن ترانی».

موش و گربه (ك) منظومه انتقادی شامل ۱۷۴ بیت از آثار عبید زاکانی که در آن تزویر و ریاکاری گربه ای از گربه های کرمان را شرح می دهد که موجب فریب موشان گشت و پس از آن کار به شکستن عهد گربه و بروز جنگ بین موشان و گربه ها و غلبه لشکر موشان و گرفتاری گربه و فرار او منجر شده است.

این منظومه شیرین بسیار معروف است و بعضی از بیت های آن مثل سایر شده است. منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی از آداب و رسوم و اوضاع زمان.

موصّل (ب) شعری را گویند که همه حروف کلمات آن به یکدیگر قابل اتصال باشد و بتوان همه را سر هم نوشت:

تن به عشقم نجیف گشت به غم      گل به چشمم نهفته گشت به خار

که می توان چنین نوشت:

تنبعشمنجیفگشتبغم      گلچشممنهفتهگشتبخار

مولوی (ت) [ف : ۶۷۲] مولانا جلال‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد بن حسین الخطیبی. معروف به مولوی یا ملای روم از بزرگترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم. جلال‌الدین در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد.

جلال‌الدین فرزند محمد بن حسین ملقب به بهاء‌الدین ولد می‌باشد که از طرف مادر از خاندان خوارزمشاه است. بهاء‌الدین ولد از مقربان دربار محمد خوارزمشاه بود، ولی به علت رنجش خاطری که از شاه یافت، در سال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفر حج کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین که کودکی بیش نبود اهداء کرد، بهاء‌الدین ولد پس از زیارت حج به شام و از آنجا به لارنده از مراکز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت و مدت هفت سال در آن شهر اقامت کرد و پس از آن به دعوت سلطان علاء‌الدین کیقباد که از شاهان بزرگ دانش‌پرور بود به قونیه رفت و تا آخر عمر در آنجا به ارشاد خلق پرداخت و در سال ۶۲۸ فوت کرد. جلال‌الدین محمد که هنگام فوت پسر بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت او و خواهش علاء‌الدین بجای پدر نشست و به ارشاد مردم و تربیت مریدان پرداخت و در مجالس درس سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان بهاء ولد بود، کسب فیض کرد و به رموز معرفت حق آشنایی یافت و از او اجازه

ارشاد گرفت و پس از فوت برهان محقق مجالس و عظم برپا کرد و به تربیت شاگردان پرداخت تا برحسب اتفاق در سال ۶۴۲ باعارف بزرگ شمس‌الدین محمد تبریزی برخورد کرد .

پس از این ملاقات مولانا چنان شیفته شمس شد که ترك منبر و محراب کرد و از همه گریزان شد و پیوند خود را با گذشته قطع کرد و درسلك مریدان شمس درآمد . شمس تبریز در سال ۶۴۵ از قونیه خارج شد و دیگر به آنجا باز نگشت . مولانا بر اثر هجران شمس تبریزی آشفته خاطر شد و یکباره از مردمان کناره گرفت و مدتی به حسام‌الدین چلبی ارادت می‌ورزید و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا در سال ۶۷۲ فوت کرد . از آثار مولانا جلال‌الدین مثنوی بزرگه او درشش جلد و مجموعه رباعیات و دیوان غزلیات اوست که به دیوان شمس مشهور است . از آثار منشور او کتاب : فیه مافیة ، مجالس سبعة و مکاتیب است .

مولوی شعر عرفانی را به حد اعلی رسانده و نفوذ معنوی و ادبیش نه تنها در ایران و هند و آسیای صغیر به حد کمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت کرده و آثارش به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

مؤسس الاحرار فی دقایق الاشعار (ک) کتابی است تألیف محمد بن بدر جاجرمی از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم . این کتاب در سال ۷۴۱ تألیف یافته و شامل چهارده باب است در

موضوعهای مختلف که در هر بابی اشعاری از متجاوز بر دویت تن شاعر بر حسب موضوع انتخاب شده و در ذیل ابواب آمده است. مونس الاحرار از نظر ثبت اشعار قدما و ذکر نام شاعرانی که ممکن بود نامشان فراموش شود بسیار گرانبهاست. (جلد اول - چاپ تهران)

مؤید بغدادی (ت) بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی. منشی علاء الدین تکش خوارزمشاه و از منشیان معروف که آثارش سر مشق مترسلان زمان محسوب می شد. تاریخ تولد و وفاتش معلوم نیست، ولی مسلم است که در تاریخ ۵۸۸ زنده بوده است.

بهاء الدین محمد مجموع منشآت خود را به نام بهاء الدین وزیر تنظیم کرده والتوسل والترسل خوانده است. وی علاوه بر نثر استادانسه اشعاری نیز داشته که عوفی بعضی از آنها را نقل کرده است.

مهرگان (نج) مهر روز یعنی روز شانزدهم از ماه مهر است که فریدون بر ضحاک پیروز شد و او را در کوه دماوند حبس کرد، پارسیان هر سال در این روز جشن می گرفتند. مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال

نیک روز و نیک جشن و نیک وقت و نیک حال

«عنصری»

مهستی (ت) از زنان شاعر ایرانی در قرن ششم و معاصر با سلطان سنجر سلجوقی. مهستی اهل گنجه است و ابتدا در دستگاه سلطان محمود

برادرزاده سلطان سنجر که حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد و پس از آن به دربار سلطان سنجر راه یافت. مهستی در دربار سلطان سنجر مقامی یافت و در ردیف شاعران نامی آن زمان مانند انوری و رشید و طواط و ادیب صابر قرار گرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت .

میدانی (ت) [ف: ۵۱۸] ابوالفتح احمد بن محمد میدانی النیشابوری . ادیب بزرگ ایران در قرن پنجم . در قواعد و لغت عرب و نحو استاد بوده است . از آثار او کتاب : مجمع الامثال است شامل امثال مشهور عرب ، تاج المصاغر بیهقی ، مصادر اللغة زوزنی و مشهورتر از همه کتاب السامی فی الاسامی که کتاب لغت عربی به فارسی است و شامل اسمها و صفت‌های متداول زبان تازی با معادل فارسی آنها . برخلاف سایر فرهنگها لغات در این کتاب بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است . (چاپ عکسی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵) .

میرخواند (ت) [ف: ۹۰۳] محمد بن سید برهان‌الدین خواند شاه بن کمال‌الدین محمود . از مورخان معروف قرن نهم و معاصر و طرف توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی . میرخواند در سال ۸۳۸ متولد شد و کودکی را در بخارا گذراند و پس از فوت پدر از بخارا به بلخ رفت و در آنجا به تحصیل علوم متداول زمان مشغول‌گشت و از محضر علما استفاده بسیار کرد ، سپس به هرات رفت و در آنجا نیز در خدمت بزرگان علم‌و ادب

به کسب علم پرداخت و پس از چندی به بلخ برگشت و تا زمان وفات آنجا ماند. میرخواند در فضل و هنر و علوم معقول و منقول و در فن تاریخ‌نویسی مقامی بزرگ داشت. اثر معروف و عظیم او کتاب روضة الصفا در شش جلد است که به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آنرا به پایان رساند.

میرداماد (ت) [ف: ۱۰۴۱] میرمحمد باقر بن محمد استرآبادی معروف به داماد از فیلسوفان و دانشمندان عصر صفوی. لقب داماد از پدرش مانده که داماد محقق ثانی بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است. میرداماد مورد توجه شاه عباس بزرگ بود و تألیفات متعدد فلسفی و دینی دارد که همه آنها به زبان عربی است مانند صراط مستقیم و قبسات در مسائل حکمت، کشف الحقایق که حکمی و دینی است.

میرداماد شعر نیز می‌سرود «و اشراق» تخلص می‌کرد و مثنوی دارد به نام «مشرق الانوار».

میرزا مهدیخان منشی استرآبادی (ت) «رجوع شود به استرآبادی». میرعماد (ت) حسنی قزوینی از خطاطان مشهور عهد شاه عباس اول صفوی است. پدر و اجداد وی از کتابداران شاهان صفویه بوده‌اند، میرعماد در قزوین متولد شده و همانجا به کسب علوم متداول زمان پرداخته و اصول خط را نزد استادان فن آموخته است، سپس برای تکمیل هنر خود به تبریز و خراسان و هرات و گیلان سفر کرده و سرانجام به اصفهان پایتخت صفویه رسیده و بر اثر حسن

خط نستعلیق مورد توجه شاه قرار گرفته است . اما پس از چندی مطرود درگاه گردیده و عزلت اختیار کرده و سرانجام به قتل رسیده است . از آثار میرعماد کتاب: آداب‌المشق در اصول نوشتن خط نستعلیق، دیگر تحریر کتاب تحفة‌الاحرار جامی است .

میزان (نیچ) از صورتهای دوازده‌گانه فلکی در منطقة البروج و به شکل ترازو . برج میزان برابر ماه مهر است .

اثرهای کین تو چون نحس عقرب

نظرهای لطف تو چون سعد میزان

«ابوری»



## ن

ناسخ التواریخ (ک) تاریخ عمومی تألیف میرزا محمد تقی سپهر که آن را به دستور محمدشاه قاجار شروع کرد و در زمان ناصرالدین شاه به پایان رساند . این تاریخ با ملحقاتش در حدود پانزده جلد بزرگ می شود . قسمت اسلام و تاریخ بعد از اسلام در آن بطور مشروح نوشته شده ، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند و بعد از او عباسقلی خان سپهر که از مقربان دربار ناصرالدین شاه بود، چند جلد در شرح حال ائمه و تفصیل سلطنت ناصرالدین شاه و غیره بر آن افزوده است . سبک نثر کتاب ساده و پخته است .

ناصر بخاری (ت) [ ف : ۷۷۹ ] معروف به خواجه ناصر از شاعران معروف قرن هشتم و معاصر شاه شجاع حکمران آل مظفر . وی به بغداد سفر کرده و با سلمان ساوجی ملاقات کرده است . دیوان ناصر بخاری شامل در حدود پانصد غزل و قصیده است که هنوز به چاپ نرسیده است .

ناصر خسرو (ت) [ ف : ۴۸۱ ] حکیم ابومعین ناصر بن حارث القبادیانی

البلخی المروزی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم . ناصر خسرو در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ متولد شد و در بلخ به کسب علوم پرداخت . وی در جوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت و مقامات عالی بدست آورد و عنوان «دبیر» و «ادیب» یافت و پس از تصرف بلخ به دست سلجوقیان در سال ۴۳۲ به مرو مقر حکومت ابوسلیمان چغری بیک داوود بن میکائیل رفت و به کار دیوانی مشغول شد . ناصر خسرو در چهل سالگی از کار دیوانی و اشتغال به امور دنیوی دست کشید و راه سفر حجاز پیش گرفت . در این سفر که هفت سال طول کشید ، چهار بار حج کرد و حجاز و آسیای صغیر و سوریه و فلسطین و مصر و نوبه و سودان را سیاحت کرد و در مصر به خدمت خلیفه فاطمی المستنصر بالله رسید و به مذهب اسمعیلی گروید و پس از طی مراحل به درجه حجت رسید و مأمور تبلیغ و نشر مذهب اسمعیلی گشت و به وطن خود بلخ باز گشت . ناصر خسرو در بلخ با علما مباحثات کرد، ولی اغلب به مخالفت وی پرداختند و کم کم متعصبان در صدد آزارش بر آمدند . وی ناچار به فرار شد و مدتی در مازندران بسر برد ؛ پس از آن به یمگان ازاعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد و به دعوت پرداخت و در همانجا وفات یافت . اقامت ممتد ناصر خسرو در یمگان باعث تقویت و نشر مذهب اسمعیلی در آن نواحی گردید ؛ هنوز هم در آنجا طرفداران این مذهب دیده می شوند .

ناصر خسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام و حکمت و علم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او در اشعارش نمایان است. ناصر خسرو آثار منظوم و منثور دارد. از آثار منظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۱۱۰۴۷ بیت دارد. دیگر دو منظومه به نام روشنائی نامه و سعادت نامه است که در آخر دیوان ناصر خسرو به تصحیح حاج سید نصرالله تقوی در تهران چاپ شده است. اغلب اشعار ناصر خسرو در بیان افکار مذهبی و مسائل حکمی و دارای اصطلاحات فلسفی است. ناصر خسرو به تحقیق علمی و مبانئ دین توجه خاص دارد و همچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی دارد که با او مخالفت کرده و در صدد آزار او برآمده اند. اشعارش از مدیحه سرائی خالی است و از توجه به دنیا دور است.

از آثار منثور ناصر خسرو چند کتاب و رساله مهم به زبان فارسی است مانند: سفرنامه، زادالمسافرین، وجه دین، خوان اخوان، جامع الحکمتین، گشایش و رهایش، بستان العقول. ناظرو منظور (ک) داستان عاشقانه ای از وحشی بافقی که آن را در سال ۹۶۶ سروده است. این مثنوی دارای ۱۵۶۹ بیت است.

نایفه صالح (تن) شتر صالح پیغمبر که قوم عاد و ثمود آن را کشتند. شخصی ز عرب نایفه صالح پی کرد

پیغمبر ما حرام می بر وی کرد

«از رباعیات منسوب به خیام»

نامه‌ء دانشوران (ك) از کتابهای مشروح و مهم در ترجمهٔ حال عالمان و ادیبان به زبان فارسی که در زمان ناصرالدین‌شاه به اهتمام عده‌ای از فضلان تألیف یافته و شش جلد آن تا حرف شین منتشر شده‌است. مؤلفان نامهٔ دانشوران میرزا ابوالفضل ساوه‌ای و میرزا حسن طالقانی و شیخ عبدالوهاب قزوینی و مخصوصاً شمس‌العلماء عبدالرب آبادی می‌باشند .

نثر این کتاب نثر فنی است، ولی متأسفانه ناتمام مانده است .

نان‌وحلوا (ك) مثنوی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ صفویه. نام دیگر این کتاب سوانح‌الحجاز یا سفرالحجاز است و اشعار آن مخطوطی است از فارسی و عربی . ( بارها در ایران و هند به چاپ رسیده است ) .

ناهید (نج) ستارهٔ زهره که ستارهٔ مطربان و خنیاگران است .

غزلسرائی ناهید صرفه‌ای نبرد

در آن مقام که حافظ بر آورد آواز

«حافظ»

نایره (ق) ( از حروف قافیه ) آن است که به مزید می‌پیوندند مانند  
الف و نون در این شعر :

تا کی به خون دیده و دل پروریشان

تا کی ز ره روند و به راه آوریشان

نثر (ب) در لغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن و قافیه نباشد .

کشرمرسل (ب) نثری است که نویسنده در آن مقید به آوردن سجع یا صنایع لفظی دیگر نباشد .

کشرمسجع (ب) نثری است که نویسنده در آن مقید به آوردن سجع باشد . مثال از گلستان سعدی :

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و  
به شکر اندرش مزید نعمت .

دجات (ک) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا. کتاب نجات خلاصه‌ای است از کتاب شفا و شامل مختصر عقاید شیخ است در حکمت. (نسخ متعدد این کتاب در کتابخانه مشهد و کتابخانه های استامبول موجود است) .

نجم‌الدین رازی (ت) [ف: ۶۴۵] شیخ نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد رازی. معروف به نجم دایه از مشایخ معروف دوره مغول. شیخ نجم‌الدین در حمله مغول از ری به عراق گریخت و در سال ۶۱۸ به اردبیل و از آنجا به آسیای صغیر رفت. در شهر ملاطیه به‌دیار شیخ شهاب‌الدین سهروردی نایل آمد و بعد به خدمت علاء‌الدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت و کتاب مرصادالعباد را در سیواس تألیف کرد. شیخ نجم‌الدین در قونیه با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. سپس از آسیای صغیر به بغداد رفت و در همانجا وفات یافت .  
نجم‌الدین علاوه بر نویسندگی شعر هم می‌سروده، خاصه به سبک سنائی متمایل بوده است .

نجم‌الدین کبیری (ت) [ف: در حدود ۶۱۰] ابوالجناب احمد بن عمر از

عارفان مشهور و از بزرگان مشایخ صوفیه و مؤسس سلسله کبرویه. شیخ نجم‌الدین رازی و بهاء‌الدین ولد از مریدان وی بوده‌اند، نجم‌الدین کبری تألیفات بسیار دارد از جمله فواتح‌الجمال به فارسی و رساله الخائف‌الهائم در طریقت و سلوک، وی شعر نیز می‌گفته و چنانکه مشهور است در فتنه مغول در شهر خوارزم به قتل رسیده است. نجوم‌السماء (ک) کتابی در شرح حال فقیهان شیعه در عصر صفوی تا اواسط قاجاریه، تألیف میرزا محمدصادق بن مهدی که آن را در سال ۱۲۸۶ یعنی در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه تألیف کرده است و شامل شرح احوال علمای شیعه در قرون یازده و دوازده و سیزده می‌باشد.

نحر (زحاف) (ع) در مفعولات مجموع جَدَع و کَشَف است؛ یعنی حذف مف و عوت که می‌ماند لا و بجای آن فع می‌گذارند و آن را منحور می‌خوانند.

نخشب (م) نام شهری در ماوراءالنهر که ماه مقنع از چاهی در حوالی آن بر می‌آمد.

نراقی (ت) [ف: ۱۲۴۴] حاج ملااحمد نراقی از بزرگان شیعه است در قرن سیزدهم. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آموخت و پس از آن از علمای عراق کسب فضل کرد و خود حوزه درسی دایر نمود و مرجع استفاده بزرگان گشت، نراقی در فقه و اصول دارای تألیفات بسیار است. از آثار فارسی او: اسرارالحج، خزائن و معراج السعادة در اخلاق است. نراقی «صفایی» تخلص می‌کرده و اشعارش بیشتر جنبه اخلاقی داشته است. وی دارای دیوان شعر

است و مثنوی دارد به نام «طاق‌دیس»

نرشخی (ت) [ف: ۳۴۷] ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی . اهل بخارا است که کتاب تاریخ بخارا را به نام امیر حمید ابو محمد نوح بن نصر سامانی (۳۳۱-۳۴۳) به زبان عربی تألیف کرده است .  
کریمان (ش-د) پدر سام و به روایت گرشاسب نامه، برادرزاده گرشاسب و به روایت دیگر نبیره او .

نزاری قهستانی (ت) [ف: ۷۲۰] از شاعران منتسب به طایفه اسمعیلیه که تخلصش را از نام نزار پسر دوم المستنصر بالله، هشتمین خلیفه فاطمی مصر گرفته است . دیوان او مشتمل بر غزلیاتی است که به شیوه سعدی نزدیک است . مثنوی دستور نامه از او باقی است .  
نزهت‌نامه علائی (ک) تألیف شهردان بن ابی‌الخیر که آن را به نام علاءالدوله ابوکالیجار گرشاسب بن علی بن فرامرزن علاءالدوله کاکویه، در اواخر قرن پنجم تألیف کرده است . نویسنده در مقدمه کتاب نوشته است که قبلاً کتابی تصنیف کرده به نام «کتاب البدایع» در خواص و منافع طبایع و چند علم دیگر و چون این کتاب به عربی بود زیاده و نقصانی بر آن وارد ساخته و به زبان فارسی در دوازده مقاله ساخته است . و به مناسبت نام علاءالدوله ابوکالیجار نامش را نزهت‌نامه علائی گذارده است . نثر این کتاب روان و دارای اصطلاحات متداول و مأنوس می‌باشد و نویسنده از آوردن لغتهای فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است پرهیز کرده است .

نسر طایر (نج) از کواکب ثابت و مانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

بر سر آن خوان عزت نسر طایر دان مگس

بلکه پسر جبرئیل آنجا مگس ران آمده

«خاقانی»

نسر واقع (نج) از کواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند و به شکل کرکسی است که دو بالش را در خود جمع کرده است .

عمر ضایع شده را سلوت جان باز آرید

نسر واقع شده را قوت پر باز دهید

«خاقانی»

نسر واقع با نسر طایر به صورت نسرین نیز در شعر آمده

است .

پروانه چرخ اخضرش پرواز نسرین از فروش

پرواز سعدین بر سرش چندانکه پروا داشته

«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمد بن احمد بن علی بن محمد المنشی النسوی

کاتب و وزیر سلطان جلال الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از

شهر نسا به ری رفته و به خدمت جلال الدین خوارزمشاه در آمده و

تا سال ۶۲۸ منصب کتابت او را داشته است . وقتی جلال الدین از

حملة مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و

در خدمت الملك المظفر صاحب آنجا رسید و در آنجا خبر هلاک

سلطان جلال الدین را شنید و رساله نفثة المصدور را در شرح آن



وقایع با مرثیه سوزناك در فوت سلطان تألیف کرد. اثر معروف دیگر او سیره جلال الدین مینکبرنی است که در سال ۶۳۹ هجری به زبان عربی تألیف کرده است.

نسیب (ب) در واقع همان تشبیب است «رجوع شود به تشبیب»  
نشاط (ت) [ف: ۱۲۴۴] میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دوره قاجاریه و صاحب دیوان رسالت فتحعلی شاه قاجار. در حکمت و ریاضی و علوم ادبی و زبان فارسی و عربی و ترکی تسلط داشته و در اقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط با همت خاصی اصفهان را کانون شعر و ادب قرار داد و سخنگویان را تشویق کرد و در حلقه مؤسسين نهضت ادبی ایران در آمد. نشاط در قصیده از استادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی و حافظ را در نظر داشته است. مجموعه اشعار و آثار نشاط به عنوان «گنجینه» عبارت از پنج درج است شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و قطعات منشور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی درباری و طرز ترسل زمان مؤلف و سبک نثر دوره قاجاریه را نشان می‌دهد. (کلیات نشاط - چاپ تهران)

نصاب الصبیان (ك) کتاب لغتی است به نظم از عربی به پارسی که شامل دویست بیت بوده است و به مناسبت همین شماره ابیات نصاب نامیده شده است، چون در اسلام حد نصاب زکوة نقره دویست درهم است. این کتاب تألیف ابونصر محمدبن ابی بکر فراهی

(متوفی ۶۴۶) است. سید شریف جرجانی بر این کتاب حاشیه‌ای نوشته است.

نصرآبادی (ت) [ف: اوایل قرن دوازدهم] از ادیبان و شاعران قرن یازدهم هجری است که در سال ۱۰۲۷ هجری در قریه نصرآباد از قراء اصفهان متولد شد و پس از طی دوران شباب با اهل فضل و ادب معاشرت کرد و به کسب فضل و هنر کوشید، پس از آن گوشه گیری اختیار کرد و به خدمت ادبی پرداخت و نزد امیران و بزرگان عصر محترم گشت و شاه سلیمان صفویه به او لطف خاصی یافت. محمدظاهر دارای ذوق شعر بوده و از سبک کلیم و صائب پیروی می کرده است. از آثار او تذکره نصرآبادی است که به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و شامل شرح حال قریب هزار نفر از شاعران عصر صفوی است.

نصیحة الملوك (ک) یکی از آثار فارسی امام محمد غزالی که آن را در حدود سال ۵۰۳ برای سلطان سنجر ساخته است. موضوع کتاب حکمت عملی است بر مبنای دین که غزالی آن را در راهنمایی شاه و درباریان نوشته است.

کتاب نصیحة الملوك دارای یک مقدمه و هفت باب و یک خاتمه است در سیرت پادشاهان و وزیران و درباریان و حکمت دانایان و صفت خردمندان.

این کتاب به عربی و چندبار نیز به ترکی ترجمه شده است. (نصیحة الملوك. چاپ تهران)

نصیرالدین اصفهانی (ت) [ف: ۱۱۹۱] معروف به میرزا نصیر از ادیبان و حکیمان قرن دوازدهم . وی در جهرم فارس متولد شده ولی چون سالها در اصفهان اقامت کرده به اصفهانی شهرت یافته است . میرزا نصیر علوم ادبی و ریاضی و حکمت الهی را در اصفهان فرا گرفت و در طبابت نیز مهارت یافت و حکیم باشی خاص کریم‌خان زند شد و گویند طرح مسجد و کیل در شیراز از اوست .

از آثار او اساس الصحة در طب به زبان عربی و جام گیتی‌نما به فارسی است . از میرزا نصیر اشعاری نیز باقی مانده است .

نصیرالدین طوسی (ت) [ف: ۶۷۲] ابو جعفر نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن ابی‌بکر از بزرگترین دانشمندان و سیاستمداران ایران در قرن هفتم . اصلش از قم است ولی در طوس تولد یافته است . پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و در محضر فریدالدین داماد نیشابوری کتاب اشارات ابن‌سینا را خواند، و در بیست و چهار سالگی از تحصیل منظم فراغت یافت . پیش از هجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان و ملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان را داشت . هنگامی که هلاکوخان قلعه الموت را تسخیر کرد، خواجه نصیرالدین را به ملازمت خود برگماشت . خواجه نصیرالدین هلاکو را به تسخیر بغداد و برانداختن خلافت عباسی تشویق کرد . پس از انقراض

خلافت عباسیان و قتل مستعصم، تمام توجه خواجه نصیر به تأسیس رصدخانه معطوف شد تا در سال ۶۵۷ به فرمان و حمایت هلاکو به تأسیس رصدخانه بزرگی در مراغه موفق شد. خواجه تاهنگام درگذشت هلاکو در دربار او مقرب بود و پس از او در دربار اباقاخان به تقرب می‌زیست و در سال ۶۷۲ که با اباقاخان به بغداد رفته بود، در همانجا درگذشت.

خواجه نصیرالدین علاوه بر جامع بودن در فنون مختلف علمی و ادبی از رجال بزرگ عالم سیاست بود و هلاکو از قدرت و نفوذ معنوی او استفاده بسیار کرد. این شخص بزرگ در تشویق فضلا و در توسعه علوم و پیشرفت ادب و راه تحقیق، اثر بزرگی داشت.

خواجه نصیرالدین در علوم ریاضی و منطق و نجوم و طب و اخلاق دارای تألیفات بسیار است و آثار گرانبهای او به زبانهای مختلف ترجمه شده و مورد استفاده دانشمندان اروپا قرار گرفته است. در حدود صدوسه کتاب و رساله و مقاله در فنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند.

از آثار او تحریر اقلیدس (در هندسه) تحریر مجسطی (در هیئت) تذکره نصیریه (در هیئت) شرح اشارات بوعلی، تجرید العقاید (در کلام) قوانین الطب، حل مشکلات قانون بوعلی، سی فصل در نجوم.

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به

فارسی تألیف کرده است. از جمله معیارالاشعار در عروض، اخلاق ناصری، اساس الاقتباس و اوصاف الاشراف می باشد.

کتابهایی را که خواجه نصیر از حکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می نامد، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان کرده است. گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجسته نویسنده گیش برتری دارد، ولی نمی توان ارزش آثار فارسی او و سبک نویسنده گیش را نادیده گرفت. خواجه نصیر در بیان موضوعهای علمی به ایجاز پرداخته و روانی و سادگی را به کار برده است. رویهمرفته بر اثر زحمتهائی که خواجه نصیر در اصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید، علوم ریاضی را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد.

خواجه نصیر به زبان فارسی و عربی شعر گفته و بعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است.

نظام التواریخ (ک) تاریخ کوچکی تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی که در سال ۶۷۴ تألیف یافته است. این کتاب مشتمل است بر خلاصه تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالبشر تا اواخر قرن هفتم، حاوی تاریخ اسلام و شاهان قدیم ایران و پیغمبران بنی اسرائیل. عبارت کتاب بسیار موجز و ساده است.

نظام الدین شامی (ت) شنب غازانی معاصر تیمور. هنگامی که امیر تیمور بغداد را گشود نظام الدین در آن شهر می زیست و در سال ۸۰۴ تیمور وی را نزد خود خواند و او را به نوشتن تاریخ سلطنت

خود واداشت . در سال ۸۰۶ نظام‌الدین در اردوی تیمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبه عید خواند و پس از آن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام‌الدین شامی «ظفرنامه» است که به امر تیمور آن را در سال ۸۰۴ تألیف کرد .

نظام‌الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه را موضوع اصلی شعر قرار داده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است . این شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده و به اسلوب او شعر گفته است .

قصیدهای دارد به نام آفاق و انفس که مناظرهای است میان جامه کتان و موئین و منظومه‌ای موسوم به اسرار ابریشم . نظام‌الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر در اردمانندنامه پشم به ابریشم، رساله آرایش‌نامه، رساله تعریفات، رساله صدوعظ و مثنوی فکاهی جنگ‌نامه به اسلوب شاهنامه، شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به مخیط‌نامه و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه - چاپ اسلامبول)

نظام‌الملک (ت) [ ف : ۴۸۵ ] ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی ملقب به نظام‌الملک . از دهقان زادگان طوس بود که در سال ۴۰۸ یا ۴۱۰ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذراند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان وادبیات و تاریخ ایران و حکمت و زبان عرب احاطه یافت،

در دربار جفری بیک به دبیری حکمران بلخ منسوب گشت و لیاقت بسیار از خود نشان داد و جفری بیک او را به پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب ارسلان در ۴۵۱ به حکومت خراسان رسید، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمان سلطنت این پادشاه و پسرش سلطان جلال الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند و سی سال امور کشور را در دست داشت تا سرانجام در سال ۴۸۵ هنگامی که از اصفهان به بغداد می‌رفت نزدیک نهاوند به دست یکی از فدائیان اسمعیلی به قتل رسید. نظام‌الملک غیر از صدارت و مملکت‌داری همه عمر به ترویج علم و دانش همت گماشت. بزرگترین اقدام خواجه نظام‌الملک در این باب تأسیس مدارس است در بسیاری از شهرها مانند نیشابور و بلخ و هرات و خواف و مرو و اصفهان و بصره و موصل و بغداد که از همه بزرگتر و مهمتر مدرسه بغداد بود که ساختمان آن در سال ۴۵۷ آغاز شد. این مدارس به نظامیه معروف گشت و نظام‌الملک اوقافی ترتیب داد که در آمدشان صرف مدارس می‌شد. نظام‌الملک علاوه بر تشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آثاری دارد که از همه مهمتر سیاست نامه است دیگر مکتوبی است در ذکر شرایط وزارت که به پسرش فخرالملک نوشته به اسم وصایای نظام‌الملک یا دستور الوزارة.

نظام اولیا (ت) [ف : ۷۲۵] محمدبن احمدبن علی دهلوی که به نظام دهلوی یا شاه نظام اولیا معروف است از عارفان قرن هشتم هجری

است که بسیاری از عرفا به او ارادت می‌ورزیدند و کراماتی به‌وی نسبت می‌دادند .

نظامی (ت) [ف: در حدود ۶۰۴] حکیم جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بنی موید از شاعران بزرگ داستان‌سرای ایران . وی در حدود سال ۵۳۵ در گنجه متولد شد و بیشتر عمر خود را در موطن خود صرف کرد ، فقط يك بار به امر اتابك قزل ارسلان به تبریز سفر کرد. نظامی از ابتدای جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت و چنانکه خود گوید در تمام رشته های علوم متداول مانند علوم طبیعی و الهی و طب و نجوم مهارت یافت ، همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به دست آورد. نظامی با اتابکان آذربایجان و شاهان محلی شروان و مراغه ارتباط یافته و کتابهای خود را به نام این شاهان ساخته است، از جمله ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه اخستان و پسرش ابوالمظفر اتابك نصره‌الدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان، اتابك شمس‌الدین محمد جهان پهلوان و اتابك قزل ارسلان است . نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوك و رفتارش با شاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده اند .

از آثار نظامی دیوان اوست که دولت‌شاه آن را شامل بیست هزار بیت دانسته و اکنون قسمتی از آنها در دست ولسی بزرگترین اثرش خمسه می‌باشد که به طرز مثنوی سروده و در حدود



بیست و هشت هزار بیت دارد .

خمسه شامل پنج کتاب است : مخزن الاسرار ، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین ، هفت پیکر یا بهرام نامه ، اسکندرنامه . نظامی در شیوه داستانسرایی استاد و پیشرو دیگران است . وی در ضمن داستانسرایی از مطالب اخلاقی و حکمی و پند و غفلت نکرده است و پاکی اخلاق و عفت در اشعارش آشکار است ، حتی هنگام ذکر عشق و گفتگوهای عاشقانه عفت قلم و شرم را از دست نمی دهد . نظامی همه جا از وقایع و حالات نتیجه گرفته و بی اساسی زمان و سستی دنیا را گوشزد می کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است و حالات مختلف روحی انسان را از قبیل انتظار ، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می کند . معانی تازه و تشبیهات نو بکار می برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته است اصطلاحات علمی و فلسفی در اشعارش بسیار دیده می شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری از گویندگان پس از او واقع گشته است . امیر خسرو دهلوی ، خواجو ، جامی ، وحشی ، مکتبی و دیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهایی ساخته اند . ( خمسۀ نظامی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است ) .

نظامی عروضی (ت) [ف: در حدود ۵۶۰] ابوالحسن نظام الدین احمد بن

عمر بن علی النظامی العروسی السمرقندی از شاعران و نویسندگان

قرن ششم هجری ، در سمرقند متولد شده و پس از کسب علوم به خراسان رفته است و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت حکیم عمر خیام رسیده و در سال ۵۱۰ در طروق طوس معزی را ملاقات کرده است . نظامی عروضی به خدمت ملوک آل شنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب چهار مقاله را به نام شاهزاده ابوالحسن حسام‌الدین علی بن فخرالدین مسعود شاهزاده غوری تألیف کرد .

نظر (نج) یا نگریستن آن است که وضع هر برج را نسبت به برجهای دیگر نشان دهد و اقسام آن چهار است : تسدیس ، تثلیث ، مقابله ، تریبع «به این کلمات رجوع شود» .

در نظر منجمان بعضی از این حالها سعد و بعضی نحس

است

ز چارم همی بنگرد آفتاب      به جنگ بزرگانش آمدشتاب

«فردوسی»

نظم (ب) «رجوع شود به شعر» .

نظیری نیشابوری (ت) [ف: ۱۰۲۱] محمد حسین نظیری نیشابوری . از شاعران معروف ایران در قرن یازدهم . اصلش از نیشابور بوده و از ابتدای جوانی به شعر و شاعری شوق فراوان داشته است و پس از کسب شهرت در خراسان به کاشان رفت و چندی در مجالس مشاعره و مناظره شاعران شرکت کرد و از آنجا به هندوستان رفت و در دربار اکبرشاه راه یافت و پس از او در دربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبرشاه و خان اعظم برادر

او و جهانگیر سرود . نظیری باعرفی و ظهوری معارضه و مناظره داشته است . نظیری در مذهب بسیار متعصب بود و سالهای آخر عمر را به گوشه‌گیری و زهد پرداخت .

غزلی در وصف تنباکو دارد که استعمال آن بوسیله جهانگیر و شاه‌عباس صفوی منع شده بود .

دیوان نظیری شامل قصاید و غزلیات و ترجیعات و رباعیات است و در هندوستان به چاپ رسیده است .

نعمایم (نج) منزل بیستم از منازل قمر که شامل چهار ستاره روشن است به شکل شتر مرغ .

نعمایم پیش او چون چار خاطب

به پیش چار خاطب چار مؤذن

«منوچهری»

نعمت‌الله کرمانی (ت) [ف: ۸۳۴] امیرنورالدین نعمت‌الله بن میر عبدالله .

از مشایخ بزرگ صوفیه که در سال ۷۳۰ در حلب متولد شد و در بیست و چهار سالگی به زیارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در آنجا اقامت کرد و قسمت آخر عمر را در سمرقند و هرات و یزد بسربرد و سرانجام در ماهان مقیم گشت و همانجا وفات یافت . شاه نعمت‌الله مورد توجه شاهرخ بوده است، ولی شهرتش بیشتر از جنبه تصوف اوست . اشعارش اغلب درباره وحدت وجود می‌باشد . دیوان شاه نعمت‌الله ولی شامل تقریباً چهارده هزار بیت مثنوی و رباعی است . مثنوی شاه نعمت‌الله تقلیدی است از غزل

مولانا جلال‌الدین رومی و مضامین آن عارفانه است . در جوار مقبره شاه نعمه‌الله در ماهان خانقاهی است که درویشان نعمه‌اللهی از پیروان او در آنجا اقامت می‌کنند .

نغمه داوود (تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که مرغان را نیز مجذوب می‌کرد و از طیران باز می‌داشت .  
چو گل سوار شود بر هوا سلیمان وار  
سحر که مرغ در آید به نغمه داوود ...

«حافظ»

نفاذ (ق) (از حرکات قافیه) حرکت وصل چون به خروج پیوندد. مانند حرکت میم در کلمه‌های می‌سپارمت و دوست‌دارمت در این شعر.  
ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت  
جانم بسوختی و به دل دوست‌دارمت

حرکت خروج و مزید و نایره را هم نفاذ گویند .

نفایس الفنون فی عرایس العیون (ک) تألیف علامه شمس‌الدین محمد ابن محمود آملی از عالمان قرن هشتم هجری که آن را به نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است. نفایس الفنون در بیان شرف علم و تقسیم علوم است به علوم اوائل و اواخر و شامل علوم ادبی است در پانزده فن مانند علم لغت و علم بیان و معانی و علم صرف و نحو و علم عروض و قوافی و علم دواوین و علم انشاء و استیفا . و علوم شرعی شامل نه فن مانند علم کلام و تفسیر و علم حدیث و حکم و اخلاق و علم اصول و فقه . (چاپ تهران)

نفثه‌المصدور (ک) تألیف محمد منشی النسوی که آن را میان سالهای

۶۳۲ - ۶۳۷ نوشته است . موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف و بلاها و مصیبت‌هایی است که در دربار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و حمله مغول تحمل کرده است . مؤلف وقایع زمان و تیرگی اوضاع دربار خوارزمشاه و حمله‌های تاتار را به آذربایجان و انقراض خوارزمشاهیان و جنگها و دفاعها و عاقبت کار همه را به تفصیل شرح می‌دهد. محمد نسوی خود در اغلب وقایع شاهد بوده، بلکه قسمتی از امسور را نیز به عهده داشته و شخصاً در کارها دخالت می‌کرده و محرم اسرار و مورد اعتماد سلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است . سبک نوشته نفثة المصدور مانند کلیله و دمنه مصنوع و در عین حال فصیح است . مؤلف از آوردن صنایع بدیع و تجنیسات خودداری نکرده و اشعار فارسی و عربی و امثال سایر و آیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده است . (چاپ تهران)

نفحات الانس (ک) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است . نفحات الانس در شرح احوال ۵۸۲ تن از رجال و بزرگان و اولیاء متصوف است و دارای مقدمه‌ای می‌باشد در شرح اصطلاحات صوفیه و بیان معرفت عارف و کرامات و معجزات او . مؤلف پس از مقدمه به شرح حال صوفیه می‌پردازد و آن را به ذکر حال ابوهاشم صوفی شروع و به خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی ختم می‌کند. انشاء کتاب روان و ساده است و در ردیف بهترین آثار نثر فارسی است. دفع صور (تن) دمیدن در بوق و مراد از آن بوقی است که در روز

قیامت اسرافیل در آن می‌دمد تا مردگان برخیزند. و در شعر فارسی  
 نفخ صور کنایه از روز قیامت است .  
 از مدحتش که زنده‌کن دوستان اوست  
 تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست

«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات ، نه بر حسب فعل؛ یعنی قابل  
 اشاره حسی نیست، اما در صدور فعل محتاج به آلت است. مانند  
 روح انسانی .

نفس مسیحا (تن) اشاره به معجزه عیسای پیغمبر که می‌توانست مرده  
 را زنده کند .

مژه ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

«حافظ»

نقد النصوص فی شرح النصوص (ک) شرحی بر فصوص الحکم تألیف  
 صوفی بزرگ شیخ محیی‌الدین محمد بن علی العربی . این کتاب  
 را مولانا عبدالرحمن جسامی در سال ۸۶۳ تألیف کرده و مشتمل  
 است بر مقدمه مفصل در بیان اصطلاحات و مقدمات که پس از آن  
 به شرح کتاب فصوص الحکم پرداخته و از مطالب کتب سایر شارحین  
 آن مانند صدرالدین قونیوی و شیخ مؤیدالدین جندی به آن افزوده  
 است. کتاب نقد النصوص به نثر فارسی است و مؤلف در آن اشعاری  
 از بزرگان و شاعران به عنوان شاهد آورده است.

نقش ارژنگی (ش - ت) اشاره به نقش‌های دلکش کتاب ارژنگ منسوب

به مانی نقاش .

گر التفات خداوندیش بیاراید

نگارخانهٔ چینی و نقش‌ارزنگی است

«سندی»

نکیسا (ش - د) رامشگردربار خسرو پرویز .

نگین سلیمان (تن) انگشتری سلیمان که اسم اعظم بر آن نوشته بود و سلیمان به وسیلهٔ آن بر آدمی و وحش و طیر حکومت می‌کرد . تقدیر حق تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به مناسبت خطائش که مرتکب شده بود، مکافات کند. دیوی خود را به شکل معتمد سلیمان بر او نمود و انگشتری را گرفت و خود را به صورت سلیمان به مردم نشان داد و شاه شد . پس از چهل روز انگشتری از دست دیو در دریا افتاد، ماهی آن را فروبرد، صیادی ماهی را گرفت . سلیمان آن را از او خرید و به تخت برگشت .

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل و دمن (ک) داستانی که اصل هندی دارد و شیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن را از سانسکریت ترجمه کرده و در سال ۱۰۰۳ به خواهش

اکبر شاه در چهار هزار بیت منظوم کرده است. (چاپ تهران)

نمرود (تن) شاهی بت‌پرست در زمان ابراهیم علیه السلام . ابراهیم چون نمرود را به خداپرستی دعوت کرد و بتها را شکست، نمرود فرمان داد تا او را به آتش افکنند . اما آتش بر او گلستان شد

نمرود خواست با خدا جنگ کند، فرمود تا صندوقی ساختند و چهار پاره گوشت بر چهار نیزه از آن آویختند و بر چهار پایه صندوق چهار کرکس گرسنه بستند و او خود در صندوق نشست. کرکسان صندوق را به هوا بردند، نمرود تیری بر بالا انداخت. حق تعالی تیر او را خون آلود به پیشش باز گرداند. نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد و دعوی خدائی کرد. بار دیگر خواست با خدا بجنگد. خدا لشکری از پشه که ضعیفترین خلایق است، به جنگ او فرستاد، لشکر نمرود از نیش پشه هلاک شدند و پشه‌ای دربینی نمرود رفت و مغز سر او را خورد و او را هلاک کرد.

دست نمرود بین که ناوک کفر در سپهر مدور اندازد

«خاقانی»

صد هزاران پشه در لشکر فتاد

تا براهیم از میان با سر فتاد

«عطار»

گوئی که دوباره تیر خونین نمرود به آسمان بر افکند

«خاقانی»

دوایی جغتائی (ت) «رجوع شود به امیر علیشیر».

دوح (تن) از پیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتاد تن از زن و مرد به او ایمان آوردند. حق تعالی به او فرمان داد تا درخت ساج بنشاند و چون بزرگ شد، از چوب آن کشتی ساخت، به سه طول سپصد گز و عرض پنجاه گز و ارتفاع سی گز. می‌گویند این



کشتی سه طبقه داشت، یکی برای حیوانات، یکی برای آدمیان، یکی برای پرندگان. خدا طوفان فرستاد، نوح با خانواده خود در کشتی نشست و پس از فرونشستن طوفان کشتی او بر کوه جودی در حدود موصل قرار گرفت و همه موجودات دیگر غرق گشتند.

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتیبان

«سدی»

نوذر (ش-د) از شاهان سلسله پیشدادی و پسر منوچهر؛ که پس از پدر به شاهی رسید و ستم بسیار کرد؛ چنانکه مردم از او به جان آمدند و از سام خواستند که به تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت. سرانجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد.

نورالعلوم (ک) تألیف شیخ ابوالحسن خرقانی از مشایخ بزرگ قرن چهارم و پنجم. موضوع کتاب مبانی عرفان است به زبان فارسی و انشاء آن ساده و روان و به شیوه کتابهای قرن پنجم است.

نوروز (نج) نخستین روز از فروردین ماه. پارسیان در این روز جشن می گرفتند که روز نو از سال نو بوده است. این جشن تا کنون مرسوم است و بزرگترین جشن ایرانیان به شمار می آید. بر لشکر زمستان، نوروز نامدار

کرده است رای تاختن و قصد کارزار

«منوچهری»

نوروزنامه (ک) رساله‌ای به فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری. مؤلف در آن علت پیدایش جشن نوروز و واضح آن و آداب

شاهان ساسانی را در این جشن شرح می‌دهد و همچنین از شاهان داستانی و تاریخی ایران تا زمان یزدگرد شهریار ساسانی و آئین جهاننداری و رسوم شاهی ایشان مطالبی آورده است. سبک کتاب روان و بی تکلف است. لغات عربی کم دارد و عبارتهایش کوتاه است. (چاپ تهران)

نوشدارو (ش-د) داروی جان بخش «ضدمرگ». در شاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دریدن جگرگاه سهراب، پسر خود، به وسیله گودرز از کاووس خواست، ولی کاووس به سبب کینه‌ای که از سهراب داشت و بیم از آنکه رستم با داشتن چنین پسر پهلوان قوت گیرد و او را حقیر شمارد، از دادن نوشدارو خودداری کرد و سهراب جان داد. نوشدارو پس از مرگ سهراب، در زبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که از دست رفته است گفته می‌شود.

بعد از این لطف تو با ما به چه ماند دانی

نوشدارو که پس از مرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای شیء (کدام) قرار گیرد. وقتی که می‌گوئیم انسان کدام یک از حیوانات است؟ در جواب گفته می‌شود: انسان حیوانی است ناطق. پس نوع شامل حقیقت مختصه افراد است. مثل مردم که از حیوان جدا می‌شود به وسیله نطق.

هرچه کلی عامتر باشد، جنس خاصتر می‌شود و هرچه

خاصتر باشد نوع عامتر است. مثل حیوان، که عامتر است از

مردم، و خاصتر است از جسم .

نه فلک (نج) عبارت است از هفت فلک با فلک الافلاک و عرش .

نه کرسی فلک نهاد اندیشه زیرپای

تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد

«ظهیرفاریابی»

نیسان (نج) «رجوع شود به ماههای رومی».

نیشادوری (ت) «رجوع شود به لطف الله نیشابوری» .





وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن بر درختی روشنی آتش دید  
و خطاب آمد که «انی انالله»

شب تار است و ره وادی ایمن درپیش

آتش طور کجا وعده دیدار کجاست

«حافظ»

موسیم کانی انالله یاقتم نور پاک و طور سینا دیده ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) «رجوع شود به کاشفی» .

وافر (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی بسیار کم متداول است .

در عربی مسدس آن معمول است یعنی ۶بار «مفاعلتن» . وزنی که

از این بحرگاهی در فارسی بکار رفته این است :

بحر وافر مثنی (مفاعلتن ۴بار) مثال :

چه شدصنما که سوی کسی به چشم رضانمی نگری

ز رسم جفا نمی گلری طریق وفا نمی سپری

واله داغستانی (ت) [ف : در حدود ۱۱۷۰] علیقلی خنان از شاعران اواسط قرن دوازدهم، اصلش از داغستان و مولدش اصفهان است. واله به هندوستان سفر کرد و نزد محمد شاه بن جهان شاه حکمران دهلی تقرب یافت. وی به زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفته و از آثارش کتاب ریاض الشعراء شامل شرح حال دوهزار و پانصد شاعر است، دیگر دیوان اشعار اوست مشتمل بر چهار هزار بیت.

وامق (ت) [ف : ۱۲۵۵] میرزا محمد علی بن میر متمد باقر حسینی یزدی. از ادیبان و شاعران قرن سیزدهم هجری و معاصر فتحعلیشاه است از آثار او تذکره می‌کده است در شرح حال شاعران.

وامق و عذرا (ك) یکی از داستانهای عاشقانه کهن که به وسیله چند تن از شاعران پارسی زبان به نظم در آمده است. و داستان عشق شاهزاده یمن یعنی وامق به عذرا شاهزاده چینی است. معروفترین منظومه «وامق و عذرا» اثر عنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که در دست نیست و ابیاتی از آن در فرهنگ اسدی ضبط شده است. وامق و عذرا ی عنصری به وسیله محمود بن عثمان لامعی به ترکی ترجمه شده است. این داستان بار دیگر به شکل مثنوی به وسیله میرزا محمد صدیق موسوی متخلص به «نامی» (متوفی ۱۲۰۴) سروده شده است.

و قد (ع) در لغت به معنی میخ و از ارکان عروضی است و بر دو قسم است و تد مقرون، و تد مفروق.

و تد مقرون دو متحرك است و يك ساكن، مانند اگرومگم؛

و علامت آن دو صفر است و يك الف ۱۰۰

و تد مفروق دو متحرك است که میان آنها ساکنی فاصله شده باشد مثل ناله و علامت آن الف در میان دو صفر است مانند ۱۰۰ه  
وجه دین (ک) از آثار مشهور حکیم ناصر خسرو قبادیانی شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم شامل تأویل احکام شرعی و باطن عبادات به طریق اسمعیلیان. این کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفته خود مؤلف «خردمندی که این کتاب را بخواند دین را بشناسد و بر شناخته کار کند». (وجه دین - چاپ برلن)

وحشی (ت) [ف : ۹۹۱] کمال الدین وحشی بافقی کرمانی از شاعران عهد صفوی. وحشی در قصبه بافق در ۲۴ فرسنگی یزد متولد شد و چون سابقاً بافق از اعمال کرمان بود به بافقی کرمانی معروف شده است. وی در جوانی به یزد و سپس به کاشان رفت و به تدریس مشغول گشت و پس از چندی به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند. وحشی در یزد به درگاه غیاث الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت و در مدح او قصایدی سرود. دیگر از ممدوحان او شاه طهماسب و ولی سلطان افشار فرمانروای کرمان اند. از آثار مهم وحشی غزلیات اوست که دارای سوز و گداز و لطافت خاصی است. دیوان او شامل قصیده، قطعه، ترکیب بند، ترجیع بند، رباعی است.

وحشی به تقلید نظامی چند مثنوی ساخته است، به نام خلد برین، ناظر و منظور، فرهاد و شیرین. (دیوان وحشی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است.)

وحید قمبریزی (ت) [ف: ۹۴۲] از شاعران و ادیبان ایران در قرن دهم. اصلش از تبریز بوده و مدتی در قم اقامت کرده است. اشعاری در وصف تبریز و تبریزیان دارد. از آثار او: بدایع الصنایع در عروض و قافیه به زبان فارسی، دیگر مفتاح البدایع و دیوان شعر اوست.

وحید قزوینی (ت) [ف: ۱۱۲۰] میرزا طاهر. منشی و شاعر و خوشنویس و وزیر شاه سلیمان صفوی. ابتدا منشی دو تن از وزیران یعنی میرزا تقی خان اعتمادالدوله و خلیفه سلطان بود، پس از آن مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم شد و در سال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان رسید و پس از هیجده سال انزوا اختیار کرد. وحید آثاری به نظم و نثر فارسی و ترکی دارد که از همه معروفتر تاریخ شاه عباس دوم است که آن را برای خلیفه سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته است. نثر این تاریخ نمونه نثر فنی عهد صفوی است و دارای مترادفات و دیگر صنایع لفظی است.

وراق هروی (ت) [ف: ۲۲۱] محمود وراق. از شاعران معاصر دوره طاهری و صفاری که چند بیت از او باقی مانده است.

وراوینی (ت) سعد وراوینی از نویسندگان اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم. وی از ملازمان خواجه ابوالقاسم ربیع الدین وزیر اتابک ازبک ابن محمد (۶۰۷-۶۲۲) اتابک آذربایجان می باشد. وراوینی مرزبان نامه را به نام این وزیر از زبان طبری به پارسی ترجمه کرده است. مرزبان نامه در نه باب و یک مقدمه و یک ذیل است و در مقایسه با روضة العقول معلوم می شود که بعضی از حکایتها و بابهای



اصلی کتاب در این ترجمه حذف شده است .

مرزبان‌نامه و راوینی از کتابهای مهم نثر مصنوع است و نویسنده در آن به سبک کلیده و دمنه نصرالله منشی نظر داشته است. ورقه و گلشاه (ک) یکی از داستانهای قدیم ایرانی که عیوقی شاعر دوره سلجوقی آن را به نظم آورده است. در دوره‌های بعد شاعران دیگری نیز این داستان را در قالب مثنوی سروده‌اند که بارها چاپ شده و میان عامه فارسی زبانان رواج یافته است . (ورقه و گلشاه - چاپ تهران - انتشارات سخن)

وزن (ع) عبارت است از تناسب و نظمی در اصوات؛ و در شعر بجای اصوات کلمات است و این تناسب میان اصوات ملفوظ یا بر حسب کمیت یعنی امتداد زمانی آنهاست مانند وزن شعر در عربی و فارسی، یا به حسب کیفیت، یعنی شدت و ضعف اصوات نسبت به یکدیگر، مانند وزن شعر در زبانهای انگلیسی و آلمانی و روسی؛ یا تنها به حسب عدد آنها مانند وزن شعر فرانسوی .

وصاف الحضره (ت) [ف : ۷۳۰] ادیب شرف‌الدین عبدالله کاتب شیرازی متخلص به شرف از ادیبان و مورخان قرن هشتم . وی در شیراز متولد شد و در همانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله به دربار غازان‌خان و الجایتو رسید و تقرب حاصل کرد . وصاف الحضره مؤلف تاریخ معروفی است به نام تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار که در سال ۷۱۲ در سلطانیه به وسیله خواجه رشیدالدین فضل‌الله به حضور الجایتو معرفی شد .

وصال شیرازی (ت) [ف: ۱۲۶۲] میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا کوچک از شاعران غزلسرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار . وصال در سال ۱۱۹۷ تولد یافت و در جوانی به تحصیل ادب و هنر پرداخت، به علم موسیقی آشنائی یافت و از خوشنویسان معروف عصر خود گشت . از آثار او دیوان اشعار است که شامل قصیده و غزل و مثنوی است . وصال در غزل پیرو سعدی و حافظ است و یک مثنوی به نام بزم وصال دارد که در آن از شیوه فردوسی پیروی کرده است . وصال مثنوی فرهاد و شیرین وحشی را تمام کرده و اطواق الذهب زمخشری را به فارسی شرح و ترجمه کرده است .

وصل (ق) از حروف قافیه . حرف وصل آن است که بعد از حرف روی قرار گیرد و روی ساکن متحرك شود مانند حروف ضمیر ، رابطه ، جمع ، مصدر ، تصغیر . مثال: رویت و گیسویت ، دلبد او خداوندا ، آسایش و آلایش ، دشمنی و روشنی .  
یارب آن نوگل خندان که سپردی بهمنش

می سپارم به تو از چشم حسود چمنش

که حرف ش در کلمه های منش و چمنش حرف وصل است .  
وضع (ط) (از مقولات عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر ؛ یعنی در بالا یا در زیر یا چپ یا راست جسم دیگر قرار گرفته باشد .

وطواط (ت) «رجوع شود به رشید و طواط» .

وفیات الاعیان (ك) کتاب معروفی به زبان عربی تألیف ابن خلیکان که

مدت هیجده سال در شهر قاهره به نوشتن آن مشغول بوده و در سال ۶۷۲ به پایان رسانده است .

وفیات‌الاعیان در شرح حال متجاوز از هشتصد تن از بزرگان و امیران و دانشمندان است که به ترتیب حروف الفباء ترتیب یافته . این کتاب به زبانهای فارسی و ترکی و فرانسه ترجمه شده است. (چاپ مکرر)

وقار (ت) [ف: ۱۲۹۸] میرزا احمد بن میرزا محمد شفیع وصال شیرازی. وقار نخستین فرزند وصال است و خود از شاعران و ادیبان معروف که علاوه بر شعر و ادب به آموختن حکمت الهی و فقه پرداخته و در هنر خطاطی خاصه در خط نسخ استادی یافته است. وقار سفری به هند کرده و در آنجا کتاب مثنوی مولوی را به خط نسخ نوشته و پس از مدتی به شیراز مراجعت کرده است. از آثار وقار: اطواق الذهب است که از نظم و نثر ترکیب یافته. دیگر انجمن دانش در آداب و اخلاق به سبک گلستان سعدی و مثنوی موسی و خضر به سبک مثنوی مولوی .

وقف (ع) (زحاف) در مفعولات اسکان تاء مفعولات است و بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را موقوف خوانند .

ولوالجی (ت) ابو عبد الله محمد بن صالح ولوالجی مروزی از شاعران عهد سامانی . عوفی در لباب‌الالباب می‌گوید : « در عهد سلطان یمین الدوله محمود ، جملگی فضلاء خواستند که دو بیت فارسی او را به تازی ترجمه کنند ؛ کس را میسر نشد تا آنگاه که خواجه

ابوالقاسم پسر وزیر ابوالعباس اسفراینی آن را به تازی ترجمه کرد چنانکه همه فضلا بیسندیدند».

ویس و رامین (ك) از داستانهای قدیم فارسی و منسوب به دوره اشکانیان که میان ایرانیان شهرت فراوانی داشته است و در بعضی از نواحی ایران متن پهلوی آن وجود داشته و ابونواس از این داستان در اشعار خود نام برده است . فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم در اصفهان با خواجه عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان درباره این داستان گفتگو کرده و به خواهش او به نظم آن پرداخته است و کتاب را در حدود سال ۴۴۶ به پایان رسانده و در آن عمید ابوالفتح را مدح کرده است . سبک نظم کتاب در عین آنکه به آرایش لفظی و تشبیهات زینت یافته ساده و روان و از مغلطه‌گویی خالی است ، لغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد و صورت کهنه بسیاری از لغتهای فارسی در آن دیده می‌شود .  
(ویس و رامین - چاپ مکرر)



هاتف (تن) ندادهنده غیبی ؛ مرادف سروش .

سحرزها تف غیم رسید مژده به گوش

که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) [ف : ۱۱۹۸] میر احمد از شاعران معروف قرن دوازدهم و معاصر افشاریان و زندیان. اصل خاندان او از آذربایجان بوده است ، ولی در زمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده و همانجا مقیم گشته است . هاتف در اصفهان به تحصیل حکمت و طب و ریاضی پرداخت و در شعر و ادب از محضر مشتاق بسیار استفاده کرده است . وی از دوستان نزدیک صباحی و آذر و صهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود و دیوانش مرکب است از قصاید و غزلیات و ترجیعات و رباعیات . هاتف مرثی مؤثری در مرگ بزرگان باماده تاریخ ساخته و در قصیده از استادان قصیده سرای قدیم و در غزل از شیخ سعدی وخواجه حافظ

شیرازی پیروی کرده است. هاتف ترجیح بندهای عاشقانه و عارفانه‌ای دارد که بسیار معروف است و همین شعر او را از جمله شاعران مشهور فارسی ساخته است. (دیوان هاتف اصفهانی - چاپ تهران) هاتفی (ت) [ف: ۹۲۷] مولانا عبد الله هاتفی خرجردی خراسانی خواهرزاده جامی و از شاعران قرن دهم. هاتفی از شاعرانی است که به تقلید نظامی خمسه ساخته است. خمسه او شامل مثنویهای لیلی و مجنون، شیرین و خسرو، هفت منظر، تیمور نامه است. منظومه‌ای هم در فتوحات و جهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام نرسانده است. این مثنوی موسوم به شاهنامه حضرت شاه اسمعیل است.

هاروت و ماروت (تن) نام دو ساحر بابلی است که در جادوگری مثل اند و در چاه بابل سرازیر آویخته اند.

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی

صدگونه ساحری بکنم تا بیارم

«حافظ»

هاماوران (ش - د) سرزمینی بوده است در عربستان که بر طبق روایت شاهنامه کاووس به قصد فتح آن لشکر کشید و عاشق سودابه دختر شاه هاماوران شد و سرانجام او را با خود به ایران آورد و به زنی گرفت.

هتم (ع) (زحاف) در مفاعیلن مجموع حذف و قصر است که چون لام و نون و یا را حذف کنیم مفاع می ماند. بجای آن فعول می گذارند

و آن را اهتّم خوانند .

هجویری (ت) [ ف : ۴۷۵ ] ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی از بزرگان مشایخ صوفیه و از طرفداران متعصب حسین بن منصور حلاج و از اقران شیخ ابوسعید ابوالخیر و استاد امام ابوالقاسم قشیری . وی از خاندان علم بوده و در زبان پارسی و عربی و تفسیر و حدیث و منطق و کلام تبحر داشته است . شعر نیز می سروده و خود در کشف المحجوب گفته است که دیوان شعرش را انتحال کرده اند . جلابی همراه سپاه سلطان مسعود به هندوستان رفت و در لاهور اقامت گزید و در این شهر کتاب کشف المحجوب را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی تألیف کرد . دیگر از آثار او : دیوان اشعار ، رساله فنا و بقا ، اسرار الخرق و الملوّنات ، کتاب البیان لاهل الایقان ، منهاج الدین ، شرح کلام حسین بن منصور حلاج است .

هدایت (ت) [ ف : ۱۲۸۸ ] رضاقلیخان طبرستانی ملقب به لله باشی پسر محمد هادی خان از خاندانهای اصیل ایرانی که در دربار قاجاریه بسر می بردند . رضاقلی خان در سال ۱۲۱۵ در زمان سلطنت فتحعلیشاه در تهران متولد شد ، پس از مرگ پدر به مازندران و پس از آن به شیراز رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت . هدایت از کودکی به سرودن شعر شوق وافر داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به شیراز رفت به خدمت او رسید و مورد لطف او قرار گرفت و لقب امیرالشعرائی یافت . پس از مرگ فتحعلیشاه به تهران آمد و به وسیله حاج میرزا آقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید و نزد

وی تقرب یافت و تربیت عباس میرزا به عهده او واگذار شد .  
 هدایت پس از درگذشت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ به خدمت  
 ناصرالدین شاه در آمد و از جانب او مأمور خوارزم گشت و  
 پس از بازگشت از سفر خوارزم به ریاست مدرسه دارالفنون  
 منصوب گشت . هدایت در همه زندگی مورد احترام شاهان و  
 شاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و با وجود اشتغال به  
 کارهای درباری و کشوری به تصوف و عرفان متمایل بوده و  
 هرگز از کوشش در راه علم باز ننشسته است . وی در تاریخ و  
 لغت و تذکره تألیفات و تصنیفات دارد . از جمله آثار او: ریاض  
 العارفین، تکمیل تاریخ روضةالصفای میرخواند، نژادنامه، سفرنامه  
 خوارزم، مجمع الفصحاء ، فرهنگ انجمن آرای ناصری. مثنویهای  
 به نام انیس العاشقین ، بکتاش نامه ، انوارالولایه ، بحرالحقایق .  
 نثر کتابهای هدایت نثر فنی است که متداول زمان بوده است .  
هدایت (ت) [ف : ۱۳۳۰ ش] صادق هدایت نویسنده معاصر ایرانی که  
 در نویسندگی راه تازه‌ای را پیش گرفته است . هدایت به فرانسه  
 و هندوستان سفر کرده و به زبان پهلوی و فرانسوی آشنائی کامل  
 یافته است . آثار او شامل رمان ، داستانهای کوتاه ، نمایشنامه ،  
 ترجمه‌هایی از ادبیات خارجی و متن های پهلوی است و عبارت  
 است از: بوف کور ، حاجی آقا (رمان) زنده بگور، سگ و لگرد ،  
 سه قطره خون ، سایه روشن ، ولنگاری ، علویه خانم ، (داستان کوتاه)  
 پروین دختر ساسان، ماز یار (نمایشنامه) افسانه آفرینش (خیمه شب بازی)



ترجمه کارنامه اردشیر پاپکان، شهرستانهای ایران، زندو هو من یسن  
از پهلوی و داستان مسخ از فرانس کافکا.

هدایت زندگی مردم عادی را از طبقه های مختلف اجتماع  
وصف می کند. در کتابهای او گفتگوها به زبان طبیعی اشخاص  
یعنی زبان محاوره است.

هدهد(تن) مرغی است که پیغام سلیمان را نزد بلقیس ملکه سبا می برد:  
فصاحتم چو هدهد است و هلهلم

کجا رسد به غایت سبای او

«منوچهری»

در شعر فارسی گاهی باد صبا را که پیغامبر عاشقان است به هدهد  
تشبیه کرده اند.

ای هدهد صبا به سبا می فرستم

بنگر که از کجا به کجا می فرستم

«حافظ»

هرمز(ش-ت) هرمز پسر انوشیروان که از مادر نواده خاقان چین بود.  
در زمان او بهرام چوبینه مأمور جنگ با ساوه شاه خاقان چین،  
و دائی هرمز شد و با او جنگید و چیره گشت؛ هرمز بجای  
خلعت دوکدان و جامه زنان فرستاد. به همین سبب بهرام بر هرمز  
یاغی شد و به ری آمد و دستور داد به نام پرویز پسر هرمز سکه  
زدند. چون سکه به هرمز رسید به پسر بدگمان شد و قصد جان  
او کرد. پرویز به آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را

کور کردند و پرویز را به شاهی نشانند. و هرمز به دست بندوی و گسهم دو دائی پرویز کشته شد.

هروی (ت) ضیاءالدین عبدالرافع بن ابی الفتح هروی از شاعران نیمه دوم قرن ششم و از فاضلان دوره آخر عهد غزنوی. در علوم عقلیه و طب و لغت دست داشت. عبدالرافع در دربار تاج الدوله خسرو ملک غزنوی می زیست و پس از انتقال سلطنت به ملوک غوریه نزد آنان رفت. اشعاری از او در لباب الالباب نقل شده است.

هروی (ت) ابو شعیب صالح بن محمد از شاعران دوره سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی را دریافته است. ابیاتی از این شاعر به عنوان شاهد در تذکره‌ها و فرهنگها آورده شده است. هزارستان (ک) ترجمه منظومی از کتاب «الف لیله و لیله». این منظومه به وسیله ابوالفتح خان دهقان سامانی اصفهانی و به تشویق سلیمان خان رکن الملک شیرازی که وزیری ادیب پرور و شاعر دوست بوده سروده شده است. شاعر در این منظومه بیشتر از ترجمه فارسی کتاب یعنی هزارویکشب استفاده کرده و در سراسر داستانها اسامی روزها و ماهها را به فارسی نام برده است. (چاپ تهران)

هزارویکشب (ک) ترجمه‌ای به فارسی از کتاب الف لیله و لیله. اصل کتاب الف لیله درست معلوم نیست، ولی ظاهراً پیش از اسلام از هندوستان به ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزارافسان» نامیده می شده است در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده و در قرن

چهارم از بغداد به مصر رفته است و در آنجا قصصی به آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری در مصر به صورت الف لیلۃ و لیلۃ کنونی در آمده است .

نثر عربی کتاب بدزبان متعارف و معمولی است و اشعاری که در آن نقل شده از شاعران معاصر عباسیان است .

اما ترجمه فارسی کتاب الف لیلۃ و لیلۃ در حدود سال ۱۲۶۰ هجری به وسیله میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی انجام گرفته است و چنانکه مترجم خود در مقدمه کتاب گفته است کار ترجمه را در زمان محمدشاه و به فرمان بهمن میرزا فرزند ولیعهد و حاکم تبریز آغاز کرده و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به پایان رسانده است. اشعار کتاب را میرزا محمدعلی سروش اصفهانی یا از دیوان شاعران بزرگ ایران انتخاب کرده یا خود سروده است. (چاپ تهران) هزج (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . در عربی مسدس آن معمول است یعنی ۶ بار «مفاعیلن» . در فارسی از این بحر وزنه‌های زیر بسیار متداول است :

هزج مثنی سالم (مفاعیلن ۴ بار) مثال :

به مؤگان سیه کردی هزاران رخته در دینم

یا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

هزج مسدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن

یا مفاعیلن) مثال :

دل مسکین من گوئی که خان است

به خان اندر ز مهرت کاروان است

هشت بهشت (تن) بهشت دارای هشت قسمت است: ۱- خلد ۲- دارالسلام  
۳- دارالقرار ۴- جنت عدن ۵- جنت المأوی ۶- جنت النعیم  
۷- علیین ۸- فردوس .

هشت بهشت (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعر آن را  
در سال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی ساخته  
است .

هفت آباء (نج) کنایه از هفت فلک

به صد قران بتزاید یکی نتیجه چو تو

ز امتزاج چهار امهات و هفت آباء

هفت آسمان (نج) طبقات هفتگانه آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است

گفت این دعا ملائک هفت آسمان کنند

«حافظ»

هفت اختر (نج) هفت سیاره که به عقیده قدما عبارت بودند از :

خورشید، ماه، مریخ، مشتری، زحل، عطارد، زهره .

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر

زمانه مثل تو از امتزاج چار ارکان

«ابوری»

هفت اقلیم (نج) قدما کشورها را به هفت تقسیم کرده اند : کشور

نخستین - هندوان ، کشور دوم - عرب و حبشان ، کشور سوم -

مصر و شام، کشور چهارم - ایران شهر ، کشور پنجم - صقلاب روم،

کشورششم - ترك و یا جوج ، کشورهفتم - چین و ماچین.

آنکه هفت اقلیم عالم را نهاد

هر کسی را آنچه لایق بود داد

«سعدی»

هفت اورنگ (نج) «رجوع شود به بنات النعش»

هفت پدر (نج) «رجوع شود به آباء علوی»

از بند چهار و هفت برخیز      زان مادر و زین پدر چهخیزد

هفت دیکر (ك) یا هفت گنبد یا بهرام نامه. یکی از مشویهای خمسۀ معروف

نظامی داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم که آن را در سال

۵۹۳ به نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است. این منظومه دارای

پنجهزار و صد و سی و شش بیت است و موضوع آن داستان بهرام

گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است. نظامی ابتدا

کودکی و جوانی بهرام را تا سلطنت او سروده و بعد قصۀ هفت

گنبد را که به دستور بهرام به هفت رنگ و برای هفت دختر از

شاهان هفت اقلیم ساخته شده بود شرح می دهد. نظامی در این

داستان قصه های عجیب و تازه ای ساخته است که از زبان دخترها

برای بهرام نقل می شود.

هفت خوان (ش - د) هنگامی که رستم پهلوان زورمند ایرانی برای نجات

کاووس به جنگ دیوان مازندران رفت، در راه با هفت حادثه و

خطر که در شاهنامه هر يك از آنها «خوان» خوانده شده است

روبرو شد که بر همه آنها پیروز گشت.

همچنین هنگامیکه اسفندیار برای گشودن دژ روئین و آزاد کردن خواهران خود به ترکستان رفت و از هفت «خوان» گذشت .

اسفندیار این دژ روئین منم به شرط

هر هفته هفتخوانش به تنها برآورم

«خاقانی»

هفت دریا - یا دریای هفتگانه . قدمای برای زمین هفت دریا تصور می کردند : ۱- دریای اخضر ۲- دریای عمان ۳- دریای قلزم یا بحر احمر ۴- دریای بربر ۵- دریای اقیانوس ۶- بحر الروم ۷- دریای اسود .

سگ به دریای هفتگانه مشوی که چو تر شد پلیدتر باشد

«سعدی»

هفت دوزخ (تن) جهنم دارای هفت طبقه است . ۱- سقر ۲- سعیر ۳- نطی ۴- حطمه ۵- جحیم ۶- جهنم ۷- هاویه .

هفت کشور (م) «رجوع شود به هفت اقلیم»

گوئی اندر کشور مسا بر نمی خیزد وفا

یا خود اندر هفت کشور هیچ جایی بر نخاست

«خاقانی»

هفعه (نیج) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستاره کوچک است مانند پایه دیگ و جایشان بر سر جوز است .

چون سه سنگت دیگپایه هتعه برجوزا کنار

چون شرار دیگپایه پیش او خیل پرن

«منوچهری»

هلال (نیج) حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن رو به زمین روشن

است. این حالت در شب اول هر ماه و در آغاز شب دیده می شود.

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل یکران و قرص خون تو باد

«ابوالفرج رونی»

هلالی (ت) [مقتول: ۹۳۵] نورالدین هلالی استرآبادی معروف به جغتائی

از شاعران غزلسرای قرن دهم هجری. هلالی از استرآباد به

خراسان رفت و به دربار سلطان ابوالغازی حسین بایقرا راه یافت

و تحت حمایت امیرعلیشیرنوائی قرار گرفت. دیوان هلالی شامل

غزلهای لطیف است و مثنویهایی دارد به نام «شاه و درویش» و

«صفات العاشقین» (دیوان هلالی - چاپ تهران)

هما (ش - د) دختر بهمن و همسر او. مطابق وصیت بهمن، پس از او

تاج را بر سرهما که باردار بود نهادند و هما چون به شاهی رسید

به تخت و تاج دل بست و نخواست شاهی را از دست بدهد، از

اینرو درد زائیدن را پوشیده داشت و پسری را که به دنیا آورد

در صندوقی گذاشت و آن را باقیروموم استوار کرد و به آب انداخت

و چنان وانمود که کودک مرده است. این کودک که نجات یافت و

بعدها به سلطنت رسید، داراب بود.

هما - مرغی افسانه‌ای که استخوان می‌خورد و نزد عامه به مرغ سعادت معروف است .

همای برسر مرغان از آن شرف‌دارد

که استخوان‌خورد و مردمان نیازارد

«سعدی»

همای تبریزی (ت) [ف : ۷۱۴] خواجه همای‌الدین علائی تبریزی . از شاعران مشهور آذربایجان و از مداحان شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان . همای با شیخ سعدی صحبت و مزاح داشته و درغزل پیرو او بوده است . منظومه‌هائی نیز به نام صحبت‌نامه به اسم خواجه شرف‌الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان دارد .  
(دیوان همای - چاپ تهران)

همای و همایون (ک) مثنوی عاشقانه اثر شاعر بزرگ قرن هشتم خواجه‌جوی کرمانی . خواجه این مثنوی را در سال ۷۳۲ به پیروی از شیوه نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث‌الدین محمد را مدح کرده است . از این داستان پیش از خواجه اثری دیده نشده و معلوم نیست که آیا ساخته ذهن شاعر بوده یا ریشه قدیمتری داشته است .  
(انتشارات بنیاد فرهنگ ایران)

همگر (ت) «رجوع شود به مجد همگر»

هندوشاه (ت) محمد بن فخرالدین هندوشاه نخجوانی از مورخان قرن هشتم و مؤلف کتاب تجارب‌السلف که آن را در سال ۷۲۴ به نام اتابک نصره‌الدین تالیف کرده است .



هوشنگ (ش - د) پسر سیامک که به جنگ دیوان رفت و به کینه پدر  
دیوان را کشت . آهن در زمان او استخراج شد و آتش پدید آمد  
و جشن سده بنیان گذاشته شد .  
هیولی (ط) ماده‌المواد و اصل جسم .



## ی

یاقوت حموی (ت) [ف : ۶۲۶] ابو عبدالله شهاب‌الدین از ادیبان و جغرافیادانان مشهور اسلامی. وی ابتدا در بغداد اقامت داشت و تحصیلات مقدماتی را در این شهر به انجام رساند ، پس از آن به شام و حلب و موصل و خراسان سفر کرد و مدتی در مرو اقامت کرد و در کتابخانه‌های آنجا مطالعات فراوان انجام داد ، سپس به خوارزم رفت و از ترس مغول به حلب بازگشت و تا آخر عمر همانجا ماند . از آثار یاقوت : معجم‌الادبا در طبقات ادبا ، معجم البلدان در جغرافیا ، اخبار الشعراء یا معجم الشعراء والمبدأ والمآل در تاریخ .

یتیمه‌الدهر (ک) تألیف ابو منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی ، نویسنده و مورخ بزرگ قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . این کتاب به زبان عربی و در شرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف ، خاصه شاعران عربی‌گوی ایران است که اغلب از رجال و بزرگان عهد وی بوده‌اند .

ثعالبی این کتاب را بوسیله ذیلی تکمیل کرده نام آن را  
تتمه الیتیمه گذارده است .

ید بیضا (تن) معجزه موسای پیغمبر که چون دست را در بغل می کرد  
و بیرون می آورد ، نور سفیدی از آن می تافت .

تر دامنان چو سر به گریبان فرو برند

سحر آورند و من ید بیضا بر آورم

«خاقانی»

ید بیضا (ک) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف میرغلامعلی آزاد بلگرامی .  
این تذکره مشتمل است بر شرح حال پانصد وسی و دو شاعر متقدم  
و متأخر که بر حسب حروف القباء تنظیم یافته است .

یزدان شناخت (ک) از آثار معروف عین القضاة، صوفی بزرگ قرن  
پنجم و ششم، که آن را به زبان فارسی و به نام عزیزالدین مستوفی  
نوشته است . موضوع کتاب بحث در مسائل حکمت و الهی و  
علوم طبیعی است .

یزدگرد سوم (ش-ت) آخرین شاه ساسانی که در زمان او سعد و قاص  
به فرمان خلیفه عمر به ایران لشکر کشید و در محل قادسیه میان  
ایرانیان و تازیان جنگی در گرفت . رستم فرخزاد سپهسالار ایران  
در این جنگ کشته شد و ایرانیان گریختند و مداین پایتخت ساسانی  
به چنگ تازیان افتاد و یزدگرد از آنجا گریخت و سپاهیان خود  
را گرد آورد . بار دیگر جنگی میان او و سپاه تازیان در نهاوند  
روی داد و باز ایرانیان شکست یافتند . یزدگرد برای گرد آوری

سپاه بسوی خراسان شتافت و از راه ری و گرگان به طوس رفت، ماهوی سوری به استقبال او آمد، اما چون آرزوی تخت و تاج داشت، ترکان را بر ضد شاه تحریک کرد و جنگ در گرفت و یاران یزدگرد کشته شدند و او به آسیائی پناه برد. آسیابان به تحریک ماهوی، شاه را کشت. از آن پس سراسر ایران به دست تازیان افتاد.

یعقوب(تن) از پیغمبران و پسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف را به چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند، یعقوب در فراق یوسف آنقدر گریست که کور شد. پس از سالها که یوسف عزیز مصر گشت و بسا تدبیر خود برای قحط سال، آذوقه جمع کرد. پسران یعقوب برای خرید غله به مصر رفتند. یوسف ایشان را شناخت و پیراهن خود را برای پدر فرستاد. همینکه برادران پیراهن یوسف را از مصر خارج کردند باد بوی آن را به مشام یعقوب رساند و چون یعقوب پیراهن را بر چشم مالید بینا گشت...

بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم

باد گوئی که بر پر غم کنعان آرد

«سید حسن غزنوی»

یغمای جندقی (ت) [ف: ۱۲۷۶] میرزا ابوالحسن یغما بن ابراهیم . از شاعران عهد قاجار و دربار محمدشاه، یغما دارای اشعار جد و هزل آمیز است و غزلیاتی دارد به نام سرداریه که با تخلص

سردار ساخته شده است دیگر قصایه که با تخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه بر شعر، مکتوبها و مراسلاتی دارد که آنها را با انشاء ساده و سهل نوشته و کوشیده است که در آنها لغات پارسی سره به کار برد.

از آثار او: مثنوی خلاصة الافتضاح و مثنوی شکوک الدلیل که به وزن شاهنامه سروده و ظاهراً مدح و در باطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم السادات خوانده است. (کلیات یغما. چاپ تهران)

یلدا (نج) «رجوع شود به شب یلدا»

یمینی (ت) عمید محمد بن عثمان یمینی کاتب غزنوی از شاعران اواخر عهد غزنوی و از معاصران یمین الدوله بهرامشاه غزنوی. یمینی از دانشمندان و بلغاء مشهور به شمار می‌رفته و اشعاری از او در لباب الالباب و مجمع الفصحاء آمده است.

یوسف (تن) از پیغمبران و پسر یعقوب که از برادران دیگر نزد پدر عزیزتر بود و شبی خواب دید که ماه و ستارگان در برابرش به سجده افتاده اند و آن را برای پدر و برادران نقل کرد. برادران بر او حسد بردند و به بهانه گردش و تماشا او را به صحرا بردند و در چاهی انداختند و پیراهن او را به خون کبوتری آلودند و به پدر گفتند که گرگ او را خورده است. کاروانی دلو در چاه انداخت و یوسف را بیرون آورد و به مصر برد و چون یوسف در جمال بی نظیر بود، در مصر شهرت یافت و رئیس کاروان او را بسه

عزیز مصر فروخت . زلیخا زن عزیز مصر که عاشق شده بود ، هر چه کرد نتوانست دل یوسف را به دست بیاورد و او را از پادشاهی دورسازد، پس او را متهم کرد و به زندان افکند، یوسف بر اثر تعبیر خواب ملک مصر از زندان نجات یافت و خزانهدار گشت . وی در سالهای فراخی غله جمع آوری کرد و درسالهای قحطی فروخت و با این تدبیر مردم مصر را از قحط نجات داد و خود عزیز مصر گشت . برادران یوسف که در کنعان از قحطی به جان آمده بودند برای خرید غله رو به سوی مصر نهادند ، یوسف ایشان را شناخت ، ولی بار اول و دوم خود را معرفی نکرد و بار سوم که برادران برای خرید غله آمدند خود را به ایشان شناساند و پیراهن خویش را برای یعقوب فرستاد تا برچشم بمالد و بینا شود ، همینکه برادران یوسف از مصر بیرون آمدند بادبوی پیراهن یوسف را به یعقوب رساند . هنگامی که یعقوب پیراهن را بر چشم مالید بینا شد و با پسران به مصر نزد یوسف رفت .

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

یوسف دلوی شده چون آفتاب

یونس حوتی شده چون دلو آب

یوسف سپهر چارم (نج) کنایه از آفتاب .

چون یوسف سپهر چهارم ز چاه دی

آمد به دلو در طلب تخت مشتری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) از شاعران قرن چهارم . اشعاری از او در لغت فرس اسدی و کتاب المعجم شمس قیس رازی ضبط است .  
یوسف نجار (تن) وکیل پدر مریم عمران . روزی که مریم در صومعه در حال غسل کردن بود ، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار بر او نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد . چون عیسی متولد شد ، بنی اسرائیل مریم را نکوهش کردند . خدای تعالی عیسی را به سخن آورد تا ایشان را به پاکسی مادر و پیغمبری خود ، بشارت دهد .

یوسف نجار کیست نوح دروگر که بود

تا ز هنردم زنند بسر در امکان او

«خاقانی»

دوسف و زلیخا (ك) یسکی از مثنویهای هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۸ ساخته است . این مثنوی به اسلوب خسرو و شیرین نظامی است و از روی سوره یوسف و زلیخا که احسن القصص است به نظم آمده است . یوسف و زلیخا معروفترین اثر جامی است که توجه بسیاری از شاعران را جلب کرده و به زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .  
(چاپ تهران)



یونس (تن) از پیغمبران که چون مردم دعوت او را نپذیرفتند، ایشان را نفرین کرد، خدای تعالی ابری پر آتش بر سر ایشان فرستاد، یونس از میان آنها رفت تا او را نیابند. مردم توبه کردند و خدا توبهٔ ایشان را پذیرفت و بر یونس عتاب کرد که چرا از میان مردم غایب شده است و کشتی که یونس در آن نشسته بود، در غرقاب افتاد. قرعه زدند تا کسی را به آب اندازند؛ سه نوبت قرعه به نام یونس افتاد. یونس خود را به آب انداخت، ماهی او را بلعید و او چهل روز در شکم ماهی ماند و در تاریکی شب و تاریکی آب و تاریکی شکم ماهی توبه کرد. خدا توبه او را پذیرفت و او را از شکم ماهی بیرون آورد. یونس به سبب ضعف مزاج بر لب دریا ماند تا چهل روز آهوئی او را شیر داد و درختی براو سایه افکند تا قوت گرفت و نزد قوم خود باز گشت.

قرص خورشید در سیاهی شد      بونس اندر دهان ماهی شد

«سندی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چو یوسف نیست کز قحطم رهاوند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد.



### منابع عمده که مورد استفاده قرار گرفته است

- آتشکده آذر - تألیف لطفعلی بیک آذر بیگدلی ، با مقدمه سید جعفر شهیدی ،  
بنگاه نشر کتاب .
- ابدع البدایع - تألیف شمس العلماء حاج میرزا حسین گرگانی ، چاپ تهران .  
از سعدی تا جاهلی - ( تاریخ ادبیات ایران ، ادوارد برون - ج ۳ ) ترجمه علی  
اصغر حکمت ، کتابفروشی ابن سینا .
- اساس الاقباس - تألیف خواجه نصیرالدین طوسی ، تصحیح مدرس رضوی ،  
دانشگاه تهران .
- برهان قاطع - تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان ، به  
اهتمام دکتر محمد معین ، کتابخانه زوار ، تهران .
- تاریخ ادبیات ایران - تألیف دکتر رضا زاده شفق ، چاپخانه دانش ۱۳۲۱  
شمسی .
- تاریخ ادبیات ایران - تألیف ادوارد برون ، جلد اول ، ترجمه علی پاشا  
صالح .
- تاریخ ادبیات ایران - ( از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر ) ، تألیف ادوارد برون ،  
جلد چهارم .
- تاریخ ادبیات در ایران - ( ۲ جلد ) ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، کتابفروشی  
ابن سینا .
- تذکره الشعرا - تألیف دولت شاه سمرقندی .

- تذکره میخانه - تألیف ملاعبداًلنّبى فخرالزمانى قزوینى، به اهتمام احمد گلچین معانى، شرکت نسبی اقبال .
- التفهیم لاوائل صناعة التنجيم - تألیف ابوریحان بیرونى، تصحیح جلال همائى، چاپخانه مجلس، تهران ۱۳۱۷ .
- جامی - تألیف علی اصغر حکمت، چاپخانه بانک ملی ایران ۱۳۲۰ شمسی .
- حماسه سرائی در ایران - تألیف دکتر ذبیح الله صفا، مؤسسه امیرکبیر ۱۳۳۳ شمسی .
- دره الناج لغزه الدباج - تألیف قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود الشیرازى، تصحیح سید محمد مشکوة، چاپخانه مجلس، تهران .
- دره نجفی - تألیف نجفقلی میرزا ملقب به آقا سردار، چاپ شیراز، ۱۳۳۳ قمری .
- ریحانة الادب - تألیف محمد علی تبریزی (مدرسى) شرکت سهامی طبع کتاب .
- سبک شناسی (۳ جلد) - تألیف ملک الشعراء بهار، مؤسسه امیر کبیر .
- سخن و سخنوران - تألیف بدیع الزمان فروزانفر، از نشریات کمیسیون معارف، شرکت محدود طبع کتاب .
- شعر المعجم - تألیف شبلی نعمانى، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانى، کتابفروشى ابن سینا .
- علم بدیع - تألیف محمد حسین فروغی (ذکاء الملك) چاپ تهران .
- غیاث اللغات - تألیف غیاث الدین محمد رامپوری، به کوشش محمد دبیر سیاقى کانون معرفت، تهران .
- فرهنگ آندراج - تألیف محمد پادشاه متخلص به «شاد» به اهتمام محمد دبیر سیاقى، کتابخانه خیام، تهران .
- فرهنگ رشیدی - تألیف عبدالرشید بن عبدالغفور الحسین الثنوی . کتابخانه بارانى، تهران .
- فرهنگ سردى - (مجموع الفرس) تألیف محمد قاسم بن حاج محمد کاشانى، به کوشش محمد دبیر سیاقى، کتابفروشى علی اکبر علمى .
- فرهنگ نویسى فارسى در هند و پاکستان - تألیف دکتر شهریار نقوی، چاپخانه

## دانشگاه تهران .

- فهرست کتابهای چاپی - تألیف خانبا با مشار - بنگاه ترجمه و نشر کتاب .
- کشف المحجوب - تألیف هجویری ، مؤسسه امیر کبیر .
- گوهر مراد - تألیف ملا عبدالرزاق لاهیجی .
- لباب الالباب - تألیف محمد عوفی ، به کوشش سعید نفیسی ، کتابفروشی ابن سینا .
- مجمع الفصحا - تألیف رضاقلی خان هدایت ، به کوشش مظاهر مصفا ، مؤسسه امیر کبیر .
- مجلد التواریخ والقصص - تألیف (؟) تصحیح ملک الشعراء بهار ، خاور ، ۱۳۱۸ شمسی .
- المعجم فی معاییر اشعار العجم - تألیف شمس قیس رازی ، تصحیح مدرس رضوی ، دانشگاه تهران .
- مفاتیح العلوم - تألیف خوارزمی ، چاپ مصر .
- نفایس الفنون و عرایس العیون - تألیف شمس الدین محمد بن محمود آملی ، تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرائی ، کتابفروشی اسلامیة ، تهران .
- وزن شعر فارسی - تألیف دکتر پرویز خانلری ، دانشگاه تهران .
- هنجار گفناد - تألیف حاج سید نصرالله تقوی ، چاپخانه مجلس ، ۱۳۱۷ شمسی ، تهران .





انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

## انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

منتشر کرده است

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| ۲۴- تاریخ زبان فارسی ۵۰ ریال                 | ۱- تفسیر قرآن پاک (چاپ عکسی) ۲۰۰ ریال |
| ۲۵- منظومه درخت آسوریک ۱۵۰ ریال              | ۲- الابنیه عن حقایق الادویه ۴۰۰ ریال  |
| ۲۶- فرهنگ پهلوی به فارسی ۳۰۰ ریال            | ۳- فرهنگ اصطلاحات نفت ۴۰۰ ریال        |
| ۲۷- ترجمه اخبار الطوال ۲۵۰ ریال              | ۴- ترجمه صورة الارض ۲۰۰ ریال          |
| ۲۸- تاریخ بیداری ایرانیان بخش ۱، ۳۰۰ ریال    | ۵- ترجمه تاریخ طبری ۶۰۰ ریال          |
| ۲۹- فرهنگ هزوارشهای پهلوی ۴۰۰ ریال           | ۶- سفرنامه ابن فضلان ۱۵۰ ریال         |
| ۳۰- خوابگزاری ۳۰۰ ریال                       | ۷- شمارنامه ۱۵۰ ریال                  |
| ۳۱- فتوح البلدان ۳۰۰ ریال                    | ۸- استخراج آبهای پنهانی ۶۰ ریال       |
| ۳۲- داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی ۲۰۰ ریال | ۹- نظری به فلسفه «ملاصدرا» ۱۰۰ ریال   |
| ۳۳- عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ۳۵۰ ریال   | ۱۰- کتاب الاغراض الطبیبه ۷۰۰ ریال     |
| ۳۴- ناصر خسرو و اسماعیلیان ۲۵۰ ریال          | ۱۱- وزن شعر فارسی ۱۰۰ ریال            |
| ۳۵- داستانهای دل انگیز (جیبی) ۳۰ ریال        | ۱۲- ترجمه میزان الحکمه ۱۵۰ ریال       |
| ۳۶- ضمیمه درس تاریخ زبان فارسی ۵۰ ریال       | ۱۳- دستورالوزراء ۳۰ ریال              |
| ۳۷- زین الاخبار ۵۰۰ ریال                     | ۱۴- یواقیت العلوم ۱۵۰ ریال            |
| ۳۸- ترجمه مفاتیح العلوم ۲۵۰ ریال             | ۱۵- السامی فی الاسامی ۵۰۰ ریال        |
| ۳۹- سفرنامه ارمنستان و مازندران ۲۵۰ ریال     | ۱۶- تفسیر قرآن کریم ۵۰۰ ریال          |
| ۴۰- مفتاح النجات ۲۵۰ ریال                    | ۱۷- واژه نامه بندھش ۵۰۰ ریال          |
| ۴۱- دستور زبان فارسی میانه ۳۰۰ ریال          | ۱۸- تحریر تاریخ و صاف ۲۰۰ ریال        |
| ۴۲- التصفیه فی احوال المتصوفه ۳۵۰ ریال       | ۱۹- بھجت الروح ۷۰ ریال                |
| ۴۳- یادداشت های سیاسی علاء الملک ۱۵۰ ریال    | ۲۰- کتاب المرقاة ۲۵۰ ریال             |
| ۴۴- آیین شهرداری (معالم القریه) ۱۵۰ ریال     | ۲۱- تاریخ پیغامبران و شاهان ۱۵۰ ریال  |
| ۴۵- زبان شناسی و زبان فارسی شمیزی ۸۰ ریال    | ۲۲- شرح کتاب التعرف ۳۰۰ ریال          |
| سلفن ۱۰۰ ریال                                | ۲۳- ترجمه رسوم دارالخلافه ۱۰۰ ریال    |

- ۴۶- تاریخ گیلان و دیلمستان ۳۵۰ ریال  
 ۴۷- طریق قسمت آب قلب ۲۰۰ ریال  
 ۴۸- نشریه بنیاد فرهنگ ایران ۳۵۰ و ۲۰۰ ریال  
 ۴۹- یونانیان و بربرها، جلد دوم ۱۵۰ ریال  
 ۵۰- نامه‌های شاه اسمعیل صفوی ۲۵۰ ریال  
 ۵۱- الايضاح عن اصول صناعة المساح ۲۵۰ ریال  
 ۵۲- سمک عیار، جلد اول ۲۰۰ ریال

مشتتر می کند :

- ۱- تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه)  
 ۲- مخارج الحروف  
 ۳- البلغه  
 ۴- واژه نامه مینوی خرد  
 ۵- فتوت نامه  
 ۶- ترجمه صورالکواکب  
 ۷- ترکستان نامه  
 ۸- هداية المتعلمين في الطب  
 ۹- شیراز نامه  
 ۱۰- فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و دامپروری  
 ۱۱- سمک عیار، جلد دوم  
 ۱۲- سمک عیار، جلد سوم  
 ۱۳- رساله سرحديه  
 ۱۴- تفسیر کمبریج  
 ۱۵- لمعة السراج  
 ۱۶- قانون الادب  
 ۱۷- وقوع گوئی در شعر فارسی  
 ۱۸- کانی شناسی  
 ۱۹- فرهنگ ادبیات فارسی  
 ۲۰- ترجمه تقویم الصحة  
 ۲۱- ترجمه انگلیسی بهجت الروح  
 ۲۲- فرهنگ ترکی به فارسی  
 ۲۳- تاریخ بیداری ایرانیان (بخش دوم)
- ۲۴- تاریخ بیداری ایرانیان (بخش سوم)  
 ۲۵- تاریخ رویان  
 ۲۶- تحفة البهادر  
 ۲۷- دستور الاخوان  
 ۲۸- کتاب شناسی ایران، جلد دوم  
 ۲۹- تقویم البلدان  
 ۳۰- فدائیان  
 ۳۱- نادر نامه  
 ۳۲- بدایع الوقایع  
 ۳۳- فرهنگ ادبیات فارسی  
 ۳۴- فرهنگ اسدی  
 ۳۵- تحریر شرح کتاب التعرف  
 ۳۶- ترجمه السواد الاعظم  
 ۳۷- منشأ الانشاء  
 ۳۸- ترجمه البدء والتاریخ  
 ۳۹- دیانت زردشتی  
 ۴۰- رسایل خواجه عبدالله انصاری  
 ۴۱- تاریخ زبان فارسی  
 ۴۲- اورارتو  
 ۴۳- فرهنگ اصطلاحات حسابداری  
 ۴۴- نامه نامه یوستی  
 ۴۵- احصاء العلوم